



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی  
دوره اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۹

# فصلنامه علمی - تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

## مقالات

- بوستان به مثابه حوزه عمومی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان سادات در منطقه ۱۲ شهرداری تهران  
هادی درویشی، سمیه مؤمنی و انسیه ذوقی فرد
- ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان گلابدره  
خلیل میرزایی، ندا عظیمی و مرجان پاکدامن
- ارزیابی تأثیرات اجتماعی در شهرداری تهران: مرور نظام‌مند گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی  
هادی برغملی و فرید ناهید

## ترجمه‌ها

- بازنگری ارزیابی تأثیرات اجتماعی: تنظیم دستورالعمل برای ارزیابی تأثیرات در قرن بیست و یکم  
مترجمان: فردین منصوری، معصومه محقق منتظری و نرگس شجاعی
- سنجش تأثیرات اجتماعی: رویکردهای فعلی و مسیرهای پیش روی تحقیقات کارآفرینی اجتماعی  
مترجم: فرید ناهید

## گفتگو

- ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید صدای مردم باشد  
حسین ایمانی جاجرمی / گفتگو: شیده لالمی

## خلاصه کتاب

- ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرآیند و فتون  
میترا جعفری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - تخصصی

# ارزیابی تأثیرات اجتماعی

شماره سوم، تابستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

## هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

غلامرضا اسکندریان  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی  
حسین ایمانی جاجرمی  
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

هادی برغمندی  
دکترای جامعه‌شناسی؛ مدیر مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی جهاد دانشگاهی

سلیمان پاک سرشت  
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

محمدجواد چیت‌ساز  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

فردین علیخواه  
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

محمد فاضلی  
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

ایرج فیضی  
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

ایرج قاسمی  
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول  
سردبیر  
ویراستار ادبی  
مترجم  
مدیر اجرایی  
طراح و حروف‌چین

ایرج فیضی  
هادی برغمندی  
وحید تقی‌نژاد  
فرید ناهید  
مریم پایه  
منصور ندیری

این نشریه به استناد مجوز ۱۹۰۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۴/۳ امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارای درجه علمی - تخصصی است.

این فصلنامه در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی ([www.sid.ir](http://www.sid.ir))، بانک اطلاعات نشریات کشور ([www.magiran.com](http://www.magiran.com))، بانک اطلاعات نشریات سیویلیکا ([www.civilica.com](http://www.civilica.com))، پایگاه مجلات تخصصی نور ([www.noormags.com](http://www.noormags.com)) و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ابوریحان، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷  
صندوق پستی: ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵  
کد پستی: ۱۳۱۵۶۸۶۱۵۱  
تلفن: ۶۶۴۹۷۵۶۱۲-۲  
نمابر: ۶۶۴۹۲۱۲۹  
پایگاه اینترنتی:  
رایانامه:

[sia.ihss.ac.ir](http://sia.ihss.ac.ir)  
[sia.ihss.acecr@gmail.com](mailto:sia.ihss.acecr@gmail.com)

فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی  
قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال



فصلنامه علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی به عنوان تنها نشریه فعال حال حاضر در زمینه **مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی** در کشور وابسته به **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی** (مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی) با هدف کمک به ارتقاء سطح علمی فعالان این حوزه، انتقال دانش موجود و حرکت در راستای مدیریت دانش در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ایجاد ارتباط علمی میان پژوهشگران و متخصصان ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ایجاد تعامل بین رشته‌ای به عنوان یکی از ضرورت‌های مطالعات ارزیابی تأثیرات، ایجاد تعامل بین فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های کاربردی (پیوند علم و صنعت)، ایجاد شبکه اجتماعی میان پژوهشگران، متخصصان و علاقه‌مندان به ارزیابی تأثیرات اجتماعی، آمادگی خود را جهت دریافت و چاپ مقالات در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها اعلام نموده و از پژوهشگران، متخصصان، کارشناسان و علاقه‌مندان دعوت می‌نماید مقالات خود را در قالب شرایط بیان شده تدوین و برای این فصلنامه به رایانامه [sia.ihss.acecr@gmail.com](mailto:sia.ihss.acecr@gmail.com) ارسال نمایند.

## راهنمای تدوین مقالات فصلنامه علمی - تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

مطالب مورد پذیرش در فصلنامه را می توان به چند دسته تقسیم نمود.

### ۱. مقالات علمی حاصل از پژوهش

این دست از مقالات می تواند حاصل یک طرح پژوهشی در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی باشد که به ارزیابی تأثیرات اجتماعی یک سیاست، برنامه، طرح یا پروژه اقدام نموده است. در این نوع از مقالات ساختار کلی شباهت فراوانی به مقالات علمی (پژوهشی و یا ترویجی) داشته و بنابراین بر اساس شرایط زیر باید تدوین گردد:

#### شرایط ارسال مقاله:

- \* مقاله به زبان فارسی بوده و قبلاً در نشریه دیگری پذیرش یا چاپ نشده باشد.
- \* مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارد، نویسنده مسئول مشخص و ترتیب همکاری نویسندگان تعیین شود.
- \* مسئولیت صحت مندرجات مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان به طور عموم و نویسنده مسئول به طور خاص است.
- \* مرکز نشریات پژوهشگاه در ویرایش مقالات آزاد است.

#### نحوه ارائه مقاله:

- \* مقاله علمی - تخصصی شامل عنوان، چکیده مقاله، واژه های کلیدی، مقدمه، ادبیات نظری، روش پژوهش، یافته ها، نتیجه گیری، منابع و چکیده انگلیسی است.
- \* چکیده مقاله شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، یافته های مهم، نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده بین ۱۵۰-۲۵۰ واژه های کلیدی (۵ واژه) از کلی به جزئی مرتب شوند.
- \* مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش، اهمیت و ضرورت و هدف های پژوهش است.
- \* ادبیات نظری می تواند شامل پیشینه پژوهش، بسط مفاهیم مرتبط و بیان نظریه های مرتبط و به کار رفته در مقاله باشد.
- \* روش پژوهش بیانگر چگونگی و فرایند انجام کار است. رویکرد پژوهش، روش های گردآوری اطلاعات، جامعه آماری و روش های نمونه گیری و...
- \* داده ها و نتیجه های به دست آمده به گونه ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می توان از دیگر راه های ارائه مانند جدول، نمودار و تصویر به صورت سیاه و سفید و در ابعاد مناسب نشریه استفاده نمود.
- \* فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام افراد تنظیم شود. ابتدا منابع فارسی و سپس منابع غیر فارسی درج گردد.
- \* فایل های مقاله در دو قالب Word و PDF تهیه و ارسال شود.
- \* قلم مطالب B Nazanin و اندازه آن ۱۳ باشد.

## نحوه تنظیم فایل های ارسالی مقاله:

- \* مقالات ارسالی بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ واژه باشد.
- \* در ترکیبات، فعل ها یا کلمات چندجزئی فاصله بین حروف بانیم فاصله باشد.
- \* قبل از علائم نگارشی مانند نقطه، ویرگول و... از فاصله استفاده نشود. پس از علائم مذکور یک فاصله مورد نیاز است.
- \* در متن مقالات تنها معادل انگلیسی اصطلاحات در پاورقی درج و نکات توضیحی دیگر در پی نوشت انتهای مقاله آورده شود.
- \* منحنی ها، شکل ها و جدول ها همراه با عنوان آن وسط چین و به ترتیب شماره گذاری شود.
- \* عنوان منحنی ها، شکل ها و جدول ها در بالای آن و مآخذ آن ها در پایین آن ها ذکر شود.
- \* ارجاعات متن مقاله داخل کمان و به این شیوه تهیه شود: (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (زرین کوب و ناصری، ۱۳۹۳: ۲۵). در منابع انگلیسی نیز اینگونه بیاید (Jacson, 2019: 31).
- \* در فهرست منابع پایان مقاله به شیوه زیر عمل شود:  
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). نام مقاله. نام مترجم. نام نشریه، دوره یا سال، شماره، صفحه شروع و پایان مقاله در نشریه.  
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). **عنوان کتاب**. نام مترجم. شماره مجلد. محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.  
ارجاع اینترنتی: نام خانوادگی، نام (ماه و سال برداشت از اینترنت). عنوان سند. **نام پایگاه اینترنتی**. تاریخ سند. نشانی اینترنتی.

## ۲. ملاحظات نظری و روشی

این نوع از مقالات می تواند حاصل مطالعات اسنادی، تحلیل و یا کشف روش ها، فنون و ابتکاراتی باشد که یک پژوهشگر در فرآیند انجام مطالعات مربوط به ارزیابی تاثیرات به آن ها رسیده است و به اشتراک گذاری آن با سایر پژوهشگران و علاقه مندان به این حوزه می تواند بر دانش آن ها بیفزاید و یاد ر موارد مشابه به آن ها کمک نماید. در این نوع مقالات محدودیت تعداد صفحه وجود نداشته و تنها رعایت نکات صوری (قلم و اندازه و...) کفایت خواهد نمود.

## ۳. ترجمه

با توجه به آنکه یکی از هدف های اصلی فصلنامه ترویج مفاهیم مرتبط با ارزیابی تاثیرات اجتماعی و آشنایی با آخرین روش ها و ملاحظات نظری این حوزه از علوم اجتماعی است، نشریه آمادگی دارد تا ترجمه های صورت گرفته از مقالات مرتبط با حوزه ارزیابی تاثیرات اجتماعی را نیز در فصلنامه به چاپ برساند. مترجمان گرامی علاوه بر ارسال ترجمه، اصل مقاله را نیز باید برای فصلنامه ارسال نمایند.

## صفحه || عنوان

۷ سخن سردبیر

## مقالات

۱۳ بوستان به مثابه حوزه عمومی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان

سادات در منطقه ۱۲ شهرداری تهران

هادی درویشی، سمیه مؤمنی و انسیه ذوقی فرد

۳۵ ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان گلابدره در تهران

خلیل میرزایی، ندا عظیمی و مرجان پاکدامن

۵۷ ارزیابی تأثیرات اجتماعی در شهرداری تهران: مرور نظام‌مند گزارش‌های

ارزیابی تأثیرات اجتماعی

هادی برغمایی و فرید ناهید

## ترجمه‌ها

۱۰۳ بازنگری ارزیابی تأثیرات اجتماعی: تنظیم دستورالعمل برای ارزیابی تأثیرات

در قرن بیست و یکم

مترجمان: فردین منصوری، معصومه محقق منتظری و نرگس شجاعی

۱۳۱ سنجش تأثیرات اجتماعی: رویکردهای فعلی و مسیرهای پیش روی

تحقیقات کارآفرینی اجتماعی

مترجم: فرید ناهید

## گفتگو

۱۸۷ ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید صدای مردم باشد

حسین ایمانی جاجرمی / گفت‌وگو: شبیده لالمی

## خلاصه کتاب

۲۰۳ ارزیابی اجتماعی: نظریه، فرآیند و فنون

میترا جعفری

مقتضی

دوران این شماره: مرتضی قلیچ (دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی)، عادل عبدالمهی (دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور)، احمدغیاثوند (دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی) و سید یعقوب موسوی (دکترای جامعه‌شناسی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا)

مقتضی

ارزیابی تاثیرات اجتماعی، ارزیابی تاثیرات فرهنگی، پیوست اجتماعی، پیوست فرهنگی و برآورد پیامدهای اجتماعی بخشی از اصطلاحاتی است که در سال‌های گذشته در ادبیات علمی و اجرایی کشور شنیده می‌شود. فارغ از موشکافی در بیان برخی از تفاوت‌های خاستگاهی و مفهومی در بین این اصطلاحات که در جای خود می‌تواند مفید نیز باشد، آنچه دارای اهمیت است، پوشیده نبودن اهمیت و ضرورت پرداختن و تمرکز بر پیامدهایی است که یک اقدام توسعه‌ای (خواه یک سیاست، برنامه، طرح و یا پروژه) می‌تواند در پی داشته و بر زندگی ساکنان تاثیرگذار باشد. بی‌شک این کاوش نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها، فنون و ابزارهایی علمی است تا بتوان با کمک آن‌ها به شناسایی، نظارت و مدیریت این پیامدهای خواسته و ناخواسته، مثبت و منفی و آشکار و پنهان دست یافت و در ادامه تلاش کرد تا از پیامدهای منفی کاسته و بر پیامدهای مثبت آن افزود.

آشنایی و بهره‌گیری از این روش‌ها و فنون، می‌تواند به نظام برنامه‌ریزی کشور در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و انجام اقدامات توسعه‌ای به بهترین شکل خود و با داشتن کمترین پیامدهای منفی کمک کرده و پایداری را در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و... در پی داشته باشد.



دست یابی به جایگاه مناسب برای این حوزه مطالعاتی و ایفای نقش موثر در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های کلان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و... در گرو دو اقدام هم زمان است. نخست تبدیل شدن این نوع از مطالعات به مطالبه ای اجتماعی؛ به این معنا که با افزایش آگاهی شهروندان از وجود این مطالعات و نحوه اجرای آن و آگاهی به امکان استفاده از این دانش برای مطالبه گری در برخورد با پیامدهای منفی پروژه ها و طرح های اجرا شده، توان بهره گیری از آن برای طرح و دستیابی به خواسته های آن ها افزایش یابد، و اقدام دوم؛ تدوین سازوکارهایی قانونی برای حمایت از این مطالعات.

در بخش نخست، تلاش نهادها و مراکز علمی، اجتماعی، فرهنگی و... در سال های گذشته (چون انجمن جامعه شناسی ایران، جهاد دانشگاهی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) توانسته است به طرح موضوع در بین پژوهشگران و فعالان اجتماعی کمک کرده و امید است این افزایش آگاهی به سطوح عمومی جامعه نیز رسوخ یابد تا بتوان از فواید آن استفاده نمود. برای تحقق بخش دوم، وجود زمینه هایی قانونی چون پرداختن به این موضوع در سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (با عنوان پیوست فرهنگی) و جزء دوم بند الف ماده ۸۰ برنامه ششم توسعه (با عنوان پیوست اجتماعی) از جمله اقداماتی بوده است که می تواند به عنوان زمینه های قانونی اشاره شده به این مفهوم کارایی داشته باشد.

در این راستا تصویب آیین نامه مرتبط به این بند از قانون برنامه ششم توسعه (آیین نامه مربوط به تهیه و تدوین پیوست های اجتماعی در طراحی کلیه برنامه های کلان توسعه ای، ملی و بومی) در تیرماه سال ۱۳۹۹ در هیئت وزیران هر چند با تاخیر فراوان صورت گرفت اما می تواند گامی بزرگ در راه نهادینه کردن این مطالعات در طرح ها و برنامه های کشور بوده و از صرف هزینه های اجتماعی، اقتصادی و... جلوگیری و نظام برنامه ریزی کشور را بیش از پیش به سوی خردگرایی سوق دهد.

مرکز ارزیابی تاثیرات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی نیز همچون گذشته تلاش خواهد کرد تا با اجرای کارگاه های تخصصی، تولید محتوای مرتبط، اجرای طرح های پژوهشی و... در تحقق این هدف مهم گامی را برداشته و در مسیر توسعه پایدار کشور نقشی را ایفا نماید.

انتشار شماره سوم فصلنامه علمی - تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی از جمله این تلاش‌ها بوده است که با حمایت اساتید، پژوهشگران، فعالان اجتماعی و همکاران سازمانی به سرانجام رسیده و در اختیار خوانندگان گرامی قرار گرفته است. امید است که همچون گذشته از حمایت‌های متخصصان، علاقه‌مندان و فعالان این حوزه بهره‌مند شده تا این مجموعه بتواند مسیر در پیش گرفته را تا زمانی که انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های کشور به مطالبه‌ای اجتماعی تبدیل گردد، ادامه دهد.

هادی برغمندی

شهریور ۱۳۹۹



## مقالات

\* بوستان به مثابه حوزه عمومی: ارزیابی  
تأثیرات اجتماعی احداث بوستان سادات  
در منطقه ۱۲ شهرداری تهران  
هادی درویشی، سمیه مؤمنی و انسیه ذوقی فرد

\* ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان  
گلابدره در تهران  
خلیل میرزایی، ندا عظیمی و مرجان پاکدامن

\* ارزیابی تأثیرات اجتماعی در شهرداری تهران:  
مرور نظام مند گزارش‌های ارزیابی تأثیرات  
اجتماعی  
هادی برغمندی و فرید ناهید



## بوستان به مثابه حوزه عمومی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان سادات در منطقه ۱۲ شهرداری تهران\*

### هادی درویشی

دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران  
hadidarvishi26@gmail.com

### سمیه مؤمنی

دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گرایش جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تهران  
somayehmomeni@ut.ac.ir

### انسیه ذوقی فرد

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا  
ezf6683@gmail.com

## چکیده

مدیریت شهری منطقه ۱۲ شهرداری تهران برای فضای ۲۰۱۲ مترمربعی در محله دروازه شمیران، ساخت بوستان، میدان میوه و تره‌بار و فودکورت را به عنوان سه گزینه پیشنهادی مدنظر دارد. این مقاله می‌کوشد ضمن نیازسنجی از ساکنان محله، امکان‌سنجی ساخت هر یک از پروژه‌ها را از حیث پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بررسی نماید. برای نیل به این مقصود با توجه به جمعیت ۳۳۲۹۷ نفری محله و استفاده از فرمول کوکران، پیمایشی در میان ۳۸۷ نفر انجام گرفت و با ۱۱ نفر از مدیران محلی و منطقه‌ای مصاحبه انجام گرفت. برای نیازسنجی و امکان‌سنجی پروژه‌ها از چارچوب نظری توسعه پایدار شهری با تکیه بر مفهوم حوزه عمومی استفاده شد. پس از بررسی، این نتیجه به دست آمد که با توجه به اهمیت حوزه عمومی و نیاز مبرم محله دروازه شمیران به آن، ساخت بوستان در مکان مدنظر باید نسبت به دو گزینه دیگر یعنی میدان میوه و تره‌بار و فودکورت در اولویت قرار گیرد. نتیجه دیگر اینکه با توجه به تقسیم‌بندی تهران به محلات مختلف و سیاست محله‌محوری در مدیریت شهری تهران، در اختیار قرار دادن خدمات شهری بر مبنای محله است، در حالی که به نظر می‌رسد معیار «محله‌محوری» در ارائه خدمات شهری باید به معیار «فاصله» و «جمعیت» تغییر داده شود. در پایان، برای استفاده بهتر از بوستان و در راستای تعریف آن به عنوان حوزه عمومی، پیشنهادهایی چون احداث موزه تاریخی در محل بوستان و احیای آسیاب والی واقع در محله ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه پایدار شهری، حوزه عمومی، بوستان، ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) و محله دروازه شمیران.

\* این مقاله از طرح «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه احداث بوستان سادات» (که مهر ماه ۱۳۹۶ تا اسفند ماه ۱۳۹۷ تحت حمایت اداره کل مطالعات اجتماعی شهرداری تهران انجام شده) استخراج شده است.

## مقدمه

در دیدگاه جامعه‌شناسی توسعه، شهر به عنوان یکی از بسترهای توسعه جوامع بررسی می‌شود. این در حالی است که در طول سالیان پس از شهرنشینی و آغاز فرایند توسعه صنعتی و اقتصادی، هر دو مفهوم دستخوش دگرگونی و بازتعریف شده است.

روزگاری که توسعه در مقوله‌های اقتصادی و آمار پیشرفت‌های تولیدی و صنعتی خلاصه می‌شد، خیلی زود به سرآمد و ناکارآمدی‌های آن به مثابه رشد اقتصادی، کم‌کم پدیدار شد. «وجود بیش از یک میلیارد نفر فقیر در جهان که به منابع، آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و... که برای بهبود وضع زندگی ضروری است، دسترسی ندارند و به هم ریختن تعادل اکوسیستم به دلیل استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و مصرف بی‌اندازه منابع، به ویژه منابع تجدیدنپذیر» (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۴۴)، نتیجه چنین رویکردی به توسعه، افزایش نابرابری و در معرض تهدید قرار گرفتن منابع کره زمین بود، به گونه‌ای که «به تعبیر جولیوس نایرر - سیاست‌مدار آفریقایی - گویی از گاو زمین، خون دوشیده می‌شود و مسلماً این گرفتاری ایجاد خواهد کرد» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۳۷). پیامدهای مخرب توسعه اقتصادی بدون توجه به سایر ابعاد توسعه به ویرانی‌های زیست‌محیطی ختم نشد و به بسیاری از حوزه‌های مهم زندگی انسان چون روابط اجتماعی، عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی، آموزش و پرورش، مسائل امنیتی و سیاسی و... نیز کشیده شد و «سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را به این نتیجه رساند که برای ارزیابی طرح‌ها و سیاست‌ها باید به دنبال چیزی بیش از معیارهای تنگ‌نظرانه اقتصادی باشند» (بارج، ۱۳۹۱: ۴۵). بدین ترتیب نیاز به مطالعه آثار و پیامدهای پروژه‌های توسعه‌ای، بیش از پیش حس شد. هر چند از سال ۱۹۶۹، ارزیابی آثار محیط زیستی<sup>۱</sup> این پروژه‌ها در دستور کار قرار گرفته بود، پژوهش‌های جدی ارزیابی اجتماعی از سال ۱۹۸۱ و با پروژه بزرگ «پایش اثرات احداث نیروگاه حرارتی هانتلی در زلاند نو، پای تحلیل‌های اجتماعی را جدی‌تر از قبل به پروژه‌های توسعه‌ای باز کرد» (تیلور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۹). در همین رابطه، توسعه پایدار<sup>۲</sup> به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف پروژه‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، رابطه تنگاتنگی با سرمایه اجتماعی دارد؛ به طوری که هم خود برای اجرایی شدن، متکی به سرمایه اجتماعی است و هم در صورت تحقق، سبب ارتقای سرمایه اجتماعی خواهد شد. با این تعریف از توسعه پایدار می‌توان از جنبه

1- Environment Impact Assessment (EIA)

2- Sustainable Development

ارتباطات میان انسان‌ها به این مقوله نگریست. «توسعه پایدار، تأیید این نکته است که انسان بودن فقط به واسطه در کنار دیگران بودن امکان‌پذیر است و این مستلزم تقویت و به کارگیری سرمایه اجتماعی است» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۴۱). انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر، نیازمند فضایی مشترکند. این فضای مشترک که در نظریه‌های فیلسوف و جامعه‌شناس بزرگ انتقادی، یورگن هابرماس<sup>۱</sup>، حوزه عمومی نامیده می‌شود، بستری آزاد برای ایجاد ارتباط میان افراد جامعه است. از دید هابرماس، «شکل‌گیری حوزه عمومی<sup>۲</sup> بورژوازی، عمدتاً معلول گسترش فرهنگ بورژوازی به مرکزیت قهوه‌خانه‌ها، سالن‌های ادبی، انجمن‌های روشن‌فکری و رسانه‌های گروهی است» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴۴). حوزه عمومی می‌تواند پارک و بوستان، انجمن‌های داوطلبانه، میادین میوه و تره‌بار، کافی‌شاپ، قهوه‌خانه و به طور کلی هر فضایی باشد که افراد جامعه در آن با یکدیگر روبه‌رو شده، به تعامل می‌پردازند. از آنجا که فضاهای عمومی بسته به نوع خود، در عین برقراری بستر ارتباطات میان انسان‌ها و ارتقای سرمایه اجتماعی، سبب افزایش روحیه شادی و نشاط می‌شوند و محلی برای گذران اوقات فراغت‌اند، احداث آنها در کلان‌شهرهایی که با ساختمان‌های عمودی و رشد فردگرایی<sup>۳</sup> توسعه یافته، ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به رشد روزافزون نرخ جمعیت شهرها و نیاز بیشتر به فضاهای فرهنگی و تفریحی و همچنین در نظر داشتن فضا و امکانات محدود بافت‌های قدیمی شهر تهران و به‌ویژه محله دروازه شمیران، مسئله اصلی معطوف به پروژه احداث بوستان سادات، کمبود فضای سبز و فضای فرهنگی در منطقه بوده است. پروژه احداث بوستان سادات، از جمله اقداماتی است که می‌تواند ضمن افزایش سرانه فضای سبز و به دنبال آن افزایش زیبایی بصری، سبب افزایش احساس تعلق محله‌ای، جلوگیری از مهاجرت‌های اجباری و سفرهای درون‌شهری به مناطق دیگر برای دستیابی به امکانات مشابه، تبدیل به یک حوزه عمومی شود. برای نیل به این مقصود، نقشه‌های اولیه‌ای برای این مکان تهیه شده و کاربری‌های بوستان، بازار میوه و تره‌بار و فودکورت<sup>۵</sup> به عنوان گزینه‌های مدنظر مدیریت شهری، پیشنهاد شده است.

هدف مقاله حاضر این است که پس از بررسی جوانب مختلف طرح، پیشنهاد بهترین و بهینه‌ترین مدل برای احداث این مکان همراه با ارائه

- 1- Habermas
- 2- Public Sphere
- 3- Metropolis
- 4- Individualism
- 5- Food Court



کاربست با کمترین اثرات سوء فرهنگی و اجتماعی را با تأکید بر اهمیت حوزه عمومی داشته باشد.

### مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات داخلی را می‌توان در دو حوزه پژوهش‌هایی با موضوع ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بوستان‌ها (مؤسسه فرهنگی هنری کانون رشد مدرسه فردا، ۱۳۹۱؛ مؤسسه مدیران فرهنگ و هنر، ۱۳۸۹؛ برغمندی، ۱۳۹۰؛ قادری، ۱۳۸۲؛ حبیب‌پور کتابی، ۱۳۹۰؛ غلامرضا کاشی و امیدوی حسین آبادی، ۱۳۹۵؛ عقیلی، ۱۳۸۹؛ آقابابا، ۱۳۸۹ و صالحی فرد و علیزاده، ۱۳۸۶) و پژوهش‌هایی در حوزه فضاهای عمومی شهری (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۳؛ رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۱ و سلطانی و نامداریان ۱۳۹۰) تقسیم‌بندی کرد.

مطالعات نام‌برده درباره بوستان‌ها، افزایش سرانه فضای سبز، کاهش آلودگی هوا، افزایش فضای ورزش شهروندان، ارتقای سطح سلامت روانی، افزایش حس تعلق محله‌ای و کاهش سفرهای درون شهری را از پیامدهای مثبت پارک‌ها و بوستان‌ها دانسته و کاهش امنیت گروه‌های در معرض آسیب، جرم‌خیز بودن فضاهای بوستان‌ها، محل خرید و فروش مواد مخدر، افزایش ترافیک، مشکلات محیط‌زیستی و بهداشتی، عدم بازدهی اقتصادی، مخروبه رهاشدن فضا پیش از اتمام پروژه و جابه‌جایی فضایی انحرافات را از پیامدهای منفی بوستان‌ها نام برده‌اند. ضمن آنکه برگزاری برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، راه‌اندازی رستوران و بوفه، احداث سرای محله، در نظر گرفتن پارکینگ، تأمین روشنایی کافی، تأمین امنیت به وسیله نیروی انتظامی و نگهبان، مکان‌یابی صحیح برای احداث بوستان، در نظر گرفتن فضای سبز به مثابه فضای عمومی، مشارکت دادن مردم در محافظت از بوستان، ایجاد کاربری‌های جدید و نیازسنجی و نظرسنجی از اهالی محلات در زمینه بوستان را به عنوان راه‌کار ذکر کرده‌اند.

در زمینه تحقیقات مربوط به فضای عمومی نیز تحقق بیشتر مؤلفه‌های توسعه پایدار، ایجاد بستری برای تعاملات اجتماعی و گفت‌وگو و عقلانیت ارتباطی و کاهش سفرهای درون شهری به عنوان پیامدهای مثبت و مکان‌یابی نامناسب، نبود امنیت، هژمونی فرهنگ‌های آسیب‌زننده، تعاملات ناصحیح و زیان‌بار به عنوان پیامدهای منفی و همچنین احیای معماری ایرانی-اسلامی، کارایی و تناسب فضا با محیط پیرامونی استفاده از سبک معماری ایرانی-اسلامی، کارایی و تناسب فضا با محیط پیرامونی و فراهم آوردن راهی برای افزایش تعاملات اجتماعی، به عنوان راهکار پیشنهاد شده‌اند.

درباره اهمیت و تأثیرات احداث بوستان در ارتباط با مسئله مقاله یعنی بوستان به مثابه حوزه عمومی، در تحقیقات خارجی می‌توان به مطالعات

گوبستر<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، کورپلا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، کو<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) و کارینچین<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) و (۲۰۰۶) اشاره کرد.

گوبستر در مطالعه‌ای درباره پارک وارن در شیکاگو به این نتیجه رسیده که این بوستان در زمینه خدمت‌رسانی و فراهم کردن بستری برای فعالیت‌های گروهی و اجتماعی از راه تعامل اعضای گروه‌های قومی محله موفق بوده است. کورپلا و همکاران به تأثیرات فضای سبز بر تجربه‌ی احیاکننده و خودتنظیمی و ترجیحات مکان نزد کودکان فنلاندی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که یک‌سوم از کودکان از مکان‌های ایده‌آل خود برای تحرک و خودتنظیمی استفاده می‌کنند. در ادامه می‌توان به پژوهش کو با موضوع شیوه‌ی مواجهه با فقر و دسترسی به فضای سبز عمومی در محلات فقیر اشاره کرد که بر اساس آن، افرادی که به برخی سبزی‌نگی‌ها دسترسی داشته‌اند، در مدیریت امور زندگی خود نسبت به کسانی که تعاملات زندگی آنها در محیط‌های بسته بوده، مشخصاً قدرت بیشتری داشته‌اند. کارینچین هم در دو مطالعه (۲۰۰۴ و ۲۰۰۶)، برخی از الگوهای زنان را برای فعالیت فیزیکی در پارکی در نیویورک بررسی کرده و دریافته است که فضای فیزیکی ایده‌آل برای زنان نه فقط با تمرین فیزیکی، بلکه با مؤلفه‌های زیباشناسی همراه است و حضور دیگران و شانس ملاقات در پارک، باعث ایجاد احساس حمایت اجتماعی و تأیید در درازمدت می‌گردد (ر. ک: قادری، ۱۳۹۳).

### چارچوب نظری

امروزه روند سریع شهرنشینی<sup>۵</sup> و تغییرات چشمگیر در مطالبات اجتماعی و اقتصادی در کنار رویه‌های سنتی مدیریت شهری به‌ویژه در مناطق کلان‌شهر به نامعادلاتی دامن زده است که تقلیل سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد اجتماعی و تهدید رفاه، رضایت‌مندی و امنیت، تنها بخشی از برون‌دادهای آن محسوب می‌شود و این در وضعیتی است که مدیریت‌های مناطق کلان‌شهر برای جبران کمبودهای ناشی از عقب ماندن از فرایند توسعه پایدار و نیز برای مقابله با روندهای پیش‌رو، ملزم به درپیش گرفتن اقدامات توسعه‌ای وسیعی هستند که می‌تواند وضعیت زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (سرور و امینی، ۱۳۹۲: ۲۱). در نتیجه این تأثیرات، رویکردهای مختلف توسعه شهری، از

- 1- Gobster
- 2- Korpela & et al
- 3- Kuo
- 4- Krenichyn
- 5- Urbanization

زوایای گوناگون، راه‌حلهایی را برای کنترل این تأثیرات پیشنهاد می‌دهد. «به موازات رشد افقی شهر به سمت حومه و پیرامون و از بین رفتن اراضی و محیط زیست طبیعی اطراف شهر، برخی فضاها درون شهرها رها شده و از روند توسعه بازمانده‌اند. این فضاهای رها شده که در ادبیات نوشهرگرایی<sup>۱</sup>، سطوح میان‌افزا<sup>۲</sup> خوانده می‌شود، از آن حیث دارای اهمیت‌اند که به سبب استقرار درون شهرها از تأسیسات، تجهیزات زیرزمینی و روزمینی و دسترسی مناسب به مراکز خدماتی شهرها و... بهره‌مندند» (رفیعیان و آرام، ۱۳۹۵: ۶۵).

ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سه مقطع زمانی (پیش از اجرا، در حین اجرا و پس از اجرا) انجام می‌گیرد. «مطلوب آن است که ارزیابی تأثیرات اجتماعی، قبل از آغاز تغییرات صورت گیرد. کمیته بین‌سازمانی<sup>۳</sup> نیز بر انجام شدن اتا قبل از برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه تأکید دارد» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۸۱). به عقیدهٔ بارج، «شناخت پروژه پیش از اجرا، به افراد و اجتماعات امکان می‌دهد که برای هزینه‌های حداقلی و منافع حداکثری برنامه‌ریزی کنند» (بارج، ۱۳۹۱: ۴۰).

نظریه‌های دورکیم<sup>۴</sup> درباره انسجام ارگانیک و ارتباطات میان انسان‌ها، راه‌گشای بسیاری از نظریه‌های پس از خود بوده است. انسجام ارگانیک و شیوهٔ نوین ارتباطات به گونه‌ای که دورکیم برای دوران مدرن تصویر کرده بود، پیش‌رفت و شهر نه با تراکم معنوی و ظهور مدل نوین ارتباطات میان انسان‌ها که با شیوه‌ای توسعه یافت که بعدها متفکران مکتب انتقادی را متوجهٔ مدلی از توسعه و تغییرات فرهنگی کرد که توده‌ای شدن و صنعتی شدن فرهنگ، ویژگی بارز آن بود.

دورکیم معتقد بود: «افزایش تقسیم کار، نتیجه این حقیقت است که قطاع‌های اجتماعی، فردیت خود را از دست می‌دهند و دیوارهایی که آنها را از هم جدا می‌کنند، نفوذپذیرتر می‌شود و همدستی و باهمی خاصی مابین عوامل گوناگون پیش می‌آید که شالودهٔ اجتماعی بر اثر آن با آزادی تمام می‌تواند ترکیب تازه‌ای بیابد... از نظر او، شهرها همیشه نتیجهٔ نیازی هستند که افرادی را به تماس‌های هرچه نزدیک‌تر با هم تشویق می‌کند. شهرها، جاهایی هستند که در آنها توده اجتماعی، نیرومندتر از جاهای دیگر با هم ارتباط برقرار می‌کند. پس شهرها در صورتی بر تعداد و وسعتشان افزوده می‌شود که تراکم معنوی بالا رود» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۷۵).

- 1- New Urbanism
- 2- Endogenous Development
- 3- Interorganizational Committee
- 4- Emile Durkheim

عاقبت چنین توسعه‌ای، چیزواره شدن<sup>۱</sup> فرهنگ و ارتباطات میان انسان‌ها و سلطه ساختارهای حاکم بر انسان‌ها خواهد بود. به تدریج با صنعتی شدن جوامع، توجه نظریه پردازان توسعه به مؤلفه‌های مغفول مانده توسعه همچون ارتباطات میان انسان‌ها، محیط زیست و منابع معطوف شد و روابط انسانی، جایگاه ویژه‌ای در میان نظریه‌های توسعه باز کرد. هابرماس با نظریه کنش ارتباطی، تعریف جدیدی از حوزه عمومی ارائه نمود. حوزه عمومی واقعی مورد نظر وی که تاحدودی آرمانی است، باید تحت تأثیر مشارکت مردم به مرحله‌ای برسد که بتواند پیوسته خود را باز تولید کند.

هر چند رسانه‌های همگانی در دوران سرمایه‌داری به ابزار سلطه بدل شده و مراکز تفریحی و تجاری بزرگ، محیطی برای از خودبیگانگی<sup>۲</sup> عامه فراهم کرده‌اند و به عقیده فریدمن، «نظریه پردازان انتقادی از تأثیر ساکت کننده، سرکوبگر و خرفت کننده این فرهنگ بر مردم هراسانند» (ریتزر<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸: ۲۰۴)، با وجود این هابرماس هنوز به آینده ارتباطات انسانی امیدوار است: «عناصر ارتباط تحریف نشده را می‌توان در هر نوع عمل ارتباطی معاصر پیدا کرد» (همان: ۲۱۳). طبق نظرهای هابرماس، این ساختارها تماماً منفی نیستند و می‌توانند به بستری برای رشد فرهنگی و ارتباطی انسان‌ها بدل شوند.

تحلیل زیمل از فرهنگ مدرن، نشان دهنده خصیصه ناشناس حیات مدرن است. نقطه شروع زیمل این است که برای اینکه کنش متقابل میان افراد شهری ممکن شود، آنها نیازمند داشتن حداقلی از اطلاعات از یکدیگرند. با وجود این هر کس تلاش می‌کند اطلاعاتی را درباره دیگران به دست آورد و از این رو اغلب اطلاعاتی که دیگران از او دریافت می‌کنند، کنترل شده است (برت، ۱۳۸۸: ۱۴۴). گافمن<sup>۴</sup> و مید<sup>۵</sup> از تأثیرات متقابل انسان‌ها بر تلقی دیگران از خود و کنترل آنها بر اطلاعاتی می‌گویند که انسان از طریق نوع کنش و رفتارهای خود به دیگران می‌دهد. «گافمن، دیدگاه مشابهی را ارائه می‌کند؛ افراد، خودشان را دائماً مورد بازبینی قرار می‌دهند، خودشان را مهار می‌کنند و شیوه‌های رفتاری خاصی را دنبال می‌کنند» (همان). به عقیده او، انسان‌ها در عرصه عمومی، بازیگرانی هستند که با توجه به تلقی و واکنش حضار در نحوه بازی خود تجدیدنظر می‌کنند.

از سوی دیگر، طبق رویکرد جدید توسعه شهری با عنوان توسعه پایدار

- 1- Chosification
- 2- Alienation
- 3- Ritzer
- 4- Goffman
- 5- Mead

شهری، «توسعه شهرها فقط باید درون پهنه‌ها و گستره‌های موجود شهری محقق گردد. بر این اساس نگرش به محلات قدیمی نه تنها به عنوان یادمان فرهنگ و تاریخ گذشته قلمداد می‌گردد، بلکه بهتر از اینها به عنوان یک سرمایه محلی مطرح می‌شود» (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

در همین راستا «توسعه میان‌افزا یا توسعه از درون در حقیقت نوعی از توسعه است که برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری در بستر شهر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد. این نوع از توسعه دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است» (رفیعیان و آرام، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، توسعه میان‌افزا یا توسعه درون‌زا، شکلی از توسعه شهری است که روی زمین‌های متروکه و رهاشده و بلااستفاده داخل محدوده بافت موجود شهرها شکل می‌گیرد (فالكونر و فرانک<sup>۱</sup> به نقل از رفیعیان و آرام، ۱۳۹۵: ۸۹) که ویژگی‌های اصلی این نوع از توسعه عبارتند از: «زیست‌پذیر کردن مسکن، مغازه، محل کار و سایر امکانات موجود؛ استفاده مجدد از املاک به گونه‌ای که برای مالکان و دولت‌های محلی مقرون به صرفه باشد؛ حفظ منابع طبیعی اطراف مادرشهرها؛ باززنده‌سازی سایت‌ها و ساختمان‌های تاریخی؛ استفاده از اختلاط کاربری و تنوع اجتماعی در خلق محلات و پیاده‌محور و پیاده‌مقیاس بودن» (آرام، ۱۳۸۸: ۳۷).

این نوع توسعه، محلات و بخش‌هایی را خلق می‌کند که ترکیبی از کاربری‌ها و درآمدها را شامل می‌شود که ضمن در نظر گرفتن پارکینگ، عمده توجه خود را به پیاده اختصاص می‌دهد: «پیاده‌راه‌ها، سبزه‌راه‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل، خانه‌ها را به مدارس، خدمات و پارک‌ها و ادارات متصل می‌کند. بر اساس این طراحی، توسعه میان‌افزای موفق قادر است تا محلات، بخش‌های تجاری و مناطق خرید امن تری را ایجاد کند. یک توسعه میان‌افزای موفق، بافتی از کاربری‌های زمین را ایجاد می‌کند که یکدیگر را حمایت کنند» (رفیعیان و آرام، ۱۳۹۵: ۸۰).

از مزایای توسعه میان‌افزا می‌توان به تجدید حیات اجتماعی محلات درونی شهرها، استقرار افراد در کنار محل‌های کار و خرید، حفاظت از اراضی سبز و جلوگیری از رشد پراکنده شهر، ایجاد فرصت‌های جدید در بخش مسکن، ارتقای سرمایه‌ها و دارایی‌های محلات، صرفه‌جویی در هزینه توسعه زیرساخت‌های جدی، کاهش زمان و هزینه سفرهای درون‌شهری و احیای اقتصادی مراکز داخلی شهرها اشاره کرد (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹).

پروژه‌های توسعه میان‌افزا در عین داشتن مزایای فراوان به علت

کوچک مقیاس بودن و داشتن ترکیب گسترده‌ای از کاربری‌های مختلط، پیچیده تر و چالش برانگیز ترند. برخی از موانع و چالش‌های پیش روی توسعه میان‌افزا را می‌توان چنین برشمرد: «مشکلات اجتماعی سیستماتیک جامعه، مخالفت جامعه، عدم تمایل دولت محلی، قوانین ساخت و ساز، قوانین منطقه‌بندی، مالکیت زمین، احیای زمین‌های قهوه‌ای<sup>۱</sup>، بازدارنده‌ها و مشکلات مالی، افزایش هزینه تولید و پروسه‌های اداری صدور مجوز» (ویلر به نقل از رفعیان و آرام، ۱۳۹۵: ۶۶).

سه عامل مشترک در انتخاب زمین برای احداث یک پروژه میان‌افزا وجود دارد:

۱. «زمین‌های خالی یا کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته
۲. زمین‌های خالی و بی‌استفاده در میان سطوح ساخته شده شهری
۳. قطعات زمین برخوردار از خدمات و امکانات شهری مانند شبکه‌های آب، فاضلاب، برق و...» (همان)

راه کارهایی برای از میان برداشتن موانع و چالش‌های پیش روی توسعه میان‌افزا در نظریه‌های مربوط به این شکل از توسعه آمده است که از آن جمله می‌توان به «ایجاد انگیزه و جلب نظر توسعه‌گران، از میان برداشتن موانع قانونی و رویه‌های پیچیده اداری، کسب حمایت و پشتیبانی ساکنان محلات، شناسایی مکان‌های مطلوب برای توسعه میان‌افزا و...» (همان) اشاره کرد.

با توجه به نظریه‌های یادشده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهرسازی، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را می‌توان چنین توضیح داد که محدوده فعلی گاراژ خورشید، سال‌ها رها شده و در حال حاضر فاقد کاربری است و به دلیل کاربری قبلی زمین و تردد ماشین‌ها در آن (نشت روغن، بنزین و...)، احتمال آلوده بودن خاک آن وجود دارد. همچنین گاراژ خورشید در مرکز شهر و در میان کاربری‌های دیگر قرار داشته، به تأسیسات زیربنایی دسترسی دارد. با این توصیفات، پروژه بوستان سادات را با رویکرد توسعه میان‌افزا بررسی خواهیم کرد. بدیهی است با اتخاذ این رویکرد، چند کاربری شدن پروژه و لزوم ایجاد کاربری‌های مختلط بررسی خواهد شد.

کاربری‌های پیشنهادی معاونت خدمات شهری شهرداری منطقه ۱۲ تهران، ساخت بوستان، احداث بازار میوه و تره‌بار و همچنین ساخت فودکورت بوده است. علاوه بر این به دلیل موقعیت تاریخی و یکی از دروازه‌های تاریخی تهران قدیم بودن مکان یادشده، می‌توان کاربری تاریخی و گردشگری پروژه را نیز مدنظر قرار داد.

۱- سطوحی که به هر دلیلی از جریان توسعه بازمانده و بلااستفاده مانده‌اند.

با رویکرد فضاهای شهری به مثابه حوزه عمومی می‌توان گزینه‌های پیش‌رو را بررسی و امکان ایجاد بستری برای ارتباطات آزاد، شکل‌گیری پیوندهای جدید، فرهنگ‌سازی با تکیه بر مؤلفه‌های کنش متقابل را که در فضاهای عمومی شکلی می‌گیرد، با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۲ تهران و محله دروازه شمیران بررسی کرد. هدف، بررسی امکان‌سنجی تأثیرات متقابل ساختار و کنشگران در آینده بر یکدیگر و امکان‌سنجی بازتولید یک حوزه عمومی مطلوب با ویژگی‌های توسعه پایدار و ارتقای سرمایه اجتماعی محله دروازه شمیران منطقه ۱۲ شهر تهران بوده است.

### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی، پیمایشی و میدانی است. توصیف ذی‌نفعان به وسیله داده‌های پژوهش انجام گرفته و چون اطلاعات به دست آمده از دیدگاه‌ها، باورها، نظرها و رفتارهای ذی‌نفعان و کارشناسان نشأت می‌گیرد، پیمایشی و به دلیل اینکه پیمایش از طریق حضور در محل فعالیت اقتصادی و سکونت ذی‌نفعان انجام گرفته، میدانی است.

اطلاعات این پژوهش با استفاده از دو روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است. برای تشکیل پروفایل اطلاعاتی پروژه، ابتدا به بررسی اسناد موجود درباره محله و موقعیت پروژه پرداخته شده و پس از آن با انجام مصاحبه‌های عمیق اطلاعات تدقیق شده است. سپس برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز پروژه از روش پیمایش با ابزار پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته استفاده شده است.

با توجه به جامعه آماری ۳۳۲۹۷ نفری (جمعیت محله دروازه شمیران) و با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵٪، حجم نمونه ۳۸۷ به دست می‌آید که بر اساس مطالعات کیفی و اکتشافی اولیه، پرسشنامه‌ای طراحی شده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده و اطلاعات به دست آمده، با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. همچنین مسئولان و مدیران مرتبط با طرح در منطقه ۱۲ نیز برای مصاحبه در نظر گرفته شده‌اند که تعداد این افراد با معیار به اشباع نظری رسیدن به تعداد یازده نفر رسیده است.

### یافته‌ها

در این بخش، پس از اشاره به زمینه‌های اجتماعی پروژه و شناسایی نیازهای محله دروازه شمیران به نظرهای پاسخگویان درباره احداث پروژه و جانمایی آن و همچنین اولویت برآوردهای پروژه پرداخته شده که در ادامه آمده است.

## معرفی پروژه و زمینه‌های اجتماعی آن

محدوده تحت پوشش مورد مطالعه، بخشی از واحدهای همسایگی نیمه جنوبی محله دروازه شمیران در ناحیه ۶ منطقه ۱۲ است. این محدوده، قطعه‌ای با مساحت تقریبی ۲۰۱۲ مترمربع است که از جنوب به محور همایون ناطقی، از شمال به محور سادات و از شرق به محور زرین خامه منتهی شده است.

محله دروازه شمیران به عنوان یکی از محلات تاریخی شهر تهران که از دوره قاجار به جا مانده است، اکنون به عنوان محله ۶ از ناحیه ۶ منطقه ۱۲ شهر تهران در نظام سلسله‌مراتب تقسیمات شهری شهر تهران قرار گرفته است. این محله از شمال به خیابان انقلاب، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور، از جنوب به خیابان مجاهدین اسلام و از غرب به خیابان ابن سینا محدود می‌شود.

طبق آمار طرح سنجش عدالت سال ۱۳۹۰ که شهرداری تهران انجام داده است، منطقه ۱۲ تهران با بیشترین درصد افراد مبتلا به اختلال اضطرابی نسبت به کل مناطق شهر تهران و بالاتر از حد متوسط، بیشترین درصد ابتلا به افسردگی و بیشترین درصد اختلال سلامت روان و بیشترین نرخ ناامیدی در کل شهر تهران را دارد و در وضعیت نگران‌کننده‌ای از حیث سلامت روان و سلامت اجتماعی است.

جدول شماره ۱: شاخص‌های سلامت روان و سلامت اجتماعی

منطقه ۱۲	تهران	شاخص	
۵۶,۳۲	۴۰,۵۲	درصد خانوارهای فاقد خودرو	تسهیلات زندگی خانوار
۳۳,۳۸	۲۹,۵	درصد خانوارهای دارای منزل استیجاری	
۳۴,۶۸	۲۲,۰۴	درصد خانوارهای زیر خط فقر	فقر
۱۸,۵۰	۱۷,۱۹	درصد چاقی افراد پانزده‌ساله و بالاتر	عوامل خطر
۲۱,۳۶	۲۳,۹۵	درصد خانوارهای مصرف‌کننده دخانیات	
۲,۹۶	۱,۶۶	درصد خانوارهای دارای فرد معتاد	
۴۶,۵۷*	۳۷,۰۴	درصد افراد مضطرب پانزده‌ساله و بالاتر	سلامت روان
۴۳,۵۴	۲۶,۴۸	درصد جسمی‌سازی در افراد پانزده‌ساله و بالاتر	
۲۹,۷۰	۲۶,۴۸	درصد اختلال کارکرد اجتماعی در افراد پانزده‌ساله و بالاتر	
۴۷,۵۵*	۳۵,۶۳	درصد افراد پانزده‌ساله و بالاتر مبتلا به افسردگی	
۵۱,۷۳*	۴۰,۳۵	درصد افراد پانزده‌ساله و بالاتر دارای اختلال سلامت روان	سلامت اجتماعی
۴۲,۳۹*	۳۲,۶۲	درصد افراد ناامید	

جدول بالا نشان می‌دهد که درصد افراد دارای اضافه وزن در منطقه ۱۲ بالاتر از متوسط کل تهران است که مؤید فعالیت فیزیکی کمتر و نیاز ضروری



به دسترسی به فضاهای ورزشی و تشویق به استفاده از آنها در این منطقه است. از حیث تسهیلات زندگی، درصد خانوارهای فاقد خودرو در سال ۱۳۹۰ بالاتر از متوسط شهر تهران است که این آمار نیز مؤید لزوم دسترسی به امکانات بیشتر درون منطقه است. در پژوهشی که وریج کاظمی و حسن پور در سال ۱۳۹۵ و در منطقه ۱۲ شهرداری تهران با موضوع «گذران اوقات فراغت شهروندان منطقه ۱۲» انجام داده‌اند، تماشای شبکه‌های تلویزیونی در منزل با ۶۱،۲ درصد، رفتن به منزل اقوام و دوستان با ۳۲،۷ درصد و حضور در مسجد با ۲۲،۳ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی را در انجام فعالیت‌های فراغتی در یک ماه گذشته در این منطقه داشته است. همچنین به گزارش این پژوهش، بیشترین فراوانی مطابق سرشماری سال ۱۳۹۰، مربوط به گروه سنی جوانان است که لزوم پرداخت بیشتر به برنامه‌های فراغتی را ایجاب می‌کند.

محلّه دروازه شمیران در حال حاضر دارای سه بوستان ورزش، بزرگمهر و طبیعت (زبالی) است که روی هم رفته مساحت آنها ۳۰۰۰ مترمربع است که این مقدار، نشان‌دهنده کمبود شدید محلّه در زمینه فضای سبز است و محلات دروازه شمیران، ایران و قیام طبق گزارش دفتر نوسازی برای رسیدن به استاندارد فضای سبز، نیازمند ۸۳۳۴ مترمربع دیگر هستند (ر.ک: دفتر نوسازی محلات دروازه شمیران، آبشار و ایران، ۱۳۹۳).

شناسایی نیازهای محلّه دروازه شمیران: با نظرسنجی انجام گرفته از ساکنان محلّه دروازه شمیران، نیازهای آنان شناسایی شد که در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲: کمبودهای محلّه دروازه شمیران از دید پاسخگویان

کمبودهای محلّه دروازه شمیران	اولویت اول		اولویت دوم		اولویت سوم		مجموع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
فضای سبز	۷۵،۳	۱۷	۴،۵			۳۰،۳	۷۹
تره‌بار	۱۱،۱	۷۳	۱۹،۲			۱۱۵	۳۰
پارکینگ	۴،۲	۱۷	۴،۵			۳۳	۸،۶۸
امکانات رفاهی	۶،۱	۶	۱،۶			۲۹	۷،۶۳
استخر		۴۰	۱۰،۵	۲۴	۶،۳	۶۴	۱۶،۸۴
بیمارستان		۸	۲،۱			۸	۲،۱
سرویس بهداشتی				۸	۲،۱	۸	۲،۱
آتش‌نشانی				۸	۲،۱	۸	۲،۱
بی‌پاسخ	۳،۴	۱۳	۵۷،۶	۲۱۹	۸۹،۵		
جمع	۱۰۰	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰	

بنابراین اولویت نیازها و کمبودهای محله از دید پاسخگویان به ترتیب عبارت است از: ۱- فضای سبز و بوستان ۲- میدان میوه و تره بار ۳- استخر ۴- پارکینگ ۵- امکانات رفاهی ۶- آتش نشانی، بیمارستان و سرویس بهداشتی. وضعیت استفاده پاسخگویان از امکانات فعلی: در این قسمت، چهار پرسش درباره استفاده از امکانات فعلی از پاسخگویان پرسیده شد که نتایج زیر به دست آمد.

جدول شماره ۳: وضعیت استفاده از امکانات فعلی محله

پرسش	پاسخ	فراوانی	درصد	پرسش	پاسخ	درصد
خرید مایحتاج روزانه	کسبه محله	۱۵۸	۴۱,۶	آیا برای گذران اوقات فراغت به خارج از محله می روید؟	همیشه	۴۶,۸
	بازار میوه و تره بار محله	۳۳	۸,۷		بیشتر اوقات	۱۵,۸
	بازار میوه و تره بار محلات مجاور	۱۵۵	۴۰,۸		به طور متوسط	۴,۵
	سایر	۳۴	۸,۹		گاهی	۱۷,۴
					اصلاً	۱۵,۵
رضایت از محصولات	پاسخ	قیمت	کیفیت	بیشترین فعالیت صرف شده در بوستان	پایده روی	۲۳,۹
	همیشه	۸,۹	۱۲,۹		پیک نیک	۱۱,۱
	بیشتر اوقات	۱۳,۷	۴۰,۵		ورزش با وسایل	۴,۵
	به طور متوسط	۴۲,۴	۳۳,۲		بازی بچه ها	۲۲,۹
	گاهی	۱۳,۲	۲,۱		نشستن و دیدار دوستان	۳۵,۳
	اصلاً	۲۱,۸	۱۱,۳			

مطابق جدول بالا، امکانات محله دروازه شمیران در حوزه فضای سبز، پاسخگوی نیاز ساکنان نیست. رضایت از قیمت و کیفیت محصولات متوسط بوده، نزدیک به نیمی از افراد از بازار میوه و تره بار محلات مجاور خرید می کنند. ساکنان اغلب برای گذران اوقات فراغت خود به خارج از محله می روند و معتقدند که محله، جایی برای گذران اوقات فراغت ندارد. بیشتر استفاده کنندگان از اندک فضای سبز موجود را سالمندان تشکیل می دهند و جوانان تمایلی به استفاده از این فضاهای اندک ندارند و آن را غیر قابل استفاده ارزیابی می کنند. بیشترین مورد استفاده یک بوستان از دید پاسخگویان، نشستن و دیدار دوستان و آشنایان، پایده روی، بازی بچه ها، پیک نیک و در آخر، بازی با لوازم ورزشی درون بوستان است.

نظر پاسخگویان نسبت به احداث پروژه و جانمایی آن: درباره موافقت مردم محله با احداث و جانمایی پروژه و همچنین تناسب جانمایی با کاربری‌های پیشنهادی، چهار پرسش مطرح شد. ۷۷،۹ درصد افراد درباره احداث بوستان کاملاً موافق و نزدیک به ۹ درصد موافق بودند. همچنین بیشترین تطابق برای احداث بوستان در این مکان بوده، کمترین تطابق برای احداث فودکورت تشخیص داده شده است. احداث بازار میوه و تره‌بار به طور متوسط، مناسب ارزیابی شده است.

جدول شماره ۴: نظرهای پاسخگویان درباره جانمایی پروژه

پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
با احداث بوستان عمومی در محله خود موافقت می‌کنید؟	۷۷،۹	۸،۹	۶،۳	۲،۴	۴،۵
آیا مکان فعلی گاراژ خورشید را برای احداث بوستان مناسب می‌دانید؟	۶۱،۸	۲۰،۳	۲،۱	۶،۶	۹،۲
آیا مکان فعلی گاراژ خورشید را برای احداث میوه و تره‌بار مناسب می‌دانید؟	۳۴،۵	۱۷،۹	۱۳،۴	۹،۲	۲۵
آیا مکان فعلی گاراژ خورشید را برای احداث فودکورت مناسب می‌دانید؟	۱۵،۳	۸،۹	۱۵،۵	۱۴،۷	۴۵،۵

سه مدل کاربری مختلط در صورت احداث بوستان به همراه ساخت بوستان تنها به پاسخگویان پیشنهاد شد تا مدلی را که بیشترین موافقت را با آن داشتند، انتخاب نمایند. بیشترین موافقت مربوط به مدل بوستان با ۹۳ درصد و مدل بوستان - بازار میوه و تره‌بار با ۵۳،۴ درصد بود.

جدول شماره ۵: نظر پاسخگویان درباره مدل‌های پیشنهادی کاربری‌ها

درصد	فراوانی	
۹۳	۳۵۳	بوستان
۵۳،۴	۲۰۳	بوستان - بازار میوه و تره‌بار
۲۸،۴	۱۰۸	بوستان - فودکورت - بازار میوه و تره‌بار
۱۵،۸	۶۰	بوستان - فودکورت
۲،۴	۹	بی‌پاسخ
۱۰۰	۳۸۰	جمع

در مصاحبه با ساکنان و کسبه اطراف پروژه مشخص شد که برخی از کسبه و نه ساکنان، به شدت روی بافت سنتی و مذهبی محله تأکید می‌کنند و علاقه‌ای به افزایش گستره استفاده از امکانات محله ندارند. همچنین بانوان

تمایلی به استفاده از وسایل ورزشی موجود و ورزش در ملاعام ندارند. کهربایی - مدیر اجتماعی ناحیه ۶ - عنوان می‌کند که «حتی برای وسایل بدن‌سازی یکی از پارک‌ها، امکان پرده‌کشی را فراهم کردیم، ولی به دلیل بافت سنتی با آن مخالفت شد. با وجود این اگر تمهیدی برای محافظت اندیشیده شود، خیلی خوب است».

همچنین از پاسخگویان، دو سؤال پرسیده شد: ۱- اگر بوستان به واسطه نمادهای تاریخی و فرهنگی، دامنه استفاده‌ای بیش از ساکنان را در برگیرد، با این موضوع موافقت؟ ۲- آیا در صورت احداث بوستانی با امکانات رفاهی بیشتر، ساعات بیشتری از اوقات فراغت خود را در محله خواهند گذراند؟ بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با پرسش اول موافقت و عنوان می‌کنند همان‌طور که آنها برای گذران اوقات فراغت به مناطق دیگر می‌روند، مردم محلات دیگر نیز حق دارند به این دلیل به محله آنها رفت‌وآمد کنند. همچنین نزدیک به ۹۰ درصد پاسخگویان، در صورت ایجاد امکانات بیشتر در محله، عمده اوقات فراغت خود را در محله خواهند گذراند.

وظیفه گروه اما این است که در میان خواست مردم محلی و مدیران شهری، علاوه بر نیازسنجی به امکان‌سنجی پروژه بپردازند و امکان یا عدم امکان پروژه‌ها را بررسی نماید. همان‌گونه که در قسمت نیازسنجی اشاره شد، خواست مردم محلی به ترتیب اولویت، ساخت بوستان، میدان میوه و تره‌بار و در نهایت فودکورت است. درباره ساخت بازار میوه و تره‌بار باید گفت که به دلایل آلودگی‌های زیست‌محیطی، ایجاد ترافیک در خیابان سادات و ناطقی با توجه به وجود گره ترافیکی در انتهای خیابان سادات و ناطقی، وجود بازار روز میوه و تره‌بار در خیابان طرفه در محله مجاور (به فاصله پانصد متر از محل پروژه)، وجود فروشگاه‌اتکا در نزدیکی محله، وجود بازار میوه و تره‌بار شهرستانی در نزدیکی محله، وجود وانت‌ها و مغازه‌های فروش میوه در خیابان شکوفه در نزدیکی پروژه، وجود بورس مرغ در محدوده پروژه، وجود بورس آبلیمو در محدوده پروژه، نبود فضای کافی و غلبه ماهیت میدان تره‌بار بر ماهیت بوستان در صورت ساخت، به دلیل فضای ناکافی و از بین رفتن کارکرد بوستان در درازمدت، احداث این پروژه امکان‌پذیر نیست. ساخت فودکورت نیز به دلیل تغییر سبک غذایی ساکنان محله به فست‌فود، وجود چهار مدرسه در اطراف پروژه و تأثیر منفی فودکورت در سبک غذایی و زندگی دانش‌آموزان و همچنین نبود فضای کافی، نباید در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد. بنابراین به تبع ممکن نبودن ساخت بازار میوه و تره‌بار و همچنین فودکورت، ساخت پروژه ترکیبی مانند بوستان - تره‌بار یا بوستان - فودکورت نیز منتفی می‌گردد.

اولویت برآوردها و تعیین ویژگی‌های آنها: برای تعیین اولویت مهم‌ترین تأثیرات شناسایی شده، فهرست تأثیرات در اختیار کارشناسان قرار داده شد تا بتوان به طبقه‌بندی دقیق‌تری با استفاده از این نظرها دست یافت که در ادامه آمده است. نمره‌های ارائه‌شده در طیفی از ۱ تا ۵ قابل تفسیر است که ۱ به معنای کم‌ترین میزان اهمیت و ۵ به معنای اهمیت خیلی زیاد است.

جدول شماره ۶: اولویت‌بندی پیامدهای برآورد شده

ماهیت	تأثیرات	گستره اثر	زمان	تأثیرات	احتمال وقوع (نظر کارشناسان)
فرهنگی و اجتماعی	رونق محله	محله‌ای	پس از اجرا	رونق محله	۲,۶
	ایجاد اشتغال	منطقه‌ای	پس از اجرا	ایجاد اشتغال	۱,۴
	جذب جوانان به محله و برنامه‌های مفید	محله‌ای	پس از اجرا	جذب جوانان به محله و برنامه‌های مفید	۳,۷
	کاهش مهاجرت‌ها از محله	محله‌ای	پس از اجرا	کاهش مهاجرت‌ها از محله	۲,۷
	ایجاد تعارضات اجتماعی	ناحیه‌ای	پس از اجرا	ایجاد تعارضات اجتماعی	۱,۲
	وجود یک مکان گردشگری برای خانواده‌ها	ناحیه‌ای	پس از اجرا	وجود یک مکان گردشگری برای خانواده‌ها	۳,۷
	افزایش زیبایی بصری محله	محله‌ای	پس از اجرا	افزایش زیبایی بصری محله	۴
	کاهش زیبایی بصری محله	محله‌ای	پس از اجرا و در حین آن	کاهش زیبایی بصری محله	۴
	وجود فضای بازی مناسب برای بچه‌ها	محله‌ای	پس از اجرا	وجود فضای بازی مناسب برای بچه‌ها	۴,۴
	استفاده‌های نادرست از بوستان	محله‌ای	پس از اجرا	استفاده‌های نادرست از بوستان	۱,۵
	وجود مکانی برای گذران اوقات فراغت	محله‌ای	پس از اجرا	وجود مکانی برای گذران اوقات فراغت	۴
	رونق عرصه عمومی در محله	محله‌ای	پس از اجرا	رونق عرصه عمومی در محله	۳,۸
	افزایش مشارکت اجتماعی	محله‌ای	پس از اجرا	افزایش مشارکت اجتماعی	۳,۲
	ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید	محله‌ای	پس از اجرا	ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید	۲,۸
	بالا بردن احساس تعلق محله‌ای	محله‌ای	پس از اجرا	بالا بردن احساس تعلق محله‌ای	۲
	زنده کردن نمادهای هویتی تهران قدیم	فرامنطقه‌ای	پس از اجرا	زنده کردن نمادهای هویتی تهران قدیم	۲,۵
	تجلی هنر ایرانی در ساخت بنا و باغ‌های عمودی	فرامنطقه‌ای	پس از اجرا	تجلی هنر ایرانی در ساخت بنا و باغ‌های عمودی	۳,۵
	افزایش امنیت محله	محله‌ای	پس از اجرا	افزایش امنیت محله	۳,۶
	ورود خرده‌فرهنگ‌های جدید به محله	ناحیه‌ای	پس از اجرا	ورود خرده‌فرهنگ‌های جدید به محله	۱,۵
	مکانی برای قرارهای خارج از عرف دانش‌آموزان	ناحیه‌ای	پس از اجرا	مکانی برای قرارهای خارج از عرف دانش‌آموزان	۰,۵

ماهیت	تأثیرات	گستره اثر	زمان	تأثیرات	احتمال وقوع (نظر کارشناسان)
محیط زیست و به زیستی فردی	کاهش سفرهای درون شهری	ناحیه‌ای	پس از اجرا	۴	مثبت
	افزایش سرانه فضای سبز	ناحیه‌ای	پس از اجرا	۴	مثبت
	مشکل ترافیک و پارکینگ	محلله‌ای	پس از اجرا و در حین آن	۴	منفی
	ایجاد مشکل در تردد والدین دانش آموزان	محلله‌ای	پس از اجرا و در حین آن	۳	منفی
	افزایش سلامتی شهروندان	محلله‌ای	پس از اجرا	۲,۹	مثبت
اقتصادی	کاهش قیمت املاک در فاصله نزدیک مکان پروژه	محلله‌ای	پس از اجرا	۳,۸	مثبت
	افزایش قیمت املاک در فاصله دورتر از مکان پروژه	محلله‌ای	پس از اجرا	۳,۸	مثبت

### نتیجه گیری

مدیریت شهری منطقه ۱۲ شهرداری تهران برای فضای ۲۰۱۲ مترمربعی در محله دروازه شمیران، ساخت بوستان، میدان میوه و تره بار و فودکورت را به عنوان سه گزینه پیشنهادی مدنظر دارد. این مقاله کوشیده است تا ضمن نیازسنجی از ساکنان محله، امکان‌سنجی ساخت هر یک از پروژه‌ها را از حیث پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بررسی کند. برای نیل به این مقصود با توجه به جمعیت ۳۳۲۹۷ نفری محله و استفاده از فرمول کوکران، پیمایشی در میان ۳۸۷ نفر انجام گرفت و با ۱۱ نفر از مدیران محلی و منطقه‌ای مصاحبه به عمل آمد.

در نیازسنجی به عمل آمده، مشخص شد که سه گزینه پیشنهادی احداث بوستان، میدان میوه و تره بار و فودکورت به ترتیب بیشترین نیاز محله است، اما با توجه به فضای کم، امکان ساخت بیش از یک گزینه وجود ندارد. پس از نیازسنجی و امکان‌سنجی سه پروژه یادشده، این نتیجه به دست آمد که با توجه به اهمیت حوزه عمومی و نیاز مبرم محله دروازه شمیران به آن، ساخت بوستان در مکان مدنظر باید نسبت به دو گزینه دیگر یعنی میدان میوه و تره بار و فودکورت در اولویت قرار گیرد.

محله دروازه شمیران از حیث کمبود فضای سبز، نیاز مبرمی به ساخت بوستان دارد. اما نکته مهم‌تر، توجه به لزوم حوزه عمومی است، زیرا توسعه پایدار، رابطه تنگاتنگی با سرمایه اجتماعی دارد؛ سرمایه‌ای که در آن، ارتباط میان انسان‌ها، جایگاه مهمی پیدا می‌کند. این ارتباطات اغلب در صورت وجود مکان‌هایی در شهر صورت می‌گیرد که یکی از این مکان‌های شهری، بوستان است. به عبارت دیگر، بوستان می‌تواند به مثابه حوزه عمومی در نظر

گرفته شود. در نتیجه ایجاد حوزه عمومی در راستای گذران اوقات فراغت، افزایش روحیه نشاط و شادی، افزایش ارتباطات انسانی منجر به افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی و در نهایت موجب توسعه پایدار شهری خواهد شد. بنابراین ساخت بوستان سادات رانه تنها از این جهت که فقط پاسخی به نیاز کمبود فضای سبز در محله دروازه شمیران است، بلکه باید از حیث نیاز محله به حوزه عمومی مورد توجه قرار داد.

در تحقیق حاضر این نتیجه به دست آمد که با وجود خدمات شهری مانند میدبن میوه و تره بار در محلات مجاور و دسترسی نسبتاً آسان ساکنان محله دروازه شمیران، نیاز چندانی به ساخت پروژه میدان میوه و تره بار نیست. بنابراین به نظر می رسد که معیار «محله محوری» در باب ارائه خدمات شهری باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد و به معیار «فاصله» و «جمعیت» تغییر داده شود. در پایان، پیشنهادهای اجرایی زیر، جهت تعدیل پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت احداث بوستان سادات برای تبدیل به حوزه عمومی ارائه می گردد:

**- زیباسازی محیط بیرونی بوستان:** زیباسازی محیط بیرونی و نمای پروژه، کمک شایانی به زیباسازی محیط محله، ترغیب ساکنان به استفاده از بوستان و... خواهد کرد. با توجه به استفاده از الگوی توسعه درون زا و نسبی بودن مؤلفه های زیباسازی در هر مکان، لزوم استفاده از الگوهای بومی، معماری ایرانی - اسلامی و... احساس می شود که به عنوان نمونه دربارۀ پروژه حاضر می توان از طراحی باغ های عمودی و دیواری با گیاهان سازگار با محیط و همچنین از طراحی نمای بیرونی، سردر و ورودی پارک با توجه به مؤلفه های هویتی محله مانند مدل ورودی دروازه شهر استفاده کرد.

**- واسپاری امور بوستان به جوانان و جذب مشارکت های مردمی برای اداره بوستان:** هر محیط عمومی برای تبدیل به یک فضا و عرصه عمومی در محله، ناگزیر به سهیم کردن مردم محلی و ساکنان آن محله در امور محیط یادشده خواهد بود. جذب مشارکت های مردمی در امور محلی، نیازمند پیش شرط هایی برای تحقق است که از جمله مهم ترین آنها می توان به اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد. با این حال برخی راه کارها مانند توجه ویژه به خواسته ها و نیازهای اجتماع محلی، جلب مشارکت سالمندان، بانوان، جوانان و نوجوانان برای راه اندازی برخی امور فرهنگی و گروه سازی و انجمن سازی، استفاده از تسهیلات محلی در صورت لزوم و تعامل با سرای محله، مساجد و سمن های فعال برای ارتباط بیشتر با جامعه محلی می توانند به تحقق مشارکت و مؤلفه های آن در یک اجتماع محلی کمک کنند.

**- در نظر گرفتن مکانی مناسب و امن برای بازی کودکان:** با توجه به نتایج نیازسنجی ها، وجود فضای بازی برای کودکان از جمله عوامل مؤثر در انتخاب یک بوستان برای گذران اوقات فراغت خانواده ها بوده، در نظر گرفتن مکان مناسب برای بازی بچه ها از ضروریات احداث این بوستان است. در نظر

گرفتن یک مکان هر چند کوچک و استفاده از وسایل بازی متداول مانند تاب، سرسره و... طراحی سرگرمی‌های فکری به همراه طراحی بازی‌های حرکتی و ایمن برای این منظور می‌تواند استقبال مخاطبان را تا حد چشمگیری افزایش دهد.

- **برگزاری برخی برنامه‌های سرای محله در بوستان:** برگزاری برخی برنامه‌های سرای محله در بوستان همچون برگزاری برنامه‌های خانه سلامت مانند صبحانه سالم، جشنواره‌های غذای سالم و... برگزاری دوره‌های خانه پیشکسوتان و برگزاری برخی جشن‌ها و اعیاد می‌تواند علاوه بر جلب مشارکت اجتماعی و ترغیب سایرین به استفاده از بوستان در خانوادگی کردن محیط بوستان و افزایش امنیت آن و متعاقباً محله، نقش بسزایی داشته باشد.

- **احداث موزه تاریخی تهران قدیم:** در چند سال گذشته، شهرداری تهران اقدامات مطالعاتی و اجرایی فراوانی را جهت حفظ بافت تهران قدیم در قالب ایجاد دبیرخانه طرح ارتقای منطقه ۱۲، اجرای پروژه نگین، تأسیس دفتر بافت تاریخی و... انجام داده است. اما با گذر در محلات منطقه ۱۲ به نظر نمی‌رسد که فرد عابر، وارد منطقه تاریخی خاصی می‌گردد و اساساً این احساس تاریخی و هویتی منتقل نمی‌گردد. یکی از دلایل این امر، نبود موزه‌ای درباره منطقه ۱۲ است. به عبارت دیگر یکی از علل موفق نبودن شهرداری در اقدامات انجام‌شده برای معرفی منطقه ۱۲ به عنوان منطقه تاریخی و هویتی و تهران قدیم می‌تواند این مسئله باشد که مخاطبان از تاریخچه منطقه قبل از ورود به آن شناختی ندارند. اگر این منطقه شامل یادگارهای تاریخی فراوان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در دوره معاصر است، چرا موزه یا مکان خاص در این رابطه در منطقه وجود ندارد؟ نکته دیگر اینکه محله دروازه شمیران چه از سمت میدان شهدا و چه از سمت خیابان انقلاب، ورودی منطقه ۱۲ است؛ بنابراین با احداث موزه تاریخی تهران قدیم در محل پروژه، تهران گردی یا منطقه گردی منطقه ۱۲ می‌تواند از محله دروازه شمیران انجام پذیرد.

- **احیای آسیاب والی:** در دویست متری پروژه مدنظر در خیابان سادات، یک ساختمان قدیمی متروکه که ثبت میراث فرهنگی به نام آسیاب والی وجود دارد که محل آسیاب آرد منطقه در تهران قدیم بوده است و اهمیت آن در این است که این آسیاب، تنها آسیاب موجود باقی مانده در تهران امروز است. اگر موزه تاریخی در بوستان احداث گردد و منطقه گردی از محله دروازه شمیران آغاز گردد، آسیاب والی نیز به واسطه دیدار گردشگران احیا می‌شود و مورد بازدید قرار می‌گیرد و از ورطه فراموشی و فرسودگی بنا و از بین رفتن آن جلوگیری می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که شهرداری منطقه، ساختمان آسیاب والی را از مالک آن خریداری کرده، به احیای آن همت گمارد.



## منابع

۱. آرام، مرضیه (۱۳۸۸). سنجش ظرفیت توسعه‌ای فضاهای بلااستفاده مرکز شهرها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده هنر.
۲. آقا بابا، علی (۱۳۸۹). ارزیابی آثار اجتماعی فرهنگی پروژه احداث بوستان انرژی. معاونت اجتماعی فرهنگی منطقه ۱۸ شهرداری تهران.
۳. بارج، رابل (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر اجتماعی. ترجمه محمدعلی زکریایی. تهران: جامعه و فرهنگ.
۴. برت، پاتریک (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه محمد خانی. تهران: رخداد نو.
۵. برغمندی، هادی (۱۳۹۰). ارزیابی آثار اجتماعی فرهنگی احداث بوستان ایرانیان. معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری منطقه ۱۹ تهران.
۶. پورجعفر، علی و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۳). «فضاهای شهری نیمه‌عمومی سرپوشیده سنتی ایرانی اسلامی در مقایسه با پاساژهای فرانسوی (نمونه‌های موردی: تیمچه‌های امین‌الدوله و بزرگ قم و پاساژهای پانوقاوا و جوققا)». معماری و شهرسازی آرمان شهر. شماره ۱۳، صص ۱۶۹-۱۸۲.
۷. تیلور، نیکلاس و دیگران (۱۳۹۲). ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرایند و فنون. ترجمه افشین خاکباز. تهران: جامعه و فرهنگ.
۸. جلالی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۹۲). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نی.
۹. حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۰). ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان بازی. معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۲۰ تهران.
۱۰. حبیبی، محسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۱). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. دفتر نوسازی محلات دروازه شمیران، آبشار و ایران (۱۳۹۳). سند توسعه محلی. زیر نظر سازمان نوسازی شهر تهران.
۱۲. دورکیم، امیل (۱۳۶۹). تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی.
۱۳. رفیعیان، مجتبی و دیگران (۱۳۸۹). «سنجش ظرفیت توسعه فضاهای بلااستفاده مرکز شهر قزوین با تأکید بر رویکرد توسعه میان‌افز». فصلنامه معماری و شهرسازی. شماره ۵، صص ۴۵-۶۱.
۱۴. رفیعیان، مجتبی و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری». نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره ۴، صص ۳۵-۴۳.
۱۵. رفیعیان، مجتبی و مرضیه آرام (۱۳۹۵). «تبیین اصول توسعه میان‌افزا در بافت فرسوده و ارائه راه‌کار برای بافت فرسوده (نمونه موردی: محله شادآباد تهران)». تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۶. ریتزر، جورج (۱۳۸۸). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
۱۷. زاهدی، شمس‌السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵). «بسط مفهومی توسعه پایدار». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های مدیریت در ایران. شماره ۴۹، صص ۴۳-۷۶.

## منابع

۱۸. سرور، رحیم و مهدی امینی (۱۳۹۲). راهنمای تحلیل اجتماعی از شهر. تهران: تیسرا.
۱۹. سلطانی، علی و احمدعلی نامداریان (۱۳۹۰). «تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین پارادایم ارتباط». فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر. سال هشتم، شماره هجدهم، مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، صص ۳-۱۲.
۲۰. صالحی فرد، محمد و دانا علیزاده (۱۳۸۷). «تحلیلی بر ابعاد اجتماعی و روان شناختی فضاهای سبز در شهرها (با رویکرد مدیریت شهری)». فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت شهری. دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۹-۳۳.
۲۱. عقیلی، فریده (۱۳۸۹). ارزیابی اجتماعی، فرهنگی احداث پارک ترافیک قانون. اداره مطالعات معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۸ شهرداری تهران.
۲۲. غلامرضا کاشی، شیما و مهدیه امیدی حسین آبادی (۱۳۹۵). بررسی نقش فضاهای عمومی در افزایش حس تعلق به محله (مطالعه موردی: محله قبا و گلستان). اداره مطالعات معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۳ شهرداری تهران.
۲۳. فاضلی، محمد (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۴. قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۳). بینش و روش جامعه‌شناختی در ارزیابی اجتماعی بوستان‌های شهری. تهران: علوم اجتماعی.
۲۵. ----- (۱۳۸۲). ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان نهج البلاغه. معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران.
۲۶. موسسه فرهنگی هنری کانون رشد مدرسه فردا (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث بوستان‌های محلی (قائم مقام، فرزین، کودک و زابلی). اداره مطالعات معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۱۲.
۲۷. موسسه مدیران فرهنگ و هنر (۱۳۸۹). ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان بازیافت. معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری منطقه ۱۶ تهران.
۲۸. وریج کاظمی، عباس و زینب حسن پور (۱۳۹۵). فضاهای عمومی شهر و اوقات فراغت شهروندان منطقه ۱۲ تهران. اداره مطالعات معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۱۲.



## ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث بوستان گلابدره در تهران

خلیل میرزایی

دکترای جامعه‌شناسی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن  
Mirzaeei\_khalil@riau.ac

ندا عظیمی

دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی  
Azimi\_neda@yahoo.com

مرجان پاکدامن

کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی  
Marjan\_pakdaman@ymail.com

### چکیده

پروژه احداث بوستان گلابدره با هدف پاسخگویی به نیازهای ساکنان منطقه ۱ شهرداری تهران و سایر ساکنان شهر تهران اجرا شده است. به طور کلی اهداف انجام پژوهش حاضر شامل: شناسایی ذی‌نفعان (بازندگان و برندگان) و ذی‌مدخلان پروژه، بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از اجرای پروژه در حوزه نفوذ پروژه، شناسایی موانع و مشکلات اجتماعی (نهادی و اجتماعی) پروژه و ارائه راه‌کارهایی برای بهبود و اصلاح وضع موجود و کاهش اختلال در زندگی شهروندان، تعیین حوزه نفوذ پروژه و شناخت نگرش شهروندان نسبت به این پروژه است. نوع مطالعه در این پژوهش از نظر مسیر، توصیفی و از نظر هدف، کاربردی بوده است. برای گردآوری اطلاعات نیز از روش‌های میدانی و اسنادی استفاده شده است. البته باید اشاره کرد که پژوهش حاضر را می‌توان در شمار پژوهش‌هایی قرار داد که با عنوان ارزیابی مطرح شده‌اند. در بخش اسنادی، کلیه اسناد موجود تمام شماری شده و در بخش میدانی نیز ۳۰ نفر از ساکنان و مراجعان به بوستان گلابدره به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه مدنظر روی آنها اجرا شده است. در عین حال با مدیران شهرداری و عوامل اجرایی و نهادهای ذی‌ربط نیز به صورت هدفمند و در دسترس مصاحبه نیمه‌ساخت‌دار انجام شده است. ابزار به کار رفته در این پژوهش، فیش‌های اطلاعاتی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته - که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا (ضریب CVR) و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است - مصاحبه نیمه ساخت‌دار و مشاهده بوده است. این مطالعه نشان می‌دهد که ساخت این بوستان دارای پیامدهای مثبت و منفی بوده است که پیامدهای مثبت آن بر پیامدهای منفی غلبه داشته است. از جمله پیامدهای مثبت احداث بوستان گلابدره، جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیر مجاز و زمین‌خواری، ایجاد کمربند سبز در دامنه کوه البرز، تغییر در الگوی رفتار خانواده، زیبایی محیط، کاهش آلودگی هوا و آلودگی صوتی، افزایش احساس سلامتی و تعاملات اجتماعی در افراد، ایجاد فرصت‌های شغلی و از پیامدهای منفی، افزایش ترافیک و کمبود جای پارک است.

**واژه‌های کلیدی:** تأثیرات اجتماعی، تأثیرات فرهنگی و بوستان گلابدره.

شکل‌گیری پیامدهای هر اقدام توسعه‌ای به ماهیت آن، چگونگی اجرا، میزان انطباق آن با نیازها و انتظارات اجتماع محلی، هدف پروژه و نگرش‌ها، واکنش‌های اجتماع محلی، میزان مشارکت و استفاده آنها از خدمات و برنامه‌های پروژه، تعاملات و واکنش‌های سایر نهادها، گروه‌ها و افراد ذی‌نفع و ذی‌مدخل بستگی دارد. با توجه به عوامل و شرایط یادشده، ممکن است در روند اجرای پروژه، نحوه پذیرش اجتماعی پروژه از سوی ذی‌نفعان اصلی و سایر متأثران پروژه و تحقق اهداف و نتایج پیش‌بینی شده و قابل انتظار آن، برخی موانع و آسیب‌ها به وجود آید و پیامدهای منفی و عوارض ناخواسته‌ای در حین اجرای پروژه یا متعاقب آن شکل گیرد. این امر، ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه را ضروری می‌سازد. در یک تعریف کلی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، فرایند تحلیل، نظارت و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته اجتماعی (مثبت یا منفی) رخدادهای برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و همچنین پیامدهای خواسته و ناخواسته هر فراگرد تغییر اجتماعی را شامل می‌شود (Vanclay, 2003: 6).

از فواید ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی می‌توان «کمک به توسعه پایدار و همه‌جانبه، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش محرومیت و توسعه برابری اجتماعی درون نسلی و بین‌نسلی، افزایش بازدهی مداخلات توسعه‌ای، استفاده بهینه از منابع، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی و همچنین پیشگیری از مسائل اجتماعی و فرهنگی را برشمرد» (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۳).

امروزه مفهوم «شهرها» بدون فضای سبز مؤثر در اشکال گوناگون آن دیگر قابل تصور نیست. پیامدهای توسعه شهری و پیچیدگی‌های معضلات محیط‌زیستی آنها، موجودیت فضای سبز و گسترش آن را برای همیشه اجتناب‌ناپذیر کرده‌اند. توجه به فضای سبز به طور عام به عنوان ریه‌های تنفسی شهرها، تعریف اغراق‌آمیزی از کارکرد آن نیست، بلکه این بیانگر حداقل کارکرد آن در مفهوم اکولوژیک شهرها به شمار می‌رود. این فضاها هم از دیدگاه تأمین نیازهای محیط‌زیستی شهرنشینان و هم از نظر تأمین فضاهای فراغتی و بستر ارتباط و تعامل اجتماعی آن، جایگاهی درخور اهمیت دارد. آلودگی‌های ناشی از صنایع و فناوری، شهرها را به جهنمی برای ساکنان آن تبدیل کرده است. همچنین توسعه بی‌رویه شهرها به صورت افقی و عمودی باعث تخریب طبیعت شده است. طبیعت و فضای سبز که سال‌ها به عنوان قلب تپنده زیستگاه‌های بشری ایفای نقش می‌کرد و بهترین محل و موقعیت ایجاد شهرهای نخستین بود، بایستی توجهی ساکنان شهر، رو به افول

و نابودی گذاشته است. با توجه به این بحران‌ها که روز به روز شهرها را تهدید می‌کند، مانند آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های هوا و فشا‌های روانی که در نتیجه زندگی در میان ازدحام ساختمان‌های سنگی و ترافیک‌های شدید و تردد انواع وسایل حمل و نقل تشدید می‌شود، لزوم توجه به نیازهای این جمعیت عظیم شهری احساس می‌گردد. بنابراین تراکم و افزایش جمعیت و تمرکز آن در سطح منطقه‌ای، اثرات مستقیم بر کیفیت محیط زیست دارد. یکی از مهمترین کارکردهایی که توسعه فضاهای خدماتی می‌تواند به همراه داشته باشد، ایجاد شرایط بهینه برای گذران اوقات فراغت است. در جامعه ما هنوز نحوه گذراندن اوقات فراغت، طبقاتی است و معمولاً افراد کم درآمد به طور انفعالی فراغت خود را می‌گذرانند. بنابراین مسئولان و برنامه‌ریزان باید برای سامان‌دهی و پر کردن اوقات فراغت، برنامه‌ریزی و اقدامات مناسبی انجام دهند که متناسب با نیازها و سطوح مختلف اجتماعی-اقتصادی افراد جامعه باشد. شهرداری منطقه ۱ در راستای توسعه فضاهای فرهنگی در نظر داشت با تبدیل و توسعه تپه‌های گلابدره به کاربری بوستان و فضای سبز، سبب توسعه و ارائه خدمات به ساکنان محلات مجاور و همچنین منطقه ۱ و دیگر مناطق تهران باشد. با توجه به وسعت تپه‌های گلابدره و بلااستفاده بودن زمین‌های یادشده، امکان ساخت و ساز غیر مجاز و زمین‌خواری نیز در منطقه وجود داشت که شهرداری تهران با عملکرد صحیح از این اقدام جلوگیری نمود. همچنین این موضوع سبب تفاوت در نوع نگرش ساکنان محلات اطراف به شیوه گذران اوقات فراغت می‌شود.

با توجه به فضای فراغتی تعریف شده برای بوستان گلابدره، لازم بوده است مشخص گردد که آیا این مکان برای احداث بوستان مناسب بوده است و اینکه راه‌اندازی سورت‌مه، سینما پرواز و سافاری وحشت، زمین‌های بازی و وسائل ورزشی با توجه به اهداف تعریف شده برای بوستان، به چه میزان پاسخگوی نیازهای شهر است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد که در شمیران مرکزی، بزرگ‌ترین قلمرو فضای طبیعی در اختیار منطقه گلابدره و در واقع امامزاده قاسم است که مناطقی مانند آبک، وزیری، وزوا، میدان امامزاده قاسم، نخجوان، تپه نصیری کوهسار و کوهستان گل سنگ و حتی قله کلک چال متعلق به امامزاده قاسم (گلابدره) را شامل می‌شود. نکته جالب درباره محدوده امامزاده قاسم شمیران این است که ارزان‌ترین و گران‌ترین مناطق تهران در همین منطقه واقع شده است. در محدوده وزیری، خانه‌ها به صورت زورآباد بنا شده‌اند و فاقد هرگونه امکانات رفاهی مناسب است، اما در منطقه نخجوان، گران‌ترین

و زیباترین بناهای شهر وجود دارد که قیمت برخی از آنها قالبی نجومی دارد (که البته در مساحت‌های بالا هستند). از نظر آب و هوا می‌توان ادعا کرد که امامزاده قاسم و گلابدره در بهترین وضعیت قرار دارند. این در حالی است که بیشترین جمعیت در همین نقطه ساکن شده است (در شمیران مرکزی). قسمت‌هایی از این منطقه خانه‌های زورآبادانه، قسمتی خانه‌های کهن و سنتی (با عمری بیش از ۳۵۰ سال)، قسمتی خانه‌هایی با معماری سنتی شرقی و در قسمتی خانه‌هایی با معماری غربی و اروپایی (لوکس)، همه و همه در فاصله‌های اندکی از هم قرار دارند. این نشان‌دهنده تفاوت وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بین اهالی محلات اطراف بوستان گلابدره است و این امر خود نیز تعارضی را بین ساکنان محلات اطراف بوستان با کاربران بوستان به وجود می‌آورد. بنابراین با توجه به شرایط موجود و وجود تعارض‌های اجتماعی - فرهنگی، به طور کلی پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث بوستان گلابدره کدامند؟

### پیشینه پژوهش

در بررسی «ارزیابی تأثیرات اجتماعی - فرهنگی بوستان گلابدره» که مؤسسه جهان کتاب در سال ۱۳۹۳ انجام داده است، پیامدهای احداث بوستان به این گونه برآورد شده است: پیامدهای منفی برآورد شده حاکی از وجود ناامنی و عدم امنیت در حین استفاده از خدمات بوستان‌ها به‌ویژه بوستان دربند، استفاده افراد خلافکار و ناسالم از مجتمع، کاهش استقبال افراد از بوستان، وجود آسیب‌های جسمانی برای مراجعان است. پیامدهای مثبت ارزیابی شده شامل موارد زیر است: تکمیل‌کننده اوقات فراغت شهروندان، افزایش اشتغال و مشارکت افراد، افزایش سلامت جسمانی شهروندان، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش رضایت عملکرد شهرداری و توسعه گردشگری و حفظ فرهنگ بومی در محله گلابدره است.

نتایج پژوهش علی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که توسعه و سامان‌دهی پارک جنگلی سرخه حصار بر امنیت اجتماعی پارک تأثیرگذار بوده است و منجر به افزایش سطح امنیت در پارک جنگلی سرخه حصار نسبت به دوره قبل از سامان‌دهی شده است. پی‌آمدهای اجتماعی این پروژه اغلب مثبت بوده، نیازمند ملاحظات است که در طرح جامع پارک و سند چشم‌انداز منطقه تعیین شده است.

سوزنچی و تریوه (۱۳۹۰) در بررسی «بازطراحی بوستان‌های محله‌ای با تأکید بر توسعه روابط اجتماعی میان ساکنان محله» عنوان کردند که از جمله عوامل

مؤثر در جذب مردم به فضای پارک، در دسترس بودن و داشتن دعوت کنندگی و افزایش مدت زمان حضور افراد در پارک مانند آسایش فیزیولوژیک، برقراری امنیت، تحریک احساسات مخاطب و تسهیل برقراری روابط و تعاملات اجتماعی بین افراد مانند وجود محل تجمع، جریان داشتن فعالیت‌های مختلف، نحوه چیدمان فضاهای نشستن و غیره است.

هدایتی اقمشه‌دی، قربانی و زاهدی (۱۳۹۴) در «ارزیابی اثرات محیط‌زیستی احداث پیاده‌راه پل طبیعت و بهبود عملکرد اکولوژیک آن در محدوده جغرافیایی منطقه ۳ تهران» نشان داد که احداث این پل از لحاظ زیست‌محیطی کاملاً تأیید شده است. همچنین در میان اثرات، بهبود عملکرد اکولوژیک منطقه، مهم‌ترین اثر و در بین پیامدها نیز بهبود شرایط کیفیت هوا و زیستگاه‌های گیاهی، مهم‌ترین پیامدها به شمار می‌آید.

امینیان و امینیان (۱۳۹۳) در «بررسی توسعه پایدار فضای سبز شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری» نشان دادند که بین مدیریت یکپارچه شهری و کاهش اثرات منفی توسعه فضای سبز و در نتیجه رسیدن به فضای سبز پایدار شهری، رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین عنوان کردند که با توجه به رشد روزافزون شهرنشینی که ساختار اکولوژیکی شهرها را دستخوش تغییرات وسیعی نموده است، نیاز به ایجاد و توسعه فضاهای سبز شهری به عنوان مهم‌ترین تعدیل‌کننده‌های زیست‌محیطی شهری، بیشترین اهمیت را پیدا کرده است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۲) در «بررسی اهمیت فضای سبز در کنترل و کاهش آلودگی هوای شهری»، مهم‌ترین کارکردهای فضای سبز درون و برون شهرها را در موارد زیر خلاصه کردند: جذب دی‌اکسید کربن و سایر گازهای سمی و تولید اکسیژن، تعدیل و بهبود شرایط آب و هوایی شهرها، کاهش آلودگی صدا، بهبود روحیه افراد، جلوگیری از فرسایش آبی و بادی خاک، تصفیه فاضلاب و... ابراهیم‌زاده و حاتمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر عملکرد مدیریت فضای سبز شهری و بازده اجتماعی - توسعه‌ای آن در شهر ایزده»، پس از بررسی کمی و کیفی فضای سبز شهری، نتیجه گرفتند که کمبود شدید فضای سبز در شهر ایزده، محسوس است و لازم است فضای سبز شهری و کارکردهای فضایی - مکانی آن در این شهر به منظور ارتقای بازده اجتماعی و توسعه‌ای آن، مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

هندیانی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی «نقش مشارکت شهروندان در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری و راهکارهای آن (مطالعه موردی اراضی عباس‌آباد)» به این نتایج دست یافتند که در مشارکت‌های مالی، ۵۲/۹ درصد پاسخگویان



پرداخت به موقع عوارض، در مشارکت اجرایی، ۷۹/۸ درصد پاسخگویان مشارکت در پاک‌سازی پارک‌ها، در مشارکت فکری ۶۹/۱ درصد پاسخگویان مشارکت در نیازسنجی‌ها و در مشارکت ارزیابی ۴۹/۷ درصد پاسخگویان مشارکت در ارزیابی عملکرد و فعالیت‌ها را بر مشارکت در حفظ و نگهداری از فضاهای سبز مؤثر دانسته‌اند. نتایج حاصل از این مقاله بیانگر این است که در سطح ۹۹ درصد اطمینان متغیرهای مشارکت مالی، مشارکت اجرایی، مشارکت فکری و مشارکت در ارزیابی بر مشارکت در حفظ و نگهداری از فضاهای سبز شهری مؤثر است.

### مبانی نظری و چارچوب نظری پژوهش

ارزیابی اثرات محیط‌زیستی در بسیاری از کشورها به یک رویه و رویکرد در برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی تبدیل شده و به عنوان ابزار مدیریت محیط‌زیست در سطح وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته است. اما این رویکرد بیشتر بر اهداف اقتصادی و محیط‌زیستی متمرکز است و به اثرات اجتماعی و فرهنگی مانند کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی کمتر توجه می‌کند. ارزیابی اثرات اجتماعی که البته سابقه کمتری نسبت به ارزیابی اثرات محیط‌زیستی در برنامه‌ریزی توسعه کشورها دارد، می‌کوشد به این پرسش راهبردی پاسخ دهد که توسعه تا چه اندازه با جامعه سازگار، دادگرانه و پایدار است و چگونه برای بازسازی معیشت و بهبود رفاه اجتماعی گروه‌زبانی از مردم تلاش می‌کند؟ بنابراین در انا، بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی، اولویت بیشتری دارد و از همین رو به اصول توسعه پایدار و یکپارچه نزدیک‌تر است (ونکلی به نقل از کرمی و رضایی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۷۲).

با توجه به ماهیت و اهداف پروژه مورد بررسی و این امر که امروزه بوستان‌ها از عمده‌ترین مراکز گذران اوقات فراغت در شهرها به شمار می‌روند، از آن جهت که عمومی‌ترین و شاید کمهزینه‌ترین انواع آن باشند، در بررسی روند تاریخی، ضرورت یافتن فضای سبز در شهرها و توجه به نقش فضاهای شهری در رفع نیازهای شهروندان و سهمی که گروه‌ها و افراد مختلف از این فضاها در اختیار دارند، ابتدا باید به تعریفی از فضا و استفاده از آن پرداخته شود. قدر مسلم مفهوم فضا، مفهومی انتزاعی و پیچیده به نظر می‌آید. «اگر فضا را بیش از هر چیز به مثابه مکانی خالی و تهی در نظر بگیریم، تنها می‌توانیم آن را در حضور اشیا و پر بودن آن به طور نسبی درک کنیم» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). به گفته هال، «هر کالبد با ورود به درون یک فضا به نوعی وادار به اطاعت و تبعیت از آن می‌شود و فضا به نوعی آن را به تملک خود درمی‌آورد؛ تملکی که می‌تواند به شکلی دوسویه درآید» (هال، ۱۳۷۶: ۵۴۷-۵۵۰). ما با ورود و حرکت در فضا در واقع جزئی از آن می‌شویم و متقابلاً فضا به همراه نشانه‌هایش که

حاصل وجود کالبد‌های دیگر در آن است، جزئی از خاطره تملک یافته ما می‌شود. «تجربه فضا نیاز به نگرستن و در آن واحد حرکت در آن فضا دارد و نباید از خاطر برد که این حرکت فیزیکی را همزمان به حرکت ذهنی و انباشت‌های فکری و ذهنیت‌ها متصل کرده، سبب تألیف‌های عاطفی و واکنش‌های رفتاری می‌شود» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۲).

هانری لوفور نیز «فضا را نه یک پدیده طبیعی یا استعلایی، بلکه یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی می‌داند. در واقع فضا از یکسو تجربه حافظه تاریخی ماست و از دیگر سو، تجربه زندگی روزمره ما» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). با این وصف، منبعی از قدرت که بتواند حرکت فیزیکی و ذهنی ما را تحت کنترل بگیرد و هدایت کند، می‌تواند بر درک از فضا و تأثیرپذیری ما از آن تأثیر بگذارد. «فضاهای شهری به دلیل سیاسی بودن ذاتی خود (یعنی حضور همه‌جانبه و بازنمودهای قدرت سیاسی در آنها)، چنین خاصیت هدایت‌کننده و دستکاری‌کننده‌ای بر تجربه فضا دارند» (همان: ۲۳۲). کوین لینچ، پنج عامل سازنده را برای فضاهای شهری برمی‌شمرد: راه‌ها، مرزها که حد فاصل دو یا چند فضای شهری‌اند، محله‌ها که دارای تجانس شکلی یا کاربری هستند، گره‌ها یعنی نقاط استراتژیک تقاطع‌ها و نشانه‌ها که نقاط دارای تراکم مشخصی از معانی نشانه‌شناختی در مجموعه نشانه‌های شهری هستند. هدف باید رسیدن به توازنی میان این عوامل باشد تا شهروند بتواند به خوبی خود را در شهر باز یابد و به آن احساس تعلق کند. این امر را می‌توان به نوعی یک هویت شهری به حساب آورد (لینچ، ۱۳۷۴: ۳۷).

با گسترش شهرنشینی و توجه بیشتر و نیاز حیاتی به پدیده‌ای به نام اوقات فراغت، هر روزه شاهد ابداعات، اختراعات، برنامه و وسائل متعددی برای پر کردن این اوقات هستیم. به گفته برتراند راسل، آخرین دستاورد تمدن، توانایی انسان در پر کردن هوشمندانه ايام فراغت است (کلی، ۱۳۷۳: ۲۵). فضاهای سبز از یکسو موجب بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهرها می‌شود و از سوی دیگر، شرایط مناسبی را برای گذران اوقات فراغت شهروندان تعبیه می‌کند. علاوه بر اینها، عملکردهای کالبدی نیز دارد. فضای سبز شهری به عنوان بخش جاندار محیط شهری، مکمل بخش بی‌جان شهر، یعنی ساختار کالبدی شهر است.

یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت محیط هر شهر، وجود فضاهای سبز عمومی است؛ فضاهایی که شهروندان بتوانند با ایمنی و آسایش خاطر با هم به گفت‌وگو پردازند. اهمیت این مسئله تاحدی است که امروزه توجه به فضاهای سبز شهری و اعمال سیاست‌هایی که مردم شهرها را از مشکلاتی

مانند یأس و ناامیدی برهاند و باعث ارتباط با فضاهای سبز و محیط گردند، از مهمترین وظایف نهادهای شهری است. در واقع از جمله شاخص‌های مهم توسعه پایدار، برنامه‌ریزی هوشمندانه اوقات فراغت بوده که در این زمینه، نقش فضاهای سبز بسیار مهم است (صالحی فرد و حسن‌آبادی به نقل از سوزنچی و تریوه، ۱۳۹۰: ۱۰۸). فضای سبز از دو جنبه جسمی و روحی بر سلامتی افراد تأثیرگذار است. فضای سبز در نزدیکی محل سکونت، فعالیت‌های فیزیکی را به صورت منظم افزایش می‌دهد (Abraham & et al, 2009: 55). همچنین فضای سبز از طریق پالایش آلودگی هوا و دیگر فواید زیست‌محیطی خود، تأثیر قابل توجهی بر سلامتی انسان می‌گذارد. علاوه بر آن، فضاهای سبز از طریق ایجاد آرامش روحی و روانی، کاهش استرس، کاهش احساس تنهایی و افزایش امید به زندگی، در کاهش اثرات سوء شهرنشینی بر روح و روان انسان‌ها مؤثر هستند. کنش اجتماعی، ساده‌ترین عنصر زندگی مشترک انسانی است. کنش اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دستیابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می‌دهد. افراد، نیاز ذاتی به برقراری رابطه اجتماعی دارند و به همین دلیل، موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت محسوب می‌شود. فعالیت‌هایی مانند تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با ایجاد زمینه‌های اجتماع‌پذیری، به رشد فردی انسان کمک می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۷). توسعه روابط و تعاملات اجتماعی، آثار مثبت فراوانی به همراه دارد که در ادامه به دو اثر شاخص و مهم آن، یعنی تولید سرمایه اجتماعی و ایجاد حیات جمعی پرداخته می‌شود.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی در برگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای گروه یا جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آن‌ها را به سوی دستیابی به هدفی هدایت می‌نمایند (براتی و یزدان پناه شاه‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۷). به طور کلی ارتباط سازنده‌ای بین مفهوم سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی و اجتماعی وجود دارد و همافزایی این مفاهیم با سرمایه اجتماعی به اثبات رسیده است. به عبارت دیگر مشارکت از متغیرهای بررسی اجتماعی است. بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب کاهش

جدی هزینه‌های ادارهٔ جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها شود (بانک جهانی به نقل از منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷، ۱۴۷-۱۴۸).

حیات جمعی: حیات جمعی، فرصتی برای رها شدن از تنش‌های زندگی روزمره، گذراندن اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور و آزادی بیان در فضا است. حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه‌های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه‌پذیری بیشتر و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲).

در این مطالعه از رویکرد توسعه پایدار که تأکید خاصی بر رشد و توسعهٔ موزون کمی و کیفی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد، در غالب نظریه‌های ساختی - کارکردی و سرمایه اجتماعی استفاده شده است. منطق کلی این رویکرد آن است که اجزای جامعه در کنشی متقابل با یکدیگر بر یکدیگر تأثیر گذارده، همدیگر را حمایت می‌کنند. بنابراین ضعف یکی سبب عدم کارایی بخش‌های دیگر می‌شود. از این‌رو در رویکرد توسعهٔ قدیم که توسعه‌ای ناموزون و تنها متوجه بخش‌های سخت‌افزاری و اقتصادی بوده، بخش‌های نرم‌افزاری توسعه دچار عقب‌ماندگی شده، در نتیجه توسعه پایدار اتفاق نمی‌افتاد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۳).

رویکرد توسعه پایدار، تأکید خاصی بر به کارگیری نیروهای اقتصادی، اجتماعی، انسانی و سیاسی در جهت رفع نیازهای نسل امروز و آینده دارد و در کنار توجه به توسعه اقتصادی جوامع، توجه خاصی به توسعه قابلیت‌های انسانی همچون سلامتی، مهارت و استفاده از این قابلیت‌ها در افزایش درآمد، اوقات فراغت، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد که این بخش اخیر (توسعه انسانی) در گرو مردم‌گرایی و فنون مشارکتی است، تا مردم احساس بیگانگی به جریان‌ات توسعه نداشته باشند. در واقع در این الگو، اعتقاد بر این است که این خود مردم‌اند که مسیر تحولات و سمت و سوی برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۹۰). همان‌گونه که پیتراو کلی معتقد است که رویکرد توسعه، رویکردی تلفیقی است که هم نگاه علمی - اثباتی و هم تفسیری نسبی‌گرا به پدیده‌های اجتماعی دارد و در این راه از رویکردهای مختلف نظری استفاده می‌کند. به‌خصوص در مسائل

شهری با موضوعی ساختی - کارکردی با مسائل - روبه‌رو می‌گردد (ابراهیم‌پور و مصطفوی، ۱۳۸۷: ۲۷-۴۹). از این‌رو تأکید ویژه بر ساختار محلی، کارآمدی و اثربخشی اقدامات توسعه‌ای، ایجاد و تقویت اعتمادسازی و انگیزش‌های مشارکتی در شهروندان، ایجاد و حفظ الگوهای ارزشی، رضایتمندی و احساس چسبندگی اجتماعی تمام اقشار جامعه و در نهایت مشروعیت نظام حاکم دارد؛ چراکه تنها در چنین شرایطی، جامعه می‌تواند در مواقع بحرانی بقا یافته، خود را بازتولید و ترمیم نماید و نظام حاکم مدیریتی کارآمدتر داشته و در صحت و سلامت، آرزوها و اهداف خود و مردم خود را برآورده نماید (تنهایی، ۱۳۸۷: ۷۰). کارکردگرایی در این رابطه به مطالعه کارکردهای مختلف احداث بوستان گلابدره در توسعه شهری و بالابردن کیفیت زندگی شهری و ایجاد رضایت شهروندی و تأثیرش بر مدیریت شهری، سلامت جسمی و روحی شهروندان، ارتقای زیرساخت‌های منطقه و با ارزش شدن اراضی منطقه و... می‌پردازد. پیامدهای شناسایی‌شده در مدل مفهومی پژوهش حاضر در قالب سه مقوله اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی، از هر یک از رویکردهای نظری مطرح‌شده طراحی شده است. با توجه به مطالب ارائه‌شده در بخش ادبیات پژوهش، مبانی نظری و چهارچوب نظری تئوریک و با بهره‌گیری از اصل کارکردگرایی ساختاری در پرتو نظریه کلان توسعه پایدار می‌توان مدل زیر را به عنوان مدل مفهومی پژوهش ارائه نمود:



شکل شماره ۱: مدل مفهومی طرح

## روش‌شناسی

رویکرد اصلی پژوهش بر اصول ارزیابی تأثیر اجتماعی استوار است. ارزیابی تأثیر اجتماعی، زیرمجموعه‌ای از علوم اجتماعی است که دانش لازم را برای تحلیل منظم تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی بر کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماع‌هایی که محیطشان تحت تأثیر است، فراهم می‌کند. تأثیرات اجتماعی به تغییراتی اشاره دارد که اقدام پیشنهادی در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آورد و شیوه زندگی، کار، تفریح و روابط افراد با یکدیگر، نحوه برآوردن نیازهایشان و به طور کلی شیوه انطباقشان به عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد (بارج و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷). همچنین روش پژوهش حاضر از نوع آمیخته یا ترکیبی است. «روش ترکیبی، نوعی روش عملگراست که تلاش می‌کند با ترکیب روش‌های کیفی و کمی نگر به صورت‌های همزمان، زنجیره‌ای یا چند مرحله‌ای به درک بهتر و جامع‌تری از مسئله پژوهش دست یابد» (میرزایی، در دست چاپ).

در بخش اسنادی، مدارک و اطلاعات موجود درباره مکان مورد مطالعه و پروژه مورد نظر گردآوری شده است و در بخش میدانی نیز وضع موجود در قالب مصاحبه‌های اکتشافی، مشاهده و بررسی کاربری‌های عمده، شناسایی گروه‌های مردمی و در نهایت با اجرای پرسشنامه‌های مورد نظر ختم شد. در واقع در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها هم از رویکرد کمی و هم از رویکرد کیفی استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه اسناد موجود درباره منطقه ۱ شهرداری تهران (شامل اطلاعات حاصل از سرشماری، طرح‌های پژوهشی، مطالعات شهرداری، طرح تفصیلی، طرح توجیهی پروژه و...)، کلیه ساکنان محله گلابدره و دربند در منطقه ۱ شهرداری تهران و کلیه مراجعان به بوستان گلابدره که از میان آنها سیصد نفر به عنوان نمونه انتخاب شد و نیز کلیه مدیران محلی و نهادهای ذی‌نفع همچون شورایی‌های محله، کلیه نهادهای سازمان‌های مستقر در ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۱ بودند که به صورت هدفمند انتخاب و مصاحبه شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده بوده است که از این میان پرسشنامه که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا (ضریب CVR) با میانگین ۷۸/۳ درصد و پایایی آن از طریق پایایی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) با میانگین ۰/۸۹۷ محقق شد، برای ساکنان، کاسبان و مراجعان و مصاحبه نیز از برندگان و بازندگان حقیقی و حقوقی و پیمانکاران طرح و مسئولان شهرداری منطقه ۱ صورت گرفت. همچنین مشاهده با حضور در محل پروژه بوستان گلابدره انجام شد.



شکل شماره ۲: محل قرارگیری بوستان گلابدره

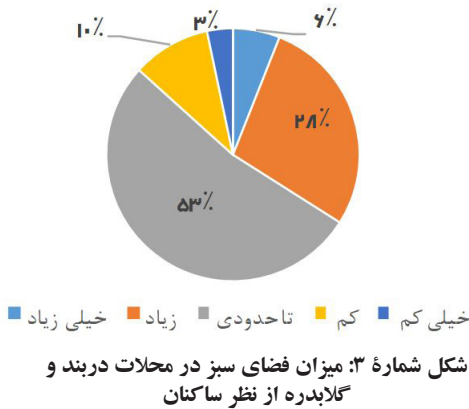
مکانی که برای پروژه بوستان گلابدره در نظر گرفته شده است، در گذشته متعلق به منابع طبیعی و مسئولیت نگهداری آن نیز برعهده این سازمان بوده است. پس از انجام هماهنگی‌هایی، شهرداری منطقه ۱ تهران برای جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیر مجاز بر تپه گلابدره، تصمیم بر این امر گرفته شد تا این مکان به بوستان، تغییر کاربری دهد و مورد استفاده اهالی محلات گلابدره و دربند و همچنین دیگر ساکنان منطقه ۱ و شهر تهران قرار گیرد.

مساحت کل بوستان کوهپایه‌ای گلابدره حدود ۲۲ هکتار است که بیش از ۷ هکتار آن در فاز اول محوطه‌سازی شده و به بهره‌برداری رسیده است.

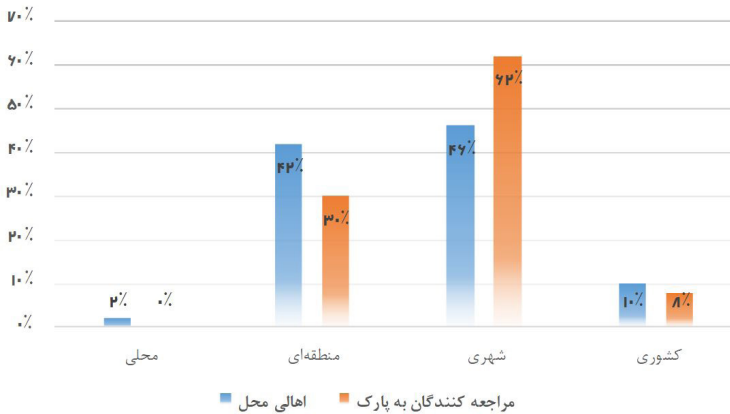
### یافته‌های پژوهش

فضاهای سبز شهری می‌توانند به عنوان بسترهای مناسبی برای توسعه روابط اجتماعی و ارتقای ارزش‌های فرهنگی جامعه استفاده شوند. بنا بر نظر صالحی فرد و همکاران، عملکردهای اجتماعی - فرهنگی فضای سبز شهری بدین شرح است: ۱- کسب و شناخت برخی از شاخص‌های اجتماعی (هنجارها، ارزش‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و...); ۲- اجتماعی شدن افراد و پیدا کردن دوستان جدید و پر کردن تنهایی; ۳- گسترش فرهنگ شهری و حقوق شهروندی; ۴- شکل‌گیری انجمن‌های هنری، ورزشی، فرهنگی در قالب NGOها; ۵- برگزاری دوره‌های آموزشی، تحقیقاتی، جشنواره‌ها، شب شعرها و... ۶- انتشار افکار و عقاید ارزشی (ارزش‌های فرهنگی، خرده فرهنگ‌ها و...) (صالحی فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۱). علاوه بر اینها، مهم‌ترین کاربری فضاهای بوستانی برای مردم، قالبی فراغتی دارد و یافته‌های حاصل از این مطالعه نیز مؤید همین امر است که به صورت پی‌آیند مطرح می‌شود.

همان‌گونه که شکل ۳ نشان می‌دهد، وضعیت فضای سبز محلات دربند و گلابدره از دیدگاه ساکنان محلات تاحدودی مناسب است و این واقعیت را تاحدود زیادی می‌توان به ساخته شدن و راه‌اندازی بوستان گلابدره نسبت



داد. بنا بر گزارش‌های ناحیه ۳ منطقه ۱، شهرداری تهران امکان تفریحی بی‌شماری دارد که معمولاً مناطق طبیعی اکثر آنها را تشکیل می‌دهد: قله، منطقه وزوا (کوهستانی)، رودخانه گلابدره، جنگل‌داری، منطقه گلسلک، باغ ملک، دامنه البرز چال، سد وزوا (مکانی برای ماهیگیری)، بوستان امامزاده قاسم، باغچه، گلستان و قبرستان تاریخی امامزاده قاسم و بسیاری دیگر.



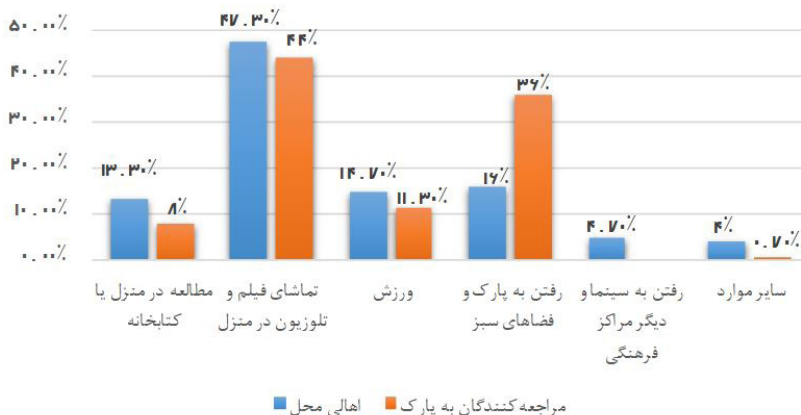
از نظر اهالی محلات گلابدره و دربند و مراجعه‌کنندگان به بوستان، حوزه نفوذ بوستان گلابدره، شهری است و از نظر آنها، تمام ساکنان شهر تهران به بوستان مراجعه کرده، از امکانات داخل بوستان استفاده می‌کنند. حوزه نفوذ بوستان حتی می‌تواند فراشهری نیز باشد. در منطقه و محلات اطراف بوستان با نصب بنرهای تبلیغاتی، بوستان و سورت‌مه به مردم معرفی شده است. بنا بر نظر مدیر محله گلابدره، «حوزه نفوذ بوستان فرامنطقه‌ای است و این امر می‌تواند تأثیر بسیاری بر فرهنگ و اجتماع محله گلابدره داشته باشد. اما از سویی می‌تواند آسیب اجتماعی هم داشته باشد که از جمله می‌توان به مشکل مواد مخدر و مسائل اخلاقی در بوستان اشاره نمود. علاوه بر آن عدم



شبهات بین ساکنان محله و مراجعان به‌ویژه از نظر اجتماعی - فرهنگی و حتی اقتصادی و با توجه به دامنه تغییر زیاد بین ساکنان و مراجعان مرفه و غیر مرفه به بوستان نیز ممکن است کمی مشکل آفرین باشد و منجر به درگیری و تناقض بین آنها شود».

### تغییر الگوی رفتار خانواده

بنا بر نظرسنجی انجام شده میان اهالی محلات گلابدره و دربند و مراجعه کنندگان به بوستان گلابدره، بیشتر افراد (بیش از ۴۰ درصد افراد پاسخگو) اعلام نموده‌اند که در زمان اوقات فراغت به تماشای تلویزیون و فیلم در منزل می‌پردازند و تنها تعداد معدودی از اهالی محلات گلابدره و دربند اعلام کرده‌اند که در زمان فراغت به بوستان می‌روند. در بین مراجعه کنندگان، ۳۶ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که در زمان فراغت، به بوستان یا پارک و یا هر فضای سبزی مراجعه می‌کنند. همچنین بنا بر نظر مدیر محله گلابدره، «برنامه‌های خاص و امکانات تفریحی‌ای برای گذران اوقات فراغت مراجعه کنندگان و اهالی محلات مجاور در بوستان وجود دارد. همچنین امکاناتی برای کودکان در نظر گرفته شده است». مدیر محله دربند نیز اظهار داشتند که «مردم دربند از خود بوستان راضی هستند، چون بوستان مکانی برای تفریح آنها در زمان اوقات فراغت است».



شکل شماره ۵: گذران اوقات فراغت اهالی محلات دربند و گلابدره و مراجعه کنندگان به بوستان

بوستان‌ها و فضاهای سبز، نقش بسیار مهمی در زندگی ساکنان شهرهای بزرگ که کمتر در تماس با سیستم محیط‌زیست طبیعی هستند، دارند. این فضاها، مکان‌هایی برای فعالیت‌های اجتماعی، تفریحی و تفرجی، فرهنگی و

آموزشی و بهداشت و سلامت هستند. بوستان گلابدره با وجود امکانات و دوری از فضای شهری و قرار گرفتن در دامنه کوه می‌تواند تأثیر بسزایی در سلامت و احساس سلامتی افراد داشته باشد.

ساخت بوستان گلابدره باعث می‌گردد که افراد زیادی برای استفاده از بوستان و امکانات آن مراجعه کنند. این امر می‌تواند به برقراری ارتباط و افزایش تعاملات اجتماعی و فرهنگی اهالی محله با خودشان و با محلات دیگر و همچنین شناخت اهالی محله از یکدیگر و اطلاع از وضعیت همدیگر منجر شود. هرچه تعاملات اجتماعی و فرهنگی در محله بیشتر گردد، انسجام اجتماعی و مشارکت مردمی در فعالیت‌ها و مسائل مربوط به محله بیشتر می‌شود. این امر به حمایت اهالی از طرح‌های کاربردی و ارتقای می‌انجامد. همچنین تعاملات به وجود آمده بین اهالی محلات مجاور بوستان با مراجعه‌کنندگان به بوستان از سایر نقاط شهر منجر به تبادلات فرهنگی خواهد شد.

#### کاهش ساخت‌وسازهای غیر مجاز و زمین‌خواری

کاهش ساخت‌وسازهای غیر مجاز و زمین‌خواری در محدوده اشاره شده (به واسطه نظارت شهرداری) و کاهش زمین‌خواری (به واسطه تغییر کاربری زمین و ایجاد کمربند سبز در دامنه کوه) با توجه به مصاحبه‌های انجام شده در محدوده مورد اشاره، شبانه بوده و در مدت زمانی بسیار کوتاه ساخت‌وساز صورت می‌گرفت و اگر بوستان ساخته نمی‌شد، ممکن بود اینگونه ساخت‌وسازها تا چند سال دیگر کل محدوده را در برمی‌گرفت.

شهرداری با احداث بوستان گلابدره، مانع از زمین‌خواری و ساخت‌وساز غیر مجاز در محدوده شده است و بنا بر اطلاعات گرفته‌شده، شهرداری برای تملک سازه‌های غیر مجاز، مبلغی را به ساکنان آن و همچنین تخریب آن پرداخت می‌نماید. در این باره برآورد برای هر سازه غیر مجاز، مبلغی حدود ۵۰۰ میلیون ریال در نظر گرفته شد که با توجه به متراژ محدوده ۲۲ هکتاری (۲۲۰,۰۰۰ مترمربع) و در نظر گرفتن ۲۰۰ متر مربع برای هر سازه، حدود ۱۱۰۰ سازه ساخته می‌شد که مبلغی بالغ بر ۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل پنجاه و پنج میلیارد تومان است که این هزینه‌ای است برای تملک و تخریب هر سازه غیر مجاز که از بودجه شهرداری برای انجام آن کسر می‌شود و با ساخت این مجموعه، این هزینه برای ساخت و احداث بوستان استفاده شده است.

ایجاد کمربند سبز، یکی از راهکارهای جلوگیری از ساخت‌وساز غیر مجاز و زمین‌خواری است. در واقع هدف اصلی ایجاد کمربند سبز در محدوده یادشده،

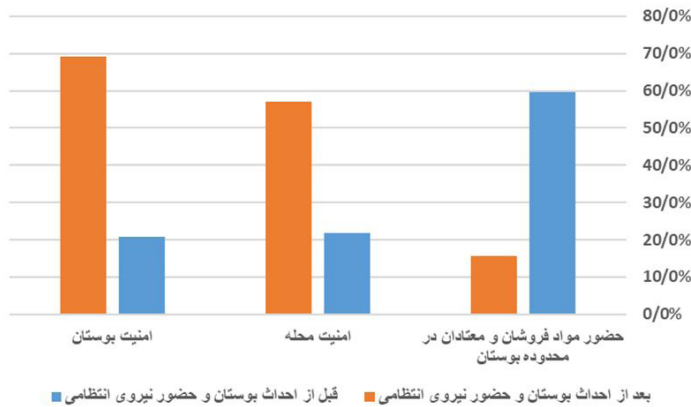
جلوگیری از انهدام اراضی قابل کاشت در دامنه کوه، جلوگیری از گسترش بی‌رویه افقی شهر و ساخت‌وسازهای غیر قانونی، تلطیف و پالایش هوای شهر و غربال گرد و غبار و بادهای ورودی به شهر، ایجاد چشم انداز زیبا و مفرح و ایجاد فضاهای تفرجگاهی و گردشگری، تثبیت خاک، افزایش پتانسیل ذخیره آب، تقویت سفره‌های زیرزمینی و جلوگیری از بروز خسارات ناشی از سیلاب‌ها و در نهایت بهره‌برداری اقتصادی با بازدهی مفید از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده است. در بوستان گلابدره، مجموعه تفریحی‌ای متشکل از سورتمه، سافاری وحشت و سینما پرواز وجود دارد. طبق گفته‌های رئیس اداره امور شهری و فضای سبز شهرداری منطقه ۱ و مدیر بوستان گلابدره، این مجموعه در حال حاضر در اجاره شرکت پیمانکار طرح است. اما در هر صورت این مجموعه، منبعی برای درآمدزایی است. با توجه به برآوردهای انجام‌شده، این مجموعه در نیمه اول سال ۱۳۹۴ به طور میانگین حدود ۱۰,۰۰۰ مراجعه‌کننده در ماه داشته است؛ یعنی حدود ۳۲۲ نفر در روز که این تعداد در روزهای عادی و تعطیلات و آخر هفته‌ها متغیر است که به طور میانگین هر مراجعه‌کننده در صورت استفاده از کل مجموعه، مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ ریال (معادل ۲۰,۰۰۰ تومان) پرداخت می‌کند که مجموع این مبلغ برای ۳۲۲ نفر در روز معادل ۶۴,۴۰۰,۰۰۰ ریال و در ماه ۱,۹۹۶,۴۰۰,۰۰۰ ریال است. این مبلغ برای نیمه اول سال است و بنا بر برآوردهای انجام شده برای نیمه دوم سال، مجموعه حدود ۵۰۰۰ نفر مراجعه‌کننده دارد که بنا بر سرمایه محدود در روزهای مختلف و روزهای تعطیل متفاوت است و بنا بر میانگین حدود ۱۶۶ نفر در روز است. مبلغ برآوردشده برای این تعداد مراجعه‌کننده در روز، معادل ۳۳,۲۰۰,۰۰۰ ریال و در ماه، معادل ۹۹۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد بود و مجموع آن در سال ۱۷,۹۵۴,۴۰۰,۰۰۰ ریال است.

بنا بر گفته‌های رئیس اداره امور شهری و فضای سبز منطقه ۱ شهرداری تهران، طرح ساخت بوستان گلابدره از سال ۱۳۹۰ توسط شهرداری و معاونت امور شهری و فضای سبز احداث بوستان صورت گرفته است. ایشان اظهار داشتند که یکی از دلایلی که این پارک و پارک آبک احداث شد، جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیر مجاز بوده است. در محله آبک، گاهی حتی زیر زمین نیز خانه ساخته می‌شد. سیاست دیگر، ایجاد کمر بند سبز جهت مهار ساخت‌وسازهای غیر مجاز است. پروژه آبک و گلابدره قرار است به هم متصل گردند. شهرداری با پرداخت هزینه‌هایی به ساکنان خانه‌های غیر مجاز محله گلابدره و آبک، این زمین‌ها را تصاحب کرده است و قصد ساخت بوستان را دارد.

قسمت بالای بوستان بالاتر از فاز ۲ و سورتمه را فانس کشی شده است تا مانع از ساخت و ساز غیر مجاز شود. ارتفاع بوستان گلابدره بیشتر از برج میلاد است و علاوه بر هوای پاک، منظره‌ای زیبا دارد. همچنین وجود گونه‌های خاص گیاهی چون اقاچیا، سرو و ارغوان در پارک قابل توجه است. دبیر شورایی محله عنوان کردند که بوستان به جهت جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز و زمین‌خواری و حتی تولید هوای سالم مفید است. خانه‌های مجاور پارک به طور غیر مجاز ساخته شده که از لحاظ ایمنی نیز ضعیف است که پس از ساخت بوستان از پیشروی این خانه‌ها نیز جلوگیری خواهد شد.

### کاهش خرید و فروش مواد مخدر و تأمین امنیت ساکنان محلات اطراف

با توجه به آنکه در سال‌های گذشته در بوستان گلابدره، امنیت کافی برای حضور مراجعه‌کنندگان به بوستان وجود نداشته است و در نتیجه تعداد افراد استقبال‌کننده از بوستان اندک بوده است و با توجه به نتایج پژوهش مؤسسه جهان کتاب و وجود پیامدهای منفی برآورد شده به ناامنی در زمان استفاده از خدمات بوستان گلابدره از سوی استفاده‌کنندگان اشاره شده است. در حال حاضر با ارائه تمهیداتی در فضای بوستان از جمله مستقر شدن یگان ویژه در مرکز بوستان گلابدره و افزایش تعداد نورافکن‌ها در سطح بوستان و حفظ امنیت در سطح بوستان گلابدره، مشکلاتی که در گذشته وجود داشت، مرتفع شده است. تغییرات ایجاد شده همچنین از میزان خرید و فروش و مصرف مواد در بوستان کاسته است.



شکل شماره ۶: وضعیت امنیت بوستان و محله و حضور معتادان و موادفروشان

بنا بر نتایج نظرسنجی انجام شده در بین اهالی محلات گلابدره و دربند و مراجعه‌کنندگان به بوستان گلابدره، وضعیت امنیت محله و بوستان پس از احداث بوستان و حضور نیروی انتظامی در بوستان افزایش یافته و امنیت در

بوستان و محله برقرار است و همچنین حضور معتادان و موادفروشان کاهش یافته است.

مدیر محله گلابدره در زمینه مثبت بودن بوستان گلابدره عنوان کردند که قبل از احداث بوستان در زمین‌های بوستان، تنها تعداد کمی درخت خودرو وجود داشت که گروهی موادفروش در آنجا بودند که دستگیری و جمع‌آوری آنها سخت بود و مشکلاتی را برای اهالی محل به وجود آورده بود که با ساخت بوستان مشکل حل شد. همچنین تعدادی قهوه‌خانه بدون مجوز در پایین کوه نیز وجود داشت که مشکلات امنیتی بسیاری را به وجود آورده بود. ساخت بوستان به آبادی محله گلابدره و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کرده و باعث شده جوانان محله، محلی را برای تفریح و تجمع و گذران اوقات فراغت داشته باشند. البته در مورد بوستان و آبیاری درختان، کمبود آب وجود دارد. از نظر نورپردازی، کمی ضعیف است و بهتر است نور بوستان در شب بیشتر شود.

### نتیجه‌گیری

بوستان‌ها و فضاهای سبز، موهبتی برای شهروندان هستند. استفاده درست شهروندان از اینگونه فضاها موجب بهبود کیفیت زندگی و استفاده نکردن از آنها موجب تجمع افراد خلافکار، افزایش جرایم و انحرافات خواهد شد که خود موجب بروز ناامنی اجتماعی خواهد شد. احداث بوستان گلابدره در حوزه مداخله روی مراجعه‌کنندگان به بوستان از لحاظ سلامتی، نشاط و گذران اوقات فراغت و دوری از هیاهوی شهر تأثیرگذار است. در حوزه بلافصل بر ساکنان محلات گلابدره و دربند و حتی امامزاده قاسم از لحاظ داشتن منظره‌ای زیبا، امنیت در محل، تغییر در قیمت زمین و املاک و روی رانندگان تاکسی و کاسبان محل از لحاظ کسب و کارشان و در نهایت در حوزه فراگیر کل منطقه ۱، مناطق مجاور و شهر تهران از لحاظ تأثیر بر آلودگی هوا و صدا، استفاده افراد از محیط بوستان و امکاناتی چون سورت‌مه، سافاری وحشت و سینما پرواز تأثیرگذار بوده است. از آنجا که بوستان گلابدره با وجود امکاناتی همچون سورت‌مه، سافاری وحشت و سینما پرواز و همچنین فضای بسیار بزرگ با مساحتی حدود ۲۷ هکتار و قرار گرفتن در دامنه کوه و داشتن هوایی سالم و پاک و دور از هیاهوی شهر و نزدیکی منطقه توریستی دربند، مکانی مناسب برای جذب مراجعه‌کنندگان از سطح شهر تهران به این بوستان است، حوزه نفوذ بوستان گلابدره را می‌توان فرامنطقه‌ای و در مواردی فراشه‌ری دانست.

همچنین با توجه به پژوهش مؤسسه جهان کتاب و وجود پیامدهای منفی برآوردشده مبنی بر وجود ناامنی در حین استفاده از خدمات بوستان‌ها به‌ویژه

بوستان دربند، استفاده از مجتمع توسط افراد خلاق و ناسالم، کاهش استقبال افراد از بوستان، و بروز آسیب‌های جسمانی برای مراجعان، در حال حاضر با ارائه تمهیداتی در فضای بوستان از جمله مستقر شدن یگان ویژه در مرکز بوستان گلابدره و افزایش تعداد نورافکن‌ها در سطح بوستان و حفظ امنیت در سطح بوستان گلابدره، مشکلاتی که در گذشته وجود داشته، مرتفع شده و در حال حاضر امکان استفاده از بوستان به راحتی وجود دارد.

همان‌طور که در این پژوهش مشخص شد، فضاهای سبز شهری می‌تواند به عنوان بسترهای مناسبی برای توسعه روابط اجتماعی و ارتقای ارزش‌های فرهنگی جامعه استفاده شود. از آنجا که کنش اجتماعی، ساده‌ترین عنصر زندگی مشترک انسانی است و بنا بر تعریف طالبی، کنش اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دستیابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می‌دهد. افراد نیاز ذاتی به برقراری رابطه اجتماعی دارند و به همین دلیل موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند (طالبی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت محسوب می‌شود. فعالیت‌هایی مانند تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با ایجاد زمینه‌های اجتماع‌پذیری، به رشد فردی انسان کمک می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

فضاهای سبز شهری، محیطی را فراهم می‌آورند که منجر به تعاملات اجتماعی افراد با یکدیگر می‌شوند. از این‌رو می‌توان گفت پارک‌ها و بوستان‌ها، فضاهایی هستند که باعث می‌گردند تا افراد ارتباط برقرار کنند. در واقع یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت محیط هر شهر، وجود فضاهای سبز عمومی است؛ فضاهایی که شهروندان بتوانند با ایمنی و آسایش خاطر با هم به گفت‌وگو بپردازند. اهمیت این مسئله تاحدی است که امروزه توجه به فضاهای سبز شهری و اعمال سیاست‌هایی که مردم شهرها را از مشکلاتی مانند یأس و ناامیدی برهانند و باعث ارتباط با فضاهای سبز و محیط گردند، از مهمترین وظایف نهادهای شهری است. در واقع از جمله شاخص‌های مهم توسعه پایدار، برنامه‌ریزی هوشمندانه اوقات فراغت بوده که در این زمینه، نقش فضاهای سبز بسیار مهم است (صالحی فرد و حسن‌آبادی به نقل از سوزنجی و تریوه، ۱۳۹۰: ۱۰۸). همچنین مهم‌ترین کاربری فضاهای سبز و بوستان برای مردم، قالبی فراغتی دارد که بر اساس نظریه جان. آر. کلی (۱۳۷۳) با گسترش شهرنشینی و توجه بیشتر و نیاز حیاتی به پدیده‌ای به نام اوقات فراغت، هر روزه شاهد ابداعات، اختراعات، برنامه و وسایل متعددی برای پر کردن این اوقات خواهیم بود. بر اساس نظریه هانری لوفور، فضا، پدیده‌ای طبیعی یا استعلایی نیست،

بلکه یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی است. همچنین فضاهای شهری به دلیل سیاسی بودن ذاتی خود (یعنی حضور همه‌جانبه و باز نمودهای قدرت سیاسی در آنها)، چنین خاصیت هدایت‌کننده و دستکاری‌کننده‌ای بر تجربه‌ی فضا دارند. از طرفی دیگر نیز کوین‌لینچ، پنج عامل سازنده را برای فضاهای شهری برمی‌شمرد: راه‌ها، مرزها که حد فاصل دو یا چند فضای شهری‌اند، محله‌ها که دارای تجانس شکلی یا کاربری هستند، گره‌ها یعنی نقاط استراتژیک تقاطع‌ها و نشانه‌ها که نقاط دارای تراکم مشخصی از معانی نشانه‌شناختی در مجموعه نشانه‌های شهری هستند. هدف باید رسیدن به توازنی میان این عوامل باشد تا شهروند بتواند به خوبی خود را در شهر باز یابد و به آن احساس تعلق کند. این امر را می‌توان به نوعی یک هویت شهری به حساب آورد. از این‌رو وجود یک بوستان به وسعت بوستان گلابدره، اهمیتی ویژه در بحث فضاهای شهری دارد. در واقع بوستان گلابدره قادر است که هویتی فراتر از منطقه داشته باشد و شهروندان را از نقاط دور شهر به خود جذب نماید.

## منابع

۱. ابراهیم‌پور، محسن و سید رضا مصطفوی (۱۳۸۷). ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌ها. تهران: دفتر مطالعات شهرداری.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی و داوود حاتمی (۱۳۹۳). «تحلیلی بر عملکرد مدیریت فضای سبز شهری و بازده اجتماعی توسعه‌ای آن در شهر ایذه». فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره سیزدهم، شماره ۴، صص ۳۱-۴۴.
۳. احمدی مسعود، نسترن و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی اهمیت فضای سبز در کنترل و کاهش آلودگی هوای شهری». سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و محیط‌زیست. تهران: دانشگاه تهران.
۴. امینیان، مهدی و محسن امینیان (۱۳۹۳). «توسعه پایدار فضای سبز شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری». ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد.
۵. بارج، رابل جی و دیگران (۱۳۹۱). مفاهیم، فرایند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی. تهران: جامعه و فرهنگ.
۶. براتی، ناصر و یزدان پنا شاه‌آبادی (۱۳۹۰). «بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)». جامعه‌شناسی فرهنگی. دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۵-۴۹.
۷. بکر، هنک و فرانک ونکلی (۱۳۸۸). راهنمای بین‌المللی برآورد پی‌آمدهای اجتماعی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۸. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۷). مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. گناباد: مرندیز.
۹. دانش‌پور، سید عبدالهادی و مریم چرخچیان (۱۳۸۶). «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی». مجله باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸.
۱۰. سوزنچی، کیانوش و سارا تریوه (۱۳۹۰). «بازطراحی بوستان‌های محله‌ای با تأکید بر توسعه روابط اجتماعی میان ساکنان محله». نقش جهان، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۹.
۱۱. صالحی فرد، محمد و دیگران (۱۳۸۹). «تحلیلی بر ابعاد اجتماعی فضاهای سبز شهری با تأکید بر دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)». دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، فضای جغرافیایی، شماره ۲۹، صص ۵۱-۹۴.
۱۲. طالبی، ژاله (۱۳۸۳). «روابط اجتماعی در فضاهای شهری». نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۶۱-۱۸۰.
۱۳. عباس‌پور، مجید و دیگران (۱۳۹۳). «تأثیر بوستان‌های شهری بر میزان انتشار ذرات معلق PM10 با استفاده از نرم‌افزار GIS». علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره شانزدهم، شماره ۱، صص ۳-۱۱.
۱۴. علی‌نژاد، منوچهر و دیگران (۱۳۹۲). «توسعه و سامان‌دهی پارک جنگلی سرخه‌حصار و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی پارک». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۳، صص ۹۵-۱۲۷.
۱۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نی.
۱۶. کرمی، غلامحسین و کوروش رضایی مقدم (۱۳۹۴). «ارزیابی تأثیر اجتماعی: رویکردی نوین در مدیریت پایدار برنامه‌های توسعه». فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۹۴.



## منابع

۱۷. کلی، جان. ار (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی فراغت. ترجمه مهندسین مشاور زادبوم، تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی.
۱۸. لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز: نوین.
۲۰. لینچ، کوین (۱۳۷۴). سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. مؤسسه جهان کتاب (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیرات اجتماعی - فرهنگی احداث بوستان دریند. دفتر مطالعات شهرداری منطقه ۱.
۲۲. منظور، داوود، یادی پور، مهدی (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی». راهبرد یاس، شماره ۱۵، صص ۱۴۰-۱۶۲.
۲۳. میرزایی، خلیل (در دست چاپ). پژوهش‌های قیاسی - کمی‌نگر: پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه‌نویسی. تهران: جامعه‌شناسان، جلد اول.
۲۴. هال، ادوارد تی (۱۳۷۶). بعد پنهان. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. هدایتی اقمشدهی، امیر؛ قربانی، حمید؛ زاهدی، سمانه (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات محیط‌زیستی احداث پیاده‌راه پل طبیعت و بهبود عملکرد اکولوژیک آن در محدوده جغرافیایی منطقه ۳ تهران». پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری. دوره سوم، شماره ۲، صص ۲۴۷-۲۶۱.
۲۶. هندیانی، عبدالله و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری و راهکارهای آن (مطالعه موردی: اراضی عباس‌آباد)». فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۴۱-۵۳.
27. Abraham, Andrea, Kathrin Sommerhalder, and Thomas Abel. (2009) "Landscape and wellbeing: a scoping study on the health-promoting impact of outdoor environments." Public Health, 55.
28. Vanclay, F (2003). International principles for social impact assessment. Impact Assessment Project Appraisal, 21(1): 5-11.

## ارزیابی تأثیرات اجتماعی در شهرداری تهران مرور نظام‌مند گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی\*

هادی برغم‌دی

دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی  
Barghamadi.h@gmail.com

فرید ناهید

کارشناس ارشد مدیریت  
f.nahid@srbiau.ac.ir

### چکیده

این مقاله، مروری است بر گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی تدوین شده در شهرداری تهران، با این هدف که بر یکی از متغیرهای مؤثر بر ایجاد شرایط فعلی این حوزه مطالعاتی تمرکز و تلاش گردد تا با مرور نظام‌مند این گزارش‌ها و بیان برخی از ویژگی‌های مثبت و منفی آنها، به ارتقای کیفی این حوزه مطالعاتی کمک گردد. بنابراین با رویکردی کیفی و استفاده از مرور نظام‌مند و نگاهی ژرف‌نگر تلاش شده است تا از میان ۸۹ گزارش منتخب که پس از چند مرحله غربالگری انتخاب شده‌اند، ویژگی‌های مختلف ساختاری، صوری و محتوایی این گزارش‌ها بررسی و برخی از مشکلات موجود در آنها بیان گردد. به این منظور، نخست پروتکلی تدوین و بر اساس آن ابزاری طراحی و اطلاعات مورد نیاز از گزارش‌ها استخراج و وارد نرم‌افزار شده و خروجی‌هایی توصیفی از آن گرفته شد و تلاش گردید تا با مقایسه‌هایی بین شاخص‌های طراحی شده برای سنجش هر متغیر، تصویری کلی از این گزارش‌ها ارائه گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مرور نظام‌مند، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (اتاف) و شهرداری تهران.

\* این مقاله حاصل نتایج طرحی با عنوان «مرور نظام‌مند طرح‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های شهری شهر تهران» است که با حمایت اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۶ اجرا شده است.

## بیان مسئله

اگر شهر یک سیستم در نظر گرفته شود که اجزای آن با یکدیگر ارتباط داشته، تشکیل یک کل بدهند و این کل با محیط اطراف خود نیز در ارتباط متقابل باشد، هر پروژه اجرا شده در این سیستم، بر کل سیستم تأثیرگذار خواهد بود. این تأثیرات ممکن است مثبت/منفی، خواسته/ناخواسته، کوتاه‌مدت/بلندمدت و... باشد. تأثیرات از دیدگاه اجتماعی به تغییراتی اشاره دارد که هر اقدام در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آورد و شیوه زندگی، کار و تفریح، روابط افراد با یکدیگر، نحوه برآوردن نیازهایشان و به طور کلی شیوه انطباقشان به عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد. بر همین اساس به منظور درک تأثیرات اجتماعی احتمالی پروژه‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و سیاست‌ها بر جمعیت‌های انسانی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد تا برنامه‌ریز و حامی پروژه را از احتمال وقوع این تأثیرات آگاه سازد. در واقع ارزیابی تأثیر اجتماعی، زیرمجموعه‌ای از علوم اجتماعی است که دانش لازم را برای تحلیل منظم تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی بر کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماع‌هایی که محیطشان تحت تأثیر است، فراهم می‌کند (بارج، ۱۳۸۹). ارزیابی پیامدهای تجمعی پروژه‌ها، علاوه بر کمک به حصول اطمینان از برقراری تعادل بین فواید اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و فرانسلی پروژه‌ها، می‌تواند هزینه‌های مختلف را نیز کاهش دهد (Takyi, 2014).

شناخت تأثیرات این پروژه‌ها به‌ویژه در حوزه اجتماعی و فرهنگی و برآورد تأثیراتی که این پروژه بر حوزه نفوذ خود خواهد داشت، از جمله دلایلی بوده است که شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۶، شهرداری تهران را مکلف به تهیه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی برای تمامی طرح‌های توسعه شهری کرده است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۲) و بر همین اساس، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی در معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران از سال ۱۳۸۷، اقدامات خود را برای نظام‌مندی این مهم اجرا کرد. از جمله فعالیت‌های این اداره، انتشار کتاب‌ها و جزوه‌های مختلف و برگزاری دوره‌های آموزشی برای متقاضیانی بوده است که قصد داشتند به عنوان مجری و یا ناظر علمی، طرح‌های اتاف (ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی) را اجرا کنند. پس از اجرای نخستین دوره آموزشی در سال ۱۳۸۷ تا به امروز، طرح‌های فراوانی در این حوزه در شهر تهران انجام شده است (بیش از ۸۰۰ طرح).

با وجود اجرای طرح‌های فراوان درباره پروژه‌های توسعه‌ای شهر تهران، به بیان مدیران و کارشناسان اداره ارزیابی تأثیرات اجتماعی (پیوست اجتماعی)،

این طرح‌ها نتوانسته‌اند به تمامی هدف‌های از پیش طراحی شده دست یابند. این موضوع از دیدگاه‌های مختلف، دلایل گوناگونی دارد. برای نمونه، ابتلای این مطالعات به تکرار از حیث طراحی و اجرا، یکی از آسیب‌های موجود قلمداد می‌شود که ناشی از عوامل و شرایط مختلف، به‌ویژه غلبهٔ روش و تکنیک بر محتوا و غیبت نظریه و قالب‌های تحلیلی در هدایت این مطالعات است (پاک‌سرشت، ۱۳۹۱). همچنین مسئولان، کم‌توجهی و جدی نگرفتن این طرح‌ها توسط مجریان را عامل این ضعف می‌دانند و مجریان نیز همکاری نکردن حامیان طرح در شهرداری را یکی از این دلایل عنوان می‌کنند. البته ضعف برخی ناظران، حاکمیت روابط به جای ضوابط در واگذاری طرح‌ها، بروکراسی موجود در شهرداری، فساد اداری موجود و... از دیگر مواردی است که می‌توان به آنها اشاره کرد. از سوی دیگر، کیفیت و کاربردی نبودن خروجی این مطالعات در قالب گزارش‌های اتاف نیز از جمله مواردی است که می‌تواند در بروز شرایط موجود تأثیرگذار بوده و به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار، نیازمند بررسی است. به هر روی حال که بیش از ۱۰ سال از شروع این پژوهش‌ها در شهر تهران گذشته است و بیش از هشتصد عنوان پژوهش در این موضوع به اجرا درآمده است، بررسی این طرح‌ها از زوایای مختلف به طوری که نتایجی جامع و کل‌نگر در برداشته باشد، می‌تواند به بهبود این روند، کمک زیادی کند.

یکی از روش‌های موجود برای انجام این مهم، مرور نظام‌مند<sup>۱</sup> است که نوعی از انواع مرور یا پیشینه محسوب می‌شود. مرور، مطالعه‌ای است که دربارهٔ یک موضوع، نظریه یا سؤال پژوهشی خاص صورت می‌گیرد و زمینه‌ای را برای تحلیل و ترکیب اطلاعات، حول مباحث و مضامین اصلی فراهم می‌کند. این مطالعه مشخص می‌کند که چه شناخته‌ها و ناشناخته‌هایی دربارهٔ یک موضوع وجود دارد. یکی از هدف‌های مرور، درک رابطه میان تلاش‌های صورت گرفته، شناسایی یا حتی در صورت امکان، حل تناقض‌ها و تعیین پرسش‌های بی‌پاسخ است (وبسایت دانشگاه تورنتو، ۱۳۹۴). مرور نظام‌مند، نوعی مرور ادبیات است که با تمرکز بر یک سؤال واحد، تلاش می‌کند تا تمامی شواهد تحقیقات مهم مرتبط با آن سؤال را شناسایی، ارزیابی، انتخاب و ترکیب کند (قربانی‌زاده و حسن‌نانگیر، ۱۳۹۳: ۱۶). مرور نظام‌مند، رویکردی علمی برای شناسایی، تحلیل و ترکیب شواهد و مستندات است و برای تلخیص بدنهٔ حجیمی از پژوهش‌های انجام شده و ایجاد دریچه‌هایی برای سیاست‌گذاری بالینی و اجتماعی مناسب است. هرچند این روش بیشتر در حوزه‌های تجربی،

به‌ویژه حرفه‌ها و رشته‌های مرتبط با سلامت و پزشکی به طور چشمگیری استفاده می‌شود، کاربرد آن در حوزه علوم اجتماعی نیز گسترش یافته است (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹).

هدف این پژوهش از مرور نظام‌مند اتاف‌های انجام شده در شهر تهران نیز تلخیص مدارک و شواهد موجود، شناسایی شکاف در تحقیقات جاری، ارائه چهارچوب تحقیقاتی و ایجاد زمینه فعالیت‌های پژوهشی جدید است. پرسش اساسی پژوهش را نیز می‌توان چنین بیان کرد که: اتاف‌های انجام شده در شهرداری تهران دارای چه ویژگی‌هایی (روش، مبانی نظری، یافته‌ها، کاربردها و...) بوده‌اند؟

### ادبیات پژوهش

از آنجایی که در طرح حاضر مهم‌ترین هدف، مرور نظام‌مند اتاف‌های انجام شده در شهرداری تهران است و هر یک از پژوهش‌های مورد بررسی را می‌توان به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفت، لازم است در این بخش مطالبی کوتاه درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بیان شود. بنا بر یکی از تعاریف، تأثیرات اجتماعی هرگونه عواقب ناشی از اقدامات بخش عمومی و خصوصی است که شیوه زندگی، کار، برقراری ارتباط، شیوه تأمین نیازمندی‌ها و نوع غلبه مردم بر مشکلات زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرات ابعاد مختلفی نیز دارند و به‌ویژه پس از ظهور مفهوم توسعه پایدار در ادبیات علمی و توجه به آن سوی دستاوردهای اقتصادی، ابعاد اجتماعی، محیط‌زیستی و فرانسلی به‌طور جدی‌تر در نظر گرفته می‌شوند (Takyi, 2014).

اتا (ارزیابی تأثیر اجتماعی)<sup>(۱)</sup> نیز پژوهشی بین‌رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی است که می‌کوشد با سهیم شدن در همه مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی نتایج اقدامات توسعه‌ای (سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها)، شناخت معتبری از تغییراتی که این اقدامات در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می‌کنند، ارائه دهد و پیش از اجرا شدن اقدامات توسعه‌ای، تأثیرات اجتماعی ناشی از آنها را برآورد نماید. همچنین اتا می‌کوشد تا شرایط اجتماعی موفقیت اقدامات توسعه‌ای را مطالعه کند؛ تأثیرات منفی این اقدامات را پیش‌بینی نماید و راه کارهایی برای حذر کردن یا کاستن از تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات مثبت ارائه دهد (فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۰). به عبارت دیگر ارزیابی تأثیر اجتماعی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که دانش لازم را برای تحلیل منظم و پیشاپیش تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی در کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماعاتی که محیطشان تحت تأثیر است، فراهم می‌کند (بارج، ۱۳۸۹: ۲۶). مراحل اساسی فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی بر اساس نظر رابل جی بارج به شرح زیر است:

۱. شکل دادن برنامه‌ای برای جلب مشارکت عمومی: در این مرحله، ارزیاب اجتماعی باید برنامه‌ای برای جلب مشارکت عمومی شکل دهد تا انتخاب ذی‌نفعان را هدایت کند و رویه‌های لازم را برای گنجاندن همگان در فرایند تصمیم‌گیری به تفصیل شرح دهد.
۲. وصف اقدام پیشنهادشده (و جانشین‌های ممکن): در مرحله بعدی، باید گزارش روشنی از اقدام پیشنهادی، محدودهٔ محتمل تأثیر آن و مرزهای اجتماع تهیه شود که در آن به هر دو مسئله جزئیات فنی و اجرایی دقت شده باشد.
۳. تاریخچه و وضعیت اولیه (نیمرخ اجتماع): اقدام پیشنهادی در بافت وضعیت تاریخی یا فعلی یا وضعیت انسانی/محیطی اولیه در اجتماع منطقه شرح داده شود.
۴. دامنه‌یابی: دامنه‌یابی، آغاز شناسایی گسترهٔ کاملی از تأثیرات اجتماعی است که باید بر اساس مصاحبه/بحث با همهٔ ذی‌نفعان و حامیان و همچنین مرور دقیق متون و مطالعات پیشین بررسی شود. اتای مستقل ممکن است مستلزم ارزیابی انتقادی دامنهٔ برنامهٔ کار به دست افراد متخصص همکار باشد.
۵. بررسی/شناسایی تأثیر اقدام پیشنهادشده: باید با استفاده از منابع اطلاعاتی و استراتژی‌های پژوهشی و تحلیلی مختلف، اطلاعات جامعی دربارهٔ هر کدام از متغیرهای ارزیابی تأثیر اجتماعی گردآوری شود که در مرحلهٔ دامنه‌یابی یا به دست ذی‌نفعان مشخص شده است.
۶. انعکاس واکنش به تأثیرات پروژه/سیاست: این مرحله مستلزم تعیین و تفسیر تأثیرات مهم و معنادار مشخص شده در تحلیل جامع اتا و اگر نیاز باشد، برآورد تأثیرات ثانویهٔ انباشتی است.
۷. تغییر اقدام پیشنهادی/جانشین‌ها: بر اساس ارزیابی تأثیر اجتماعی، تصمیمی دربارهٔ پروژه یا سیاست پیشنهادی اتخاذ یا پیشنهاد خواهد شد. ممکن است جانشین‌هایی در نظر گرفته شود که در این صورت، احتمالاً به ارزیابی‌های اجتماعی اضافی نیاز خواهد بود.
۸. تعدیل/بهبود: بر اساس تأثیرات اجتماعی معنادار که در مرحلهٔ تحلیل مشخص شده‌اند، انواع مختلفی از نتیجه‌های تعدیل باید به منظور به حداقل رساندن تأثیرات منفی و به حداکثر رساندن تأثیرات مثبت بسط داده شود.

۹. نظارت و پیگیری‌های اجتماعی: با استفاده از اطلاعات هر کدام از تأثیرات اجتماعی معنادار، شیوه‌ای نظارتی به کار گرفته شود که هم حامی و هم اجتماع را در نظر بگیرد. اگر آنچه پیش‌بینی شده است واقعاً روی دهد، پیگیری‌های اجتماعی یا تحلیل پسا‌رویدادی به فهم ما کمک خواهد کرد (بارج، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۱).

لازم به ذکر است که برای اجرای اتا از سوی متخصصان، الگوها و مراحل دیگری نیز بیان شده است (ر.ک: بارج و دیگران، ۱۳۹۱؛ روچ، ۱۳۸۷؛ بکر و ونکلی، ۱۳۸۸) که همگی آنها با وجود بیان عبارات متفاوت و برخی تفاوت‌ها در قرارگیری مراحل، با الگوی ارائه‌شده هماهنگی داشته است و دلیل ارائه مدل بارج (۱۳۸۹)، کاربردی بودن این فرآیند در ارزیابی تأثیرات اجتماعی «پروژه» است و اینکه شمار فراوانی از پژوهشگران این حوزه در شهرداری تهران از این الگو استفاده کرده‌اند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان از نظر مسیر، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی بیان نمود. این پژوهش همچنین از نظر میزان ژرفایی، ژرفانگر بوده که با استفاده از روش اسنادی به گردآوری اطلاعات پرداخته است. از نظر فرآیند نیز این پژوهش در شمار مطالعاتی قرار می‌گیرد که با عنوان مرور نظام‌مند از آن یاد می‌شود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، مرور نظام‌مند، مرور پیشینه‌ای است که با تمرکز بر یک پرسش پژوهشی، سعی در شناسایی، ارزیابی، انتخاب و ترکیب تمام شواهد پژوهشی مرتبط با آن پرسش دارد. با توجه به فرآیند مرور نظام‌مند، می‌توان مراحل مختلف این طرح را چنین بیان کرد:

- ۱- شناسایی مسئله و تعیین پرسش؛ ۲- نگارش طرح مرور نظام‌مند (تدوین پروتکل)؛ ۳- جست‌وجو و جمع‌آوری پژوهش‌ها؛ ۴- غربال‌گری و انتخاب پژوهش‌های واجد شرایط؛ ۵- ارزیابی کیفیت و اعتبار پژوهش‌ها؛ ۶- استخراج داده‌های مورد نظر؛ ۷- ترکیب داده‌ها به روش سنتز؛ ۸- تفسیر، نتیجه‌گیری و گزارش یافته‌ها. به‌طور کلی مرور نظام‌مند نیازمند همگونی هم از نظر روش‌ها، مشارکت‌کننده‌ها و هم از نظر آماری است (Petticrew & Roberts, 2006).

در این پژوهش نیز برای اجرای طرح، مرحله‌ای به قرار زیر انجام شده است:

### جست‌وجوی منابع

با توجه به تاریخ نگارش نسخه جدیدی (در اواخر سال ۱۳۹۱) از دستورالعمل اجرایی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی که معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران آن را تدوین کرده است (که در آن مراحل اجرای طرح به پنج مرحله تقسیم و برای تدوین گزارش نهایی مطالب در شش فصل مستقل ارائه

می‌شدند)<sup>(۱۷)</sup>، در عمل تنها اتاف‌های انجام شده در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ برای مرور نظام‌مند قابل استفاده بودند. اما با توجه به محدودیت زمانی و مالی طرح و همچنین برخی اختلاف‌نظرها درباره اجرای کامل دستورالعمل در سال ۱۳۹۱، مرور نظام‌مند اتاف‌های اجراشده در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ که در مجموع مشتمل بر ۱۱۱ مورد می‌شوند، به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد.

در بخش اجرایی مرور نظام‌مند نیز بر اساس معیارهای تعریف‌شده، این ۱۱۱ اتاف مورد غربال‌گری قرار گرفت و پژوهش‌های واجد شرایط از بین آنها انتخاب شد. البته لازم به ذکر است که ابتدا قرار بر آن بوده است که در صورت نبود مشکل در طرح‌ها و دسترسی به آنها و همچنین رعایت کلیات دستورالعمل، در این بخش تمام‌شماری صورت گیرد و تمامی طرح‌ها بررسی شوند. بنابراین در گام نخست، ۱۱۱ پژوهش به عنوان نمونه‌های مورد بررسی انتخاب شد.

### ارزیابی پژوهش‌ها

پس از بررسی طرح‌های بیان‌شده (۱۱۱ مورد)، در مرحله بعد به گردآوری گزارش‌های نهایی طرح‌ها اقدام شد. در این مرحله، در پی غربالگری صورت گرفته، برخی از عنوان‌ها حذف شد. برخی از طرح‌ها در زمان استخراج مفاهیم این پژوهش هنوز دفاع نشده بودند و بنابراین نمی‌توانستند به عنوان طرح‌های پایان‌یافته در نظر گرفته شوند. برخی دیگر در فرآیند اجرای قرارداد دچار مشکلاتی شده بودند و هیچ‌گاه به انجام کامل طرح منجر نشده بودند. چند موردی نیز کاملاً در فضایی به دور از دستورالعمل تهیه شده بودند و قابلیت بررسی با شاخص‌های انتخاب‌شده در این پژوهش را نداشتند. در نهایت از میان این طرح‌ها، ۸۹ گزارش انتخاب و بررسی شد.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، فیش‌های اطلاعاتی بوده است که در قالب فرم‌های تحلیل و ارزیابی تدوین شده است. از این فرم‌ها برای ایجاد و توسعه یک پروتکل پژوهشی، انتخاب پژوهش، بررسی کیفیت شواهد و مدارک، استخراج داده‌ها و گزارش‌دهی خلاصه نتایج استفاده شده است. هر یک از این فرم‌ها، بخشی از موارد را ارزیابی می‌کند. ابتدا از طریق بخش نخست فرم طراحی‌شده، کلیات هر طرح بررسی شد که این کلیات شامل حوزه‌های موضوعی، زمانی، مکانی و دیگر مشخصات کلی طرح می‌شود.

در مراحل بعد، ساختار محتوایی هر مورد به کمک فرم‌های مربوطه، به تفکیک فصول بررسی شده است. هر مورد اتاف دارای شش فصل است که هر فصل نیز دارای بخش‌های مختلفی است و مقوله‌های مناسب برای ارزیابی هر بخش، از دستورالعمل اجرایی اتاف استخراج و بنا به نیاز، مقوله‌هایی نیز



جدول شماره ۱: ارزیابی ویژگی‌های هر مورد

حوزه موضوعی		حمل و نقل و ترافیکی / عمرانی / اجتماعی و فرهنگی / فضای سبز و امور شهری	
حوزه مکانی	سطح پروژه	محلی / منطقه‌ای / فرمانطقه‌ای / شهری	
	منطقه یا مناطق درگیر	یک یا چند منطقه از مناطق بیست و دو گانه شهر تهران	
حوزه زمانی	سال اجرا	۱۳۹۲ / ۱۳۹۳	
	زمان اجرای اتاف	قبل از اجرا / حین اجرا / پس از اجرا	
حامی		معاونت‌ها و سازمان‌های شهرداری تهران (حامی ۱، ۲ و ۳)	
مجری	رشته تحصیلی	جامعه‌شناسی / پژوهشگری علوم اجتماعی / ...	
	مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد / دانشجوی دکتری	
	تجربه پژوهشی	اتافی	تعداد پژوهش‌های غیر اتافی
		تعداد پژوهش‌های غیر اتافی	
تعداد		تعداد همکاران	
تنوع حوزه‌های علمی		تعداد حوزه‌های علمی مرتبط با عنوان اتاف و حوزه‌های تخصص همکاران	

جدول شماره ۲: ارزیابی محتوای هر مورد

فصل اول (کلیات)	بیان مسئله	اشاره به حوزه جغرافیایی و انسانی؛ تحلیل روندی مسئله با استفاده از مستندات؛ تبیین چرایی مسئله بودن
	اهداف	ذکر اهداف اصلی و عملیاتی
	پرسش‌های پژوهش	بیان پرسش‌های اصلی و عملیاتی
	پیشینه پژوهش	اشاره به پیشینه‌های داخلی و خارجی (مرتبط با اتاف انجام شده در موضوع یا فقط مرتبط با ماهیت پروژه)؛ جمع‌بندی پیشینه‌ها
	بینش	تشریح ادبیات (پرداختن به مفاهیم اصلی و کلیدواژه‌ها و شرح متغیرهای مدل مفهومی / نظری)؛ مهمترین مفاهیم جامعه‌شناختی مطرح‌شده؛ تعیین چهارچوب نظری (نظریه‌ها و مکاتب مورد استفاده)؛ تشریح مدل نظری و یا مفهومی
	روش‌شناسی	تعیین رویکرد پژوهش (کمی / کیفی / ترکیبی) و روش آن (از حیث مسیر، هدف، ژرفایی، زمان و گردآوری داده)؛ تعیین فنون گردآوری و تحلیل داده؛ تعیین ابزار گردآوری داده؛ بررسی اعتبار و پایایی ابزار؛ تعیین جامعه آماری؛ تعیین روش و حجم نمونه (ذکر فرمول محاسبه و تعیین حجم نهایی)

فصل دوم (معرفی اقدام)	کاربری اراضی	تعیین اهم کاربری‌ها و تغییرات آن
	برنامه‌های اجرایی	تعیین فعالیت‌های اصلی و جانبی اقدام مداخله‌ای؛ مراحل زمانی اجرای فعالیت‌ها؛ وضعیت پیشرفت اقدام مداخله‌ای
	نیروی انسانی درگیر	تعیین وضعیت نیروی انسانی (موقت/دائم، متخصص/عادی، بومی/غیربومی)
فصل سوم (توصیف محیط اجتماعی)	توجیه‌ها	ظرفیت‌شناسی/امکان‌سنجی؛ تبیین مهمترین ریسک‌ها؛ بیان توجیه اقتصادی؛ بیان توجیه محیط‌زیستی؛ بیان توجیه فنی و تکنیکی؛ بیان توجیه اجتماعی و فرهنگی
	فرآیند تاریخی	اشاره به روند تغییرات تاریخی
فصل چهارم (دامنه‌بندی)	شرایط مبنایی	توصیف وضع موجود (در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، اقتصادی/معیشتی، محیط‌زیستی و سلامت)
	دامنه جغرافیایی	تعیین دامنه‌های مداخله، بلافاصل و فراگیر؛ تبیین چرایی دامنه‌های سه‌گانه
فصل پنجم (برآورد پیامدها)	دامنه اجتماعی	تعیین نوع، ماهیت، شدت و قلمرو تأثیرات؛ ارائه ماتریس تأثیرات
	اولویت‌بندی	اولویت‌بندی تأثیرات؛ ذکر مبنای اولویت‌بندی تأثیرات
فصل ششم (ساختار نظام کاربست)	برآورد پیامدها	روش یا روش‌های برآورد (سناریونویسی، روش تطبیقی و...؛ برآورد پیامدها با و بدون اقدام
	تدوین جدول پیامدها	تعیین نوع، ماهیت، شدت، قلمرو جغرافیایی و اجتماعی، احتمال، زمان و اهمیت پیامدها
	متأثرین پیامدها	تعیین متأثرین پیامدها در سطوح مختلف؛ ذکر مبنای اولویت‌بندی
	تحلیل پیامدها	چرایی پیامدها؛ هماهنگی با مدل نظری و مفهومی پژوهش؛ پیش‌بینی ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها؛ تعیین واکنش‌های احتمالی
فصل ششم (ساختار نظام کاربست)	نظام کارآمد ارتباطی	بیان افراد، گروه‌ها و نهادهای مرتبط
	نظام بسامد اجرا	ارائه برنامه‌های اجتنابی/تعدیلی/جبران
	نظام هوشمند پایش	برنامه نظام مراقبت هوشمند و تهیه چک‌لیست‌های پایشی اقدام برحسب زمان‌بندی و موضوع

به آنها اضافه شده‌اند. در جدول شماره ۱ و ۲، متغیرها و شاخص‌های ارزیابی هر فصل ارائه می‌شود<sup>(۳)</sup>.

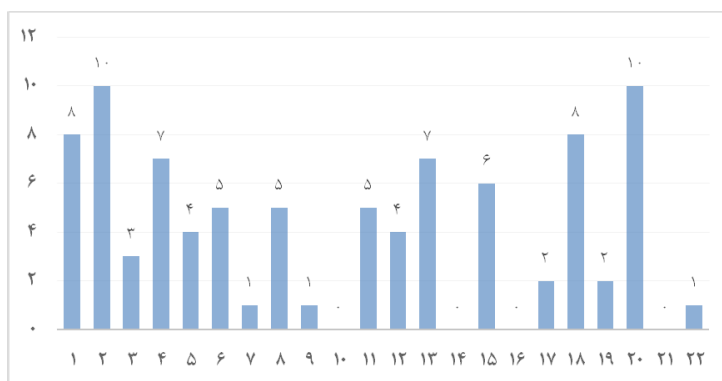
لازم به ذکر است که مواردی چون همخوانی نتایج و یافته‌های مورد اشاره با مدل نظری/مفهومی، استفاده واقعی از روش‌ها و فنون اشاره‌شده در گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها و بسیاری موارد دیگر نیز در بررسی طرح‌های مورد اشاره مدنظر بوده است که در مرحله ارائه نتایج به آنها پرداخته شده است.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله، برخی از یافته‌های پژوهش شامل سال اجرا، ویژگی‌های مجریان و ناظران، حوزه‌های فعالیت و... ارائه شده است.

## ویژگی‌های کلی اتاف‌ها

در مجموع در طرح حاضر، ۸۹ گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (اتاف) بررسی شده است که از این تعداد، ۴۶ درصد (۴۱ مورد) مربوط به سال ۱۳۹۲ و ۵۴ درصد (۴۸ مورد) مربوط به سال ۱۳۹۳ بوده است. از این تعداد (۸۹ مورد)، بالاترین فراوانی به ترتیب به منطقه ۲ و ۲۰ (هر کدام با ۱۰ مورد) اختصاص دارد و پس از مناطق ۱۰، ۱۴، ۱۶ و ۲۱ که هیچ اتافی در آنها اجرا نشده است، مناطق ۷، ۹ و ۲۲ نیز هر یک با تنها یک مورد، کمترین اتاف‌های انجام شده در این دو سال را دارند. در نمودار زیر می‌توان فراوانی طرح‌های اتاف انجام شده توسط مناطق بیست و دو گانه طی این دو سال را مشاهده کرد.



شکل شماره ۱: نمودار تعداد اتاف‌های انجام شده بر حسب مناطق شهرداری تهران

تعداد بالا یا پایین اتاف‌های انجام شده در این مناطق نمی‌تواند به تنهایی عامل برای بررسی عملکرد اداره‌های مطالعات این مناطق و یا همسویی منطقه با حوزه اتاف در نظر گرفته شود (هر چند عامل مهمی است، تنها عامل نخواهد بود). از آنجایی که در سال‌های گذشته، ارتباط مستقیمی بین تعداد اتاف‌های انجام شده و تعداد پروژه‌های عمرانی مناطق وجود داشته است، شاید بتوان مناطق ۲ و ۲۰ را از جمله مناطقی عنوان نمود که دارای تعداد پروژه‌های عمرانی فراوانی بوده‌اند؛ هر چند کم بودن تعداد اتاف در منطقه‌ای در حال توسعه همچون منطقه ۲۲ جای سؤال داشته و با وجود

جدول شماره ۳: ارزیابی کلی اتافها

حوزه موضوعی	درصد	زمان اجرای اتاف	درصد	تجربه پژوهشی	میانگین
حمل و نقل و ترافیکی	۳۴,۸	قبل از اجرا	۳۳,۷	اتافی	۴,۹۸
فنی و عمرانی	۵,۶	حین اجرا	۴۱,۶	نظارتی	۱۰,۴۵
اجتماعی و فرهنگی	۳۲,۶	بعد از اجرا	۱۱,۲	غیر اتافی	۲۷,۳۷
فضای سبز و امور شهری	۲۷	نامعلوم	۱۳,۵	تعداد همکاران	۴,۲۹
سطح پروژه	درصد	رشته تحصیلی مجری	درصد	حوزه علمی همکاران	درصد
شهری**	۰	علوم اجتماعی و رشته‌های مرتبط	۶۹,۵	علوم اجتماعی و رشته‌های مرتبط	۴۹
فرامنطقه‌ای***	۲۳,۶	رشته‌های دیگر	۳۰,۵	معماری، شهرسازی و طراحی شهری	۱۱,۳
منطقه‌ای****	۳۸,۲	مقطع تحصیلی مجری	درصد	برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و جغرافیا	۱۷,۱
محلی****	۲۷	کارشناسی ارشد	۶۱,۱	آمار	۵,۸
نامعلوم	۱۱,۲	دانشجوی دکتری	۱۲,۵	حمل و نقل و ترافیک	۳,۷
		دکتری	۲۶,۴	مدیریت	۳,۷
سال اجرا	درصد	نامعلوم	۱۹,۱	روان شناسی و علوم تربیتی	۲,۵
۱۳۹۲	۴۱			محیط‌زیست	۱,۶
۱۳۹۳	۴۸			سایر	۰,۵

\* مربوط به پروژه‌هایی با محدوده تأثیرگذاری کل شهر تهران و با محدوده‌ای فراتر از شش منطقه شهری

\*\* مربوط به پروژه‌هایی با محدوده تأثیرگذاری بیش از یک منطقه شهری

\*\*\* مربوط به پروژه‌هایی با محدوده تأثیرگذاری یک منطقه شهری و یا بیش از نیمی از نواحی منطقه

\*\*\*\* مربوط به پروژه‌هایی با محدوده تأثیرگذاری یک ناحیه یا کمتر از نیمی از نواحی یک منطقه

فراوانی پروژه‌های عمرانی در طول این دو سال، اتافی در این منطقه اجرا نشده است (و یا گزارشی از آن در اداره کل مطالعات وجود نداشته است).

با توجه به دستورالعمل اجرای اتاف‌های سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، مجریان موظف بودند در جداولی، توضیحاتی درباره ویژگی‌های پروژه‌هایی که در حال انجام طرح‌های اتاف برای آنها هستند، ارائه نمایند.

همان‌طور که در جدول بالا می‌توان مشاهده کرد، بالاترین تعداد اتاف اجرا شده در طول این دو سال مربوط به پروژه‌هایی بوده است که در حال

اجرا هستند (۴۱,۶ درصد). در مقابل طی این دو سال، ۳۳,۷ درصد اتاف‌های اجرا شده مربوط به پروژه‌هایی بوده است که هنوز آغاز نشده بوده‌اند و از آنها می‌توان به اتاف‌های پیش از اجرا یاد کرد. اجرای طرح‌های اتاف پیش از اجرا از نخستین هدف‌های فعالان این حوزه بوده است. اجرای ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی هر اقدام مداخله‌ای بدون شک اگر پیش از اجرای آن باشد، می‌تواند به مجریان اقدام، کمک‌های بیشتری در جهت کاستن از پیامدهای منفی احتمالی آن و یا افزایش پیامدهای مثبت آن نماید که تمام تلاش مدیریت شهری نیز در سال‌های گذشته، انجام چنین مطالعاتی بوده است. نکته‌ای قابل تأمل در نتایج که باید به آن اشاره کرد، نامشخص بودن زمان اجرای اتاف نسبت به پروژه در ۱۳/۵ درصد گزارش‌هاست که با وجود تأکید دستورالعمل بر مشخص بودن این شاخص، این اطلاعات را مجریان در گزارش ارائه نکرده‌اند.

در میان ۸۹ مورد، ۳۸,۲ درصد از اتاف‌ها در سطح منطقه‌ای بوده‌اند که این امر نشان از اهمیت طرح‌های منطقه‌ای برای مدیریت شهری نسبت به طرح‌های فرمانطقه‌ای (حدود ۲۳,۶ درصد) و طرح‌های محلی (حدود ۲۷ درصد) دارد. مهم‌ترین دلیل نبود طرح شهری (سطح یک) در بین اتاف‌های انجام شده در سطح مناطق نیز ماهیت فرمانطقه‌ای بودن این طرح‌ها و اجرای پروژه در معاونت‌های مربوطه در شهرداری مرکز است؛ زیرا اعتبار طرح، طراحی و اجرای اینگونه پروژه‌ها به صورت متمرکز صورت گرفته و بنابراین مدیران منطقه‌ای بیشتر نقش تسهیلگر را برعهده داشته‌اند و تعریف اینگونه پروژه‌ها در قالب اتاف، کمتر امکان‌پذیر خواهد بود.

از میان معاونت‌های چهارگانه شهری که در طرح‌های اتاف بیش از سایر معاونت‌ها ایفای نقش کرده‌اند، بالاترین فراوانی به عنوان حامی اول (معاونتی که اعتبار انجام پروژه را تأمین کرده است) مربوط به معاونت حمل و نقل و ترافیک (حدود ۳۵ درصد) و پس از آن، معاونت اجتماعی و فرهنگی (حدود ۳۳ درصد) بوده است. نگرش مثبت به اتاف در میان حوزه‌های تخصصی شهرداری در این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. پذیرش اتاف در حوزه معاونت حمل و نقل و ترافیک به واسطه درگیری اینگونه پروژه‌ها با شهروندان و مراودات موجود فراوان بین این حوزه و شرکت‌های مشاور، پذیرش طرح‌های مطالعاتی در این معاونت را بیش از سایر معاونت‌ها موجب شده و بنابراین تمایل بیشتری به تعریف شدن طرح‌های اتاف در شوراهای تخصصی مناطق برای پروژه‌های ترافیکی وجود داشته و دارد.

لازم به ذکر است که برخی پروژه‌هایی که ممکن است ماهیتی ترافیکی و یا

حتی اجتماعی نیز داشته باشند، در اسناد شهرداری مناطق در شمار طرح‌های معاونت فنی و عمرانی آمده‌اند. بیان نشدن حامیان طرح حدود ۶۷ درصد طرح‌های اتاف با وجود الزام اشاره به آنها در دستورالعمل، از نکات قابل توجه و منفی موجود در گزارش‌های مورد بررسی در این طرح بوده است. باید به این نکته نیز اشاره شود که بالاترین فراوانی در حامی دوم (بهره‌بردار پروژه) معاونت حمل‌ونقل و ترافیک مناطق (حدود ۱۸ درصد) و پس از آن، معاونت اجتماعی و فرهنگی مناطق بیست‌و دو گانه بوده است که این امر نشان از رویکرد پروژه‌ها به حوزه‌های ترافیکی و اجتماعی داشته است.

در پروژه‌های شهری، حامی سومی نیز وجود دارد که منظور از آنها اجتماعات محلی، سمن‌ها، گروه‌ها و... است. هر چند در طرح‌های اتاف مورد بررسی، اشاره به این دسته از حامیان بسیار اندک بوده است (تنها ۹ درصد)، در این بین می‌توان به مواردی چون مراکز توان‌بخشی جانبازان، هیئت امنای مسجد و... اشاره کرد. نکته مهم در این باره، اهمیت حامیان سوم در طرح‌های اتاف است؛ زیرا پروژه‌های شهری بیش از هر چیز در جهت ارتقای سطح کیفیت زندگی همین گروه‌ها، سمن‌ها و... اجرا می‌گردد. اما در طرح‌های اتافی که متخصصان حوزه اجتماعی اجرا کرده‌اند، کمترین اشاره به این گروه‌های دارای اهمیت شده است. اهمیت این حامیان (حامیان سوم) به قدری بالاست که موفقیت و یا شکست هر پروژه و طرح شهری در گرو مشارکت و همراهی آنان خواهد بود و این امر لزوم توجه بیشتر به آنان را گوشزد می‌کند.

از میان ۷۲ مجری (۱۷ مورد از طرح‌های اتاف به مقطع تحصیلی مجریان در گزارش اشاره نکرده‌اند)، بالاترین تعداد به افرادی تعلق دارد (۶۱/۱ درصد) که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بوده‌اند. رشته‌های تحصیلی مجریان با توجه به اینکه پیش‌شرط حضور در دوره‌های آموزشی اتاف، نزدیکی رشته با حوزه علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری بوده است نیز به رشته‌هایی در همین حوزه‌ها محدود شده است که بالاترین تعداد به افرادی مربوط می‌گردد که رشته تحصیلی‌شان جامعه‌شناسی بوده است (با ۵۶/۶ درصد). البته اگر حوزه گسترده‌تر دیده شود و از مفهوم «علوم اجتماعی» استفاده شود و افرادی که در جدول همکاران و به عنوان مجری رشته‌هایی چون علوم اجتماعی (۸/۷ درصد)، پژوهش اجتماعی (۲/۹ درصد) و مطالعات زنان (۱/۴ درصد) نیز به آن اضافه گردد، به درصدی حدود ۷۰ درصد (۶۹/۵ درصد) خواهیم رسید که نشان می‌دهد که متخصصان حوزه علوم اجتماعی، اتاف‌های مناطق شهر تهران را اجرا می‌کنند. البته در بین مجریان اتاف، رشته‌های تحصیلی دیگری چون آمار کاربردی، برنامه‌ریزی شهری، مدیریت، جغرافیا،

فلسفه، روان‌شناسی و محیط‌زیست نیز به چشم می‌خورد که این رشته‌ها را نیز می‌توان به علوم اجتماعی، نزدیک قلمداد کرد.

از نکات دیگر قابل اشاره درباره مجریان و ناظران اتاف می‌توان به میانگین ۴/۹۸ طرح اجراشده اتاف توسط مجریان و میانگین ۱۰/۴۵ طرح نظارت‌شده توسط ناظران اشاره کرد. کمترین تعداد اتاف اجراشده توسط مجریان، یک طرح و بیشترین آن بیست طرح بیان شده و برای ناظران نیز چهار طرح به عنوان کمینه و هجده طرح به عنوان بیشینه نظارت‌های این افراد عنوان شده است. دامنه گسترده اجرا توسط مجریان و ناظران و همچنین واریانس موجود نشان می‌دهد که اجرا و نظارت در بین افراد، دارای تناسب نبوده و افرادی (در قالب مجری و ناظر) بوده‌اند که به دلایل مختلف (رابطه با مدیران شهری، کیفیت بالای طرح‌های اجراشده توسط آنها و توانمندی علمی، توانایی جذب طرح و...) نسبت به سایر مجریان و ناظران، طرح‌های بیشتری را اجرا و یا نظارت کرده‌اند.

از جمله پیشنهادهای همیشگی در اجرای طرح‌های اتاف (به دلیل بین‌رشته‌ای بودن و گستردگی آن)، استفاده از همکاران متعدد و دارای تخصص‌های مختلف و متناسب با پروژه‌های اجراشده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به طور میانگین در طرح‌های اتاف اجراشده، حدود چهار همکار (۴/۲۹ نفر) مشارکت داشته‌اند (به جز مجری و ناظر طرح) که پایین‌ترین تعداد مربوط به طرحی با یک همکار و بالاترین آن مربوط به طرحی با هشت همکار بوده است.

در مرحله بعدی، تخصص‌های همکاران بررسی شد که بالاترین تعداد (با ۱۱۶ مورد: حدود ۴۹ درصد) مربوط به همکاری است که در حوزه علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، پژوهش، مددکاری، جمعیت‌شناسی، مطالعات زنان و...) تخصص داشته‌اند. نکته مهم، کمبود تخصص‌های متنوع شهری با توجه به گستردگی موضوع‌های طرح‌های اتاف است. به طور مثال همان‌طور که پیش از این اشاره شد، حوزه حمل‌ونقل و ترافیک از حوزه‌های مهم و دارای فراوانی بسیار در اتاف‌ها بوده است، اما تنها حدود ۴ درصد از همکاران طرح‌ها در این حوزه تخصص داشته‌اند و هرچند حوزه تخصصی بسیاری از مجریان علوم اجتماعی بوده است، باز هم ترجیح داده‌اند از همکاری با تخصص مشابه خود استفاده کنند.

## ارزیابی محتوای گزارش‌ها

پس از ارائه برخی از یافته‌های توصیفی درباره ویژگی‌های کلی پژوهش‌های مورد بررسی، در ادامه نتایج حاصل از بررسی مطالب ارائه‌شده در گزارش‌ها (در قالب شش فصل) ارائه شده است.

### ۱- مرور کلیات گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی

همچون سایر طرح‌های پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی، در طرح‌های اتاف نیز بیان مسئله از مهمترین بخش‌های آن بوده و فرض بر آن است که اگر این بخش به درستی تدوین گردد، در فرآیند اجرای پژوهش، پژوهشگر با تکیه بر آن می‌تواند مسیر درست را طی کند و به هدف‌های تعیین‌شده که در هماهنگی با بیان مسئله تدوین شده است، دست یابد. علاوه بر سایر ویژگی‌هایی که بیان مسئله باید در خود داشته باشد (همچون نشان دادن گستردگی پیامدهای موضوع، شدت آن، شرایط رنج‌آور ایجادشده، اظهار شدن موضوع به عنوان یک مسئله، بیان پرسش اصلی که در اتاف‌های مورد بررسی در ۸۴/۳ درصد آنها وجود داشته است و...)، در بیان مسئله‌های مربوط به اتاف، دو موضوع محوری نیز وجود دارد که باید به شکلی خاص به آنها اشاره گردد؛ نخست اشاره به حوزه جغرافیایی تحت تأثیر پروژه و یا طرح و دوم اشاره به حوزه انسانی تحت تأثیر.

بر اساس اطلاعات جدول بالا، از میان ۸۹ پژوهش مورد بررسی، پژوهشگران در بیان مسئله خود در ۷۵/۳ درصد از موارد به حوزه جغرافیایی طرح و در ۶۷/۴ درصد موارد به حوزه انسانی طرح اشاره کرده‌اند و دلایل تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری آنها را شرح داده‌اند.

پژوهشگر باید در طرح‌های اتاف به اهمیت انجام ارزیابی‌های اجتماعی و فرهنگی در پروژه‌ها، طرح‌ها و سیاست‌ها اشاره کند و نشان دهد که توجه به این نوع از مطالعات تا چه حد می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی پروژه، برنامه، سیاست و... کمک کرده و یا تا چه میزان می‌تواند بر افزایش آثار مثبت آن تأثیرگذار باشد. پس از این نیز با بیان ویژگی‌های خاص پروژه و طرح مورد نظر و دلایل توجیهی خود باید به این نکته اشاره کند که چرا لازم است درباره این مورد خاص (پروژه یا طرح و یا سیاست مورد بررسی) و در این زمان خاص، چنین طرح پژوهشی انجام شود و ضرورت این پژوهش چیست. با بررسی اتاف‌های انجام شده مشاهده شد که ۳/۴ درصد از موارد، فاقد این بخش بوده‌اند و در موارد باقی‌مانده، در ۹۲/۱ درصد از موارد، پژوهشگران در بخش اهمیت و ضرورت به درستی بر اهمیت و ضرورت



جدول شماره ۴: مرور کلیات گزارش

درصد	حجم نمونه و روش نمونه‌گیری	درصد	چارچوب نظری و مدل	درصد	بیان مسئله
۸۹,۹	بیان حجم نمونه	۱۹,۱	دارای چارچوب نظری و مدل نظری	۸۴,۳	دارای بیان مسئله
۸۸,۸	بیان روش نمونه‌گیری	۴۹,۴	دارای چارچوب نظری و مدل مفهومی	۷۵,۳	اشاره به حوزه جغرافیایی
درصد	ابزار پژوهش	۱۰,۱	دارای چارچوب نظری، مدل نظری و مدل مفهومی	۶۷,۴	اشاره به حوزه انسانی
۹۷,۷	مصاحبه	۸۷,۳	همانگی بین چهار چوب نظری و مدل	درصد	اهمیت و ضرورت پژوهش
۷۹,۳	پرسشنامه	درصد	رویکرد پژوهش	۹۶,۶	دارای اهمیت و ضرورت
۸۹,۶	مشاهده	۸۶,۴	ترکیبی	۹۲,۱	تبیین اهمیت و ضرورت
۷۰,۱	فیش‌های اطلاعاتی	۱۲,۵	کیفی	درصد	بیان هدف‌ها و پرسش‌ها
		۱,۱	کمی	۶۷,۴	هدف اصلی
		درصد	مسیر پژوهش	۹۵,۵	هدف فرعی
درصد	اعتبار ابزار	۴۷,۹	توصیفی	۴۲,۷	پرسش اصلی
۶۱,۸	اشاره به شیوه سنجش	۱۶,۷	توصیفی - تحلیلی	۸۹,۹	پرسش فرعی
	(در قالب اعتبار صوری، اعتبار محتوا، اعتبار ارزیاب‌ها، اعتبار سازه و...)	درصد	هدف پژوهش	تعداد	بیان پیشینه
		۴۰,۴	کاربردی	۸۰,۹	پیشینه داخلی
		درصد	زمان پژوهش	۳۴,۸	پیشینه خارجی
درصد	پایایی ابزار	۲۴,۷	مقطعی	۱۵,۷	جمع‌بندی متناسب
۵۶,۲	اشاره به شیوه سنجش			۷,۹	جمع‌بندی نامتناسب
درصد	زرفایی پژوهش			۷۶,۴	فاقد جمع‌بندی
۶۶,۷	زرفاگر			درصد	مفاهیم و متغیرهای اصلی
۳۳,۳	پهن‌گر			۸,۸	کیفیت زندگی، کیفیت زندگی شهری و اوقات فراغت
				۸	فضا، فضای عمومی و فضای شهری
				۵,۲	توسعه پایدار
				۲	دسترسی

پژوهش تأکید کرده‌اند و در مقابل در ۴/۵ درصد از موارد، پژوهشگران در این بخش به درستی به اهمیت و ضرورت موضوع اشاره نکرده‌اند؛ به این معنا که به جای بیان اهمیت اجرای اتاف به صورت کلی و بیان ضرورت اتاف برای پروژه یا طرح مورد بررسی، به خود پروژه و یا طرح اشاره کرده‌اند و مطالبی را بیان کرده‌اند که جای آن بیشتر در بیان مسئله بوده است.

تفکیک بین هدف/هدف‌های اصلی و هدف‌های فرعی/اختصاصی از نکاتی است که در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی به آن اشاره شده و در دستورالعمل تدوین شده نیز بر آن تأکید شده است. با وجود این در ۳۲/۶ درصد از موارد، پژوهشگران به صورت مشخص، هدف اصلی خود را از انجام اتاف بیان نکرده‌اند و غالب آنکه در ۴/۵ درصد از موارد، پژوهشگران نه تنها این تفکیک را انجام نداده‌اند، بلکه هدف‌های فرعی اتاف را نیز در گزارش خود بیان نکرده‌اند. همچنین ۵۷/۳ درصد از اتاف‌های موجود در پژوهش، فاقد پرسش اصلی و ۱۰/۱ درصد از آنها فاقد پرسش فرعی هستند که از مشکلات مهم این پژوهش‌ها بوده است.

اشاره به پیشینه‌های پژوهشی مشابه با موضوع مورد نظر در پژوهش‌های علوم اجتماعی، علاوه بر اینکه نگاهی کلی درباره موضوع مورد بررسی در بخش‌های طرح مسئله و پرسش اصلی، هدف‌ها، رویکرد نظری و روش شناختی و... به پژوهشگر خواهد داد، از تکرار پژوهش‌هایی مشابه با رویکردهای نظری و روشی یکسان نیز جلوگیری خواهد کرد. از میان ۸۹ اتاف موجود، در ۸۰/۹ درصد از موارد، پژوهشگران در گزارش نهایی خود به پیشینه داخلی پژوهش و در ۳۴/۸ درصد از آنها به پیشینه خارجی پژوهش اشاره کرده‌اند. بیان نتیجه‌گیری و یا نقد کارهای انجام شده از مهمترین بخش‌های گزارش‌های اتاف است که در طرح‌های مورد بررسی، کمتر از یک چهارم پژوهشگران (۲۳/۶ درصد) به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری یا نقد طرح‌های مشابه داخلی و خارجی ارائه شده پرداخته‌اند. از میان این ۲۱ مورد نیز تنها ۱۴ مورد (۱۵/۷ درصد) با تکیه بر طرح‌های اشاره شده به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته‌اند و در سایر پژوهش‌ها (۷/۹ درصد) در بخش جمع‌بندی، پیشینه مطالبی بیان شده است که ارتباطی به طرح‌های بیان شده در بخش پیشینه نداشته است. در بخشی از طرح‌های پژوهشی باید مفاهیم محوری طرح بررسی شود و درباره آنها با هدف افزایش شناخت کامل مفاهیم مرتبط با حوزه موضوعی پژوهش، مطالبی ارائه گردد (به جز مطالبی که در مبانی نظری طرح خواهد آمد و به بیان نظریه‌های مرتبط می‌پردازد که ممکن است پس از بخش ادبیات پژوهش بیاید و یا در بخش دامنه‌یابی به آن اشاره شود) که مفهوم

توسعه پایدار، تعاریف آن، تاریخچه شکل‌گیری و گسترش این مفهوم در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی و... بیشترین مفهوم مورد اشاره پژوهشگران در بخش ادبیات پژوهش بوده است (۵/۲ درصد).

در رتبه بعدی، مفهوم کیفیت زندگی به عنوان مفهومی کلیدی و یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی در مطالعات اتاف انجام شده، محوریت داشته و ۳/۲ درصد پژوهش‌های مورد بررسی به مفهوم کیفیت زندگی و ۲ درصد نیز به مفهوم کیفیت زندگی شهری پرداخته‌اند (در مجموع ۵/۲ درصد). فضا (با ۲/۴ درصد)، فضای عمومی (با ۲/۴ درصد) و فضای شهری (با ۳/۲ درصد) نیز از جمله مفاهیم پرکاربرد در طرح‌های اجرا شده بوده است. وجود مفاهیم مرتبط با فضای شهری (فضا، فضای عمومی و فضای شهری) در بیش از ۸ درصد اتاف‌های مورد بررسی، نشان از اهمیت این مفاهیم به دلیل پیوند بین پروژه‌ها و طرح‌های شهری با این مفاهیم بوده است. اوقات فراغت (با ۳/۶ درصد) نیز به عنوان یکی از متغیرهای کیفیت زندگی، از جمله مفاهیم مورد توجه پژوهشگران اتاف بوده است. در نهایت مفهوم دسترسی، تعریف و انواع و ویژگی‌های آن نیز از پرکاربردترین (۲ درصد) مفاهیم به کار رفته در اتاف‌های مورد بررسی بوده است.

همان‌طور که قابل پیش‌بینی نیز بوده است، به دلیل بین‌رشته‌ای بودن اتاف و رفت و برگشتی که در دو حوزه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری داشته است، مفاهیم مرتبط با این دو حوزه، بیش از سایر مفاهیم در طرح‌های انجام شده استفاده شده است و پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر این مفاهیم، بستری جامعه‌شناختی (با رویکرد شهری) شکل دهند تا مراحل بعدی طرح اجرا گردد.

نظریه‌های اجتماعی به عنوان گزاره‌هایی منطقی مرتبط با یکدیگر که به دنبال تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی است، نقشی اساسی در مطالعات اتاف دارد. هر چند ماهیت بین‌رشته‌ای و در برخی موارد نزدیکی آن به روش‌های کیفی، کاربرد نظریه در آن را دشوار می‌کند، با استفاده از نظریه می‌توان حوزه فعالیت را مشخص و از بیراهه رفتن در مطالعه جلوگیری کرد. بنابراین اگر مطالعات اتاف با روشی قیاسی انجام شوند و مدلی طراحی گردد که پژوهشگر به دنبال تأیید و یار د آن باشد و با این هدف به گردآوری داده‌ها بپردازد، بی‌شک نظریه مورد استفاده، نقشی کلیدی و محوری خواهد داشت که بدون آن انجام پژوهش ناممکن خواهد بود؛ و اگر با روشی کیفی به دنبال آن باشد که بر اساس روش استقرای داده‌های گردآوری شده به مدلی نهایی دست یابد، باز هم در نهایت برای سنجش اعتبار کار خود ناچار به

استفاده از نظریه برای مقایسه نتایج خود با سایر نظریه‌های موجود (به‌ویژه در مطالعات زمینه‌ای) خواهد بود و علاوه بر آن حتی در مطالعات کیفی (به جز مطالعات زمینه‌ای) نیز وجود نظریه می‌تواند بستری را ایجاد کند تا مسیر اصلی گم نشده و پژوهش در محدوده‌ای منطقی به کار خود ادامه دهد. همچنین نظریه‌های اجتماعی می‌توانند در مرحله دامنه‌یابی، نظم‌دهی به متغیرهای شناسایی شده و مورد بررسی را تحت گستره‌ای وسیع‌تر - که می‌تواند نظریه باشد - مورد استفاده قرار دهند.

در مطالعات انجام شده در شهر تهران با عنوان ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، توسعه پایدار پرکاربردترین (۱۱ درصد) نظریه‌ای است که پژوهشگران در مطالعات خود به آن اشاره کرده‌اند. هرچند توسعه پایدار را می‌توان رویکردی کلان دانست که ممکن است در دل خود نظریه‌هایی را پرورانده باشد و خود نمی‌تواند به عنوان نظریه مطرح گردد، در بین پژوهشگران اتاف به عنوان مفهومی که می‌تواند با توجه به ماهیت طرح‌های اجرا شده در انجام پژوهش به آنها کمک کند، مورد استفاده فراوان قرار گرفته است. برخی از پژوهشگران با اشاره به مفاهیم پایداری محیط، اجتماع و اقتصاد و لزوم همزمانی این سه با هم، پیوندی بین طرح‌های خود و مفهوم «توسعه پایدار» ایجاد کرده‌اند.

البته نباید این نکته را نیز از یاد برد که طرح‌ها و پروژه‌های شهری با هدف ارتقای سطح کیفی زندگی شهروندان به انجام می‌رسند و این مهم اگر با حفظ حق آیندگان بر شهروندان امروز صورت گیرد، می‌تواند از شاخص‌های مهم توسعه پایدار باشد و از این جهت می‌تواند به عنوان رویکردی کلان در مطالعات اتاف مورد استفاده قرار گیرد. کارکردگرایی، دیگر نظریه پرکاربرد در مطالعات اتاف انجام شده در شهر تهران بوده است. از آنجایی که در این نظریه، مفهوم کارکرد و خرده‌نظام در انواع و سطوح مختلف وجود دارد و با تشبیه محدوده‌ای از شهر و یا بخشی از نظام شهری به یک نظام کوچک و بررسی کارکردهای پنهان و آشکار، مثبت و منفی و... می‌تواند بر مطالعات اتاف منطبق گردد و یا مطالعات اتاف بر آن منطبق شود، محبوبیت بالایی در بین پژوهشگران حوزه اجتماعی دارد.

هرچند این نظریه در مقایسه با رویکرد «توسعه پایدار» - به دلیل بین‌رشته‌ای بودن و گستردگی هر روزه این مفهوم در حوزه‌های مختلف - نقشی فرعی‌تر در مطالعات اتا دارد، شاید ترکیب این دو مفهوم با یکدیگر و کاربرد نظریه کارکردگرایی در بستر بزرگ‌تر توسعه پایدار بتواند ترکیبی سودمند برای حوزه اتا باشد که برخی از پژوهشگران این حوزه دست به این اقدام زده‌اند. علاوه بر نظریه‌های مطرح شده و با توجه به موضوع‌های متنوع

اتاف‌های انجام شده، نظریه‌ها و مفاهیمی چون تضاد، پنجره شکسته، طرد اجتماعی، حیات شهری زیمیل، نظریه‌های لینچ درباره شهر و نشانه‌های شهری، چهارچوب مطرح شده توسط ونکلی برای ارزیابی، جرم‌شناسی محیطی و... نیز در بخش مبانی نظری اتاف‌های مورد بررسی بیان شده است.

چهارچوب نظری به عنوان ترکیب ادبیات و مبانی نظری و هر آنچه تا به این مرحله پژوهش انجام شده است، از جمله مواردی است که بر اساس دستورالعمل و همچنین بر مبنای اصول پژوهش در علوم اجتماعی در پژوهش‌های موسوم به اتاف وجود داشته و بر لزوم آن تأکید شده است. از میان ۸۹ پژوهش مورد بررسی، ۵۶ مورد (۶۲/۹ درصد) از اتاف‌ها دارای چهارچوب نظری بوده‌اند. همچون بخش مبانی نظری، توسعه پایدار و کارکردگرایی، مهمترین مفاهیم مطرح شده در بخش چهارچوب نظری پژوهش بوده است.

مدل پژوهش نیز که نمایش تصویری آن چیزی است که پژوهشگر در چهارچوب نظری خود مطرح کرده است و در این بخش به نمایش روابط بین متغیرهای مطرح شده در پژوهش پرداخته است، باید با چهارچوب نظری پژوهش هماهنگ باشد. از میان ۷۰ نمونه‌ای که در اتاف خود مدل نظری/مفهومی ارائه کرده‌اند، ۶۸/۵ درصد از موارد دارای هماهنگی بین چهارچوب نظری و مدل ارائه شده بوده‌اند و متغیرهای مطرح شده در مدل، در چهارچوب نظری نیز بیان شده است. لازم به ذکر است که ۲۴/۳ درصد از مدل نظری، ۶۲/۹ درصد از مدل مفهومی و ۱۰/۱ درصد از موارد از هر دو مدل استفاده کرده‌اند.

در بخش روش‌شناسی اتاف‌های مورد بررسی به جز یک مورد در سایر گزارش‌ها، رویکرد پژوهش بیان شده بود که بالاترین مورد نیز مربوط به رویکرد «ترکیبی» بوده است و پژوهشگران باور داشته‌اند که به دلیل استفاده از داده‌های کمی و کیفی به طور همزمان در مطالعات خود می‌توانند رویکرد ترکیبی را به عنوان رویکرد اصلی پژوهش خود در حوزه روش‌شناسی بیان کنند. اگر روش پژوهش را بتوان از نظر مسیر، هدف، زمان و میزان ژرفایی به انواعی تقسیم نمود، درباره اتاف‌های مورد بررسی باید بیان داشت که بیش از نیمی از پژوهشگران، نوع روش خود از نظر مسیر را بیان کرده‌اند که غالب آنها روش توصیفی (۴۷/۹ درصد) و پس از آن توصیفی - تحلیلی (۱۶/۷ درصد) را به عنوان روش پژوهش خود از نظر مسیر نام برده‌اند. بیان روش از نظر هدف (بنیادی، کاربردی و عملی) نیز دومین مقوله‌ای بود که در بخش روش پژوهش اتاف‌ها بررسی شد. نزدیک به ۶۰ درصد (۵۳ مورد) از گزارش‌ها به روش پژوهش از نظر هدف اشاره نکرده‌اند و تنها ۴۰/۴ درصد از موارد به آن اشاره داشته‌اند که تمامی آنها نیز روش پژوهش از نظر هدف را «کاربردی» عنوان کرده‌اند.

کاربردی بودن هدف پژوهش به دلیل مسئله‌محور بودن طرح‌های اتاف قابل پیش‌بینی است که پژوهشگران نیز به درستی بر این نکته تأکید کرده‌اند. از منظر زمان (مقطعی یا طولی) تنها در ۲۳ مورد (۲۵/۸ درصد) نوع پژوهش بیان شده است که از بین این پژوهش‌ها، ۹۵/۷ درصد پژوهش خود را مقطعی معرفی کرده‌اند. از نظر میزان ژرفایی (ژرفانگر - پهنانگر) نیز تنها ۶/۷ درصد پژوهشگران نوع مطالعه خود را از این نظر بیان کرده‌اند که از بین آنها نیز ۶۶/۷ درصد مطالعه خود را ژرفانگر و ۳۳/۳ درصد پهنانگر بیان داشته‌اند.

تمامی اتاف‌های مورد بررسی به روش‌ها و فنون گردآوری داده‌ها اشاره داشته‌اند. روش‌های گردآوری‌ای که پژوهشگران اتاف به آن اشاره کردند، شامل روش‌هایی چون روش پیمایش (بالاترین فراوانی)، اسنادی (دومین روش دارای فراوانی بالا)، میدانی و... بوده است و به فنون گردآوری داده‌های مختلفی چون مشاهده، مصاحبه، بحث گروهی متمرکز، طوفان ذهنی، مطالعات تطبیقی و... اشاره شده است. از نکات قابل اشاره در این بخش، وجود نوعی ناهماهنگی در بین پژوهشگران درباره فن بحث گروهی متمرکز<sup>۱</sup> است. در اتاف‌های مورد بررسی مفاهیمی چون: فوکوس گروپ، بحث گروهی، بحث گروهی متمرکز، مصاحبه گروهی، جلسه همفکری متمرکز و مصاحبه گروهی متمرکز به کار رفته است که چندان مشخص نیست که آیا منظور پژوهشگران همان بحث گروهی متمرکز است و یا فنی دیگر در نظر آنان بوده است. نبود برداشتی یکسان از این فن و کاربردهای متفاوت آن، یکی از مسائلی است که پژوهشگر این طرح در مشاهدات و تجربه‌های شخصی با آن برخورد داشته است و نیازمند توجه بیشتر روش‌شناختی برای نمایان کردن شیوه درست اجرای این فن و مشخص کردن تفاوت‌های آن با سایر فن‌های نزدیک به آن است. در بررسی صورت‌گرفته روی اتاف‌های انجام شده در شهرداری تهران مشخص شد که در ۶۰/۷ درصد از این گزارش‌ها به روش‌ها و فنون تحلیل اطلاعات اشاره شده است. در بین روش‌ها و فنون مورد اشاره، تحلیل نهادی، تحلیل محتوا و سوات<sup>۲</sup>، بالاترین فراوانی در استفاده را دارند. برخی از فنونی که پژوهشگران اتاف برای تحلیل از آن‌ها استفاده کرده‌اند از این قرار است: تحلیل روند، تحلیل گفتمان، فراتحلیل، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی<sup>۳</sup> و... برخی موارد نیز به عنوان فنون تحلیل از آن نام برده شده که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، همچون آزمون خی‌دو، تحلیل آماری، تحلیل پیمایش، آزمون تی و... .

1- Focus Group Discussion (F.G.D)

2- SWOT Analysis - Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats

3- Analytical Hierarchy Process

با توجه به موضوع‌های مورد بررسی در اتاق‌های شهر تهران و گستردگی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع در پروژه‌ها و طرح‌های مورد بررسی، جامعه‌های آماری مورد اشاره در گزارش‌های اتاق نیز دارای تنوع و گستردگی زیادی بوده‌اند. مسئولان شهرداری و مدیران شهری، ساکنان اطراف پروژه‌ها، اعضای شورایی و مطلعان محلی، پیمانکاران پروژه‌ها، رانندگان و مسافران (در طرح‌های ترافیکی)، کسبه اطراف پروژه‌ها، اسناد و مدارک مربوط به محدوده تحت تأثیر، اسناد فرادستی و اسناد مربوط به پروژه و نهادهای تحت تأثیر، بالاترین فراوانی را در جامعه آماری مورد اشاره داشته‌اند.

در مرحله بعد، بیان حجم نمونه از جامعه‌های آماری بررسی شد که بر این اساس در ۸۰ مورد (۸۹/۹ درصد) حجم نمونه و در ۷۹ مورد (۸۸/۸ درصد) شیوه نمونه‌گیری بیان شده بود. شیوه‌های برآورد حجم نمونه بیان شده در ۴۱ موردی که به این موضوع پرداخته‌اند، کوکران و مورگان بالاترین فراوانی را داشته‌اند.

به جز دو مورد، سایر اتاق‌های مورد بررسی (۸۷ مورد) به ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌های خود اشاره کرده‌اند که بالاترین فراوانی مربوط به استفاده از ابزار مصاحبه‌نامه (در ۹۷/۷ درصد)، پس از آن پرسشنامه (در ۸۹/۶ درصد) و سپس مشاهده (در ۷۹/۳ درصد) بوده است.

در بیان شیوه سنجش اعتبار ابزار، در ۵۵ مورد (۶۱/۸ درصد) از اتاق‌ها، پژوهشگران عنوان کرده‌اند که اعتبار ابزار خود را سنجیده‌اند که از این بین اعتبار صوری، بالاترین روش مورد استفاده پژوهشگران بوده است و روش‌هایی چون اعتبار محتوا، ارزیاب‌ها، اعتبار سازه و... با فاصله‌ای زیاد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در ۵۰ مورد (۵۶/۲ درصد) از اتاق‌های مورد بررسی عنوان شده است که پایایی ابزار نیز سنجیده شده است، اما از این بین تنها در ۴۳/۵ درصد گزارش‌ها، نتیجه انجام آزمون پایایی ارائه شده است و در ۵۶/۵ درصد هر چند عنوان شده است که پایایی مورد ارزیابی قرار گرفته، نتیجه آن بیان نشده است. استفاده از پایایی همسانی درونی (با استفاده از آلفای کرونباخ) نیز بالاترین روش مورد استفاده پژوهشگران برای سنجش پایایی ابزار (پرسشنامه) بوده است. پایایی بازآزمایی نیز در رتبه بعدی قرار دارد.

## ۲- مرور توصیف اقدام مداخله‌ای

در این بخش از گزارش‌ها، عناوینی شامل کاربری اراضی، برنامه‌های اجرایی، نیروی انسانی درگیر و انواع توجیه‌ها تدوین و تشریح می‌شود.

با توجه به آنکه غالب اتاق‌های انجام شده در شهرداری تهران برای

پروژه‌های عمرانی انجام شده است، بیان «کاربری‌های اراضی» اطراف پروژه از بخش‌هایی بوده است که پژوهشگران اتاف باید در گزارش‌های خود به آن می‌پرداخته‌اند. به جز چهار مورد از گزارش‌ها که با توجه به ماهیت اتاف، بیان این بخش (کاربری اراضی) برای آنها موضوعیت نداشته، ۶۹ مورد (۷۷/۵ درصد) از ۸۵ مورد باقی‌مانده، اطلاعات مربوط به کاربری اراضی را در گزارش خود ارائه کرده‌اند. در مورد بیان برنامه اجرایی نیز، به جز ۳ مورد (۳/۴ درصد) از گزارش‌ها که با توجه به ماهیت اتاف، بیان این بخش (برنامه‌های اجرایی) برای آنها موضوعیت نداشته است، ۶۶ مورد (۷۴/۲ درصد) از ۸۶ مورد باقی‌مانده، به اطلاعات مربوط به برنامه‌های اجرایی پروژه یا طرح مورد بررسی (به عنوان یکی دیگر از بندهای مورد درخواست با توجه به دستورالعمل) اشاره داشته‌اند.

جدول شماره ۵: مرور توصیف اقدام مداخله‌ای

کاربری اراضی	درصد	امکان‌سنجی	درصد	توجیه محیط‌زیستی	درصد
بیان شده	۷۷،۵	بیان شده	۴،۵	بیان شده	۱۳،۵
بیان نشده	۱۸	بیان نشده	۷۸،۷	بیان نشده	۴۸،۳
فاقد موضوعیت	۴،۵	توسط پژوهشگر انجام شده است.	۱۰،۱	توسط پژوهشگر توجیه شده است.	۳۳،۷
برنامه‌های اجرایی	درصد	اشاره به نبود امکان‌سنجی از سوی کارفرما	۶،۷	اشاره به نبود توجیه از سوی کارفرما	۴،۵
بیان شده	۷۴،۲	ریسک‌های طرح / پروژه	درصد	توجیه فنی	درصد
بیان نشده	۲۲،۵	بیان شده	۲۱،۳	بیان شده	۱۳،۵
فاقد موضوعیت	۳،۴	بیان نشده	۴۴،۹	بیان نشده	۴۶،۱
نیروی انسانی درگیر	درصد	توسط پژوهشگر تدوین شده است.	۳۲،۶	توسط پژوهشگر توجیه شده است.	۳۴،۸
بیان شده	۳۳،۷	اشاره به نبود اطلاعات از سوی کارفرما	۱،۱	اشاره به نبود توجیه از سوی کارفرما	۵،۶
بیان نشده	۶۶،۳	توجیه اقتصادی	درصد	توجیه اجتماعی و فرهنگی	درصد
		بیان شده	۱۳،۵	بیان شده	۱۴،۶
		بیان نشده	۴۷،۲	بیان نشده	۴۰،۴
		توسط پژوهشگر توجیه شده است.	۳۲،۶	توسط پژوهشگر توجیه شده است.	۴۲،۷
		اشاره به نبود توجیه از سوی کارفرما	۶،۷	اشاره به نبود توجیه از سوی کارفرما	۲،۲



نیروی انسانی درگیر با پروژه یا طرح نیز باید از سوی مجریان اتاف در گزارش‌های خود بیان می‌شده است که تنها ۳۳/۷ درصد به بیان این مشخصات پرداخته‌اند. البته باید این نکته نیز بیان شود که ۱۶/۹ درصد از پژوهشگران نیز به شکلی ناقص اطلاعات این بخش را ارائه کرده‌اند.

انجام امکان‌سنجی برای پروژه یا طرح از جمله الزامات اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری است که توسط مشاور طرح اجرا می‌گردد. در مطالعات اتاف، پژوهشگر باید به بررسی گزارش مشاور بپردازد، یا در صورتی که گزارشی وجود نداشته باشد، با مصاحبه با مسئولان و مدیران مربوطه، از مطالعات احتمالی انجام شده در این بخش مطلع شود و نتایج آن را در گزارش اتاف خود بیان کند. نکته مهم درباره این بخش آن است که ۷۰ مورد (۷۸/۷ درصد) از گزارش‌های اتاف در نمونه پژوهش حاضر به این موضوع اشاره‌ای نداشته‌اند و تنها در ۴ مورد (۴/۵ درصد)، پژوهشگران در گزارش‌های خود به نتایج امکان‌سنجی‌های صورت گرفته برای پروژه‌ها/ طرح‌های مورد بررسی اشاره داشته‌اند. همچنین در ۶ مورد (۶/۷ درصد)، پژوهشگران این نکته را بیان داشته‌اند که برای طرح مورد بررسی، امکان‌سنجی صورت نگرفته (بر اساس نقل قول از سوی کارفرما) و در ۱۰ مورد (۱۰/۱ درصد) پژوهشگران به اشتباه دست به توجیه اقدام زده‌اند و مطالبی را به عنوان امکان‌سنجی طرح توسط خودشان بیان داشته‌اند.

همانند «انجام امکان‌سنجی توسط کارفرما و مشاور»، پژوهشگران اتاف با مطالعه گزارش‌های مشاور طرح و یا انجام مصاحبه با کارفرما و مسئولان طرح باید به بیان «ریسک‌های طرح» نیز می‌پرداختند که در این بخش نیز تنها در ۲۱/۳ درصد، گزارش‌های اتاف دارای این اطلاعات بوده‌اند و در ۳۲/۶ درصد نیز به اشتباه این بخش بر اساس نظرها و مطالعات گروه اتاف بیان شده و پژوهشگران اقدام به بیان ریسک‌های طرح کرده‌اند. در ۴۴/۹ درصد نیز ریسک‌های طرح/ پروژه مطرح شده‌اند و در یک مورد به نبود چنین اطلاعاتی از سوی کارفرما اشاره شده است.

انجام توجیه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی، فنی و اجتماعی و فرهنگی از جمله فعالیت‌هایی است که در طرح‌های شهری، شرکت‌های مشاور آن را انجام می‌دهند. در گزارش‌های اتاف نیز با مراجعه به این گزارش‌ها و یا با مراجعه به شرکت‌های مشاور و کارفرمایان طرح‌ها (در صورت نبود گزارش مکتوب)، اطلاعاتی در این موارد بیان می‌گردد. در هر چهار مورد (توجیه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی، فنی و اجتماعی فرهنگی)، نزدیک به نیمی از گزارش‌های اتاف به این موارد اشاره‌ای نداشته‌اند: توجیه اقتصادی ۴۷/۲ درصد، توجیه محیط‌زیستی ۴۸/۳ درصد، توجیه فنی ۴۶/۱ درصد و

توجیه اجتماعی و فرهنگی ۴۰/۴ درصد). پژوهشگران اتاف در این بخش‌ها نیز همچون «بیان انجام امکان‌سنجی» و «بیان ریسک‌های طرح» در مواردی (در توجیه اقتصادی ۳۲/۶ درصد، توجیه محیط‌زیستی ۳۳/۷ درصد، توجیه فنی ۳۴/۸ درصد و توجیه اجتماعی و فرهنگی ۴۲/۷ درصد) خود دست به توجیه زده‌اند. توجیه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی و فنی در ۱۲ مورد و توجیه اجتماعی و فرهنگی در ۱۳ مورد بیان شده‌اند و در باقی موارد (۶/۷ درصد توجیه اقتصادی، ۴/۵ درصد توجیه محیط‌زیستی، ۵/۶ درصد توجیه فنی و ۲/۲ درصد توجیه اجتماعی و فرهنگی) به نبود توجیه از سوی کارفرما اشاره شده است.

۳- مرور توصیف سیمای اجتماع در گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی ارائه تصویری از وضعیت موجود محدوده تحت تأثیر از منظر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و محیط‌زیستی، ابتدایی‌ترین بخش از فصل سوم گزارش‌های اتاف است که اطلاعات این بخش به عنوان پایه تحلیل پژوهشگران در بخش‌های بعدی قرار خواهد گرفت و در نهایت از این اطلاعات (توصیف وضع موجود) در کنار داده‌های به دست آمده در بخش دامنه‌یابی و شناسایی و بیان تأثیرات برای برآورد پیامدهای طرح استفاده خواهد شد.

جدول شماره ۶: مرور توصیف سیمای اجتماع

فرآیند تاریخی	درصد	وضع موجود کالبدی	درصد	وضع موجود محیط‌زیستی	درصد
بیان شده	۷۹،۸	بیان شده	۸۷،۶	بیان شده	۵۱،۷
بیان نشده	۲۰،۲	بیان نشده	۱۲،۴	بیان نشده	۴۸،۳
وضع موجود اجتماعی و فرهنگی	درصد	وضع موجود اقتصادی		درصد	
بیان شده	۹۳،۳	بیان شده		۷۷،۵	
بیان نشده	۶،۷	بیان نشده		۲۲،۵	

در بیان فرآیند تاریخی و روندی که منجر به تصمیم‌گیری برای اجرای اقدام مورد بررسی شده است، در ۷۱ مورد (۷۹/۸ درصد)، پژوهشگران مطالبی را بیان داشته‌اند که به گذشته محدوده مورد نظر و فرآیندهای ایجادشده تا رسیدن به وضع فعلی اشاره داشته است.

در بیان وضع موجود درباره متغیرها و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، با استفاده از نتایج طرح‌های انجام شده، داده‌های موجود و در برخی موارد انجام مطالعات میدانی توسط خود پژوهشگران اتاف در ۹۳/۳ درصد از گزارش‌ها، مطالبی در این باره ارائه شده است. بیان ویژگی‌های کالبدی (در ۸۷/۶ درصد از

گزارش‌ها)، ویژگی‌های اقتصادی (در ۷۷/۵ درصد) و ویژگی‌های محیط‌زیستی (تنها در ۵۱/۷ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. بی‌شک ارائه اطلاعات دقیق در این بخش می‌تواند به انجام تحلیل‌های نزدیک به واقعیت از شرایط موجود و انجام برآوردهایی دقیق‌تر از آینده پروژه را در پی داشته باشد.

۴- مرور دامنه‌یابی در گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ها و طرح‌های صورت گرفته در شهر تهران در بخش دامنه‌یابی به سه حوزه پرداخته شده است. در بخش نخست، دامنه‌یابی جغرافیایی است که در آن، محدوده‌های تحت تأثیر از نظر حدود جغرافیایی در سه حوزه مداخله، بلافصل و فراگیر بررسی و نتایج گزارش شده است. در بخش دوم به دامنه‌یابی اجتماعی اشاره شده است که در آن ذی‌نفعان طرح مورد بررسی قرار گرفته و بیان می‌گردد که طرح به طور مستقیم، غیر مستقیم و انباشتی بر کدام افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها تأثیر خواهد داشت. در نهایت نیز در بخش پایانی، متغیرهایی که به واسطه اقدام توسعه‌ای انجام شده، در حال انجام و یا در حال برنامه‌ریزی دچار تغییر خواهند شد، مشخص می‌گردد، متغیرهای تحت تأثیر از نظر نوع، ماهیت، شدت و... نیز در جداولی ارائه و در نهایت نیز بر اساس همین شاخص‌ها، اولویت‌بندی می‌گردند.

در ۸۱ مورد (۹۱ درصد) از ۸۹ گزارش اتاف مورد بررسی در بخش دامنه‌یابی به بیان حوزه‌های مورد بررسی از منظر جغرافیایی (مداخله، بلافصل و فراگیر) اشاره شده است. این رقم در نگاه اول به نظر مثبت می‌آید، اما در مرحله بعد مشخص شد که حدود یک چهارم (۲۴/۷ درصد) گزارش‌های اتاف به تبیین دامنه‌یابی جغرافیایی پرداخته‌اند؛ یعنی پژوهشگران در مابقی گزارش‌ها برای مشخص کردن حوزه‌های مداخله، بلافصل و فراگیر، دلیلی را عنوان نداشته و تنها به ارائه تصویری بسنده کرده‌اند.

در بیان افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های تحت تأثیر طرح، ۷۳ درصد گزارش‌های مورد بررسی به بیان ذی‌نفعان طرح پرداخته‌اند و ۲۷ درصد نیز از ذی‌نفعان طرح نامی نبرده‌اند. لازم به یادآوری است که در این فصل از گزارش اتاف، پژوهشگران تنها به بیان ذی‌نفعان می‌پردازند و بیان برنده یا بازنده بودن آنها به واسطه اقدام توسعه‌ای در فصل چهارم اتاف (برآورد پیامدها) خواهد آمد.

بیان متغیرهای تحت تأثیر از نظر نوع تأثیرات (مستقیم/ غیر مستقیم/ انباشتی، خواسته/ ناخواسته)، ماهیت تأثیرات (اجتماعی، اقتصادی، ترافیکی و...)

جدول شماره ۷: مرور دامنه‌یابی

درصد	ارائه ماتریس تأثیرات	درصد	تعیین نوع تأثیرات	درصد	دامنه‌یابی جغرافیایی
۷۵,۳	بیان شده	۷۵,۳	بیان شده	۹۱	بیان شده
۲۴,۷	بیان نشده	۲۴,۷	بیان نشده	۹	بیان نشده
درصد	اولویت‌بندی تأثیرات	درصد	تعیین ماهیت تأثیرات	درصد	تبیین دامنه جغرافیایی
۴۴,۹	بیان شده	۶۸,۵	بیان شده	۲۴,۷	بیان شده
۵۵,۱	بیان نشده	۳۱,۵	بیان نشده	۷۵,۳	بیان نشده
درصد	بیان مبنای اولویت‌بندی	درصد	تعیین شدت تأثیرات	درصد	تعیین ذی‌نفعان
۳۳,۷	بیان شده	۸۴,۳	بیان شده	۷۳	بیان شده
۶۶,۳	بیان نشده	۱۵,۷	بیان نشده	۲۷	بیان نشده
		درصد	تعیین قلمرو تأثیرات		
		۸۲	بیان شده		
		۱۸	بیان نشده		

شدت تأثیرات (کم، متوسط، زیاد) و قلمرو تأثیرات (مداخله، بلا فصل و فراگیر) نیز از جمله مطالبی است که در گزارش فصل سوم اتاف (دامنه‌یابی) ارائه می‌گردد. در اتاف‌های مورد بررسی، ۸۴/۳ درصد گزارش‌های مورد بررسی تأثیرات را از نظر شدت، ۸۲ درصد از نظر قلمرو، ۷۵/۳ درصد از نظر نوع و ۶۸/۵ درصد از نظر ماهیت بیان داشته‌اند.

در بیش از ۷۵ درصد (۷۵/۳ درصد) از گزارش‌ها، تأثیرات شناسایی شده در قالب ماتریس تأثیرات بیان که در آن با استفاده از جداولی چندبعدی هر تأثیر شناسایی شده از نظر نوع، ماهیت، شدت، قلمرو و... بررسی شده است. هدف از ارائه این ماتریس، کمک گرفتن برای اولویت‌بندی تأثیرات است که کمتر از ۵۰ درصد (۴۰ مورد) پژوهش‌های مورد بررسی به این مهم (اولویت‌بندی تأثیرات) اشاره داشته‌اند. از این بین نیز تنها ۳۳/۷ درصد به مبنای مورد استفاده برای اولویت‌بندی تأثیرات اشاره کرده‌اند و چرایی و فرآیند این اولویت‌بندی را مشخص کرده و آن را گزارش داده‌اند.

۵- مرور برآورد پیامدها در گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی برآورد پیامدها در اتاف، هدف نهایی انجام چنین مطالعاتی است؛ زیرا هدف از انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌های شهری، پیش‌بینی آینده و آگاهی نسبت به پیامدهایی است که یک سیاست، برنامه یا طرح می‌تواند در آینده در حوزه اجتماعی و فرهنگی در پی داشته باشد.

بنابراین اتاف‌هایی که به این بخش مهم از ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی نپرداخته‌اند، گویی هدف اصلی پژوهش را فراموش کرده‌اند و به بیراهه رفته‌اند.

جدول شماره ۸: مرور بر آورد پیامدها

انواع بر آورد ارائه شده	درصد	احتمال وقوع پیامدها	درصد	بیان چرایی بروز پیامدها	درصد
بر آورد با اقدام مداخله‌ای	۳۸,۲	بیان شده	۵۶,۲	کاملاً بیان شده	۳,۴
بر آورد بدون اقدام مداخله‌ای	۳,۴	بیان نشده	۴۳,۸	بعضاً بیان شده	۶۸,۵
هر دو	۱۸	زمان پیامدها	درصد	بیان نشده	۲۸,۱
هیچ کدام (بر آورد به صورت کلی از آینده)	۲۷	بیان شده	۷۱,۹	هماهنگی بین پیامدها با مدل	تعداد
فاقد بر آورد	۱۳,۵	بیان نشده	۲۸,۱	هماهنگ	۶۷,۱
اصلی ترین روش بر آورد	درصد	قلمرو جغرافیایی پیامدها	درصد	ناهماهنگ	۳۲,۸
سناریو نویسی	۶۰	بیان شده	۷۴,۲	ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها	درصد
مطالعات تطبیقی	۱۵	بیان نشده	۲۵,۸	بیان شده	۴۱,۶
استفاده از اطلاعات کمی	۲۲,۱	قلمرو اجتماعی پیامدها	درصد	بیان نشده	۵۸,۴
نوع پیامدها	درصد	بیان شده	۵۲,۸	واکنش‌های احتمالی	درصد
بیان شده	۸۶,۵	بیان نشده	۴۷,۲	بیان شده	۲۹,۲
بیان نشده	۱۳,۵	اهمیت پیامدها	درصد	بیان نشده	۷۰,۸
ماهیت پیامدها	درصد	بیان شده	۴۷,۲	متأثران	درصد
بیان شده	۲۱,۳	بیان نشده	۵۲,۸	بیان شده	۹۴,۴
بیان نشده	۷۸,۷			بیان نشده	۵,۶
شدت پیامدها	درصد			سطوح متأثران	درصد
بیان شده	۷۷,۵			بیان شده	۵۱,۷
بیان نشده	۲۲,۵			بیان نشده	۴۸,۳

از میان اتاف‌های مورد بررسی در ۱۲ مورد (۱۳/۵ درصد) هیچ بر آوردی با تکیه بر داده‌های گردآوری شده از آینده ارائه نشده است و این در حالی است که در فصل نخست ۷۹ مورد (۸۸,۸ درصد) از گزارش‌ها، پژوهشگران عنوان کرده بودند که در اتاف خود از روش‌های بر آورد استفاده کرده‌اند. از میان گزارش‌هایی که بخش بر آورد را ارائه کرده‌اند (۷۷ مورد)، ۱۶ مورد (۲۰/۸ درصد) بر آورد خود از آینده را در دو شکل آینده با اقدام و آینده بدون اقدام بیان داشته‌اند. این نوع از بر آورد (آینده در صورت انجام اقدام و آینده

در صورت انجام نشدن اقدام) مورد تأکید دستورالعمل ارائه شده بوده است و می‌تواند با ترسیم دو وضعیت از آینده در جهت تصمیم‌گیری مسئولان برای انجام اقدام توسعه‌ای راه‌گشا باشد. لازم به ذکر است که در ۳۸/۲ درصد از موارد، فقط از برآورد با اقدام مداخله‌ای و در ۳/۴ درصد از آنها، فقط از برآورد بدون اقدام مداخله‌ای استفاده شده است.

از روش‌های فراوانی در گزارش‌ها برای برآورد استفاده شده است که بالاترین میزان مربوط به استفاده از سناریونویسی با ۶۰ درصد است. پس از سناریونویسی، مطالعات تطبیقی پراستفاده‌ترین روش در بین پژوهشگران اتاف برای برآورد پیامدها بوده است. جالب آنکه پژوهشگران، روش‌های دیگری را نیز همچون مصاحبه، میدانی، مشاهده و... به عنوان روش‌های برآورد بیان کرده‌اند که چندان درست به نظر نمی‌رسد و بیان این فن‌ها و ابزار به عنوان روش برآورد از نکات قابل تأمل در گزارش‌های مورد بررسی است.

پیامدهای برآوردشده در اتاف‌های مورد بررسی نیز برحسب نوع (مثبت/ منفی)، ماهیت (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و...)، شدت (کم، متوسط، زیاد)، احتمال وقوع (کم، متوسط، زیاد)، زمان (پیش از اجرا، حین اجرا، پس از اجرا/ کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، قلمرو جغرافیایی (محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای/ مداخله، بلافصل، فراگیر)، قلمرو اجتماعی (مستقیم، غیر مستقیم و انباشتی) و اهمیت (کم، متوسط، زیاد) قابل بیان هستند. ۸۶/۵ درصد پژوهشگران، پیامدهای شناسایی شده را از نظر نوع، ۷۷/۵ درصد بر اساس شدت، ۷۴/۲ درصد بر اساس قلمرو جغرافیایی، ۷۱/۹ درصد بر اساس زمان، ۵۶/۲ درصد بر اساس احتمال وقوع، ۵۲/۸ درصد برحسب قلمرو اجتماعی، ۴۷/۲ درصد بر اساس اهمیت و در نهایت تنها ۲۱/۳ درصد بر اساس ماهیت ارائه کرده‌اند.

علاوه بر بیان پیامدها برحسب مقوله‌های مختلفی چون شدت، ماهیت، اهمیت و...، بیان چرایی پیامدها نیز می‌تواند در جهت پذیرش و افزایش اعتبار نتایج به طرح‌های اتاف کمک نماید. اما تنها در ۳/۴ درصد گزارش‌ها برای تمام پیامدهای مورد اشاره تبیین انجام شده است و در ۶۸/۵ درصد دیگر از گزارش‌ها، چرایی بروز پیامد برای بخشی از پیامدهای مورد اشاره مطرح شده است. در ۲۸/۱ درصد نیز چرایی پیامدهای بیان شده مطرح نشده است و مشخص نیست که دلایل بروز این پیامدها از نظر پژوهشگر چه بوده است. با توجه به آنکه در بیشتر اتاف‌های مورد بررسی (۷۸/۷ درصد) از مدل نظری/ مفهومی استفاده شده است و پژوهشگر در بخشی از کار خود با تکیه بر روش قیاسی در پی آزمون مدل خود بوده است، در بررسی اتاف‌های انجام‌شده، هماهنگی بین پیامدهای بیان‌شده و مدل نظری/ مفهومی ارائه‌شده

بررسی شد و در پی این بررسی باید اشاره گردد که از بین ۷۰ مورد دارای مدل نظری/مفهومی تنها در ۶۷/۱ درصد از گزارش‌ها هماهنگی یادشده وجود داشته است و پیامدهای برآوردشده با مدل اشاره‌شده هماهنگی داشته است. پیش‌بینی ریسک‌ها و تعیین واکنش‌های احتمالی نیز از جمله مواردی بود که در گزارش‌های اتاف مورد بررسی قرار گرفت که از مجموع ۸۹ اتاف مورد بررسی، تنها ۴۱/۶ درصد به بیان ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها و ۲۹/۲ درصد به بیان واکنش‌های احتمالی بر اساس اجرای اقدام توسعه‌ای پرداخته‌اند. در ۶۵ مورد (۷۳ درصد) از گزارش‌های مورد بررسی در مرحله دامنه‌یابی به‌ذی‌نفعان طرح اشاره شده بود. در بخش برآورد پیامدها، پژوهشگران به بیان متاثران طرح پرداخته‌اند؛ به این معنا که ذی‌نفعانی را که در ابتدای گزارش معرفی کرده‌اند، در این بخش با دقت بیشتری معرفی کرده، سطوح آنان را نیز مشخص نموده‌اند. در این بخش همچنین چرایی متاثر بودن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها نیز باید به روشنی مشخص گردد. در مرحله برآورد پیامدها در ۸۴ مورد (۹۴/۴ درصد)، متاثران طرح مورد اشاره قرار گرفته‌اند که از این تعداد، ۴۶ مورد (۵۱/۷ درصد) علاوه بر اشاره به ذی‌نفعان، آنها را در قالب سطوح (فردی، گروهی، نهادی، سازمانی و...) نیز طبقه‌بندی کرده‌اند. از جمله نکته‌های قابل اشاره بر اساس داده‌های به دست آمده آن است که برخی از پژوهشگران در مرحله دامنه‌یابی به افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تحت تأثیر و یا تأثیرگذار اشاره نکرده‌اند (۲۷ درصد)، اما در مرحله برآورد پیامدها به بیان متاثران طرح پرداخته و آنان را در گزارش آورده‌اند (حدود ۱۰ درصد گزارش‌ها دارای این ویژگی بوده است).

۶- مرور تدوین کاربست و ارائه آن در گزارش‌های ارزیابی تاثیرات اجتماعی اگر نظام کاربست دارای سه بخش نظام ارتباطی (بیان افراد، گروه‌ها، نهادها و... مرتبط با اقدام و تعیین نقش هر یک در اجرای کاربست)، نظام اجرا (بیان پیشنهاد عملیاتی به تفکیک زمان و مجری برای کاهش تأثیر هر یک از پیامدهای منفی و افزایش تأثیر پیامدهای مثبت) و نظام پایش (ارائه برنامه‌ای برای کنترل و پایش پیامدهای شناسایی شده در آینده و ارائه چک‌لیست‌هایی برای پایش‌های منظم و دوره‌ای طرح) دانسته شود، این بخش از گزارش می‌تواند مهم‌ترین بخش اتاف برای کارفرما باشد و بیشترین بهره‌برداری را از آن نماید.

جدول شماره ۹: مرور تدوین کاربریست

درصد	نظام پایش	درصد	نظام اجرا	درصد	نظام ارتباطی
۲۴,۷	به طور کامل بیان شده**	۳,۴	به طور کامل بیان شده*	۴۹,۴	بیان شده
۳۳,۷	به طور ناقص بیان شده	۹۴,۴	به طور ناقص بیان شده	۵۰,۶	بیان نشده
۴۱,۶	بیان نشده	۲,۲	بیان نشده		

\* دارای راهکار برای تک تک پیامدهای شناسایی شده

\*\* دارای چکلیست پایش اقدام بر حسب زمان و موضوع

با وجود اهمیت فراوان نظام ارتباطی، کمتر از نیمی از گزارش‌ها (۴۹/۴ درصد) به این بخش پرداخته‌اند. در نظام اجرا هر چند تنها دو مورد فاقد راهکارهای پیشنهادی بودند، تنها در سه مورد برای تک تک پیامدهای شناسایی شده (مثبت و منفی)، راه کارهای افزایشی (پیامد مثبت) یا کاهش (پیامد منفی) ارائه شده است. به عبارت دیگر در ۸۴ مورد (۹۴/۴ درصد) راهکارهای پیشنهادی ارائه شده است، اما نه برای تمام پیامدهای بیان شده. نظام پایش نیز در ۵۲ مورد از گزارش‌ها ارائه شده است. البته لازم به ذکر است که تنها ۲۲ مورد (۲۴/۷ درصد) از نظام‌های پایش ارائه شده دارای چکلیست پایش اقدام بر حسب زمان و موضوع بوده‌اند. یعنی آنکه چکلیستی تهیه شده که در آن مشخص شده باشد در چه زمانی (پیش، حین، پس از اجرا) باید چه موضوعاتی و با چه متغیرها و یا شاخص‌هایی ارزیابی شود.

### نتیجه‌گیری و بحث

انجام این پژوهش به چند دلیل صورت گرفته است. نخست آنکه به نظر می‌رسید با توجه به اجرای حدود هشتصد اتاف در شهرداری تهران، این حوزه نتوانسته است به جایگاه خود در مطالعات شهری دست یابد. مسائلی چون بروکراسی حاکم در مدیریت شهری، بی‌توجهی برخی از مدیران به حوزه پژوهش و به ویژه پژوهش‌های اجتماعی، نداشتن ضمانت اجرایی برای عملیاتی شدن کاربری‌های تدوین شده در اتاف‌های شهری، مشکلات مالی و پرداخت‌های همراه با تأخیر کارفرمایان به مجریان اتاف و... از جمله دلایلی است که ممکن است در تحقق نیافتن هدف‌های تعیین شده برای نهادینه کردن این دست از مطالعات در مدیریت شهری (به ویژه شهرداری تهران) بتوان از آنها نام برد. بررسی هر یک از دلایل بیان شده نیازمند پژوهش‌هایی گسترده بوده و باید در مطالعاتی، وضع موجود هر یک از موارد اشاره شده بررسی گردد و عوامل بروز آن شناسایی و در راستای بهبود شرایط، پیشنهادهایی ارائه شود. گزارش‌های ارائه شده در طرح‌های اتاف را نیز می‌توان یکی از عوامل



بروز وضع فعلی قلمداد نمود. بدون شک اگر تمامی شرایط مورد نیاز برای کاربردی شدن مطالعات اتاف نیز وجود داشته باشد، اما گزارش‌های تدوین شده از نظر کیفی نتواند از قابلیت‌های مناسبی برخوردار باشد، تحقق هدف‌های از پیش تعیین شده و دستیابی به چشم‌اندازهای این حوزه با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

در این پژوهش نیز با توجه به محدودیت‌های موجود (زمان، هزینه، فرآیند و...) تلاش شده است تا با نگاهی به مطالعات انجام شده در طول سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ در مناطق بیست و دو گانه شهرداری تهران و با استفاده از مرور نظام‌مند این گزارش‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند. از این‌روی پس از غربالگری گزارش‌های انجام شده، ۸۹ گزارش نهایی انتخاب و بررسی روی آنها انجام شد. معیار بررسی نیز شرح خدمات و دستورالعملی بوده است که اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در اختیار مناطق (به عنوان کارفرما) و ناظران و مجریان قرار داده است. بنابراین بر مبنای این دستورالعمل، ابزاری ساخته شد و در اختیار گروه پژوهش قرار گرفت تا با مطالعه تمامی گزارش‌های انتخاب شده به استخراج اطلاعات مورد نیاز اقدام گردد.

استخراج اطلاعات از گزارش‌ها، برای دستیابی به هدف‌های پژوهش صورت گرفته و بنابراین در ادامه، مطالبی ارائه شده است که هدف از آن، پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش بوده و تلاش شده است تا با استفاده از یافته‌های به دست آمده برای پرسش‌های آغازین پژوهش، پاسخ‌هایی ارائه گردد.

#### اتاف‌های معتبر و غیر معتبر

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بخش زیادی از شاخص‌های مورد استفاده برای بررسی گزارش‌های ارائه شده، از دستورالعمل اجرای اتاف که توسط اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی تدوین شده است، استخراج شد و در فرم‌های طراحی شده قرار گرفت. در این دستورالعمل از مجریان خواسته شده است تا گزارش‌های نهایی خود را در قالب شش فصل ارائه کنند (فصل نخست: کلیات پژوهش شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، ادبیات پژوهش، بینش و روش‌شناسی؛ فصل دوم: معرفی اقدام مداخله‌ای شامل کلیات اقدام، کاربری‌های اراضی، برنامه‌های اجرایی، نیروی انسانی درگیر و توجیه‌ها؛ فصل سوم: توصیف محیط اجتماعی شامل فرآیند تاریخی، شرایط مبنایی و سیمای اجتماع؛ فصل چهارم: دامنه‌یابی شامل دامنه اجتماعی، دامنه جغرافیایی و اولویت‌بندی تأثیرات؛ فصل پنجم: برآورد پیامدها شامل تدوین جدول پیامدها، بیان ذی‌نفعان، تحلیل پیامدها و...؛ و در نهایت فصل ششم:

کاربست و مدیریت اجرایی پیامدها شامل نظام ارتباطی، نظام اجرا و نظام پایش). علاوه بر آن از مجریان خواسته شده بود تا خلاصه‌ای مقدماتی در حدود پنج تا هفت صفحه در ابتدای گزارش قرار دهند که شامل کلیات (بیان مسئله، بینش، روش)، بدنه اصلی (دامنه‌یابی و برآورد پیامدها) و کاربرست است. همچنین در دستورالعمل خواسته شده بود تا مواردی از جمله ابزار پژوهش، جداول آماری و... را نیز به عنوان پیوست در گزارش ارائه نمایند. برای رفرنس‌دهی نیز روش APA مورد تأکید قرار گرفته بود.

از میان گزارش‌های بررسی‌شده، حدود یک‌سوم (۳۳/۷ درصد) به تمامی موارد عمل کرده‌اند و این در حالی است که موارد اشاره‌شده را اداره مطالعات منطقه و ناظران علمی نیز بررسی کرده‌اند و الزام رعایت آنها بیان شده است. در این راستا باید چندگانگی رفتار نسبت به رعایت این دستورالعمل را بیان کرد. تجربه زیسته پژوهشگران این پژوهش‌گویی‌ای آن است که دستورالعمل ارائه‌شده، از سوی برخی ناظران و مجریان مورد پذیرش نبوده و بر همین اساس در ارزیابی‌های صورت‌گرفته توسط ناظران و اجرای گزارش‌ها توسط مجریان چندان جدی گرفته نشده است. علاوه بر آن در برخی موارد، محدودیت‌های موجود همچون محدودیت زمان در طرح‌های سطح محلی (سطح ۴) چنان افزایش سرعت اجرای طرح را ایجاد می‌کرده است که شتاب‌زدگی موجود، مانع پرداختن به جزئیات شده است. در کنار این موارد، پیگیری‌های برخی از مدیران مطالعات مناطق و اهمیت فراوان زمان‌بندی برای آنها نیز به عنوان عاملی برای فرار از این موارد، نقش مهمی را ایفا کرده است. البته باید به کاربردی نشدن و مورد استفاده قرار نگرفتن این مطالعات و بی‌توجهی کارفرما به این گزارش‌ها نیز اشاره شود. اگر مجری، احتمال زیادی بدهد که گزارش او را شخصی دیگر مطالعه نخواهد کرد، بدون شک از کیفیت آن کاسته خواهد شد (البته این مورد در غالب پژوهشگرانی که به کار خود متعهد هستند، رخ نخواهد داد).

اگر از رعایت کامل موارد بیان‌شده (ساختار و موارد صوری) که حدود یک‌سوم از پژوهشگران آنها رعایت کرده بودند عبور گردد، باید به این نکته نیز اشاره شود که (بر اساس یافته‌های پژوهش) حدوداً در هشتاد درصد گزارش‌ها، بخش زیادی از این موارد رعایت شده است و در برخی از شاخص‌ها، گزارش ارائه‌شده با دستورالعمل همخوانی ندارد. این امر نشان از پذیرش نسبی دستورالعمل در بین پژوهشگران و ناظران اتاف دارد. به جز مطالعات معدود، کلیت دستورالعمل در بیشتر گزارش‌ها رعایت شده و گزارش‌های آنها قابل بررسی با ابزار ساخته‌شده بودند. البته در برداشت مشترک بین مفاهیم

میان پژوهشگران در برخی موارد مشکلاتی وجود داشته است که در ادامه و در بخش‌های مرتبط به آنها اشاره خواهد شد.

در نهایت اگر درباره معتبر بودن گزارش‌ها سخن گفته شود، در این گام تنها می‌توان از نظر صوری درباره آنها داوری کرد و از این منظر می‌توان بیان کرد که حدود هشتاد درصد گزارش‌ها را می‌توان از نظر صوری و رعایت کلیات مربوط به طرح‌های موسوم به اتاف معتبر دانست. البته اعتبار نتایج، روش‌ها، ابزار و... خود بخشی مجزا و بسیار بااهمیت است که در ادامه به برخی از جنبه‌های پرداخته شده است و بخشی از آن نیز بنا بر محدودیت‌های پژوهش تنها بیان شده است تا پژوهشگران آتی بتوانند به بررسی آن بپردازند.

#### بین‌رشته‌ای و مشارکتی بودن اتاف

استفاده از تخصص‌های مختلف و مرتبط با پروژه‌های مورد بررسی (ماهیت پروژه‌ها) از محدود نکاتی است که در فضای حال حاضر مطالعات اتاف بر سر آن توافق حداکثری وجود دارد و کمتر پژوهشگری در این حوزه ممکن است با این اصل مخالفتی جدی داشته باشد. پژوهشگر حوزه اجتماعی به واسطه ماهیت‌های متفاوت طرح‌ها و پروژه‌ها که گاه ترافیکی، عمرانی، محیط‌زیستی و... هستند، باید تاحدوی به این حوزه‌ها وارد شود و بهترین راه برای چنین اقدامی، استفاده از همکاری با این تخصص است. این مسئله همچنین مورد پذیرش جمعی پژوهشگران این حوزه است. استفاده از این تخصص‌ها علاوه بر افزایش تعامل میان گروه پژوهشی اتاف با کارفرما (که غالباً با زبانی فنی سخن می‌گویند) و ایجاد زبانی مشترک می‌تواند به درک گروه پژوهشی از آنچه قرار است رخ دهد نیز کمک کند. به این دلایل در این پژوهش از این منظر نیز به پژوهش‌ها نگریسته شد.

البته به انحصارگری تخصص در این پژوهش‌ها از سوی متخصصان علوم اجتماعی باید اشاره شود؛ زیرا بخش زیادی از اتاف‌های مورد بررسی (حدود هفتاد درصد) را متخصصان حوزه علوم اجتماعی اجرا کرده‌اند و با وجود تأکید فراوان بر استفاده از سایر رشته‌ها (با توجه به ماهیت و حوزه‌های متفاوت پروژه‌ها) تنها حدود نیمی از همکاران (به جز مجریان) از سایر رشته‌های تحصیلی بوده‌اند. این بدان معناست که در برخی موارد، متخصصان علوم اجتماعی دست به تحلیل‌هایی از جنس عمرانی، ترافیکی، محیط‌زیستی و... زده‌اند که بدون شک حضور فردی متخصص از آن حوزه می‌توانست بر کیفیت گزارش بیفزاید. به طور مثال هرچند بالاترین فراوانی موضوعی (با ۳۴/۸ درصد) مربوط به پروژه‌ها و طرح‌های حوزه حمل‌ونقل بوده است (در مقایسه با حوزه

اجتماعی و فرهنگی با ۳۲/۶ درصد، حوزه امور شهری و فضای سبز با ۲۷ درصد و حوزه عمرانی با ۵/۶ درصد)، تنها در ۳/۷۶ درصد طرح‌ها از متخصصان این حوزه به عنوان همکار استفاده شده است. این موضوع می‌تواند در تحلیل‌های صورت گرفته مسبب مشکلاتی شود و بین پیشنهادهاى مجریان و دنیای واقعی فاصله فراوانی را ایجاد کند، که چه بسا حضور فردی با تخصص مربوطه بتواند از این شکاف بکاهد و کاربست ارائه شده را عملیاتی‌تر نماید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مجریان اتاف (که غالباً در حوزه علوم اجتماعی دانش آموخته بوده‌اند) برای انجام طرح‌های خود بیش از همه به متخصصانی با گرایش‌های نزدیک به خود رجوع کرده‌اند و همکاران رشته‌های علوم اجتماعی، بالاترین فراوانی را در بین تخصص‌های مورد استفاده داشته‌اند. این امر موجب شده است که در تحلیل‌های تخصصی مورد نیاز در گزارش‌های اتاف نیز نگاه جامعه‌شناسانه و زبان تخصصی این حوزه پررنگ‌تر شود و بر فاصله بین کارفرما و پژوهشگران در فهم مشترک مسائل بیش از پیش افزوده شود. به طور مثال با توجه به استفاده حداقلی از متخصصان حوزه حمل‌ونقل در کنار یافته دیگری که نشان می‌دهد بالاترین فراوانی موضوعی اتاف‌های انجام شده در شهر تهران به حوزه حمل‌ونقل و ترافیک مربوط بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از تخصص‌های مختلف در طرح‌های اتاف رخ نداده است و متخصصان علوم اجتماعی به تنهایی تلاش کرده‌اند به فهم مسائل تخصصی سایر حوزه‌ها بپردازند و فراتر از آن به تبیینی از زاویه دید سایر حوزه‌ها نیز اقدام کرده‌اند.

علاوه بر بین‌رشته‌ای بودن اتاف، مشارکتی بودن آن نیز از جمله ویژگی‌های اتاف است. در این راستا نیز از پژوهشگران خواسته شده است تا در تمامی مراحل اجرای پژوهش، تعاملی چندوجهی میان پژوهشگر حوزه اتاف، کارفرما، مشاور، پیمانکار و سایر ذی‌نفعان (شامل افراد، نهادها و سازمان‌ها) برقرار گردد و مراحل چون دامنه‌یابی، برآورد پیامدها و مهمتر از همه کاربست طراحی شده از داده‌هایی مشارکتی به دست آید.

با نگاهی به کاربست‌های ارائه شده در گزارش‌ها (به عنوان اصلی‌ترین بخشی که می‌توان نمود مشارکت را در تدوین این بخش مشاهده کرد)، تدوین غیر مشارکتی مهم‌ترین مشخصه این بخش از گزارش است و پژوهشگر در تدوین مراحل یادشده از ظرفیت موجود در سایر گروه‌ها استفاده‌ای نکرده و یا به استفاده از آن اشاره‌ای نداشته است.

بدون شک انجام دامنه‌یابی، برآورد پیامد و مهمتر از همه کاربست اجرایی بدون در نظر گرفتن ذی‌نفعان طرح و استفاده از دانش بومی و گاهی تخصصی

آنها نمی‌تواند به پیشنهادهایی عملیاتی منجر شود و این امر برای حوزه اتاف، صدمات جبران‌ناپذیری همچون از بین رفتن اعتماد به این حوزه و غیر کاربردی، انتزاعی و غیر واقعی نمایاندن آن را در پی خواهد داشت و با گذشت زمان آن را محدودتر و مهجورتر خواهد کرد.

**محتوای گزارش؛ آنچه باید باشد و آنچه هست**

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران این طرح‌ها جزء مجریان باتجربه در این حوزه بوده‌اند و به طور میانگین بیش از چهار طرح اتاف را اجرا کرده‌اند. این یافته اگر در کنار داشتن مدرک دکترا و یا دانشجوی دکترا بودن حدود سی درصد پژوهشگران و همچنین داشتن تحصیلات تکمیلی سایر پژوهشگران قرار گیرد، انتظار اجرای طرح‌هایی با کیفیت بالا را در ذهن ایجاد خواهد کرد. اما در بررسی محتوای گزارش‌هایی که پژوهشگران اتاف تدوین کرده‌اند، نکات فراوانی را می‌توان یافت که بین آنچه از آنها خواسته شده است و آنچه انجام شده است، تفاوت وجود دارد.

نخستین بخش در گزارش که از این منظر مورد بررسی قرار گرفت، در بیان مسئله نمایان بود. اشاره نکردن حدود سی درصد پژوهشگران به دامنه جغرافیایی و اجتماعی و اشاره نشدن به زمینه اجتماعی مورد مداخله در کنار بیان اهمیت و ضرورت طرح به جای بیان اهمیت و ضرورت پژوهش، بیان نشدن هدف اصلی پژوهش از سوی بیش از سی درصد پژوهشگران و بیان نشدن پرسش اصلی پژوهش از سوی بیش از نیمی از پژوهشگران، از جمله نکاتی است که در نخستین بخش گزارش‌ها می‌توان به آن اشاره کرد. این در حالی است که به تمامی این موارد در دستورالعمل اشاره شده است.

یکی دیگر از نقاط ضعفی که در گزارش‌ها رایج بوده است، استفاده نکردن از پیشینه پژوهش در تقویت اتاف است. از بین موارد مورد بررسی، حدود ۱۹ درصد از گزارش‌ها فاقد پیشینه داخلی و حدود ۶۵ درصد از آنها فاقد پیشینه خارجی بودند. اما آمار نگران‌کننده‌تر به جمع‌بندی پیشینه پژوهش بازمی‌گردد که بر اساس آن، بیش از ۷۵ درصد از گزارش‌ها فاقد هرگونه جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری از پیشینه بوده‌اند. لازم به ذکر است که یک‌سوم از حدود ۲۳ درصد موارد دارای جمع‌بندی پیشینه نیز این کار را بدون استفاده از موارد مطرح‌شده در بخش پیشینه انجام داده‌اند. به عبارت دیگر تنها حدود ۱۵ درصد از گزارش‌ها به طور کامل پیشینه پژوهش قابل‌قبولی را گردآوری کرده‌اند. این بخش، یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اتاف است و علاوه بر اینکه می‌تواند از بروز کاستی‌ها، دوباره کاری‌ها و اشتباهات در

نقاط مختلف فرآیند اجرای اتاف جلوگیری کند، بستر مناسبی را نیز برای بخش‌های کلیدی اتاف از جمله دامنه‌یابی و طراحی نظام کاربری فراهم می‌آورد. بنابراین چنین میزانی از بی‌توجهی به این بخش سرنوشت‌ساز از گزارش‌ها قابل تأمل است.

درباره عناصر نظری گزارش‌ها نیز به نظر می‌رسد کمبودهای قابل توجهی وجود دارد. برای مثال حدود ۳۷ درصد از اتاف‌های مورد بررسی فاقد چارچوب نظری است و هرچند حدود ۷۹ درصد از آنها مدل نظری یا مفهومی داشته‌اند، تنها ۱۰ درصد از آنها دارای هر دو مدل بوده‌اند. این کمبود در کنار کمبودهای روش‌شناختی می‌تواند قوت خروجی اتاف به منزله یک پژوهش علمی را کاهش دهد. برای مثال حدود ۴۰ درصد از گزارش‌ها به روش‌ها و فنون تحلیل اطلاعات و همچنین شیوه سنجش اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها نپرداخته‌اند و نیمی از گزارش‌ها، روش پژوهش خود را از نظر مسیر، هدف و زمان مشخص نکرده‌اند. بنابراین لازم است پژوهشگران به مباحث نظری و روش‌شناختی دقیق‌تر و جدی‌تر بپردازند.

یکی از دیگر مشکلاتی که در گزارش‌ها به چشم می‌خورد، بی‌توجهی به ظرفیت‌سنجی، امکان‌سنجی و ریسک‌های پروژه است که البته صرفاً به پژوهشگران مربوط نمی‌شود. در گزارش‌های مورد بررسی، تنها ۴/۵ درصد از آنها به درستی به امکان‌سنجی و ۲۱/۳ درصد از آنها به ریسک‌های طرح یا پروژه پرداخته‌اند. از آنجا که این اطلاعات می‌باید از طرف کارفرما ارائه شود، کوتاهی اصلی از جانب کارفرما محسوب می‌شود. با این حال چنین وضعیتی برای اجرای بهینه اتاف مطلوب ارزیابی نمی‌شود. همچنین وضعیت مشابهی برای توجیه‌های طرح یا پروژه وجود دارد که تنها چیزی حدود ۱۳ درصد از اتاف‌ها به درستی به آنها اشاره کرده‌اند. لازم به ذکر است که توجیه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی، فنی و اجتماعی و فرهنگی طرح را نیز باید کارفرما فراهم کرده باشد، اما تهیه چنین توجیه‌هایی به‌ویژه در سه موضوع اول که در زمینه تخصصی پژوهشگران اتاف نیست، علاوه بر غیر تخصصی بودن و همراه بودن با احتمال خطای بالا، وقت و انرژی گروه اتاف را به هدر می‌دهد. پیشنهاد می‌شود مدیران شهری، پیش از آغاز اتاف، این موارد را به کمک گروه‌های تخصصی تهیه کنند، تا در نهایت تصمیم‌سازی روشن‌تری داشته باشند.

در بخش مرتبط با توصیف وضع موجود به نظر می‌رسد بعد محیط‌زیستی مغفول مانده است؛ زیرا حدود ۴۸ درصد از گزارش‌ها، اشاره‌ای به این مبحث نداشته‌اند.

یکی دیگر از نقاط ضعف اتاف‌های مورد بررسی، تبیین نشدن دامنه‌یابی جغرافیایی است. هرچند حدود ۹۰ درصد از گزارش‌ها به حوزه‌های مداخله، بلافصل و فراگیر اشاره کرده‌اند، کمتر از ۲۵ درصد از آنها به تبیین این دامنه‌یابی پرداخته‌اند و برای مشخص کردن حوزه‌های مداخله، بلافصل و فراگیر، دلیلی را عنوان نداشته و تنها به ارائه تصویر بسنده کرده‌اند.

در بخش اولویت‌بندی تأثیرات نیز گزارش‌ها دارای مشکلات جدی است. بیش از نیمی از اتاف‌ها (۵۵ درصد از آنها) فاقد اولویت‌بندی تأثیرات هستند و تنها ۳۳/۷ درصد از آنها به مبنای مورد استفاده برای اولویت‌بندی تأثیرات اشاره کرده‌اند و چرایی و فرآیند این اولویت‌بندی را مشخص کرده‌اند.

بخش برآورد که طبق دستورالعمل شامل هم‌برآورد با اقدام مداخله‌ای و هم‌برآورد بدون اقدام مداخله‌ای می‌شود، در تنها ۱۸ درصد از موارد به طور کامل ارائه شده است. هرچند ۸۶/۵ درصد از گزارش‌ها دارای نوعی برآورد هستند، تنها در همان ۱۸ درصد قابلیت مقایسه آینده‌های محتمل میسر است. همچنین در بخش پیامدهای برآوردشده، در اکثر موارد (۷۸/۷ درصد) ماهیت پیامدها تعیین نشده است. در حدود ۵۳ درصد از گزارش‌ها اهمیت پیامدها، در حدود ۴۷ درصد از آنها قلمرو اجتماعی پیامدها و در حدود ۴۴ درصد از آنها احتمال وقوع پیامدها مشخص نشده است. لازم به ذکر است که تنها حدود ۵۲ درصد از پیامدها با مدل نظری/مفهومی پژوهش هماهنگی دارند و در باقی موارد یا با مدل هماهنگ نیستند و یا مدلی وجود ندارد. هرچند در ۹۴ درصد از موارد متأثران در مرحله برآورد مشخص شده‌اند، در حدود ۵۲ درصد از آنها اشاره‌ای به سطوح هر یک از متأثران نشده است.

شاید به لحاظ کاربردی و عملی، مهم‌ترین بخش اتاف، نظام اجرای آن باشد. در گزارش‌های مورد بررسی حدود ۹۴ درصد از اتاف‌ها دارای راه کارهای پیشنهادی بوده‌اند، اما از این میان تنها حدود ۳ درصد از آنها برای تک‌تک پیامدهای شناسایی شده (مثبت و منفی)، راه کارهای افزایشی (پیامد مثبت) یا کاهش‌ی (پیامد منفی) ارائه شده است. همچنین در بخش نظام پایش نیز تنها حدود ۲۵ درصد از گزارش‌ها به طور کامل (به همراه چک‌لیست پایش اقدام بر حسب زمان و موضوع) به آن پرداخته‌اند.

در پایان باید به این نکته اشاره گردد که با گذشت بیش از ده سال از اجرای طرح‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در شهرداری تهران، ضرورت بررسی و آسیب‌شناسی اجرای این مطالعات (چه از بعد ساختاری و چه فرآیندی) ضرورتی انکارناپذیر داشته و در کنار مرور برخی گزارش‌های تدوین شده در این پژوهش (که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد)، بررسی سایر متغیرهای

مؤثر در بروز شرایط فعلی که به نظر چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد، از جمله اقداماتی است که باید اجرا شود تا از این مسیر بر کیفیت این حوزه مطالعاتی افزوده گردد.

### پی‌نوشت

۱. نخستین معادل مورد استفاده برای Social Impact Assessment در شهرداری تهران «اتاف» (ارزیابی تأثیرات اجتماعی) بود که پس از گذشت چند سال به «اتاف» (ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی) تغییر یافته است. البته لازم به ذکر است که پیش از سال ۱۳۸۷ نیز چنین رویکردی (بررسی پیامدهای ناشی از اقدام توسعه‌ای) در شهرداری تهران با عنوان «پیوست اجتماعی» مطرح بوده است.
۲. دستورالعمل‌های اجرایی اتاف در سامانه اتاف به نشانی اینترنتی <http://ataf.tehran.ir> قابل مشاهده است.
۳. بیان این نکته ضرورت دارد که متغیرها و شاخص‌های تدوین شده با توجه به دستورالعمل موجود بوده است و بنابراین پژوهشگران (نویسندگان مقاله) تنها تطابق گزارش‌ها با الزامات خواسته شده در این دستورالعمل را بررسی کرده‌اند و در بسیاری از موارد در تغییر شاخص‌ها محدودیت‌هایی وجود داشته است.



## منابع

۱. بارج، رابل (۱۳۸۹). راهنمای عملی ارزیابی تأثیرات اجتماعی. ترجمه محمدعلی رمضانی و مرتضی قلیچ. تهران: جامعه‌شناسان.
۲. بارج، رابل و دیگران (۱۳۹۱). مفاهیم، فرآیند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی. ترجمه کاوه اکبری و دیگران. تهران: جامعه و فرهنگ.
۳. بکر، هنگ و فرنک و نکلی (۱۳۸۸). راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: جامعه‌شناسان.
۴. پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۹۱). «ارزیابی واقع‌گرایانه تأثیرات اجتماعی در اقدامات توسعه‌ای». فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی. دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۱-۷۵.
۵. روچ، کریس (۱۳۸۷). ارزیابی تأثیر پروژه. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: اختران.
۶. فاضلی، محمد (۱۳۸۹). ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی. تهران: جامعه‌شناسان.
۷. قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی و دادهیر (۱۳۸۹). فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه‌شناسان.
۸. قربانی‌زاده، وجه‌الله و سید طه حسن نانگیر (۱۳۹۳). راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار CMA2. تهران: جامعه‌شناسان.
۹. وبسایت دانشگاه تورنتو (شهریور ۱۳۹۴). قابل دسترسی به آدرس اینترنتی زیر:  
[www.utsc.utoronto.ca/twc/sites/utsc.utoronto.ca.twc/files/resource-files/LitReview.pdf?&cd=8&hl=en&ct=clnk&gl=ir](http://www.utsc.utoronto.ca/twc/sites/utsc.utoronto.ca.twc/files/resource-files/LitReview.pdf?&cd=8&hl=en&ct=clnk&gl=ir)
10. Petticrew, Mark and Helen Roberts (2006). Systematic Reviews in the Social Sciences: A practical guide, Blackwell.
11. Takyi, Stephen, A (2014). Review of social impact assessment (SIA): Approach, importance, challenges and policy implications. International Journal of Arts & Sciences. 7(5). 217-234.

پیوست: عنوان گزارش‌های انتخاب‌شده برای مرور پس از غربالگری

ردیف	سال اجرا	منطقه	عنوان طرح / پروژه
۱	۱۳۹۲	۱	توسعه و احداث بوستان دربند
۲			احداث بوستان امیر سلیمانی
۳			احداث بوستان خسرو شاهی
۴			احداث بوستان وزیری
۵			تعریض پل مسعود بیک
۶	۱۳۹۳		مجموعه ورزشی شهرک نفت
۷			سامان دهی بازار تجریش
۸			احداث بوستان و مجموعه فرهنگی ورزشی در باغ کامران
۹	۱۳۹۲	۲	احداث پارکینگ طبقاتی شریف
۱۰			احداث پردیس کوهستانی فرحزاد (دروازه فرهنگی البرز)
۱۱			سامان دهی میدین و معابر خاص منطقه ۲ شهرداری تهران (میدان شهید تهرانی مقدم، قیصر امین پور، کتاب و صنعت)
۱۲			احداث، تجهیز و راه‌اندازی مجموعه فرهنگی ورزشی سرسبز
۱۳			ساخت مجتمع فرهنگی شهربانو در منطقه ۲ با رویکرد تطبیقی
۱۴			ساخت و تجهیز مددسرا در منطقه ۲ با رویکرد مطالعات تطبیقی
۱۵			احداث پارک آموزش ترافیک در منطقه ۲
۱۶			احداث ساختمان‌های کارگری منطقه ۲ با رویکرد مطالعات تطبیقی
۱۷			احداث و تجهیز معابر ویژه دوچرخه در منطقه ۲
۱۸			ساخت سرای محله در منطقه ۲ با رویکرد تطبیقی
۱۹	۱۳۹۲	۳	احداث مرکز تفریحی ورزشی بوستان مادران
۲۰	۱۳۹۳		احداث و توسعه مقاطع غیر هم‌سطح همت به پاسداران
۲۱			احداث مجموعه فرهنگی تفریحی امام‌زاده قاضی الصابر

ردیف	سال اجرا	منطقه	عنوان طرح / پروژه
۲۲	۱۳۹۲	۴	نورپردازی معابر منطقه ۴ شهرداری تهران
۲۳			احداث و تجهیز مجموعه تفریحی سایت ۱۲۵ هکتاری جنگل لویزان
۲۴			مطالعه پایداری باغ پرندگان تهران (بهره برداری)
۲۵			احداث رمپ و دیوار حایل امام علی به شهید زین الدین شرق
۲۶			احداث و توسعه خیابان کوهستان
۲۷			سامانه اتوبوس های تندرو خط پنج - پایانه علم و صنعت - سید خندان
۲۸			احداث بوستان مسافر
۲۹			۱۳۹۳
۳۰	طراحی و ساخت مجموعه ورزشی پیشکسوتان		
۳۱	توسعه و سامان دهی گرمخانه در منطقه ۵ شهرداری تهران - محله اندیشه		
۳۲	زیر گذر عابر پیاده ابتدای بزرگراه شهید لشکری		
۳۳	۱۳۹۲	۶	احداث زورخانه در محله بهجت آباد
۳۴			احداث خط ویژه گر دشگری خیابان شهید بهشتی - شهید مطهری
۳۵			احداث خط اتوبوس هفت تیر - صادقیه
۳۶			سامان دهی بلوار کشاورز
۳۷			اجرای طرح خط سفید
۳۸	۱۳۹۳	۷	امکان سنجی احداث پارک ترافیک منطقه ۷ شهرداری
۳۹	۱۳۹۲	۸	احداث سوله ورزشی شهید بهشتی در منطقه ۸ تهران
۴۰			احداث و توسعه تقاطع غیر هم سطح، رمپ، لوپ بزرگراه امام علی - خیابان جانبازان
۴۱			ساخت و تجهیز مجموعه ورزشی آزادگان
۴۲			تعریض معابر غیر بزرگراهی (خیابان دماوند، محدوده منطقه ۸ شهرداری تهران)
۴۳			احداث مجموعه ورزشی نارمک
۴۴			۱۳۹۳

ردیف	سال اجرا	منطقه	عنوان طرح / پروژه
۴۵	۱۳۹۲	۱۱	به‌سازی معابر جهت تردد معلولان و سالمندان منطقه ۱۱
۴۶	۱۳۹۳		احداث و توسعه سرای محله آگاهی
۴۷			ساخت ایستگاه دوچرخه و مسیر دوچرخه‌سواری
۴۸			سرویس‌های بهداشتی عمومی معابر منطقه ۱۱ شهرداری تهران
۴۹			طرح احداث و توسعه فضای سبز اراضی انبار نفت
۵۰	۱۳۹۲	۱۲	طرح توسعه محله هرندی
۵۱	۱۳۹۳		ساخت مجموعه ورزشی امام‌زاده یحیی
۵۲			طراحی دوچرخه‌سواری محله پامنا
۵۳			توسعه و سامان‌دهی فضای پارک خودرو
۵۴	۱۳۹۲	۱۳	تعریض معابر غیر بزرگراهی خیابان پیروزی
۵۵			احداث و توسعه پایانه‌ها و پارک‌سوارهای درون شهری کلاهدوز در منطقه ۱۳ تهران
۵۶			به‌سازی معابر جهت تردد سالمندان و معلولان سطح منطقه ۱۳
۵۷			رنگ‌آمیزی و پاک‌سازی نما و سطح منطقه ۱۳
۵۸			آموزش شهروندان در زمینه مدیریت پسماند، سطح محله نیروی هوایی منطقه ۱۳
۵۹			۱۳۹۳
۶۰	۱۳۹۲	۱۵	به‌سازی شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی منطقه ۱۳
۶۱			طراحی و ساخت استخر کیانشهر
۶۲			توسعه تجهیز مجموعه ورزشی مینابی
۶۳			احداث مجموعه ورزشی چندمنظوره شهرک شهید بروجردی
۶۴			ساخت و تجهیز فضاهای ورزشی شهرک رضویه
۶۵	۱۳۹۳	طرح کمک به ساخت و توسعه مساجد و اماکن مذهبی (مسجد مدرسه)	
۶۶	۱۳۹۳	۱۷	احداث، توسعه و به‌سازی بزرگراه امام رضا
۶۷			ساخت بوستان سالمندان
۶۸			احداث ساختمان اسکان کارگران خدمات شهری منطقه ۱۷

ردیف	سال اجرا	منطقه	عنوان طرح / پروژه
۶۹	۱۳۹۲	۱۸	احداث پایانه اتوبوس اسماعیل آباد
۷۰			بازسازی و سازمان دهی میداين رجایی، ایثارگران و سبحانی منطقه ۱۸ تهران
۷۱			احداث و تکمیل بزرگراه سعیدآباد (شهید بروجردی)
۷۲			توسعه و بهسازی بزرگراه، کندروهای آزادگان در منطقه ۱۸ تهران
۷۳			ساخت و تکمیل خیابان الزهرا
۷۴			توسعه فضاهای فرهنگی و هنری، احداث موزه شهدا
۷۵			ساخت مجموعه فرهنگی ورزشی و تفریحی شهرک گلدسته
۷۶			نصب چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در ناحیه ۱ و ۲ منطقه ۱۸
۷۷	۱۳۹۲	۱۹	نقاشی دیواری و گرافیک محیطی
۷۸	۱۳۹۳		توسعه و تجهیز مددسراها و سایر مراکز نگهداری آسیب دیدگان اجتماعی
۷۹	۱۳۹۲	۲۰	ساخت پایانه و پارک سوار ایستگاه مترو جوانمرد قصاب
۸۰			سامان دهی معابر و میداين شهر، میدان بروجردی و ساعی
۸۱			تعریض گذر و معابر اطراف حرم مطهر عبدالعظیم
۸۲			توسعه فضای فرهنگی هنری و محوطه سازی آثار تاریخی فرهنگی منطقه ۲۰
۸۳			تعریض معابر غیر بزرگراهی خیابان شهید رجایی
۸۴			احداث مددسرای منطقه ۲۰
۸۵			نگهداری آبخورها و سرویس های بهداشتی عمومی در معابر منطقه ۲۰
۸۶			احداث و توسعه بوستان تفرجگاه خانواده
۸۷	احداث و توسعه بوستان و تفرجگاه بوستان مینیاتوری (دولت آباد - قیصریه)		
۸۸	۱۳۹۳	۲۰	مدیریت و سامان دهی آرامستان های منطقه ۲۰
۸۹			۱۳۹۲

## ترجمه‌ها

\* بازنگری ارزیابی تأثیرات اجتماعی: تنظیم  
دستورالعمل برای ارزیابی تأثیرات در قرن  
بیست و یکم

استوارت لاک

مترجمان: فردین منصوری، معصومه محقق منتظری و نرگس شجاعی

\* سنجش تأثیرات اجتماعی: رویکردهای فعلی  
و مسیرهای پیش روی تحقیقات کارآفرینی  
اجتماعی

هانس راوهاوزر، مایکل کامینگز و اسکات ال. نیوبرت

مترجم: فرید ناهید



## بازنگری ارزیابی تأثیرات اجتماعی: تنظیم دستورالعمل برای ارزیابی تأثیرات در قرن بیست و یکم

### استوارت لاکي

مدیر مرکز تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه کوئینزلند استرالیا

### ترجمه و اضافات

#### فردین منصوری

دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی؛ fardinmansori@gmail.com

#### معصومه محقق منتظری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی؛ ma.mohaghegh15@gmail.com

#### نرگس شجاعی

دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی؛ narges.shojaie@gmail.com

### چکیده

مقاله حاضر به بازنگری ادبیات و عملکرد ارزیابی تأثیر اجتماعی (اتا) برای پاسخ به برخی از پرسش‌های همیشگی می‌پردازد که همه شاخه‌های ارزیابی تأثیرات با آن مواجه بوده‌اند. پرسش‌هایی همچون: چه قلمرویی برای گسترش ارزیابی تأثیر فراتر از پروژه‌ها می‌تواند وجود داشته باشد؟ چگونه شاخه‌های مختلف ارزیابی تأثیر با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و در هم ادغام می‌شوند؟ رابطه بین ارزیابی علمی و مشارکت عمومی چیست؟ این مطلب را به بحث می‌کشد که به حاشیه رانده شدن نسبی اتا (ارزیابی تأثیرات اجتماعی)، باعث محدود شدن اثربخشی و تأثیرگذاری همه‌جانبه ارزیابی تأثیر شده است. با این حال در این موضوع (به حاشیه رانده شدن ارزیابی تأثیر اجتماعی) نمی‌توان جهان‌بینی‌های فن‌سالار و مقاصد سیاسی حامیان پروژه، دولت‌ها و سازمان‌های علمی را کاملاً مقصر دانست و سرزنش نمود. ناکامی در حل و فصل تناقضات اساسی نظری مرتبط با اهداف و روش‌های ارزیابی تأثیر، به‌ویژه نقش بحث‌برانگیز پیش‌بینی در اتا، از قدرت آن کاسته است. هرچند ممکن است این مشکلات فرجامی پیدا نکنند، اذعان به آنها و شفاف‌سازی آنها به پیشرفت ارزیابی تأثیر منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ارزیابی پروژه.



## بیان مسئله

عنوان به کار گرفته شده برای این بازبینی، عمداً تحریک کننده است. هر چند ضرورت کنترل آثار اجتماعی از همان ابتدای نهادینه سازی ارزیابی تأثیرات در لایحه سیاست های ملی محیط زیستی ایالات متحده ۱۹۶۹ تشخیص داده شد، در عمل این بخش تنها به عنوان همتای ضعیفی برای ارزیابی تأثیر محیط زیستی (EIA) باقی ماند (Glasson, 1995). بازبینی متون عمومی ای که در ده سال گذشته درباره ارزیابی تأثیرات نوشته شده، نشان دهنده آن است که تأثیرات اجتماعی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) برای برخی تنها یک مرجع گذار به شمار می رود. سایرین به اهمیت تأثیرات اجتماعی اشاره کرده اند، اما مباحث گسترده ای درباره آنها مطرح نکرده اند. این به آن معناست که (چه عمدی و چه غیر عمدی) ارزیابی تأثیر اجتماعی یا بسیار ساده و صریح است و یا آنکه دنبال کننده ارزیابی تأثیر محیط زیستی است.

برخی از نویسندگان، ارزیابی اجتماعی و اقتصادی را به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی تفکیک می کنند که علی رغم روابط روشن میان آن دو، نیازمند چارچوب تئوری و روش شناختی متفاوت جهت ارزیابی تغییرات اجتماعی و اقتصادی است. با این حال مسلماً استثنائاتی برای این الگو وجود دارد، اما گفته می شود که مقالات عمومی مطرح شده درباره ارزیابی تأثیرات، توجه بسیار بیشتری به مشاوره و مشارکت عمومی نسبت به اتا نموده اند. هر چند عملکرد خود اتا در حاشیه باقی مانده است، به طور کلی گفته می شود که همه متخصصان ارزیابی تأثیر باید بیش از پیش در این باره تصمیم گیری کنند که چگونه اجتماعات تحت تأثیر و سایر ذی نفعان، با وجود ادبیات رو به گسترش درباره مشارکت عمومی که در آن هیچ اشاره ای به نقش ارزیابان مستقل نمی شود، باز بر انجام اتا تأکید می کنند (Barrow, 1997).

این مقاله استدلال می کند که اتا اگر بخواهد جایگاهی برای خود در تصمیم های مدیریت منابع قرن ۲۱ داشته باشد، باید نقش بسیار برجسته تری را در تنظیم دستور کار برای همه جنبه های ارزیابی تأثیرات ایفا کند. آیا این تنها ادعایی دیگر از شاخه ارزیابی تأثیر برای گسترده کردن حوزه عملکرد خود است؟ خیر. هر چند من هوادار نقش عمده تری برای اتا هستم، جهت گیری آن به سمت گسترش ارزیابی تأثیر است و نه صرفاً در برگزیده فضایی که هم اکنون از طرف ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، اقتصادی، اکولوژیکی و سایر اشکال آن اشغال شده است (Partidário & Clark, 2000).

مسئله چگونگی گسترش نقطه تمرکز ارزیابی تأثیرات به شکل معنادار و مستقل از پروژه های منفرد، گاهی مشکلاتی را برای ارزیابان تأثیرات پدید

آورده است. به همین شکل، مسائل چگونگی انطباق شاخه‌های مختلف ارزیابی تأثیرات با یکدیگر و ارتباط میان ارزیابی‌های علمی و مشارکت عمومی نیز پدیدآورنده همین مشکلات بوده‌اند. به این ترتیب تعجبی ندارد که در طول دهه گذشته، مفهوم ارزیابی محیط زیستی استراتژیک (SEA) (و یا یک ارزیابی گسترده‌تر از آثار بالقوه‌ای با دامنه وسیع‌تری از سیاست‌ها و گزینه‌های پروژه که در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آمده است) در میان محققان ارزیابی تأثیر بسیار رایج شده است. با این حال ارزیابی محیط زیستی استراتژیک به‌خودی‌خود تنها توانایی حل برخی از این مسائل را دارد.

### اهداف پژوهش

این مطالعه با بررسی کوتاه اینکه تأثیرات اجتماعی چیست و اینکه چه جنبه‌هایی از تجزیه و تحلیل آنها مورد توافق ارزیابان تأثیرات اجتماعی است، آغاز می‌شود و از آن برای انتقال این مسئله استفاده می‌شود که زیر سطح برخی از مسائل، همچنان تفاوت‌های تئوری و روش‌شناسی وجود دارد که به این موضوع مربوط است که آیا اساساً مربوط به پیش‌بینی تأثیر، اندازه‌گیری و نظارت آنهاست و یا یک ابزار و فرایند در جهت تسهیل گفت‌وگو در میان ذی‌نفعان است؟ این مبحث، اهمیت فراوانی دارد، زیرا نشان‌دهنده اثر بالقوه اتا برای ارزیابی‌های جامع‌تر، راهبردی‌تر و اثربخش‌تر است. هدف دیگر، روشن شدن این موضوع است که آیا تأثیرات اجتماعی می‌تواند پیش‌بینی شود یا نه. همچنین این مقاله به بررسی نقش مذاکره‌ای و مشورتی در ارزیابی تأثیر و کاربردهای آن و بررسی اینکه چه فرآیندهای مشورتی‌ای برای افزایش اعتبار<sup>۱</sup> ارزیابی تأثیرات وجود دارد، می‌پردازد.

### تأثیرات اجتماعی چیست؟

کمیت‌ه بین سازمانی اصول و دستورالعمل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایالات متحده، تأثیرات اجتماعی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«پیامدهای هر گونه اقدام عمومی یا خصوصی روی جمعیت‌های انسانی که می‌تواند شیوه زندگی، کار، تفریح، ارتباط با یکدیگر، نحوه سازمان‌دهی برای تأمین نیازهایشان و به‌طور کلی شیوه عمل آنها به‌عنوان اعضای جامعه را تغییر دهد. این عبارت همچنین در برگیرنده آثار فرهنگی شامل تغییر در هنجارها، ارزش‌ها و عقاید است که درک افراد را از خود و جامعه‌شان تبیین می‌کند» (Burdge, 1995: 11).

این تعریفی کاملاً گسترده است که تقریباً تمرکز روی همه جنبه‌های تغییرات اجتماعی مرتبط با توسعه یا نوآوری‌های سیاسی را امکان‌پذیر

می‌سازد. هرچند نبود تعریف تخصصی ممکن است تا حدی تعجب‌آور به نظر برسد، نقطه قوت آن، انگیزه دادن به ارزیابان تأثیرات اجتماعی است که به جای مواردی که به راحتی قابل ارزیابی هستند و یا ارزیابی‌کننده با آنها آشناست، روی تغییراتی تمرکز کنند که در یک شرایط بخصوص اهمیت دارد (همان: ۳۵).

این مسئله مستلزم آن است که ارزیابان تأثیرات اجتماعی، نوعی از اولویت را تحت شرایطی به تغییرات بالقوه‌ای تخصیص دهد که در آن شاخص‌های آماری پراهمیت، توانایی دادن پاسخ‌های رضایت‌بخش را نداشته باشند. اینجاست که ادبیات اتا بیش از هر زمان دیگری، وابستگی کامل اثربخشی اتا به اثربخشی استراتژی‌های مشارکت عمومی را آشکار می‌سازد. من نقش‌های مختلف تخصیص‌یافته به مشارکت عمومی را در زیر بیشتر توصیف می‌کنم؛ اما اشاره به این نکته اهمیت دارد که محققان و متخصصان اتا گرایش دارند که اتا و مشارکت عمومی را متفاوت، اما تفکیک‌ناپذیر بدانند (Burdge & Robertson, 1998; Coakes, 1999, Vanclay, 2000). به علاوه آنها این نکته را ضروری می‌دانند که ارزیابی اجتماعی/مشارکت در طول عمر یک پروژه، تا حد ممکن در مرحله ابتدایی آغاز شود تا بتواند نگرانی‌های عمومی، دانش محلی و استراتژی‌های اصلاحی را در طراحی پروژه بگنجانند (SIAU, 2000).

این موضوع که مشاوره عمومی و برنامه‌های مشارکتی برای توسعه اساسی و تغییرات سیاستی در بسیاری از موارد به واسطه مشاوران متفاوتی با ارتباطات ناچیز یا مؤلفه اتا انجام می‌گیرد، خود بسیار مشکل‌ساز است. این تفکیک معمولاً منجر به تقلیل فعالیت‌های مشاوره رسمی به فعالیت‌های روابط عمومی می‌شود تا جایی که فعالیت‌های اتا، دامنه‌ای را برای مشارکت معنادارتر، بررسی نیازهای مربوط به اعضای جامعه و سایر ذی‌نفعان ایجاد می‌کند (Holden & Gibson, 2000).

### منطق فن‌سالار

در این قسمت ابتدا به ویژگی‌های تفکر فن‌سالار به‌ویژه در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پرداخته و در ادامه تفکرات فن‌سالاری در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی بیان می‌شود.

بر اساس پارادایم فن‌سالار، کارشناسان فنی دولتی تنها مرجع و منبع تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر اغلب در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری از جمله در حوزه شهری، تنها دیدگاه‌های کارشناسان دولتی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نگرش‌های یادشده، عامه مردم که فرایند

برنامه‌ریزی به خاطر ارتقای کیفیت زندگی آنها صورت می‌گیرد، به کلی فراموش می‌شوند. همچنین تکنوکرات‌ها، برنامه‌ریزی در امور شهری را از طریق آرایش‌های فیزیکی محیط‌زیست شهری جست‌وجو می‌کنند. اختصاص زمین به پارک‌ها، ورزشگاه‌ها، فرودگاه‌ها، پایانه‌ها، منطقه‌بندی کاربری زمین، تصویب و اجرای آیین‌نامه‌ها از آن جمله است. در این نوع برنامه‌ریزی، استانداردها بدون مشورت با گروه‌های شهری یا ناحیه‌ای به کار گرفته می‌شود؛ یعنی برای مردم برنامه‌ریزی می‌شود، اما مردم در کنار برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند. در برنامه‌ریزی‌های تکنوکرات‌ها معمولاً گروه‌های کم‌درآمد به کلی فراموش می‌گردند و اغلب از سیاستی دفاع می‌کنند که طبقه اول و متوسط شهری از آن بهره‌مند می‌شوند. تکنوکرات‌های شهری، طرح پارک‌های بزرگ و احداث بزرگراه‌ها را تهیه می‌کنند، اما طرح‌های مربوط به تأسیسات مورد نیاز محلات شهری از قبیل درمانگاه، کتابخانه عمومی و محل‌های گذران اوقات فراغت فراموش می‌شود. همچنین تکنوکرات‌ها اغلب با مقوله‌های سیاسی جامعه که همه شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی شهر و ناحیه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، کاملاً بیگانه‌اند و اصولاً خود را از فلسفه‌های سیاسی کنار می‌کشند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۴۵).

از مهمترین چالش‌های برنامه‌ریزی شهری متأثر از رویکرد فن‌سالار عبارت است از تلقی پیوستگی و یکجانبگی گروه‌های مختلف شهری به عنوان یک واحد کل در فرایند برنامه‌ریزی، که اغلب منافع برنامه‌ها در این نظام برنامه‌ریزی شهری، به نفع گروه‌های متوسط و متوسط به بالای شهری سرازیر می‌شود. در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیز تفکرات فن‌سالار دارای ویژگی‌هایی است که شامل: ارزیابی پیامدهای اجتماعی به عنوان بخشی از ارزیابی پیامد زیست‌محیطی، تأکید بر کمی کردن پیامدهای اجتماعی، تأکید بر استفاده از منابع داده‌های ثانویه، تأکید بر الگوی واحد تأثیرپذیری اجتماعات از مداخلات توسعه‌ای، تأکید بر نقش و موضع خنثی محقق، تأکید بر پیش‌بینی پیامدها به عنوان هدف محوری ارزیابی پیامد اجتماعی، تخصص محققان در حوزه منابع طبیعی یا مهندسی، تأکید بر مراحل اجرا و بهره‌برداری می‌شود (همان).

رویکرد فن‌سالار، یکی از شناخته‌شده‌ترین دلایل برای به حاشیه رانده شدن اتااست که در ارزیابی و تصمیم‌گیری منابع طبیعی، رویکرد غالب محسوب می‌شود (Burdge & Vanclay, 1995).

منطق تکنوکراتی از «مهندسی و دست‌ورزی ابزارهای انسان‌ها (و طبیعت)» در جست‌وجوی اهداف نآزموده‌ای مانند توسعه اقتصادی پشتیبانی می‌کند

(Dryzek, 1990: 55) و ارزیابی تأثیرات را عمدتاً به عنوان روشی برای اندازه‌گیری، پیش‌بینی و گزارش تأثیرات طرح‌های پیشنهادی به منظور بررسی عینی جایگزین‌ها (بدیل‌ها) و انتخاب مجموعه اقدامات با بیشترین سود خالص برای جامعه پدید می‌آورد (Formby, 1990: 191).

با وجود هاله‌ای از عینیت، منطق فن‌سالار نمی‌تواند به خوبی از پس منافع، اعتقادات، ارزش‌ها و آرمان‌های متعارضی که مشخص‌کننده شرایط پیچیده اجتماعی هستند و همچنین مشارکت فعال ذی‌نفعان متعدد طی فعالیت در این موقعیت برآید. منطق فن‌سالار عموماً برای متخصصانی مطلوبیت دارد که در مهندسی و یا علوم طبیعی دانش آموخته هستند و درباره مشارکت افرادی که آنها را «عموم غیر مطلع» می‌خوانند، تردید دارند (Dugdale & West, 1991: 454). با این حال این موضوع صرفاً بر سر تقابل دیدگاه‌های مختلف دنیا نیست، بلکه بحث قدرت است (Rickson, 1998). بحث بر سر این است که تعریف چه کسی از یک تأثیر، آرمان، ارزش و حقیقت، مشروع تلقی می‌شود و تعریف چه کسی از این موارد انتزاعی، احساسی و نامرتبط خوانده شده و نادیده انگاشته می‌شود. به لحاظ کمیت، منطق فن‌سالار، دولت‌ها و توسعه‌دهندگان را به واسطه برجسته‌سازی تأثیرات مثبت، مانند رشد اقتصادی و کاهش بیکاری و در عین حال رد مسائلی که قابل سنجش نیستند و نیز تأثیر تغییرات در جوامع تحت تأثیر و مفاهیم فردی و فرهنگی این جوامع در داخل جوامع، قدرتمند می‌سازد (Lockie, 1999).

نمونه‌های بسیاری در اطراف جهان از دیدگاه‌های فن‌سالار جهت ارزیابی تأثیرات وجود دارد که برای حذف بررسی تأثیرات اجتماعی، تخریب مشارکت عمومی، اجتناب از مطالعه مستقل جنبه‌های مختلف تأثیر و حداقل‌سازی مسئولیت‌پذیری عمومی برای تصمیم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. منطق فن‌سالار به دور از اتخاذ ترجیح یک دیدگاه علمی «طبیعی» نسبت به یک دیدگاه اجتماعی‌تر، به شکل بالقوه به تضعیف یکپارچگی علمی همه شاخه‌های ارزیابی تأثیرات<sup>۱</sup> منجر می‌گردد. همان‌طور که مطالعه پالرم<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) درباره مشارکت عمومی در ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در مجارستان نشان می‌دهد، بررسی دقیق‌تر تأثیرات اجتماعی، یک پیش‌نیاز ضروری برای به‌سازی مشارکت عمومی و ارزیابی زیست‌محیطی است. با این حال نکته مهم‌تر آن است که مناسب‌ترین روش اجرای اتا هنوز مورد اختلاف است. شفاف‌ترین بعد این تناقض چیزی است که بین حامیان توسعه و مجریان

1- Environmental Impact Assessment (EIA)

2- palerm

اتا وجود دارد. همان طور که هوویت<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) عنوان کرده است، خود فرایند ارزیابی تأثیرات، بخشی از فرایند تغییرات اجتماعی است که دارای پیامدهای سیاسی و اجتماعی قابل توجهی است. بدین ترتیب تعجبی ندارد که بسیاری از حامیان توسعه، با هراس از بسیج سیاسی و مخالفت، در مقابل هر چیزی به جز فن‌سالارترین روش‌ها برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، مقاومت می‌کنند (Howitt, 1989; Burdge & Vanclay, 1995; Lockiet, 1999).

### تعاریف متعارض ااتا

از آنجا که این تقابل، محدودیتی را برای بررسی موارد متعدد تأثیرات اجتماعی ایجاد می‌کند که بیش از همه قابل سنجش هستند (اگر اصلاً مدنظر قرار گیرند)، در این تحقیق، من بیشتر روی تفاوت‌های نه‌چندان آشکار در میان مجریان ااتا و خود محققان تمرکز می‌کنم. ممکن است استدلال شود که ارزیابی من از این تفاوت‌ها، اغراق‌آمیز است؛ اینکه آن‌ها صرفاً اختلافاتی در تمرکز هستند تا تفاوت در جهت‌گیری و اینکه متخصصان ااتا اساساً از نظر تقابل با فن‌سالاری و حمایت از یک ارزیابی تأثیر بیشتر «اجتماعی شده»، با یکدیگر هم‌نظر هستند.

کریگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) در یک دهه قبل، تفاوت قابل توجهی را میان مطالعات ااتا که جهت‌گیری آنها به سوی گردآوری فنی داده‌های اساساً کمی بود که در آن ماهیت تأثیرات به شکل عینی تعیین می‌شد و تحقیقاتی که جهت‌گیری آنها به سوی ایجاد فرایندی بود که به واسطه آن منافع و آرمان‌های جامعه تحت تأثیر می‌توانست با تسهیل مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها منعکس شود، تشخیص داد (Howitt, 1989). از آن زمان تلاش زیادی برای توسعه روش‌هایی صورت گرفت که این دوگانگی را به واسطه اعمال ابزار ارزیابی فنی در چارچوب‌های مشارکتی تر ارتقا می‌بخشند، بر این مبنای تلاش برای تعیین تأثیر اجتماعی می‌تواند نقاط کانونی سودمندی را برای یادگیری، مباحثه و تفویض اختیار اجتماعی در اختیار قرار دهد (Burdge, 1999).

در نتیجه آیا ما ابعادی از تفاوت‌ها را میان اجراکنندگان ااتا در اختیار داریم که به جز عملکردهای مشخصاً ناصحیح، حقیقتاً تنها به تأکید مربوط می‌شوند؟ در این حوزه، توجه به دو تعریف از ارزیابی تأثیر اجتماعی اهمیت دارد که هر دو آنها از تلاش برای تعیین راهبردها و اصول ااتا ناشی شده‌اند. اول در ایالات متحده و دومی در سطح بین‌المللی.

ما ارزیابی تأثیرات اجتماعی را از نظر تلاش برای برآورد یا سنجش پیامدهای اجتماعی «ماقبل» اجرا تعریف می‌کنیم که ممکن است ناشی از عملکردهای سیاستی به خصوص (شامل برنامه‌ها و اتخاذ سیاست‌های جدید)، عملکردهای خاص دولت (شامل ساختمان‌سازی، پروژه‌های بزرگ، قراردادهای اجاره زمین برای استخراج منابع)، به‌ویژه در چارچوب لایحه ملی سیاست‌های محیط زیستی ایالات متحده ۱۹۶۹ یا «NEPA» باشند (Burdge, 1995: 12).

ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) عبارت است از فرایند آنالیز و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته مداخلات برنامه‌ریزی‌شده در میان افراد به‌گونه‌ای که یک محیط بیوفیزیکی و انسانی پایدارتری حاصل شود.

اشاره به این نکته می‌تواند گمراه‌کننده باشد که هر یک از این تعاریف، پیش‌فرضی از یک روش فن‌سالار را در برمی‌گیرد، هرچند هیچ کدام از آنها دیگری را رد نمی‌کند. به علاوه توجه به این نکته اهمیت دارد که هر چند تعریف دوم بیان‌کننده تلاش برای در برگرفتن چیزی است که بسیاری از ارزیابی‌کنندگان تأثیر اجتماعی آن را لازمه وجود یک اتا می‌دانند، تعریف اول به واسطه الزامات بخش بخصوصی از قوانین ملی محدود شده است.

استفاده من از این تعاریف در اینجا برای توصیف تأکید بسیار متفاوتی است که روی عملکرد «پیش‌بینی» در اتا وجود دارد. در «خط‌مشی‌ها و اصول ایالات متحده»، پیش‌بینی به عنوان قلب و روح اتا شناخته شده است، در حالی که در «خط‌مشی‌ها و اصول بین‌المللی» پیشنهادی، این مبحث به شکل صریح ذکر نشده است؛ اما به طور صریح نیز رد نشده و حداقل تأکید زیادی روی نظارت مداوم و اصلاح پروژه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی قبل، حین و بعد از اجرا انجام شده است. این موضوع، پرسش جالب توجهی را برای همه ارزیابی‌کنندگان تأثیر ایجاد می‌کند. اگر پیش‌بینی پیامدهای کاربردی ضرورتاً یک عامل اولیه ارزیابی تأثیرات اجتماعی نباشد، آیا هیچ دلیلی برای فرض این مسئله وجود دارد که شاخه‌های دیگر ارزیابی تأثیرات نباید به شکل مشابه در معرض بررسی‌های چالش‌برانگیز قرار گیرند؟ آیا اتا یک مورد خاص است؟ درس‌های فراگرفته شده از به کارگیری آن، تا کجا می‌تواند تعمیم داده شود؟

در ادامه این بازبینی به بررسی جایگاه پیش‌بینی در اتا و پیش‌فرض‌های نظری در دیدگاه‌های پیش‌بینانه و غیر پیش‌بینانه می‌پردازیم. استدلال می‌شود که چیزی که با عنوان روش‌های مبتنی بر مذاکره شناخته می‌شود، در برگیرنده پتانسیل تغییر ریشه‌ای کل حوزه ارزیابی تأثیر و تقویت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری استراتژیک، انطباقی و دموکراتیک است.

## پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی

### آیا تأثیرات اجتماعی می‌تواند پیش‌بینی شود؟

بسیاری از موانع ارزیابی اجتماعی ناشی از مسائلی است که در این حوزه وجود دارد و از جمله می‌توان به مشکل پیش‌بینی آینده، نقش مشارکت عمومی در شکل دادن به آینده و مسائل فلسفه‌های متنوعی که در این حوزه وجود دارد، اشاره کرد.

مقالات مربوط به اتا تاحدی به این پرسش اختصاص یافته‌اند که ارزیابی‌کنندگان تأثیر اجتماعی تا چه حد در پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی موفق بوده‌اند. برای ایجاد دسته‌بندی‌ای نسبتاً خام و ناپخته می‌توان گفت محققانی که عقیده دارند اتا ابزار مناسبی را برای پیش‌بینی پدید آورده است، تعهد کمتری به مقوله پیش‌بینی به دلیل ماهیت خود آن دارند، در حالی که افرادی که منتقد قدرت پیش‌بینانه اتا هستند، تعهد بیشتری به دیدگاه فن‌سالار برای ارزیابی تأثیرات دارند. ما در اینجا ابتدا به محققان دوم می‌پردازیم.

سادر استرام<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، یکی از نمونه‌های نسبتاً افراطی اما آموزنده را مطرح کرده است. وی عقیده دارد که اتا به دلیل نداشتن یک زیربنای علمی تجربی و پایه نظری برای ارائه پیش‌بینی‌های دقیق، اساساً نمی‌تواند به عنوان یک ابزار پیش‌بینی مناسب عمل کند. این انتقادی عمومی است، اما برخلاف چیزی که به نظر می‌رسد، چندان ساده نیست (Beckwith, 2000; Dietz, 1987).

سادر استرام (۱۹۸۱) به مفهوم تئوری اثبات‌گرایی به عنوان مجموعه‌ای از عباراتی که می‌تواند توصیف‌کننده رابطه علی میان متغیرها باشد می‌پردازد (یعنی اگر  $x$  آنگاه  $y$ ). این مسئله از نظر ارزیابی تأثیرات بدان معناست که تحت مجموعه مشخصی از شرایط، امکان پیش‌بینی مجموعه‌ای از نتایج با سطح اطمینان قابل اندازه‌گیری وجود خواهد داشت. رویکرد نظری تحت حمایت بسیاری از محققان دیگر، روی مفاهیم نظری انتزاعی تر متمرکز است، مانند ماهیت قدرت، نهادها و تعاملات اجتماعی (Dietz, 1987; Dale & et al, 1997; Rickson & et al, 1990).

با توجه به اینکه نویسندگان هر دو دیدگاه، این راهکار را غیر تئوری می‌دانند، یکی از انتقادهای دقیق‌تر می‌تواند آن باشد که بسیاری از تحقیقات اتا می‌تواند به راحتی فرضیه‌های نظری را که آنها را هدایت کرده است، شناسایی کند. این مسئله بدان معنا نیست که هیچ فرض نظری دارای آنالیز هدایت‌شده نیست، بلکه به دلیل نبود شفافیت نظری است که مبنای علمی ضروری می‌شود.



برای سادرسترام (۱۹۸۱)، کمبود یک نظریه علمی باریشه‌های تجربی برای اتا‌اولاز آن جهت مشکل‌ساز است که این امکان را پدید می‌آورد که متغیرهای مهم از تجزیه و تحلیل حذف شوند. به علاوه هر چند اتا‌میتنی بر پیش‌بینی است، نمی‌تواند پارامترهایی را که در طول زمان تغییر می‌کنند، مدنظر قرار دهد. همچنین نمی‌تواند با این احتمال کنار بیاید که پدیده‌های اجتماعی ممکن است اساساً پیش‌بینی‌ناپذیر و یا نامعین باشند. با توجه به این نبود اطلاعات نظری و تجربی، سادرسترام حامی روشی تجربی است که به واسطه آن، استراتژی‌های اصلاحی و مداخلات پیشنهادی به صورت علمی در مقیاس کوچک در ارتباط با شاخص‌های اجتماعی قابل اندازه‌گیری به صورت علمی با ورودی‌هایی از طرف حامیان و مخالفان پروژه بررسی می‌شوند. مشکلات سیاسی، اخلاقی و عملیاتی در این روش پیشنهادی به حد کافی روشن است. اساساً بخشی از اجتماع را که به طور بالقوه تحت تأثیر قرار گرفته است، نمی‌توان به سادگی و صرفاً برای آزمایش محدودتر به همان صورتی که در بررسی‌های زایش مجدد زمین زراعی پس از تخریب انجام می‌شود، محدود کرد. با این حال اگر بخشی از تجزیه و تحلیل سادرسترام صحیح باشد و پدیده‌های اجتماعی اساساً نامعین و پیش‌بینی‌ناپذیر نباشند، چه می‌شود؟ در حقیقت دلایل بسیار خوبی برای تردید در این مسئله وجود دارد که بخش‌های خصوصی از پدیده‌های اجتماعی که ما با آنها در اینجا سروکار داریم، تا حد زیادی پیش‌بینی‌ناپذیر باشند. به عنوان مثال، تاگرسا<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) استدلال می‌کند که تأکید فن‌سالار روی ابزار اندازه‌گیری در اتاهای اولیه، منعکس‌کننده این پیش‌فرض کارکردگرایانه است که جوامع دارای اهداف اجتماعی یکپارچه و قابل تشخیص باشند و صرفاً از گروه‌های ذی‌نفع رقیب، عدم تعادل قدرت و پدیده‌های اجتماعی ذهنی (فردی و مبهم) صرف‌نظر می‌کنند.

در ادامه این مسئله، درایزک<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که تلاش برای پیش‌بینی و کنترل نتایج مداخلات سیاسی، نه تنها باعث تحمیل اهداف و ارزش‌های بیان‌نشده می‌شود، بلکه همچنین از نتایج فرایند مباحثه و تصمیم‌گیری که به واسطه آنها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، منافع و نیز موقعیت‌های سیاسی ذی‌نفعان احتمالاً تغییر خواهد کرد، ممانعت می‌کند. به عبارت دیگر، هر چند اتا پیش‌بینانه ممکن است تلاش کند که از فرضیه‌های کارکردگرایی به واسطه شناسایی ذی‌نفعان متفاوت در جوامع تحت تأثیر، تعریف منافع و ارزش‌های هر گروه و احتمالاً اثرات تغییرات روی آنها اجتناب کند، پیش

1- Torgerson

2- Dryzek

از آنکه مداخلات سیاسی در آن مکان تنظیم شود، محیط‌های اجتماعی که این مداخلات در آنها اجرا خواهند شد، تغییر می‌کنند، گروه‌های جدیدی پدیدار می‌شوند، اتحادهای نوینی شکل می‌گیرند، برداشتها و دیدگاه‌ها از نو تعریف می‌شوند، اشکال جدیدی از مشاجرات سیاسی شناسایی می‌شوند و غیره (Lockie & et al, 1999).

علی‌رغم ترجیح نخبگان سیاسی برای روش‌های فن‌سالار، این روش‌ها اساساً در اعمال پیش‌بینی و توصیف اجتماعی، شکست می‌خورند (Dryzek, 1990). از طرف دیگر هدف اصلی ارزیابی اجتماعی، پیش‌بینی مسیر و مدیریت حوادثی است که پس از تغییر زیست‌محیطی ایجاد می‌شود. همچنین می‌توان گفت که به دلایل عملی، پیش‌بینی دقیق آینده‌های اجتماعی امکان‌پذیر نیست. مردم بر مبنای اطلاعات موجود تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش‌های آنها باعث تغییر آینده می‌شود. بنابراین ارزیابی اجتماعی باید شامل راهبردی برای پیش‌بینی تغییرات و واکنش در برابر آنها باشد. به لحاظ نظری، دست‌کم پیش‌بینی آینده امکان‌پذیر است. هر چند پیش‌بینی‌ها اغلب غیر قطعی هستند (سایر دانشمندان نیز با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند). روش‌هایی وجود دارد که برای پیامدهای اجتماعی اقدامات آینده، سناریوهای قابل‌قبولی ارائه می‌دهد. به‌طور کلی مردم و مقاماتی که نشان‌دهنده عامه مردم هستند می‌توانند با این سناریوها کار کنند و چنین پیش‌بینی‌هایی مبنایی برای بحث‌هایی عمومی درباره مشکلات و احتمال موفقیت پیشنهادهایی است که برای حل آنها ارائه می‌شود. شاید درباره این پیش‌بینی‌ها اختلاف‌نظرهایی وجود داشته باشد و ممکن است این پیش‌بینی‌ها نشان دهند که باید برای کاهش مشکلات چاره‌ای اندیشید. ولی پیش‌بینی‌های اجتماعی، عناصر اصلی فرآیند ارزیابی اجتماعی هستند و کیفیت آنها، مقبولیت مفروضات، شیوه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و نحوه ارائه آنها با موفقیت و پذیرش کل فرآیند، ارتباط بسیاری دارند (تیلور و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸).

علوم اجتماعی بیش از آنکه فعال باشد، منفعل است؛ یعنی اینکه دانشمندان علوم اجتماعی به جای پیش‌بینی تغییرات و شاید تجویز یا تأثیرگذاری بر این تغییرات پیش‌یا در طول رخ دادن آنها، معمولاً ناظر و تفسیرگر رخدادها هستند. ما بر این باوریم که اکنون حرکتی تدریجی به سوی رویکردی فعال آغاز شده است. هر چند چنین حالتی همواره در کار ما وجود داشته، تاکنون می‌گوییم که باید بر این گرایش شتاب بیشتری بخشید و توان بیشتری را در این جهت به کار بست. همچنین نباید از این نکته غافل شد که ارزیابی تأثیر اجتماعی بسیار فراتر از مرحله پیش‌بینی به عنوان بخشی از یک چارچوب

ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی بسیار گسترده‌تر از موضوعات محدودی است که در اتم در نظر گرفته می‌شود (مانند تغییرات جمعیتی، مسائل شغلی، امنیت مالی و تأثیر روی زندگی خانوادگی). نگاه محدود به انا باعث ایجاد مشکلاتی در مرزبندی تأثیرات اجتماعی مورد بررسی انا با حوزه‌های مرتبطی چون ارزیابی تأثیر بهداشتی، ارزیابی تأثیر فرهنگی، ارزیابی تأثیر بر میراث فرهنگی، ارزیابی تأثیر زیبایی‌شناختی یا ارزیابی تأثیر جنسیتی است. عموم محققان انا معتقدند که کلیه مسائلی که مستقیم یا غیر مستقیم بر مردم تأثیر می‌گذراند، درخور ارزیابی تأثیر اجتماعی هستند (همان: ۵۳).

### آنالیز مقایسه‌ای، مشارکت و دموکراسی

مداخله عمومی (مشارکت عمومی) و دموکراسی به تدارک نظام‌مند اشاره دارد برای اینکه عموم مردم متأثر از طرح ارزیابی تأثیر درباره فرآیندهای برنامه‌ریزی/تصمیم‌گیری آگاه شوند و در آنها مشارکت کنند. مؤلفه اصلی مشارکت عبارت است از تبادلی باز و مؤثر میان مسئولان، کارگزاری‌ها، سازمان‌ها و عموم مردم ذی‌نفع یا متأثر از طرح. فرآیند مشارکت عمومی قادر است هم به مسئولان طرح و هم به اجتماع بهره‌برساند. مزایای ذیل از مشارکت عمومی را از میان نوشته‌های بارچ (۱۹۸۳)، دانکه (۱۹۸۳)، فرودنبرگ (۱۹۸۳) و اسپرول (۱۹۸۶) برجسته کردیم.

۱. مداخله عمومی به عنوان ابزاری برای آموزش اجتماع متأثر از طرح درباره مزایا و تبعات محتمل یک اقدام مورد نظر، روش‌های جایگزین فعالیت و تأثیرات هر یک از آنها عمل می‌کند.

۲. مداخله عمومی به عنوان ابزاری برای اجتماع یا جامعه‌ای بزرگ‌تر عمل می‌کند که پیش از اخذ تصمیم نهایی، امکان ورود به اقدام مورد نظر را فراهم می‌کند. در نتیجه مردم، بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌شوند. مداخله عمومی می‌تواند به عنوان کاتالیزوری برای خودارزشیابی اجتماع و تحلیل منجر به ارزیابی و موقعیت‌های ناظر بر چگونگی برخورد اجتماعات با تغییر به کار رود.

۳. مداخله عمومی به عنوان ابزار دائمی گردآوری داده برای متغیرهای تأثیر اجتماعی به کار می‌آید. این فرآیند می‌تواند تأمین‌کننده اطلاعات واقعی درباره تغییر جمعیت، ترتیبات اجتماعی/نهادی، منابع سیاسی و اجتماعی، تغییرات خانوادگی و اجتماعی و منابع جامعه باشد.

۴. مداخله عمومی می‌تواند مسیری برای پیشنهادی جایگزین برای یک طرح یا اقدام مورد نظر باشد. ما مداخله عمومی را به طور مداوم در تمام

فرآیند طراحی و اجرا در نظر می‌آوریم. پیش و پس از اخذ تصمیمها، مداخله عمومی ابتدا به آموزش و آگاهی‌بخشی درباره اقدام مورد نظر به مردم متأثر از طرح و نیز مسئولان می‌پردازد.

۵. مداخله عمومی می‌تواند به شناخت مشکلات مرتبط با اقدام مورد نظر کمک کند و نیز به شناخت تبعات کمک می‌کند؛ به‌ویژه آن دسته از تبعات بیرونی که در غیر این صورت ممکن است از دید سرپرستان طرح پوشیده بماند. مداخله عمومی همچنین می‌تواند اعتبار مسئولان را افزایش دهد و از مقاومت مردمی در برابر تغییر بکاهد؛ زیرا برای افراد و اجتماع متأثر از طرح، صدایی (نقش و جایگاهی) در فرآیند تصمیم‌گیری قائل می‌شود.

۶. مداخله عمومی، فرآیندی مستمر طی توسعه طرح و برنامه است و در نخستین مرحله طراحی، هنگام اجرا و ساخت طرح، حین راه‌اندازی و نگهداری و در زمان خاتمه و تغییر کاربری حضور دارد. ارزیابی اجتماعی می‌تواند حین اجرای فرآیند مداخله عمومی، اطلاعات مرتبط با متغیرهای تأثیر اجتماعی را کسب کند (بارج، ۱۳۹۱: ۳۱۹-۳۱۸).

در تصمیم‌های توسعه‌ای، پیوستاری از مداخله عمومی وجود دارد و عموم مردم را می‌توان به شیوه‌های گوناگون در آن دخالت داد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، امکان مداخله را (برای آگاه‌سازی مردم، دیدار با نمایندگان محلی، یا حتی پرسیدن نظرهای مردم محلی) فراهم می‌کنند، اما اجازه نمی‌دهند نمایندگان محلی، نقشی در تصمیم‌گیری داشته باشند. یکی از دلایل مقاومت رهبران برخی کشورها در مقابل اتا این است که اتا، نوعی دموکراسی مشارکتی را فرض می‌گیرد که از دید آنها با سنت‌های فرهنگی و واقعیت‌های قدرت در کشورشان مطابقت ندارد. برخی دیگر از رهبران معتقدند که مردمان بسیار فقیر و بی‌سواد نمی‌توانند به رسم مشارکت جویان غربی اتا، مشارکت بورزند. همچنین برخی از منتقدان ارزیابی، تأثیر آن را بیشتر «ابزاری برای اصلاحات سیاسی» دانسته‌اند و یا گفته‌اند که ارزیابان اجتماعی معمولاً بیش از آنکه نگران مسائل واقعی عدالت و برابری باشند، درگیر و دار اندازه‌گیری و گردآوری داده‌ها هستند. از نظر سیاسی بهتر است که مداخله یا مشارکت را با اصطلاحات فنی تعریف کنیم. برای نمونه به عنوان پاسخ‌های افراد به پیمایش‌های پرسشنامه‌ای نه به عنوان تشویق فعالان اجتماعی برای مشارکت در تصمیم‌گیری و احتمال انتقال قدرت سیاسی از دولت‌های مرکزی به اجتماع محلی، مشارکت محلی در تصمیم‌گیری را می‌توان به طور گسترده به عنوان مداخله مستقیم مردم در طراحی و اجرای طرح‌های توسعه تعریف کرد و یا در مفهومی تحلیلی به معنای اندازه‌گیری نگرش‌های محلی به طرح‌ها و تأثیرات بالقوه دانست (بارج، ۱۳۹۱: ۳۷۳).

در تقابل با این استدلال که پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی اساساً فن‌سالار و غیر ممکن است، این استدلال قرار می‌گیرد که تلاش برای ارزیابی پیامدهای اجتماعی ماقبل اجرا که از اقدام مداخله‌ای خاصی ناشی می‌شوند، برای مباحثه دموکراتیک و برای شناسایی گروه‌های زیردست که ممکن است هیچ منبع سیاسی دیگری برای مشارکت در این مباحثه نداشته باشند، ضروری است (Burdge, 1995: 12).

تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای برای این روش حیاتی است، درست همانند مشارکت جوامع تحت تأثیر. تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مستلزم استفاده از مطالعات انجام شده درباره سیاست‌ها یا پیشرفت‌های مشابه در جاهای دیگر برای شناسایی تأثیرات احتمالی در حوزه مورد نظر است (Bass, 1998). بنابراین پیشنهاد می‌شود که تمرکز کمتری روی دقت (به‌ویژه از نظر ریاضی برای کاهش همه متغیرهای اثرگذاری با محورهای مشترک) و تمرکز بیشتری روی شناسایی سناریوهای محتمل تغییر وجود داشته باشد (Burdge & et al, 1995; Burdge & Johnson, 1998).

بر اساس گفته تیلور<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۰)، سناریوهای تغییر متقاعدکننده‌ای می‌تواند به دنبال استدلال استقرایی گسترش یابد (یعنی با فرمول‌بندی و اصلاح پیش‌بینی‌ها تا زمانی که همه داده‌های موجود بتوانند با هم منطبق شوند). از دیدگاه اثبات‌گرایان، استدلال استقرایی به واسطه این احتمال که بیش از یک تبیین ممکن است برای داده‌های یکسان در نظر گرفته شود و در نتیجه توصیف نادرستی انتخاب شود، به لحاظ منطقی ناقص است (Beckwith, 2000).

با این حال بر مبنای گفته کمیته میان‌سازمانی راهبردها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایالات متحده، اثبات تأثیرات را نمی‌توان با اطمینان مطلق - پیش از عملکردهایی که باعث آنها می‌شوند - بیان کرد و هدف ارزیابی تأثیرات، شناسایی دقیق همه تأثیرات بالقوه‌ای است که نمی‌تواند با اطمینان رد شوند (Burdge & et al, 1995: 40).

مشارکت عمومی در تمییز دادن این رویکرد از رویکردهای فن‌سالار، اهمیت ویژه‌ای دارد. ارزیابی تأثیرات اجتماعی که در برگیرنده یکی از ابعاد مشارکت عمومی است، چیزی است که باید در اوایل عمر یک طرح به منظور اطمینان از موارد زیر انجام گیرد:

- کل فرایند ارزیابی تأثیر می‌تواند در برگیرنده دانش محلی درباره شرایط، فرایندها و تأثیرات احتمالی اجتماعی باشد.

- نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی در جهت تغییرات پیشنهادی می‌توانند شناسایی شوند.

- تأثیرات ذهنی و فرهنگی که مرتبط با روش‌های برساخت محیط اجتماعی و طبیعی افراد (یعنی ادراک یا مفهوم‌سازی) هستند و جایگاه خود آنها را در

این محیط تعیین می‌کنند، می‌توانند شناسایی شوند.

- مکانیسم‌های مناسبی برای به کارگیری گروه‌های مختلف در فرایند تصمیم‌گیری می‌توانند شناسایی شوند.
- پیامدهای اِتا و دیدگاه‌های عمومی می‌توانند در مرحله طراحی پروژه شناسایی شده، برای حداکثرسازی مزایا به جای جبران ضرر پس از اجرا به کار گرفته شوند.
- راهکارهای بالقوه می‌توانند شناسایی شده، به درستی ارزیابی شوند.
- اختلاف‌های مربوط به پروژه باید به واسطه اطمینان از این مطلب که حداکثر نظرهای ممکن در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار گرفته‌اند و استراتژی‌های اصلاحی به کار گرفته شده‌اند، حداقل‌سازی شوند. پس مشارکت عمومی صرفاً یک منبع مضاعف از داده‌ها و یا ابزاری برای آموزش جوامع تحت تأثیر نیست، بلکه مکانیسمی است برای تقویت استدلال استقرایی از طریق تقسیم منابع داده‌های مختلف و مباحثه عمومی درباره نتیجه‌گیری‌ها (Burdge & et al, 1995; Bisset, 2000; Burdge & Robertson, 1998; Dale & et al, 1997).

مورد ضمنی در این روش برای اِتا، مدلی از سیاست‌های یک گروه ذی‌نفع تکثرگرا که در چارچوب NEPA اعمال می‌شوند و همچنین دامنه‌ای از نهادها و قوانین ایالات متحده است. به عبارت دیگر این منعکس‌کننده، چارچوبی قانونی و نهادی و نیز فرهنگ تصمیم‌گیری است که حقوق افراد را برای نمایش سیاسی، محافظت از دارایی‌ها مدنظر قرار می‌دهد.

این به آن معنا نیست که روش‌های دیگر ممکن است برای شرایط ایالات متحده مناسب نباشد، بلکه این بدان معناست که هرچه نوعی از شرایط نهادی، قانونی و فرهنگی در ایالات متحده بیشتر وجود داشته باشد، ارزیابی مجدد فرضیه‌هایی که مشارکت عمومی در اِتا بر مبنای آنها قرار دارد، مهم‌تر خواهد شد. نکته مهمتر آنکه هنگام ارزیابی منطق این رویکرد، این امکان وجود دارد که علی‌رغم اهمیت فرایند پیش‌بینی تأثیرات احتمالی، اینها عمدتاً باعث سهولت در تصمیم‌گیری بهتر می‌شوند، تا جایی که جوامع تحت تأثیر و دیگر ذی‌نفعان که در این فرایند دخیل هستند، مشارکت فعال‌تری در این فرایند داشته باشند و از مشارکت در داده‌ها فراتر رود.

متأسفانه همواره اینگونه نیست. همان‌طور که مشاهده کردیم، اِتا و مشارکت عمومی در عمل به عنوان فرآیندهای مجزایی تلقی می‌شوند و این احتمالاً بدان دلیل است که اِتا در اغلب موارد به عنوان عملکردی برای شمارش تغییرات جمعیتی و افزایش تقاضای خدمات عمومی در طی توسعه و پس از آن تلقی می‌شود. فهرست کردن برخی از تأثیرات احتمالی و ادعای

مشارکت در مشاوره مطلوب بدون انجام اقدامات لازم برای اطمینان از این مسئله که جوامع تحت تأثیر حقیقتاً در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند (به شکل مستقیم و یا با نمایش نظرهای آنها)، در گزارش‌های اتا بسیار آسان است. بهبود تصمیم‌گیری ممکن است در بسیاری از روش‌ها درک شود؛ اما اگر شامل مشارکت عمومی واقعی در تصمیم‌گیری، کاهش تناقضات و حداکثرسازی مزایای مثبت باشد (نه فقط برای جبران خسارت مادی)، همان‌طور که پیشتر گفته شد، باید به صورت انتقادی به بررسی نقطه‌ی تمرکز غالب اتا پردازیم. آیا همین برآورد تأثیرات احتمالی است که می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را بهبود بخشد؟ یا افزایش درک و مباحثات میان ذی‌نفعان است که با تلاش برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و مدیریت آن تأثیرات، کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را بهبود می‌بخشد؟ اگر مورد دوم صحیح باشد، آیا آنها را نباید اساساً مهم‌تر از وظیفه‌ی پیش‌بینی دانست؟ اما اگر پیش‌بینی، یکی از نقاط تمرکز اساسی برای فعالیتهای تحلیلی باشد، سایر موارد کدامند؟

یکی از منازعاتی که درباره‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی وجود دارد، مربوط به عمل اجتماعی - علمی‌ای است برای پیش‌بینی کاری که برعهده گرفته‌ایم و این امر، کار تصمیم‌گیری را روشن‌تر می‌سازد. همچنین ابزاری است برای بسیج کردن عموم در فرآیند تصمیم‌گیری، که تاریخچه‌ای به اندازه‌ی خود اتا دارد. هرچند ممکن است غلبه مداوم روش‌های پیش‌بینی را به آنچه به صورت مناسب‌تر و راحت‌تر با فرآیند تصمیم‌گیری فن‌سالار به دست آمده است نسبت دهیم، این مهم است که تمام مباحث با دقت در برابر رویکردهای سیاسی و مشارکت‌طلبانه مدنظر قرار گیرد (Craig, 1990).

این قسمت با جزئیات دقیق بر مبنای مباحثی که آشکارا سیاسی است، انجام شده است که نیاز است نگرش‌های مشارکت‌طلبانه اتا، آنها را گسترش دهد تا درباره مباحث مهمی که باید برای بخش‌های مختلف در رشته‌های گوناگون در ارزیابی تأثیر و مدیریت منابع یاد گرفته شود، بحث کنند.

### ماهیت سیاسی و ارزشی تصمیم‌گیری

کریگ (۱۹۹۰) این بحث را مطرح می‌کند که بسیاری از نتایج به دست آمده از مدیریت منابع در طبیعت، ماهیت فنی ندارند و بیشتر سؤال‌های ارزشی هستند. سؤالاتی درباره اینکه افراد در چه محیط‌های طبیعی و اجتماعی‌ای می‌خواهند کار یا زندگی کنند، انگیزه‌های زندگی آنها، اهداف سبک زندگی آنها، احساس هویت فرهنگی و قضاوت‌های هنری آنها. اگر بیشتر نه، به همان اندازه درباره اینکه چه نوع توسعه‌ای برای آنها فرصت بهبود سبک

زندگی و سنت‌های محلی را فراهم می‌کند، درباره اینکه چه نوع توسعه‌ای می‌تواند به صورت عینی، فرصت‌های شغلی بیشتر و یا رشد اقتصادی بیشتری را ایجاد کند. محدود کردن اتا به سؤال‌های فنی و کمی، موجب انحراف از اصل موضوع می‌شود و تنها سبب برتری برخی ارزش‌ها نسبت به ارزش‌های دیگر می‌شود. در چنین شرایطی، کریگ می‌گوید که فرآیندهای سیاسی انعطاف‌پذیر، بهترین مبنا برای تصمیم‌گیری هستند.

دیل و لین<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، بحث مشابهی را درباره موقعیت‌های تصمیم‌گیری مطرح می‌کنند که ذی‌نفعان متعدد با منافع در حال رقابت درگیر شده‌اند و قدرت، خرد و شکننده شده است. برنامه‌ریزی از بالا حتی وقتی با روش اختصاصی اتا حمایت می‌شود، به خاطر ناتوانی‌اش در همسازی با دیدگاه‌ها و منافع ذی‌نفعان در نتایج برنامه‌ریزی کمتر برای این موقعیت‌ها مناسب است. اتاهایی که بسیار فنی هستند یا بیش از اندازه روی پروژه متمرکزند، ممکن است در مشارکت دادن ذی‌نفعان بی‌شمار که اهداف و پروژه‌های آنها در نهایت می‌تواند پروژه را تصحیح یا نابود کند، موفق نباشند. در حالی که اجرای زیرساخت برنامه‌های توسعه بر این مبناست که تنها ذی‌نفعان خاصی علاقه دارند تا از منابع موجود برای استفاده در این زیرساخت‌ها استفاده کنند یا نکنند.

مباحث مطرح‌شده در بالا، ضرورت و نیاز به یک نگاه مدیریتی به ذی‌نفعان را نشان می‌دهد. مدیریت علائق، منافع، دیدگاه‌های ذی‌نفعان پروژه به سمتی که بیشترین تسهیل را در راستای موفقیت پروژه و کمترین ممانعت را بر سر راه اجرای آن ایجاد نماید، در ادبیات مدیریت پروژه فرآیند مدیریت ذی‌نفعان پروژه نامیده شده و از وظایف مدیران و مجریان پروژه است.

مدیریت ذی‌نفعان پروژه، شامل شناسایی دقیق گروه‌های تأثیرگذار یا تأثیرپذیر از یک پروژه و تجزیه و تحلیل میزان قدرت، نفوذ و تأثیراتی است که بر پروژه دارند. شناسایی و تجزیه و تحلیل دقیق ذی‌نفعان می‌تواند موجب اتخاذ سیاست‌های ارتباطی مؤثر و در نتیجه کسب حمایت یا افزایش سطح مشارکت آنها در پروژه شود. این موضوع یکی از عوامل کلیدی در موفقیت یک پروژه محسوب می‌شود. تجربه نشان داده که اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع به ذی‌نفعان موجب می‌شود که در زمان مواجهه با چالش، ذی‌نفعان تعهد بیشتری نسبت به فعالیت‌های پروژه نشان دهند و با اشتیاق بیشتری از پروژه حمایت کنند (Victor & Cullen, 1988).

پیچیدگی فرآیند شناسایی و مدیریت ارتباطات ذی‌نفعان پروژه و کاهش



علاقه ذی‌نفعان به حمایت و پشتیبانی از پروژه‌ها از جمله عوامل شکست پروژه‌ها است. ایده اصلی برای بهبود روابط ذی‌نفعان در مدیریت ریسک، مدیریت ارتباطات و رهبری پروژه بوده و شناسایی، تجزیه و تحلیل و مدیریت ذی‌نفعان پروژه، اساس اولیه متدولوژی‌های مدیریت ذی‌نفعان است. این فرآیندها معمولاً به گام‌های زیر تقسیم می‌شود:

- شناسایی ذی‌نفعان
- اولویت‌بندی و گروه‌بندی ذی‌نفعان
- شناسایی اثرات ذی‌نفعان
- شناسایی ارتباطات بین ذی‌نفعان
- مشخص کردن استراتژی مدیریت ذی‌نفعان (Weick, 2004)

### سیالیت و کاربردی بودن تأثیرات اجتماعی

فارغ از اینکه ارزیابان تأثیرات، چه تعداد سناریوی بدیل توسعه (از جمله سناریوی فاقد توسعه) را در نظر می‌گیرند، پیش‌بینی‌های آنان احتمالاً تا زمان تصمیم‌گیری اعتبار خود را از دست خواهد داد؛ زیرا تغییرات اجتماعی‌ای که آنها قصد توصیفش را دارند، دیگر انجام شده است.

روش‌های مبتنی بر مذاکره، برای اتاد در نهایت تنها بر اساس ارزش مشارکت شکل گرفته است و البته به میزانی که مباحث تئوریک مطرح هستند، که در آن حالت اساساً به دنبال صحت ارزیابی تأثیر هستند.

در یک سطح بسیار کاربردی، با توجه به تمرکزی که بر ارزیابی تأثیر وجود دارد، در پروژه‌های بزرگ و تصمیم‌های بزرگ، خود آنها محیط‌های اجتماعی و سیاسی پیچیده‌تری هستند. اگر این پروژه‌ها پیش روند، می‌توانند به راحتی در طولانی‌مدت توسط هزاران تصمیم و اقدام جایگزین شوند.

در یک سطح مفهومی می‌توان این بحث را مطرح کرد که رویکردهای مبتنی بر مذاکره می‌تواند به اعتبار علمی ارزیابی تأثیر بیفزاید. بررسی دقیق نتایج مبتنی بر مشارکت، مشخص‌ترین بعد این بحث است؛ ولی همچنین دلایل معرفت‌شناختی‌ای نیز در باور به اینکه یکپارچگی اتا با همکاری مشارکتی، تصمیم‌گیری و مذاکره ما را به واقعیت امر نزدیک‌تر می‌کند، وجود دارد.

بحثی که در برابر این ادعا طرح می‌شود این است که افراد با توجه به تغییراتی که مدام صورت می‌گیرد، نمی‌توانند پیش‌بینی کنند و تنها می‌توانند از نتایج عینی آن استفاده کنند. برای مثال ساکنان محلی از رشد فعالیت اقتصادی محلی در فرآیند پیشرفت، انتظار سود دارند و تنها پس از آن

متوجه می‌شوند که ثروت ایجاد شده است. اما آنها ممکن است از انواع تأثیراتی که ارزیابان اجتماعی نادیده گرفته‌اند، آگاه باشند (Beckwith, 2000). نکته این نیست که اجتماعات تأثیر پذیرفته یا ارزیابان متخصص در چه موقعیت‌هایی برای برآورد تأثیرات قرار دارند، بلکه بسیاری از تأثیرات اجتماعی که ما با آنها مواجه‌ایم، به صورت اجتماعی و از طریق فرآیند تضاد و مذاکره در اطراف تغییرات پیشنهاد شده بنا می‌شوند، نه اینکه به صورت منفرد منتظر کشف شدن و ارزیابی شدن باشند (Lockie & et al, 1999).

همچنین ما در اینجا با یک فرآیند مشخص سروکار نداریم، بلکه با معانی سیال و مجادله برانگیز که در ارتباط با فضاها، فعالیت‌ها، اجتماعات و تغییرات پیشنهادی هستند سروکار داریم. همچنین ترکیب اجتماعات ذی‌نفع و مواردی که بیشترین ارزش را برای آنها دارند، می‌توانند طی یک پیشنهاد تغییر کنند. از طرفی دیگر، مزایای بالقوه ارزیابی تأثیر اجتماعی بر هزینه‌های آن می‌چربد و هم به مسئولان و هم به مردم متأثر از طرح سود می‌رساند. مسئولان با استفاده از ارزیابی تأثیر، درباره همه عوامل محلی که ممکن است مانع دستیابی به هدف‌های اقتصادی و یا اجتماعی طرح شوند آماده می‌شوند. بر خورداری از اطلاعات انا پیش از اجرای طرح اطمینان می‌دهد که هیچ‌گونه ناسازگاری میان طرح و مردم وجود ندارد؛ در نتیجه بخت موفقیت افزایش می‌یابد. مردم متأثر از طرح، هم فرصت دخالت در فرآیند تصمیم‌گیری را پیدا می‌کنند و هم اطلاعاتی درباره تغییرات ایجاد شده در محیط زیستشان دریافت می‌کنند. بر اساس یافته‌های انا:

- هدف ارزیابی تأثیر اجتماعی این است که به طرفداران و تصمیم‌گیرندگان اجازه دهد تا تصمیم‌های اجتماعی مسئولانه‌تری را اتخاذ کنند و افرادی را که از این تصمیم‌ها تأثیر می‌پذیرند، مستقیماً در این تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند.

- تأثیرات اجتماعی ارزیابی می‌شود تا به افراد و اجتماعات و همچنین دولت و بخش خصوصی کمک شود تا تأثیرات اجتماعی احتمالی پروژه‌ها و تغییر سیاست‌ها را در جمعیت‌های انسانی درک کنند و قادر به پیش‌بینی آنها باشند.

### فرآیندهای مشورتی و مذاکره‌ای برای افزایش اعتبار

پذیرش اینکه چه اجتماعاتی تأثیر پذیرفته و چه متخصصان اتایی کاملاً بی‌توجه یا پذیرنده تأثیرات تغییر هستند و اینکه آن تأثیرات تنها تغییرات سیال ساختار زندگی هستند، به شدت نیاز به ذی‌نفعانی دارد که از طریق ارزیابی تأثیر و فرآیند برنامه‌ریزی همکارانه با هم کار کنند (Kruger & Shannon, 2000).

فنون و رویکردهایی که درباره این فرآیند در ادبیات وجود دارد، از لحاظ

روش‌ها و وارد کردن اعضای اجتماعات تأثیرپذیرفته در فرآیند ارزیابی به عنوان محققان همراه، تا توسعه معیارهای اصولی که با آن به ارزیابی مشارکت پرداخته می‌شود و تا مفهومسازی مجدد ارزیابی و برنامه‌ریزی به عنوان یک تمرین یادگیری مشارکتی، متغیر است (Daniels & Walker, 1996; Daniels & et al, 1996).

هرچند این نویسندگان در دیدگاه‌های نظری خود که روششان را نیز پشتیبانی می‌کند متفاوتند، انسجام کاملی در ماهیت منطق گفتمانی و ارتباطی در بین آنها وجود دارد (Dryzek, 1990; Habermas, 1984). این امر بر اساس این فرض است که در حالی که ممکن نیست در همهٔ مواقع، ادعاها مورد پسند واقع شوند (برای مثال در استفاده از یک منبع)، این امکان برای دیدگاه‌های افراد وجود دارد که با بحث‌های منطقی تغییر کند و یا با توجه به نظرها و منافع خاصی در دفاع از عدالتی کلی و منافع مشترک جمع، کنار گذاشته شود (Miller, 1992: 56).

نقش سنجش منطقی ارتباطی (منطق گفت‌وگویی و تعاملی ذی‌نفعان با مجریان) این نیست که استانداردهای جهانی درست و غلط را بنا کند و یا پاسخ صحیحی را برای یک مسئله پیدا کند، بلکه می‌خواهد به تصمیم‌هایی برسد که شرکت کنندگان فکر می‌کنند منطقی و عادلانه است. این دستورالعملی برای اقدام مهم سیاسی در ورای یک واقعیت تجربی نیست. بهره‌گیری از روش‌های علوم اجتماعی در حمایت از سنجش اهداف و تأثیرات و مدیریت طرح‌های پیشنهادی تغییر، عبور از واقعیت تجربی به تغییر از نگاه متمرکز متخصص علوم اجتماعی را پیشنهاد می‌کند. مهمتر از همه، تنها دانشمندان علوم اجتماعی نیستند که با درگیر شدن در فرآیندهای منطقی ارتباطی در سنجش و یادگیری، کارشان کمکی به مسئولان، اجتماعات و سایر ذی‌نفعان است. در واقع به پیشنهاد من، به عهده گرفتن چنین مسئولیتی برای فرآیند کنار گذاشتن تحلیل ارزیابی، از جهت‌گیری پروژه به سمت فرآیندهای استراتژیک مدیریتی فرآیندی پیش‌رونده است. مدیریت منابع به طور ذاتی با پیچیدگی، بی‌اعتمادی و بی‌تکلیفی شناخته می‌شود.

حداقل این امر نیاز به چندروشی را پیشنهاد می‌دهد، زیرا از آنجایی که هیچ حزب و ارگان و سازمان یا رشته‌ای، کلید اصلی درک وضعیت مدیریت منابع طبیعی خاص را در دست ندارد، این امر موجب انجام کارهای بیشتری در به هم پیوستگی اصول مختلف می‌شود (Daniels & Walker, 1996: 75).

با این حال اهمیت زمانی با تأثیرات درازمدت و تجمعی وجود دارد. هیچ پاسخ ساده‌ای برای چالش‌هایی که از ارزیابی تأثیر برمی‌خیزند وجود ندارد. ابزار اقتصادی‌ای مانند ارزش انسجام با مدل‌های نامناسب داده‌ها صرفاً به

مخرج مشترک پول می‌رسند (Wattage & et al, 2000) و کاملاً بی‌تفاوت از اینکه چقدر این کار صحیح انجام می‌شود. ما هنوز با مشکلات تغییرات مداوم، بازتعریف منافع و ارزش‌ها، نتایج ناخواسته و مانند آن روبه‌رو هستیم. مبحثی که اخیراً در زمینه مدیریت تطبیقی محبوبیت یافته، تلاش قابل توجهی در رسیدن به اصطلاحاتی است که در ارتباط با این مسائل است (Daniels & Walker, 1996). اما به کار بردن آن در برنامه‌های نهادی مناسب که گفت‌وگوهای ثابت و یادگیری در میان ذی‌نفعان را از جمله در جامعه علمی ترویج می‌کند، امری مستقل است. چنین شور و مشورتی، پتانسیل واقعی برای ترویج بیشتر محیطی منطقی جهت تصمیم‌گیری، با تشویق تصمیم‌گیرندگان و با در نظر گرفتن گزینه‌های همه‌جانبه و فراتر از منافع شخصی و همچنین نگاه به جمع و محیط و عدم تمرکز در تصمیم‌گیری و حساس کردن فرآیندهای انتخاب اجتماعی را ایجاد می‌کند. از طرف دیگر نیز حساسیت بیشتری نسبت به بازخوردهای زیست‌محیطی و درگیر کردن شرکت‌کنندگان بیشتری در آنچه مسائل فرامحلی است فراهم می‌کند (Dryzek, 1987).

بنابراین در اینجا این پرسش پیش می‌آید که روشی که تا بر آن مبتنی است، چگونه می‌تواند باشد و چگونه می‌تواند از روش‌های پیش‌بینی‌کننده متمایز باشد؟ یکی از مدل‌هایی که دیل و لین از آن دفاع کرده‌اند، شامل به کارگیری سیستماتیک و تکرار شونده روش‌های تحقیق استاندارد علوم اجتماعی است (مانند مصاحبه‌ها و پیمایش‌ها) با پیوند ارزش‌ها، دانش، نگرش‌ها و آرزوهای تمام گروه‌های ذی‌نفع مربوطه از طریق ارزیابی تأثیر و فرآیند برنامه‌ریزی. نقشه‌های اجتماعی‌ای که از طریق این فرآیند برای ذی‌نفعان آماده شده، برای آن است که صحنه مذاکره برای آنها ترسیم شود تا بفهمند که چه کسانی از تصمیمها تأثیر می‌گیرند.

یافته‌های به دست آمده از این روش، این قابلیت را دارد که از تضاد بر اساس بدفهمی‌ها و تضادهای پیشین دوری کند تا مطمئن باشد دیدگاه‌های گروه‌هایی که بدون منبع هستند، برای فعالیت مستمر و تصمیم‌گیری نادیده گرفته نمی‌شود. شناسایی فرصت‌هایی که توانایی و آرزوهای یک ذی‌نفع را افزایش می‌دهد نیز فرآیندی تکرار شونده است که دائماً گروه‌های ذی‌نفع که خود را بازتعریف می‌کنند، آن را تکرار می‌شود. ارتباط آنها با سایر گروه‌های ذی‌نفع و آرزوهای جمعی آنها نیز لحاظ می‌شود. این روش نه تنها ذی‌نفع‌های متعدد را می‌پذیرد، بلکه منافع و ارزش‌های رقیب هم منافع مشروعی در توسعه و تغییرات سیاسی و تصمیم‌گیرنده‌های بزرگ و کوچک در نظر گرفته می‌شوند و توانایی تأثیر گذاری طولانی مدت موفقیت یا شکست آن تغییرات را فراهم می‌کند.

اوفرچلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، مثال مفید دیگری ارائه کرده که بر اساس تجربه‌های جوابع بومی در استرالیا به دست آمده است (Lane and Dale, 1995; Ross, 1992).

بحث اوفرچیلی بر اساس مشاهداتی است که:

- در بسیاری از موارد دسترسی جوامع بومی به مشارکت در اتایی‌ها با وجود انجمن‌های سنتی شفاف و روشن در اختیارشان انکار می‌شود.

- هرچند مردم بومی، شرکت در اتاها را پذیرفته‌اند، تأثیر تصمیم‌گیری‌ها به علت کمبود منابع و غیر رقابتی بودن تأثیرات اجتماعی رسمی با فرآیندهای تصمیم‌گیری بومی، مناسب نبوده‌اند.

- ارزش‌ها و باورهای مردمان بومی معمولاً به وسیله پروژه پذیرفته‌شده و چهارچوب‌های تحلیل تضاد که اتا در آن صورت گرفته شناخته نمی‌شود.  
- پروژه در پروژه‌ای بودن و کاهش تأثیرات یا در گرایش به ارزیابی تأثیرات به صورت ضعیفی با حداکثر منافع بلندمدت در ارتباط با طرح‌های پی‌درپی مجهز شده است.

اوفرچلی به این نکته اشاره می‌کند که مشارکت باید معطوف به یک پیامد مذاکره‌شده مبتنی بر نتایج ارزیابی‌ها باشد (O'Faircheallaigh, 1999: 67). برای بوچان<sup>۲</sup>، رویکرد مشارکتی در برگیرنده طرف‌های ذی‌نفع و تأثیرپذیر در تصمیم‌گیری درباره شاخص‌ها و مقیاس‌های تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی در ارزیابی تأثیرات و پایش آنهاست. در ادامه او اشاره می‌کند که اجتماعات مداخله‌گر در شیوه مشارکتی، تغییر مهارت آنها را تسهیل می‌کند و موجب رشد قدرت خرید آنها می‌شود و باعث به وجود آمدن سرمایه‌داری اجتماعی محلی‌شان می‌گردد (Bryan, 1987).

هلن روز<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) نیز یکی از صاحب‌نظرانی است که معتقد به مشارکت افراد بومی در فرآیند ارزیابی است. او معتقد به بررسی‌هایی است که نظرهای افراد بومی در آن مهم است؛ تحقیقاتی که از اولویت‌های افراد بومی استفاده می‌کند، نه آنچه مدنظر دانشگاهیان و دولت‌مردان است و از روش‌هایی استفاده می‌کنند که آنان با آنها راحت‌ترند. روش‌هایی که در خدمت آنان است، نه اینکه روی آنان اعمال می‌شود و برای مواجهه با مشکلات موجود به کار می‌رود. به عقیده او نظام دانایی بومیان و دانش غربی، شامل ارزش‌ها، چشماندازها و دانش تکنیکی باید در فرآیند تصمیم‌گیری با هم ترکیب شوند. همچنین این نکته را باید مدنظر داشت که ارزیابی تأثیر اجتماعی مشارکتی، نوعی مشورت

1- O Faircheallaigh

2- Buchan

3- Helen Ross

همگانی یا مشارکت عمومی نیست که طی آن این فرآیند به دنبال پرسش از عموم مردم برای تأمین داده‌ها یا درگیر ساختن آنها در فرآیند تصمیم‌گیری باشد. این فرآیند در مقابل، اجتماع را درگیر مسئله‌شناسی، طراحی، اجرای پروژه و پایش می‌کند. آنچه در رویکرد مشارکتی به طور تلویحی مورد نظر است، فهم تغییر اجتماعی از خلال تجربه است. تمرکز بیشتر بر کنش اجتماعی با تأکید بر کمک به جامعه، تأثیرپذیری برای تطبیق با تغییرات ناخواسته است. صرف‌نظر از میزان تلاشی که ارزیابان تأثیر اجتماعی برای حفظ ارزش‌های بومی می‌کنند و مشارکت در روند تأثیرات پیش‌بینی را تشویق می‌کنند، این امر نمی‌تواند به تنهایی شرکت کردن در تصمیم‌گیری‌های بزرگ‌تر برای تصویب پروژه و یا دسترسی به ساختارهای سیاسی و نهادی گسترده‌تر را تضمین کند. شاید از ویژگی‌های قابل توجه ادبیات موجود در میان مردم بومی و اتاها، شکست تقریباً کاملشان در پرداختن به این موضوع باشد که چگونه یافته‌ها و توصیه‌های تولیدشده توسط ارزیابان تأثیرات را می‌توان به طور مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری پروراند و کمک کرد تا یک تعادل مطلوب‌تر از منافع و هزینه برای مردم بومی تولید شود (Hawley, 1950).

سنجش تا زمانی که مستقیماً به نتایج تصمیم‌ها مربوط شود، بی‌معنی است. این بدین معنا نیست که روش‌های تکنیکی و پیش‌بینی‌کننده‌اتمانند تحلیل مقایسه‌ای، بی‌اهمیت هستند؛ ولی به این معناست که آنها از اهداف اصلی‌اتادور شده‌اند و گسترش یافته‌اند. همان‌طور که دیل و لین (۱۹۹۴) پیشنهاد می‌دهند، جایی که حمایت از چانه‌زنی و مذاکره ضروری است، نتایج حاصل از اتابه صورت اتفاقی در روند مذاکرات به جریان نمی‌افتد. تمهیداتی لازم است تا اطمینان حاصل شود که همان‌طور که باید، عمل می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

بدون تردید برآورد تأثیرات تغییر یا اقدام مطرح‌شده، یکی از فعالیت‌های حیاتی برنامه‌ریزی است. اما اگر قرار است ارزیابی تأثیر از تمرکز بر «پروژه‌های بزرگ» و «تصمیم‌های بزرگ» فراتر رفته، به اندازه کافی به مسائل استراتژیک بپردازد، باید از آن به عنوان کارکرد اصلی ارزیابی تأثیر تمرکززدایی شود.

این بحث تنها درباره به کار بردن ارزیابی تأثیر در تسهیل مشارکت عمومی نیست، بلکه در رابطه با ابتدایی‌ترین حوزه، یعنی اینکه فعالیت‌های ارزیابی تأثیر باید در سهم دادن به سنجش منطقی ارتباطاتی نقش داشته باشند؛ یعنی یک منطقی‌گفت‌وگویی با مردم که سبب می‌شود نوعی یادگیری رخ دهد، فرصتی برای تعامل تفاهمی حاصل می‌شود، نوعی ژرفاندیشی استراتژیک رخ

می‌دهد که در آن مردم و مجریان اقدامات توسعه‌ای، فرصتی می‌یابند تا یکدیگر را درک کنند و باهم به فهمی از اقدام دست یابند. گفت‌وگو و ارتباط با مردم، تضمینی برای عادلانه و منصفانه بودن (و نه الزاماً بهینه بودن) اقدام است.

چنین سهم‌دهی (منطق ارتباطاتی و گفت‌وگویی) که به کار برده می‌شود، به نوعی به سخت‌گیری علمی، صداقت، انعطاف و درگیری فعالانه تعداد زیادی از ذی‌نفعان در تغییرات مطرح‌شده وابسته است، تا بتوانند از بازتفسیر استفاده نمایند و به دانش تولیدشده اضافه کنند. این شامل فرایندی یک‌طرفه و القایی به افراد نیست که چگونه رفتار کنند؛ زیرا چنین تکبری تنها موجب دائمی کردن منطق فن‌سالار است و بخش اندکی از منافع، هم‌راستا با این منطق می‌شود.

مطالب مطرح‌شده حاکی از آن است که حتی زمانی که اثاها به کمک چهارچوبی پیش‌بینی‌پذیر انجام شوند، وقتی درگیری جوامع تأثیرپذیرفته در توزیع داده‌ها افزایش می‌یابد، تصمیم‌گیری به طور گسترده‌ای بهبود می‌یابد و به درگیری در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌انجامد. مدل‌هایی که شفافیت را گسترش می‌دهند تا چنین فرآیندهایی را تسهیل کنند، پتانسیل بالایی را در افزایش ارتباط و تأثیرات پیشنهاد می‌دهند. در پایان می‌توان گفت که این روش‌های علمی جدید بی‌پایان یا انواع مدل‌های ارزیابی تأثیر مورد نیاز است؛ زیرا تنها بحث ارزیابی تأثیرات نیست، بلکه نیاز است تا ارزیابی تأثیرات به سمت امری فراتر از تمرکز پروژه به اندازه مدل‌های جدید رادیکال، مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری را نیز ترویج کند.

هرچند ممکن است به نظر بیاید که مواجهه با ارزش، از دست ارزیابان تأثیر خارج است، باید به این نیز توجه داشت که هرچه عمل ارزیابی تأثیر فنی‌تر باشد، از ترتیبات موجود و ناتوانی مکرر آن در مقابله با عدم قطعیت به صورت استراتژیک و مشارکتی حمایت بیشتری می‌شود. هر چقدر فعالیت ما به عنوان ارزیابان تأثیر با توجه به اصول سنجش منطقی ارتباطی مردمسالارتر شود، بیشتر می‌توانیم نظم نهادی‌ای را بنا کنیم که به چنین فرآیندهایی اجازه می‌دهد تا به میزان بیشتری به عنوان یک فرصت گسترش یابد تا یک تهدید. به نظر من، این همان کلید اجرای گسترده‌تر درخواست‌های ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی برای ارزیابی سریع‌تر و تغییرات متنوع‌تر مطرح‌شده است و نوعی به کارگیری ابزار ارزیابی تأثیر در تصمیم‌گیری‌های پراکنده و کوچک است که به طور تجمعی دارای تأثیرات عمده اجتماعی است.

## منابع

1. Barrow, C J (1997). Environmental and Social Impact Assessment: an Introduction (Arnold, London).
2. Bass, R (1998). "Evaluating environmental justice under the national environmental policy act", Environmental Impact Assessment Review, 18, pages 83-92.
3. Becker, H (1997). Social Impact Assessment (UCL Press, London).
4. Beckwith, J A (2000). "Social impact assessment: can it deliver?", paper presented to the Annual Meeting of the International Association for Impact Assessment, Hong Kong, June.
5. Bisset, R (2000). "Methods of consultation and public participation", in Lee and George (2000). pages 149-160.
6. Biswas, A, and S Agarwala (1992). Environmental Impact Assessment for Developing Countries (Butterworth-Heinemann, Oxford).
7. Burdge, R (editor) (1998). A Conceptual Approach to Social Impact Assessment: Revised Edition (Social Ecology Press, Middleton, WI)
8. ----- (1999). A Community Guide to Social Impact Assessment: Revised Edition (Social Ecology Press, Middleton WI).
9. Burdge, R, P Fricke, K Finsterbusch, W Freudenberg, R Gramling, A Holden, L Llewellyn, J Peterson, J Thompson and G Williams (1995). "Guidelines and principles for social impact assessment", Environmental Impact Assessment Review, 15, pages 11-43.
10. Burdge, R, and S Johnson (1998). "Social impact assessment: developing the basic model", in Burdge (1998). pages 13-29.
11. Burdge, R, and R Robertson (1998). "Social impact assessment and the public involvement process", in Burdge (1998). pages 183-192.
12. Burdge, R, and F Vanclay (1995). "Social impact assessment", in Vanclay and Bronstein (1995). pages 31-65.
13. Caley, M, and E Derow (1980). Social Impact Assessment: a Cross-Disciplinary Guide to the Literature (Policy Studies Institute, London).
14. Chadwick, A (1995). "Socio-economic impacts 2: social impacts", in Morris and Therivel (1995). pages 29-49.
15. Coakes, S (1999). Social Impact Assessment: a Policy Maker's Guide to Developing Social Impact Assessment Programs (Bureau of Rural Sciences, Agriculture, Fisheries and Forestry Australia, Canberra).
16. Craig, D (1990). "Social impact assessment: politically oriented approaches and applications", Environmental Impact Assessment Review, 10(1/2), pages 37-55.
17. Dale, A, and M Lane (1994). "Strategic perspectives analysis: a procedure for participatory and political social impact assessment", Society and Natural Resources, 7(3), pages 253-267.
18. Dale, A, P Chapman and M McDonald (1997). "Social impact assessment in Queensland: why practice lags behind legislative opportunity", Impact Assessment, 15(2), pages 159-179.
19. Daniels, S, and G Walker (1996). "Collaborative learning: improving public deliberation in ecosystem-based management", Environmental Impact Assessment Review, 16, pages 71-102.
20. Daniels, S, R Lawrence and R Alig (1996). "Decision-making and ecosystem-based management: applying the Vroom-Yetton model to public participation strategy", Environmental Impact Assessment Review, 16, pages 13-30.



## منابع

21. Del Furia, L, and J Wallace-Jones (2000). "The effectiveness of provisions and quality of practices concerning public participation in EIA in Italy", *Environmental Impact Assessment Review*, 20, pages 457-479.
22. Dietz, T (1987). "Theory and method in social impact asses sment", *Sociological Inquiry*, 57(1), pages 54-69.
23. Dryzek, J (1987). *Rational Ecology: Environment and Political Economy* (Blackwell, Oxford).
24. ----- (1990). *Discursive Democracy: Politics, Policy and Political Science* (Cambridge University Press, Cambridge).
25. Dugdale, M, and S West (1991). "Public participation in natural resources planning and management", in *Proceedings of the International Hydrology and Water Resources Symposium* (Institute of Engineers, Perth) pages 454-459.
26. Erikson, P (1994). *A Practical Guide to Environmental Impact Assessment* (Academic Press, San Diego).
27. Formby, J (1990). "The politics of environmental impact asses sment", *Impact Asses sment Bulletin*, 8(1/2), pages 191-196.
28. Fortlage, C A (1990). *Environmental Assessment: a Practical Guide* (Gower, Brookfield, VM).
29. Gilpin, A (1995). *Environmental Impact Assessment: Cutting-Edge for the Twenty-First Century* (Cambridge, Cambridge).
30. Glasson, J, R Thérivel and A Chadwick (1994). *Introduction to Environmental Impact Assessment: Principles and Procedures, Process, Practice and Prospects* (UCL Press, London).
31. Habermas, J (1984). *The Theory of Communicative Action, Volume One: Reason and the Rationalisation of Society* (Polity Press, Cambridge).
32. Holden, A, and R Gibson (2000). "Opportunities for better practice social impact assessment in Queensland, Australia", paper presented to the Annual Meeting of the International Association for Impact Assessment, Hong Kong, June.
33. Howitt, R (1989). "Social impact assessment and resource development: issues from the Australian experience", *Australian Geographer*, 20(2), pages 153-166.
34. Kruger, L, and M Shannon (2000). "Getting to know ourselves and our places through civic social assessment", *Society and Natural Resources*, 13, pages 461-478.
35. Lane, M, and A Dale (1995). "Project assessment in Australian indigenous domains: the case for reform", *Australian Journal of Environmental Management*, 2, pages 30-39.
36. Lane, M, H Ross and A Dale (1997). "Social impact research: integrating the technical, political, and planning paradigms", *Human Organization*, 56(3), pages 302-310.
37. Lee, N, and C George (editors) (2000). *Environmental Asses sment in Developing and Transitional Countries: Principles, Methods and Practice* (Wiley, Chichester).
38. Lockie, S, S Momtaz and B Taylor (1999). "Meaning and the construction of social impacts: water infrastructure development in Australia's Gladstone/Calliope region", *Rural Society*, 9(3), pages 529-542.
39. Marriot, B (1997). *Environmental Impact Assessment: A Practical Guide* (McGraw Hill, New York).
40. McNab, A (1997). "Scoping and public participation", in J Western (editor), *Planning and Environmental Impact Assessment in Practice* (Longman, Essex) pages 60-77.

## منابع

41. Miller, D (1992). "Deliberative democracy and social choice", *Political Studies* , 40, pages 56–67.
42. Morris, P, and R Thérivel (editors)(1995). *Methods of Environmental Impact Assessment* (UCL Press, London).
43. O'Faircheallaigh, C (1999). "Making social impact assessment count: a negotiation-based approach for indigenous peoples", *Society and Natural Resources* , 12, pages 63–80.
44. Palerm, J (1999). "Public participation in EIA in Hungary: analysis through three case studies", *Environmental Impact Assessment Review*, 19, pages 201–220.
45. Partidário, M R, and R Clark (editors) (2000). *Perspectives on Strategic Environmental Assessment* (Lewis Publishers, Boca Raton).
46. Pollard, L, M Booth and L Stocker (1998). "Expressing community meanings through the hermeneutic process in social impact assessment", paper presented to the Annual Meeting of the International Association for Impact Assessment, Christchurch, April.
47. Richardson, T, J Dusik and P Jindrova (1998). "Parallel public participation: an answer to inertia in decision-making", *Environmental Impact Assessment Review*, 18, pages 201–216
48. Rickson, R, T Hundloe and J Western (1990). "Impact assessment in conflict situations: World Heritage listing of Queensland's northern tropical rainforests", *Impact Assessment Bulletin*, 8(1/2), pages 179–190.
49. Rickson, R, J Western and R Burdge (1998). "The use of social impact assessment knowledge in development decisions", in Burdge (1998), pages 79-91.
50. Ross, H (1992). "Opportunities for Aboriginal participation in Australian social impact assessment", *Impact Assessment Bulletin*, 10(1), pages 47–76.
51. U, Social Impact Assessment Support Unit (2000). *Social Impact Assessment in Queensland* (Department of Families, Youth and Community Care, Brisbane).
52. Soderstrom, E (1981), *Social Impact Assessment: Experimental Methods and Approaches* (Praeger, New York).
53. Taylor, C N, C H Bryan and C Goodrich (1990). *Social Assessment: Theory, Process and Techniques* (Centre for Resource Management, Lincoln University, Lincoln, NZ).
54. Thérivel, R and M R Partidário (editors) (1996). *The Practice of Strategic Environmental Assessment*, (Earthscan, London).
55. Thérivel, R, E Wilson, S Thompson, D Heany and D Pritchard (1992). *Strategic Environmental Assessment* (Earthscan, London).
56. Thomas, I (1998). *Environmental Impact Assessment in Australia: Theory and Practice* (Federation Press, Sydney).
57. Vanclay, F (2000). "Social impact assessment", in Lee and George (2000), pages 125-135.
58. ----- (forthcoming). "Social impact assessment", in *Encyclopaedia of Global Environmental Change* (Wiley, Chichester, UK).
59. Vanclay, F and D Bronstein (editors)(1995). *Environmental and Social Impact Assessment* (Wiley, Chichester, UK).
60. Vaughan, W, C Russell, D Rodriguez and A Darling (2000). "Uncertainty in cost-benefit analysis based on referendum contingent valuation", *Impact Assessment and Project Appraisal* , 18(2), pages 125–137.

## منابع

61. Wathern, P (editor)(1990). Environmental Impact Assessment: Theory and Practice (Routledge, London).
62. Wattage, P, A Smith, C Pitts, A McDonald and D Kay (2000). "Integrating environmental impact, contingent valuation and cost-benefit analysis: empirical evidence for an alternative perspective", Impact Assessment and Project Appraisal , 18(1), March, pages 5-14.
63. Webler, T, H Kastenholz O Renn (1995). "Public participation in impact assessment: a social learning perspective", Environmental Impact Assessment Review, 15, pages 443-463.
64. Wood, C (1995). Environmental Impact Assessment: a Comparative Review (Longman, Essex).

### فهرست منابع (اضافات)

۶۵. تیلور، نیکولاس و دیگران (۱۳۹۲). ارزیابی اجتماعی نظریه، فرایند و فنون. ترجمه افشین خاکباز. تهران: جامعه و فرهنگ.
۶۶. بارچ، رابل. جی و دیگران (۱۳۹۱). مفاهیم، فرآیند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی. ترجمه محمدعلی زکریایی و علی حاجلی. تهران: جامعه و فرهنگ.
۶۷. سعیدی، علی اصغر (۱۳۹۳). تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران. تهران: لوح فکر.
68. Bryan, C.H. and Taylor, CN. (1987). Towards an outdoor recreation resource policy. Policy Studies Review, 7(2):349-358.
69. Hawley, A.H. (1950). Human Ecology. Theory of community structure. Ronald press Co., New York.
70. Roy E. Ricson et al. (1990). Institutional Constraints to Adoption of Social Impact Assessment as a Decision making and Planning Tool. . Environmental Impact Assessment Review. 10(1/2):233-243.

# سنجش تأثیرات اجتماعی: رویکردهای فعلی و مسیرهای پیش روی تحقیقات کارآفرینی اجتماعی

هانس راوهاوزر

دانشگاه نوادا، لاس وگاس

مایکل کامینگز

کالج کسب و کار والتون، دانشگاه آرکانساس، فیتویل

اسکات ال. نیوبرت

دانشکده کسب و کار زیکلین، کالج باروک، دانشگاه نیویورک

مترجم: فرید ناهید

کارشناس ارشد مدیریت؛ farid.nahid.research@gmail.com

## چکیده

علی‌رغم اهمیت تأثیر اجتماعی در تحقیقات کارآفرینی اجتماعی، استانداردهای سنجش تأثیر اجتماعی یک سازمان، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تجربی توسعه نیافته هستند. ما نمونه‌ای با حجم ۷۱ مقاله مرتبط از مجلات پیشرو [در حوزه] کسب و کار (FT50) را شناسایی کردیم که به طور مفهومی یا تجربی، سنجش تأثیر اجتماعی را بررسی کرده‌اند. ما ابتدا وسعت تعاریف، منابع داده و عملیاتی‌سازی تأثیرات اجتماعی را توصیف کردیم. بر اساس این تحلیل، ما یک گونه‌شناسی چهار رویکردی از مفهوم‌سازی تأثیر اجتماعی تولید نمودیم که از آن برای سازمان‌دهی بینش‌ها و پیشنهادهای مربوط به سنجش بهبود یافته تأثیر اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینانه استفاده کرده‌ایم.

**واژه‌های کلیدی:** کارآفرینی اجتماعی، تأثیر اجتماعی، ارزش اجتماعی، عملکرد اجتماعی و سنجش عملکرد.

## مقدمه

محققان بیش از پیش به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های مبتنی بر بازار<sup>۱</sup> می‌پردازند (Kent & Dacin, 2013; Husted & Salazar, 2006). این تأکید به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی<sup>۲</sup> و سازمان‌های ترکیبی<sup>۳</sup> [تلفیقی از بخش دولتی، خصوصی و عام‌المنفعه با هدف تأثیرگذاری اجتماعی در کنار سودآوری مالی] مشهود است که برای رفع مشکلات اجتماعی جهانی، رسالت‌های اجتماعی را با رویکردهای بازاری ترکیب می‌کنند (Battilana & Dorado, 2010; Dacin & et al, 2011; Short & et al, 2009). رویکردهای مبتنی بر بازار که مشخصه یک رویکرد کارآفرینی اجتماعی است، ذاتاً با سنجش تأثیرات اجتماعی و عملکرد اجتماعی درگیر هستند (Grimes, 2010; Miller & Wesley II, 2010).

با وجود این علی‌رغم تحقیقات و اقدامات گسترده‌ای که نشان از علاقه به ایجاد و سنجش تأثیرات اجتماعی دارد، استانداردهای اندازه‌گیری این گونه<sup>۴</sup> مهم به اندازه کافی توسعه نیافته است (Salazar & et al, 2012). در حالی که تحقیقات و اقدامات عملکرد اجتماعی<sup>۵</sup> را به طور مفهومی در مسئولیت اجتماعی<sup>۶</sup> پی‌ریزی کرده‌اند، رویکردهای جدیدی برای سنجش پیشنهاد شده است که دارای فرضیه‌های بنیادین متفاوت و مستلزم سنجش اساساً متمایزی است (Kroeger & Weber, 2014; Salazar & et al, 2012). با رویکردهایی چنین ناهمگون، ادبیات [این حوزه] فاقد بینش تجمیعی مورد نیاز برای پیشرفت سریع‌تر و اثربخش‌تر تحقیقات کارآفرینی اجتماعی است.

بنابراین هدف این مقاله، توصیف شباهت‌ها و تفاوت‌ها در میان روش‌های مطالعه تأثیر اجتماعی و استفاده از این بینش‌ها برای ارائه مسیری واضح برای تحقیقات آتی است. برای انجام این کار، ما مقالات منتشرشده در فهرست پنجاه مجله برتر کسب‌وکار فایننشال تایمز (FT50)<sup>۷</sup> را که بر تأثیرات اجتماعی تمرکز داشت، به طور گسترده مطالعه کردیم. ۷۱ مقاله‌ای که ما در این جست‌وجو یافتیم، در دو بعد متمایز هستند: درجه تعمیم‌پذیری<sup>۸</sup> و مرحله فرآیند تأثیر<sup>۹</sup>. به طور مشخص در حالی که برخی از مقالات، تعریف و یا

- 1- Market-based Organizations
- 2- Social Ventures
- 3- Hybrid Organizations
- 4- Construct
- 5- Social Performance
- 6- Social Responsibility
- 7- The Financial Times list of 50 highly ranked business journals
- 8- Degree of Generalizability
- 9- Stage in Impact Process

سنجش خود از تأثیرات اجتماعی را به تنها یک بخش<sup>۱</sup> محدود می‌کنند، سایرین را می‌توان در چندین بخش<sup>۲</sup> به کار بست. علاوه بر این، در حالی که برخی از نویسندگان به تعریف و یا سنجش فعالیت‌هایی<sup>۳</sup> پرداخته‌اند که ممکن است به پیامدها و تأثیرات اجتماعی سودمند منجر شود، برخی دیگر به تعریف و سنجش خود پیامدها<sup>۴</sup> پرداخته‌اند. با تکیه بر این ابعاد، ما نمونه خود را برای یک گونه‌شناسی<sup>۵</sup> سامان داده‌ایم، برخی از نمونه‌های مثال‌زدنی را برجسته کرده‌ایم و سپس با استفاده از بینش‌های حاصل از این نمونه مقالات چندرشته‌ای درباره مسیرهای تحقیقاتی آتی بحث می‌کنیم.

### نظریه و پیش‌زمینه

تأثیر اجتماعی<sup>۶</sup>، بخش مهمی از پدیده کارآفرینی اجتماعی است (Dacin & et al, 2010; Lumpkin & et al, 2011). هرچند ممکن است تأثیر اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته مبتنی بر عملکرد، مرتبط با کارآفرینی اجتماعی در نظر گرفته شود، با توجه به تکثر اصطلاحات و تنوع زمینه‌ها، بینش‌های درباره تأثیر اجتماعی تلاش کرده‌اند به یک انسجام برسند. برای مثال تأثیر اجتماعی در ادبیات با استفاده از عباراتی مانند ارزش اجتماعی<sup>۷</sup> (Moss & et al, 2011; Santos, 2012)، عملکرد اجتماعی (Huſted & et al, 2006; Mair & Marti, 2006; Nicholls, 2008)، بازده‌های اجتماعی<sup>۸</sup> (Emerson, 2003)، بازده اجتماعی سرمایه<sup>۹</sup> (Hall & et al, 2015) (SROI) و حسابداری اجتماعی<sup>۱۰</sup> (Nicholls, 2009) مفهوم‌سازی شده است که با وجود تشابه، نشان‌دهنده گویه‌های متمایزی هستند. علاوه بر این تأثیر اجتماعی در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و درمان، پایداری محیط‌زیستی و فقر نیز مورد مطالعه قرار گرفته است که مقایسه آنها دشوار است (Izzo, 2013).

در میان اصطلاحات عمدتاً مترادفی که در ادبیات استفاده شده، ما برای حفظ یکپارچگی از اصطلاح تأثیر اجتماعی استفاده نمودیم. با توجه به مباحثات موجود درباره چگونگی تعریف این گویه پیچیده (Dacin & et al, 2010)، ما تأثیرات اجتماعی را به طور گسترده مفهوم‌سازی کردیم تا به بیشترین شمول ممکن

- 
- 1- Single Sector
  - 2- Multiple Sector
  - 3- Activities
  - 4- Outcomes
  - 5- Typology
  - 6- Social Impact
  - 7- Social Value
  - 8- Social Returns
  - 9- Social Return on Investment
  - 10- Social Accounting

در نمونه‌گیری برسیم. با اقتباس از تعریف اخیر که استفان و همکاران (۲۰۱۶) بیان کرده‌اند، ما تأثیرات اجتماعی را به عنوان پیامدهای مفید منتج از رفتارهای خیرخواهانه‌ای<sup>۱</sup> تعریف می‌کنیم که مخاطبان هدف آن رفتار و یا جمع وسیع‌تری از افراد، سازمان‌ها و یا محیط‌ها از آنها بهره‌مند می‌شوند. این تعریف به اندازه کافی گسترده است تا جدیدترین رویکردهای مطالعه تأثیرات اجتماعی (برای مثال: Choi & Majumdar, 2014; Austin & et al, 2006) را در برگیرد و همزمان تشخیص دهد که تأثیرات اجتماعی شامل پدیده‌های متفاوت (برای مثال Stephan & et al, 2016) و جمعیت‌های هدف مختلف (برای مثال: Datta & Gailey, 2012) هم در نسل فعلی و هم در نسل آینده (برای مثال: Agle & et al, 2008) می‌شود.

اذعان داریم که تمرکز ما روی تأثیر اجتماعی با بخش عمده ادبیات نوظهور کارآفرینی اجتماعی که روی درک ویژگی‌های فردی کارآفرینان اجتماعی با تأکید بر اهداف شرافتمندانه آنان (Miller & et al, 2012; Peredo & Mclean, 2006)، اهداف، هویت و ارزش‌های آنان (Stevens & et al, 2015) یا رسالت‌های سازمان‌های مرتبط با آنها (Dacin & et al, 2011) متمرکز شده، متفاوت است.

این مطالعات غالباً فرض می‌گیرند سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند به مشکلات اجتماعی می‌پردازند (مانند کاهش فقر و کاهش بی‌سوادی)، نسبت به سازمان‌های بازارمحور سنتی، به احتمال بیشتری به چنین اهدافی می‌رسند و یا دلسوزتر و نیک‌خواه‌تر هستند (Miller & et al, 2012). با این حال چون هدف اصلی ما در این مقاله، بررسی سنجش پیامدهای منتج از رفتارهای خیرخواهانه‌ای است که به عنوان عنصر تعیین‌کننده کارآفرینی اجتماعی قلمداد می‌شود (Kania & Kramer, 2011; Nicholls, 2009)، بحث درباره نیت‌ها و انگیزه‌های اجتماعی را به دیگران می‌سپاریم.

### روش‌شناسی

از آنجا که تأثیر اجتماعی می‌تواند به طرق متعددی بروز یابد، ابتدا اذعان می‌کنیم که اندیشمندان مدیریت و کارآفرینی از حوزه‌های متعددی می‌توانند بیاموزند. بنابراین ما برای شناسایی مقالاتی که تأثیرات اجتماعی را مطالعه کرده، طی دو دهه اخیر (۱۹۹۶-۲۰۱۶) منتشر شده بودند، با استفاده از پایگاه داده ABI Inform، یک جست‌وجوی الکترونیکی انجام دادیم. ما مقالات منتشر شده در مجلات FT50 را هدف قرار دادیم، زیرا از باکیفیت‌ترین مجله‌ها در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار مانند حسابداری، اقتصاد، کارآفرینی، اخلاق، مالی، سیستم‌های

اطلاعاتی، مدیریت، بازاریابی و عملیات<sup>۱</sup> هستند. از آنجا که اصطلاحات مورد استفاده برای پرداختن به مبحث تأثیر اجتماعی، درون و بین حوزه‌های مختلف، متفاوت است، ما انواع مختلف کلمات کلیدی را که برای مفهوم‌سازی این گویه استفاده شده است، در جست‌وجوی خود گنجانیدیم: «ارزش اجتماعی»، «تأثیر اجتماعی»، «بازده اجتماعی»، «عملکرد محیط زیستی»، «سنجش تأثیر»، «مانده سه‌گانه<sup>۲</sup>»، «عملکرد اجتماعی»، «عملکرد غیرمالی»، «تأثیر محیط زیستی» و «حسابداری اجتماعی». پیرو روش استاندارد در مطالعه ادبیات (مانند: Newbert, 2007; David & Han, 2004)، برای افزایش احتمال یافتن مقالاتی که تمرکز اصلی آنها بر تأثیر اجتماعی بود، لازم دانستیم که کلمات کلیدی در چکیده آنها ذکر شده باشند.

به دو دلیل ما عمداً اصطلاح «مسئولیت اجتماعی» و انواع آن (مانند «سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی<sup>۳</sup>» و «از نظر اجتماعی مسئولانه<sup>۴</sup>») را از جست‌وجوی خود خارج کردیم. نخست اینکه این ادبیات را (به همراه ادبیات عملکرد اجتماعی شرکت [CSP<sup>۵</sup>]) پیشتر باکر، خرونووقن و هونت<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) بررسی کرده‌اند، بنابراین ما به دنبال تکرار کار آنها نیستیم. دوم اینکه به دلیل استفاده گسترده و تاحدودی ناسازگار از مسئولیت اجتماعی در ادبیات، بسیاری از کارها در این زمینه مماس با تأثیرات اجتماعی است. در واقع در میان انبوه مقالات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تنها یک اقلیت در صدد نظریه‌پردازی درباره تأثیر اجتماعی و سنجش آن بوده‌اند. بنابراین به جای جست‌وجوی چنین اصطلاح گسترده‌ای که می‌توانست نمونه اولیه را به مراتب فراتر از مرزهای بررسی فعلی ما بسط داده و در نتیجه فرآیند گردآوری را پیچیده کند، تصمیم گرفتیم که جست‌وجوی خود را مستقیماً بر گویه مورد نظر متمرکز کنیم. توجه به این نکته ضروری است که چنین رویکردی لزوماً همه مقالات مربوط به مسئولیت اجتماعی را از نمونه خارج نمی‌کند (در واقع نمونه حاصله بسیاری از مقالاتی را که در آن مسئولیت اجتماعی یک گویه مهم بوده است (مانند: Dillenburg & et al, 2003) شامل می‌شود)؛ بلکه تنها این الزام را ایجاد می‌کند که هر مقاله‌ای که با موضوع مسئولیت اجتماعی در جست‌وجو یافت شده است، بر تأثیر هرگونه طرح مسئولانه اجتماعی به شدت متمرکز شده باشد. این کار را ابتدا با حصول اطمینان از اینکه مقاله حداقل یکی از اصطلاحات جست‌وجوی یادشده را در بر

- 1- Operations
- 2- Triple Bottom Line
- 3- Socially Responsible Investment
- 4- Socially Responsible
- 5- Corporate Social Performance
- 6- Bakker, Groenewegen, and Hond



گرفته باشد، بررسی کردیم. در نتیجه، برخی مقالات درباره موضوعات مرتبط مانند سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی (Cumming & Johan, 2007) و کارآفرینی اجتماعی (Moss & et al, 2015) در نمونه اولیه لحاظ نشده‌اند.

از طریق رویه بالا، نمونه اولیه‌ای با ۲۷۳ مقاله به دست آمد. برای اطمینان بیشتر از تناسب نمونه، متن کامل هر مقاله را خواندیم و مقالاتی را که شکلی از تأثیر اجتماعی را تعریف یا سنجش نکرده بودند، حذف کردیم. برای مثال، مقالاتی که معیارهای جست‌وجوی ما را داشتند، اما یا بر موضوعات مرتبط مانند «جهت‌گیری ارزش اجتماعی» (Fiedler & et al, 2013) یا «مسئولیت اجتماعی شرکت» (Berniss & et al, 2013) متمرکز شده بودند و فقط به اصطلاحات جست‌وجوی مارچاکی گذرا داده بودند، یا اصطلاحات جست‌وجو را به عنوان شکلی از تأثیر اجتماعی به طور صریح مفهوم‌سازی نکرده بودند، از مطالعه خارج شدند. پس از این حذفیات، نمونه نهایی، ۷۱ مقاله را در بر گرفت که این تعداد مقاله در مقایسه با سایر مرورهای اخیر ادبیات (Bae & et al, 2014; Rawhouser & et al. 3 Perry, Chandler, & Markova, 2012; Slotte-Kock & Coviello, 2010) به ترتیب با نمونه‌های ۷۳، ۲۶ و ۱۸ مقاله‌ای، قابل توجه است (برای جزئیات کامل به پیوست مراجعه کنید).

## نتایج

### خلاصه آماری

خلاصه‌ای از خصوصیات اصلی نمونه مادر جدول ۱ آمده است. همان‌طور که در این جدول نشان داده شده است، این مقالات در ۲۱ مجله FT50 با زمینه‌های حسابداری، اقتصاد، کارآفرینی، اخلاق، سیستم‌های اطلاعاتی، مدیریت، بازاریابی و عملیات درج شده‌اند. این توزیع نشان‌دهنده علاقه گسترده به تأثیرات اجتماعی و اهمیت انجام یک مرور فراگیر است. در عین حال متوجه شدیم که ۵۲ مورد از ۷۱ مقاله در نمونه ما، در مجلات درون چتر رشته مدیریت (مدیریت، اخلاق و کارآفرینی) و ۳۰ مورد از آنها در مجله اخلاق تجارت منتشر شده است. این نسبت زیاد مقالات منتشر شده در مجله اخلاق تجارت با توجه به اینکه مطالعه عملکرد اجتماعی شرکت برای رسالت مجله موضوعی حائز اهمیت است، تعجب‌برانگیز نیست. توزیع فعلی مقالات نیز افزایش چشمگیر علاقه به تأثیرات اجتماعی را نشان می‌دهد، به طوری که از ۷۱ مقاله، ۳۲ مورد طی پنج سال گذشته و ۵۵ مورد طی ده سال گذشته منتشر شده‌اند. چنین آماری حاکی از وجود نیاز به این مرور ادبیات است.

جدول ۱- خلاصه آماری

سنجش		سنجه / سنجه‌ها		مقاله	
تعداد	نوع	تعداد	اصطلاح	تعداد	رشته
۳۳	کمی	۱۹	عملکرد اجتماعی شرکت	۳۰	اخلاق
۱۳	مدل سازی	۱۹	عملکرد اجتماعی	۱۸	مدیریت
۱	کیفی	۱۲	تأثیر اجتماعی	۱۴	عملیات
۳	توصیفی	۱۱	تأثیر محیط زیستی	۴	کارآفرینی
۶	مفهومی	۱۰	ارزش اجتماعی	۲	بازاریابی
۴	نظری	۵	عملکرد محیط زیستی	۱	حسابداری
تعداد	داده	۱	کارایی محیط زیستی	۱	اقتصاد
۱۵	اولیه	تعداد	تعریف	۱	سیستم‌های اطلاعاتی
۳۰	ثانویه	۱۵	نمود خارجی	تعداد	سال
تعداد	زمینه جغرافیایی	۱۳	اصول، فرآیندها، پیامدها	۱	۱۹۹۶
۳۶	صنعتی	۱۰	تعریف از طریق مثال	۰	۱۹۹۷
۸	در حال توسعه	۱۰	بدون تعریف	۱	۱۹۹۸
۱	هر دو	۸	گوناگون	۱	۱۹۹۹
۲۶	نامعلوم	۶	تأثیر ذی نفع	۰	۲۰۰۰
		۳	چرخه عمر محصول	۱	۲۰۰۱
		۲	مردم، منافع و کره زمین	۱	۲۰۰۲
		۲	استفاده از منابع	۲	۲۰۰۳
		۲	حل مسئله	۰	۲۰۰۴
				۳	۲۰۰۵
				۶	۲۰۰۶
				۲	۲۰۰۷
				۳	۲۰۰۸
				۵	۲۰۰۹
				۷	۲۰۱۰
				۶	۲۰۱۱
				۶	۲۰۱۲
				۸	۲۰۱۳
				۵	۲۰۱۴
				۸	۲۰۱۵
				۵	۲۰۱۶

در جدول ۱ ما همچنین چگونگی مفهوم‌سازی تأثیر اجتماعی توسط محققان را خلاصه کردیم. با توجه به گستردگی اصطلاحات جست‌وجوی ما، جای تعجب نیست که از برچسب‌های زیادی برای این‌گونه استفاده شده باشد. در حالی که گستردگی این اصطلاحات برای محققانی که به دنبال انجام کارهای مشابه هستند، چالش‌برانگیز است، ما متوجه دو الگوی جالب شدیم. اول آنکه ۲۶ مورد از ۳۲ مقاله رشته اخلاق، تأثیر اجتماعی را برحسب «عملکرد اجتماعی شرکت» یا «عملکرد اجتماعی» و ۱۲ مورد از ۱۴ مقاله رشته عملیات، آن را برحسب «تأثیر محیط زیستی»، «عملکرد محیط زیستی» یا «کارایی محیط‌زیستی»<sup>۱</sup> مفهوم‌سازی کرده بودند که این نشان می‌دهد تحقیقات در این رشته‌ها نسبت به سایر رشته‌ها به اجماع بیشتری دست یافته‌اند. دوم آنکه ۱۰ مورد از ۳۹ مقاله‌ای که به فعالیت‌ها و پیامدهای مربوط به عملکرد پرداخته بودند، متکی به داده‌های KLD<sup>۲</sup> یا MSCI<sup>۳</sup> هستند و ۹ مورد از ۱۷ مقاله‌ای که فعالیت‌ها و پیامدهای مربوط به محیط‌زیست را بررسی می‌کنند، از رویکرد مدل‌سازی استفاده می‌کنند که این امر نیز نشان می‌دهد که در این جریان‌های تحقیقاتی درباره رویکردهای سنجش و یا تحلیل، اتفاق نظرهایی وجود دارد.

در کنار گستردگی اصطلاحات مورد استفاده در این تحقیقات، تعاریفی مختلفی که برای تأثیر اجتماعی به کار می‌رود نیز وجود دارد. متداول‌ترین رویکرد تعریفی، تأثیر اجتماعی را برحسب نمود خارجی<sup>۴</sup> تعیین می‌کند. نمودهای خارجی، پیامدهای حاصل از فعالیت اقتصادی است که از کارکردهای عینی افراد درگیر در این فعالیت فراتر می‌رود (Santos, 2012). برای مثال شولر و کوردینگ، عملکرد اجتماعی در سطح سازمانی را به طور کلی به عنوان «عمل تجاری داوطلبانه‌ای (یعنی عملی که مستقیماً توسط مقررات دولتی حکم نشده باشد) تعریف می‌کنند که دارای اثرات اجتماعی یا حزب‌سومی<sup>۵</sup> است» (Schuler & Cording, 2006: 540)، در حالی که سالازار<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۲) به طور خاص‌تر استدلال می‌کنند که عملکرد اجتماعی در سطح پروژه برحسب پیشرفت به سمت اهداف توسعه انسانی ارزیابی می‌شود (Sen, 1999). همچنین در تعریف تأثیر اجتماعی به طور متداولی مفهوم‌سازی عملکرد اجتماعی وود

- 
- 1- Environmental Efficiency
  - 2- Kinder, Lydenberg, Domini
  - 3- Morgan Stanley Capital International
  - 4- Externalities
  - 5- Third-Party Effects
  - 6- Salazar

(Wood, 1991: 693) مورد اقتباس قرار می‌گیرد که آن را به عنوان «پیکربندی اصول مسئولیت اجتماعی، فرآیندهای پاسخگویی اجتماعی و سیاست‌ها، برنامه‌ها و پیامدهای مشهود یک سازمان تجاری که به روابط اجتماعی شرکت مربوط می‌شود» و یا آنچه ما آن را «اصول، فرآیندها، پیامدها» می‌نامیم، قلمداد می‌کنند. رویکردهای دیگر از این دقت برخوردار نیستند و تأثیرات اجتماعی را با مثال تعریف می‌کنند یا تعاریف مفهومی روشنی ارائه نمی‌کنند. در کمال تعجب، در حالی که ۱۰ مقاله در نمونه ما، تأثیرات اجتماعی را به عنوان یک گویه کانونی مدنظر قرار داده، متعاقباً آن را به صورت تجربی سنجیده بودند (بنابراین معیارهای شمول در مطالعه ما را داشتند)، تعریف صریح یا حتی ضمنی از اصطلاح تأثیر اجتماعی ارائه نداده بودند.

همچنین جدول ۱ در انتها جزئیاتی درباره سنجش ارائه می‌دهد. اکثریت قریب به اتفاق مقالات تجربی (۳۳ مورد از ۴۵ مقاله) از روش‌های کمی استفاده کرده‌اند که اکثر آنها (۳۰ مورد از ۴۵ مقاله) به داده‌های ثانویه متکی هستند. ۳۶ مورد از ۴۵ مقاله تجربی، داده‌های خود را در کشورهای صنعتی گردآوری کرده‌اند، در حالی که ۸ مورد از این ۴۵ مقاله از داده‌های اقتصادی در حال توسعه یا نوظهور و یک مورد (Bartling & et al, 2015) از داده‌های گردآوری شده در هر دو بستر [اقتصادی] استفاده کرده‌اند. در میان مقالات غیر تجربی موجود در نمونه، ۱۳ مورد از ۲۶ مقاله که عمدتاً مربوط به رشته عملیات بودند، از یک روش مدل‌سازی استفاده می‌کردند، در حالی که فقط ۴ مورد که همگی از رشته مدیریت بودند، سعی در نظریه‌پردازی داشتند.

### گونه‌شناسی

با مرور نمونه، ناهمگونی رویکردها برای بررسی تأثیر اجتماعی آشکار شد. از طریق یک فرآیند تکراری برای مقایسه معیارهای مرتبط و همچنین زبان مورد استفاده برای تبیین مفهوم‌های مختلف تأثیرات اجتماعی، دو بعد را برای ساخته‌ی به این مرور شناسایی کردیم: مرحله فرآیند تأثیر اجتماعی (فعالیت در مقابل پیامد) و تعمیم‌پذیری کاربست (چندبخشی در برابر تک‌بخشی) (جدول ۲ را ملاحظه کنید).

جدول ۲- گونه‌شناسی مقالات تأثیرات اجتماعی

پیامد	فعالیت	
Agle and Kelley (2001)	Bartling et al. (2015)	چندبخشی
Agrawal et al. (2012)	Boulouta (2013)	
Agrawal and Ullku (2013)	Brammer and Pavelin (2006)	
Atasu and Souza (2013)	Chen and Delmas (2011)	
Berrone et al. (2010)	Chen et al. (2008)	
Chen and Delmas (2012)	Corner and Ho (2010)	
di Norcia (1996)	Crilly et al. (2016)	
Galbreth et al. (2013)	Cuesta-Gonzalez et al. (2006)	
Hall et al. (2015)	Dillenburg et al. (2003)	
Husted et al. (2006)	Gauthier (2005)	
Jamali and Mirshak (2007)	Igalens and Gond (2005)	
Jo et al. (2015)	Ioannou and Serafeim (2012)	
Kaplan and Grossman (2010)	Jamali (2008)	
Kroeger and Weber (2014)	Jenkins (2006)	
Marom (2006)	Kang (2013)	
McWilliams and Siegel (2011)	Kleine and von Hauff (2009)	
O'Dwyer (2005)	Liston-heyas and Ceton (2009)	
Ovchinnikov, Blass, and Raz (2014)	Manner (2010)	
Pagell and Gobeli (2009)	McGuire, Dow, and Argeyhd (2003)	
Quariguasi-Frota-Neto and Bloemhof (2012)	Oikonomou, Brooks, and Pavelin (2014)	
Raz, Druehl, and Blass (2013)	Schreck (2011)	
Renouard (2011)	Shaukat et al. (2016)	
Romijn and Canie (2011)	Soleimani et al. (2014)	
Schuler and Cording (2006)	Stanwick and Stanwick (1998)	
Stephan et al. (2016)	Van der Laan et al. (2008)	
Stuart, Ammons, and Turbini (1999)	Wagner (2010)	
Tobias et al. (2013)	Wu and Pagell (2011)	
Van Woensel et al. (2001)		
Battilana et al. (2015)	Bai (2013)	تکبخشی
Brickson (2007)	Casselmann et al. (2015)	
Di Domenico et al. (2010)	Goh et al. (2016)	
Dobson and Gerstner (2010)	Peng and Yang (2014)	
Kneiding and Tracey (2009)	Simpson and Kohers (2002)	
Murali et al. (2015)		
Pitsakis et al. (2015)		
Randøy et al. (2015)		
Salazar et al. (2012)		
Utting (2009)		
Zahra and Wright (2016)		

هرچند همه محققان تأثیر اجتماعی در نهایت به [بررسی] آثار تلاش‌های خیرخواهانه یک سازمان علاقه‌مند هستند، آنها تمام این پیامدها را به صراحت در پژوهش‌های خود مدل‌سازی نمی‌کنند. به طور خاص، برخی از محققان درباره اثر رفتارهای خیرخواهانه یک سازمان بر اهداف مورد نظر خود و یا اجتماع گسترده‌تری از افراد، سازمان‌ها و محیط‌ها نظریه‌پردازی می‌کنند و یا آنها را ارزیابی می‌کنند. برای مثال توبیاس، مایر و باربوسا-لیکر<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، تأثیر اجتماعی کارآفرینی را بر حسب کاهش فقر و کاهش تعارض سنجیده‌اند. ما چنین مقالاتی را در زمره رویکردهای پیامد مقوله‌بندی می‌کنیم. با این حال اندیشمندان دیگر با این فرض که یک فعالیت خیرخواهانه ناگزیر به منافع مورد نظر منجر خواهد شد، نظریه‌پردازی و سنجش را به خود رفتار خیرخواهانه محدود می‌کنند. برای مثال پنگ و یانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، تأثیر اجتماعی را به عنوان عمل سرمایه‌گذاری یک شرکت روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی (با فرض اینکه منجر به کاهش آلودگی و مزایای مثبت اجتماعی دیگر خواهد شد) می‌سنجند. به پیروی از سالازار و همکاران (۲۰۱۲)، ما نیز چنین مقالاتی را در زمره رویکرد فعالیت مقوله‌بندی می‌کنیم. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۳۲ مورد از ۷۱ مقاله موجود در نمونه ما، رویکرد پیامدی<sup>۳</sup> را اتخاذ کرده‌اند، در حالی که ۳۹ مورد از آنها رویکرد فعالیتی<sup>۴</sup> را به کار گرفته‌اند. جالب است که ۷ مورد از ۱۰ مقاله‌ای که به تعریف تأثیر اجتماعی نپرداخته‌اند، رویکرد فعالیتی را دنبال می‌کنند. گمان می‌کنیم این روند از تصمیم محققان، مبنی بر جایگزینی تأثیر فرضی فعالیت خیرخواهانه به جای تعریف مفهومی گویه‌نشأت می‌گیرد. از میان ۳۲ مقاله‌ای که تعریفی از تأثیر اجتماعی ارائه داده‌اند، ۱۱ موردی که از رویکرد فعالیتی بهره می‌برند، بر اساس مفهوم‌سازی وود (۱۹۹۱) یعنی «اصول، فرآیندها و پیامدها» (که در وهله اول، رویکردی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی شرکت یا عملکرد اجتماعی شرکت برای سنجش تأثیر اجتماعی است) شکل گرفته بودند؛ در حالی که بیشتر مؤلفان پیرو رویکرد پیامدی (۱۱ نفر از ۳۹ نفر)، تأثیر اجتماعی را بر حسب نمود خارجی تعریف کرده بودند (که در درجه اول، رویکردی اقتصادی برای سنجش تأثیر اجتماعی است).

همچنین دریافتیم که مقالات موجود در نمونه در این پیش‌فرض که تأثیرات اجتماعی در بین بخش‌ها دارای قابلیت مقایسه هستند یا خیر، متفاوت

1- Tobias, Mair and Barbosa-Leiker  
 2- Peng & Yang  
 3- Outcome Approach  
 4- Activity Approach

هستند. به طور خاص، برخی نویسندگان تأثیر اجتماعی را به عنوان یک گویه گسترده که می‌تواند به بسیاری از بخش‌های مختلف تعمیم یابد، مفهوم‌سازی و یا سنجش کرده‌اند. برای مثال شرکت<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، تأثیر عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی ۲۹۴ شرکت سهامی عام از ۲۴ کشور مختلف را در صنایع خودروسازی، بانکی و مالی، مواد شیمیایی، مواد غذایی، لوازم خانگی، بیمه، ماشین‌آلات، فلزات و معادن، نفت و گاز، داروسازی و زیست‌فناوری، ارتباطات و مخابرات، حمل‌ونقل و لجستیک بررسی کرده است. ما مقالاتی از این دست را در زمره رویکردهای چندبخشی مقوله‌بندی می‌کنیم.

در مقابل، دیگر محققان تأثیر اجتماعی را به عنوان یک گویه با دامنه متوسط مفهوم‌سازی می‌کنند که فقط به یک بخش خاص قابل تعمیم است. برای مثال اوتینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، تحلیل خود را روی تأثیرات اجتماعی تجارت منصفانه<sup>۳</sup> بر کارگران مناطق تولید قهوه جینوتگا و ماتاگالپا<sup>۴</sup> در شمال نیکاراگوئه متمرکز کرده است. ما چنین مقالاتی را در زمره مقالات با رویکرد تک‌بخشی مقوله‌بندی می‌کنیم. به عبارت دیگر، یک رویکرد چندبخشی شامل سنجش فعالیت‌ها و یا پیامدهایی می‌شود که به قدری عمومیت دارند که می‌توان آنها را در چندین بخش مختلف مشاهده کرد. رویکرد تک‌بخشی بر سنجش فعالیت‌ها یا پیامدهای در یک بخش خاص تمرکز دارد.

همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده است، اکثریت مقالات نمونه (۵۴ مورد از ۷۱ مقاله)، رویکرد چندبخشی را اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال کروگر و وبر<sup>۵</sup> (۲۰۱۴)، سنجش ارزش اجتماعی را از منظر ادراک ذی‌نفعان نسبت به رفاه در زمینه‌های مختلف و در ارتباط با فعالیت‌های مختلف مطرح کرده‌اند. رفاه بر حسب رضایت از زندگی (مابه‌التفاوت آرزوها و دستاوردها) در قلمرو تجربه سنجیده می‌شود. بهبود رضایت از زندگی در نسبت با نیازهای اجتماعی سنجیده می‌شود و در زمینه‌های متنوعی قابلیت مقایسه دارد. در مقابل، تنها ۱۷ مورد از ۷۱ مقاله نمونه ما، رویکرد تک‌بخشی را اتخاذ کرده‌اند. برای مثال اوتینگ (۲۰۰۹)، یک «چارچوب ارزیابی تأثیر» را برای ضبط تأثیرات تجارت منصفانه بر قهوه‌کاران نیکاراگوئه‌ای طراحی کرده است. هرچند او اظهار داشته که این چارچوب با زمینه‌های متعدد دیگری نیز سازگار است، این ابزار برای سنجش پیامدهای مربوط به یک زمینه خاص طراحی شده است.

1- Schreck

2- Utting

3- Fair Trade

4- Jinotega & Matagalpa

5- Kroeger and Weber

متوجه شدیم که بیش از نیمی از مقالات تک‌بخشی (۱۰ مورد از ۱۷ مقاله)، تأثیر اجتماعی را برحسب نمود خارجی یا با مثال تعریف کرده‌اند. در مقالات پیرو رویکرد چندبخشی، ۱۱ مورد از ۵۴ مقاله از تعریف اصول، فرآیندها و پیامدهای وود و ۹ مورد از نمودهای خارجی استفاده کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر از این مقالات، تعاریف منحصربه‌فردی را در این رویکرد، از جمله «تأثیر ذی‌نفع<sup>۱</sup>» (۶ مورد) و «مردم، منافع و کره زمین<sup>۲</sup>» (۲ مورد) به کار برده‌اند. ما از ابعاد یادشده برای سازمان‌دهی مقالات نمونه در قالب یک نوع‌شناسی استفاده کردیم و به وسیله آن، مروری را که در ادامه ارائه می‌شود، ساختار داده‌ایم. با توجه به تعداد زیاد مقاله در نمونه، به توصیف جزئیات هر یک نمی‌پردازیم؛ در عوض، با تکیه بر مطالعاتی که در وضوح نظری یا دقت تجربی حکم نمونه و سرمشق را دارند، الگوهای کلی موجود در بین تمام مقالات را بررسی می‌کنیم. ما معتقدیم که توجه ما نسبت به هم‌وسعت و هم‌عمق، پایه محکمی را برای محققانی که به دنبال پیشبرد تحقیقات در این زمینه هستند، فراهم می‌آورد.

### فعالیت چندبخشی

این بخش را با بحث درباره مقالاتی که فعالیت‌ها را در چندین بخش مقایسه می‌کنند، شروع می‌کنیم. ده مورد از این مقالات از مجموعه داده شاخص اجتماعی KLD (اکنون MSCI) استفاده کرده‌اند که نقاط قوت و دغدغه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی فعالیت‌های شرکت‌های عمومی را در چند مقوله از جمله اجتماع، گوناگونی، روابط کارکنان، محیط‌زیست و محصولات گزارش می‌دهد. ساده‌ترین عملی که در نمونه ما با داده‌های KLD شده بود، تفریق نگرانی از نقاط قوت به منظور سنجش کلی عملکرد اجتماعی (Liston-heyse & Ceton, 2009) بود. با این حال چندین رویکرد دیگر، از جمله استفاده از شاخص‌های فقط مثبت یا فقط منفی (Chen & et al, 2008) یا ابعاد تفکیک‌پذیر (Van der Laan & et al, 2008) نیز اتخاذ شده بود.

هشت مطالعه دیگر با استفاده از داده‌های ثانویه<sup>۳</sup> EIRIS (مانند: Brammer & Pavelin, 2006)، ASSET4 تامسون رویترز (مانند: Ioannou & oekom (Schreck, 2011)، تحقیقات (Serafeim, 2012)، Innovešt (Crilly & et al, 2016)، رتبه‌بندی شاخص شهرت شرکت‌های Fortune (Stanwick & Stanwick, 1998) و



پیمان جهانی سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> و طرح گزارش جهانی<sup>۲</sup> (Soleimani & et al, 2014) از روش‌های کمی بهره برده بودند. هر چند به جز یک مورد، تمام این مطالعات، تأثیرگذاری اجتماعی را بر اساس رتبه‌سنجی (عموماً برگرفته از مسائل محیط‌زیستی، اجتماعی، حکمرانی و یا موضوعات مرتبط دیگر) عملیاتی‌سازی کرده‌اند، هر کدام از رتبه‌بندی‌های متفاوتی بهره برده‌اند، حتی آنهایی که از یک مجموعه داده واحد استفاده کرده بودند (برای مثال Brammer & Pavelin, 2006; Cuesta-Gonzalez & et al, 2006).

رویکرد فعالیت چندبخشی شامل چهار مطالعه موردی توصیفی می‌شد که روش‌های جدیدی را برای سنجش تأثیر اجتماعی نشان داده بودند. همچنین دو مطالعه دیگر نیز در این رویکرد وجود داشت که برای هدایت چگونگی لحاظ کردن تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی بر هر یک از ذی‌نفعان داخلی و خارجی، فرآیندهایی مفهومی (مانند ابزار «بسط‌یافته» تحلیل چرخه عمر محصول (Gauthier, 2005)) ارائه می‌کردند. برخلاف مقالات کمی که شرکت‌های بزرگ را با استفاده از داده‌های ثانویه تحلیل می‌کنند، بیشتر مطالعات موردی بر نمونه‌های سازمانی (مثلاً مؤسسات خیریه تجارت منصفانه با یک شرکت تابعه غیر انتفاعی برای اهالی تبت (Corner & Ho, 2010)) یا شرکت‌های کوچک برنده جایزه در انگلستان (Jenkins, 2006) متمرکز شده‌اند. آزمایش بارتلینگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵) در مدل‌سازی تأثیرات اجتماعی منفی بی‌نظیر است که در آن با ارائه مثال‌هایی از قبیل آسیب‌های محیط‌زیستی، حیوان‌آزاری و اجبار کارگر، می‌آزماید که آیا مصرف‌کنندگان [محصول] حاضر هستند برای کاهش نموده‌های خارجی منفی مشابه، هزینه‌ای پرداخت کنند یا خیر.

### پیامد چندبخشی

مقالات موجود در این گونه، تأثیر اجتماعی را به عنوان یک پیامد قابل سنجش و قابل مقایسه در بین چند زمینه مختلف مفهوم‌سازی می‌کنند. هشت مقاله از دیدگاهی مفهومی یا نظری به تأثیرات اجتماعی پرداخته‌اند. برخی از این مقالات، تأثیر اجتماعی را به روش‌ها یا نظریه‌های موجود ارتباط می‌دهند؛ از جمله نظریه‌های ذی‌نفعان و مطلوبیت اقتصادی<sup>۴</sup> (Marom, 2006)، مصادیق سنجش متمایز نظریه مبتنی بر منابع، مانند نیاز به سنجش جداگانه ذی‌نفعان (Marom, 2006)، استفاده از قیمت‌گذاری دوگانه<sup>۵</sup> برای تعیین ارزش

- 1- United Nations Global Compact
- 2- Global Reporting Initiative
- 3- Bartling
- 4- Stakeholder and Economic Utility Theories
- 5- Hedonic Pricing

اجتماعی اقدامات (McWilliams & Siegel, 2011)، تجمیع توسعه اقتصادی و ظرفیت‌های ارتباطی در سطح جمعی (Renouard, 2011) و استفاده از سنج‌های «مستقیم»<sup>۱</sup> تأثیر اجتماعی (مثل عدالت شغلی، ایمنی محل کار و بهداشت) به جای سنج‌های غیر مستقیم (مثل تعهدات، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده) (di Norcia, 1996). همچنین کروگر و وبر (۲۰۱۴) با استفاده از سنج‌های نسبی و ذهنی رفاه، یک چارچوب نظری جامع برای مقایسه ارزش‌آفرینی اجتماعی در بین صنایع [مختلف] ارائه کرده‌اند. در نظریه آنها، ارزش‌آفرینی اجتماعی، مداخله‌ای است که موجب کاهش نیاز اجتماعی نسبی گروه مورد بررسی می‌شود (Kroeger & Weber, 2014: 524) که این نشان می‌دهد سنجش تأثیر اجتماعی، چیزی بیش از جمع کل مطلوبیت اجتماعی در بین گروه‌های تحت تأثیر است.

یازده مقاله پیامد چندبخشی، مدل‌های تحلیلی‌ای ارائه کرده‌اند که عمدتاً تأثیرات محیط زیستی فعالیت‌های خاص یک شرکت، مانند تولید (برای مثال: Agrawal & Ulku, 2013)، استفاده مجدد از محصول<sup>۲</sup> (Galbreth & et al, 2013)، تولید مجدد یا باز یافت<sup>۳</sup> (Atasu & Souza, 2013)، توزیع و پخش (Agrawal & et al, 2012) یا مسیریابی ترافیکی توزیع محصول<sup>۴</sup> (Van Woensel & et al, 2001) را پیش‌بینی می‌کند. یک مدل نظری که هاستد<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۶) (خارج از زمینه تولید) ارائه کرده‌اند، شرایطی را مشخص می‌کند که در آن «خروجی اجتماعی» یک شرکت باعث بیشینه‌سازی ارزش سهامداران می‌شود. این محققان، تأثیر را بر حسب نمود خارجی حاصل از تولید «منافع اجتماعی»<sup>۶</sup> (مانند افزایش درآمد ناشی از تأمین بورس‌های تحصیلی) و حذف «مضار اجتماعی»<sup>۷</sup> (مانند کاهش برخی بیماری‌ها به دلیل کاهش سطح آلودگی) تعریف کرده‌اند.

چهار مقاله پیامد چندبخشی از روش مطالعه موردی استفاده کرده‌اند. جمالی و میرشاک<sup>۸</sup> (۲۰۰۷)، فعالیت‌های متمرکز اجتماعی هشت شرکت لبنانی فعال در بخش‌های مختلف را توصیف نموده‌اند. اودوایر<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) نشان داده است که چگونه سنجش تأثیر اجتماعی می‌تواند با مقاومت روبه‌رو شود.

- 
- 1- Direct Measures
  - 2- Product Reuse
  - 3- Remanufacturing or Recycling
  - 4- Product Distribution Traffic Routing
  - 5- Husted
  - 6- Social Goods
  - 7- Social Bads
  - 8- Jamali and Mirshak
  - 9- O'Dwyer

رومین و کانلیز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، تحمل هزینه‌های ناخواسته اجتماعی و محیط‌زیستی توسط اقشار آسیب‌پذیر را برجسته ساخته‌اند و کاپلان و گروسمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، دو سیستم پیچیده سنجش تأثیر اجتماعی را مبتنی بر ارزش فعلی تخفیف‌یافته جریان درآمدی شرکت‌کنندگان در یک برنامه و سال‌های زندگی تعدیل‌شده بر اساس کیفیت و تحلیل شایستگی‌های عمومی (عملکرد کارکنان و حفظ دانشجویان) و تأثیرات مستقیم (کیفیت مدرسه و معیارهای کلی پیشرفت دانشجویی) تشریح کرده‌اند.

پنج مقاله در این‌گونه با بهره‌گیری از تحلیل کمی، تأثیر اجتماعی را با سنجه‌های مالی (Jo & et al, 2015)، سنجه‌های غیر مالی (Berrone et al, 2010; Pagell & Gobeli, 2009) و ترکیبی از این دو (Agle & Kelley, 2001; Tobias & et al, 2013) عملیاتی‌سازی کرده‌اند. تعدادی از این مقالات همچنین از سنجه‌های تأثیرات محیط‌زیستی استفاده کرده‌اند. برای مثال جو<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، از پایگاه داده تأثیرات محیط‌زیستی Trucost استفاده کرده‌اند که هزینه دلاری تحمیل‌شده به جامعه ناشی از آلاینده‌های انتشاریافته توسط یک شرکت را محاسبه می‌کند؛ در حالی که برون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۰) و پاگل و و گوبلی<sup>۵</sup> از مجموعه داده‌های Inventory Toxic Release استفاده کرده‌اند که داده‌های تجمیعی آلاینده‌های انتشاریافته را بر اساس پتانسیل سمی بودن هر ماده برای انسان مورد قیاس قرار می‌دهد. سایر مقالات برای جلوگیری از ایجاد روابط جانب‌دارانه یا گمراه‌کننده (Agle & Kelley, 2001)، از گردآوری ابعاد مختلف دفاع کرده‌اند. توبیاس<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای درباره صنعت قهوه رواندا، این رویکرد را با استفاده از ترکیب شاخص‌های اقتصادی، رفاه ذهنی (به کروگر و وبر، ۲۰۱۴ مراجعه کنید) و ارزیابی‌های کاهش تعارضات اجتماعی (به رنوارد<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱ مراجعه کنید) عملی کرده‌اند تا ارزش اجتماعی حاصل از مشارکت کارآفرینانه را بسنجند. این رویکرد، روابط متقابل معنی‌دار بین سنجه‌های اقتصادی و سایر سنجه‌های ارزش اجتماعی را آشکار می‌کند.

- 
- 1- Romijn and Caniels
  - 2- Kaplan and Grossman
  - 3- Jo
  - 4- Berrone
  - 5- Pagell and Gobeli
  - 6- Tobias
  - 7- Renouard

## فعالیت تک‌بخشی

مطالعات فعالیت تک‌بخشی، عواملی را مورد کاوش قرار می‌دهند که فرض می‌شود درون یک صنعت واحد و یا در میان جمعیت سازمان‌هایی که اقدامات خیرخواهانه مشابهی را دنبال می‌کنند، موجب تأثیر اجتماعی می‌گردند. این رویکرد که در مقالات انگشت‌شماری استفاده شده است، اغلب به دلیل عدم توافق درباره چگونگی سنجش تأثیر اجتماعی، روی زمینه‌های ویژه‌ای تمرکز دارد و همین امر، مقایسه تأثیرات اجتماعی در تمام زمینه‌ها را بسیار دشوار می‌سازد (Salazar & et al, 2012). در نتیجه منحصربه‌فرد بودن فعالیت مورد مطالعه، این مقالات تأثیر اجتماعی را در ابعاد محدودی می‌سنجند؛ از جمله کل منافع عمومی ارائه‌شده توسط بیمارستان‌ها (Bai, 2013)، جهت جریان اطلاعات در سکوه‌های رایانشی برخط سلامت (Goh & et al, 2016)، برطرف کردن نیازهای اعتباری جوامع توسط بانک‌ها (Simpson & Kohers, 2002)، سرمایه‌گذاری روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی توسط شرکت‌های صنعتی تایوانی (Peng & Yang, 2014) و طبقه‌بندی رسالت دریافت‌کنندگان تسهیلات، تفکیک خدمات ارائه‌شده، محاسبه تعداد آنها و اندازه متوسط وام مؤسسات مالی خرد (Casselmann & et al, 2015).

## پیامد تک‌بخشی

رویکرد پیامد تک‌بخشی نسبت به تأثیرات اجتماعی با فرض اینکه پیامدها در هر بخش منحصربه‌فرد هستند و در نتیجه مقایسه آنها در بخش‌های متفاوت، دشوار یا غیر ممکن است، بر لحاظ کردن یک یا چند نوع از انواع پیامدهای اجتماعی در یک زمینه خاص تمرکز دارد. برای مثال بریکسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که ارزش اجتماعی بر اساس روابط یک شرکت با ذی‌نفعان داخلی و خارجی، از روش‌های مختلفی ایجاد می‌شود. او تبیین می‌کند که این ارزش می‌تواند برای تأمین نیازهای انسانی مصرف‌کنندگان و کارکنان (تعلق، عشق و عزت نفس فردی) و پرورش فضیلت‌های انسانی (شجاعت، دلسوزی و عدالت) خلق شود. هرچند این مقاله نسبت به تعمیم‌پذیری فرض شده تأثیرات اجتماعی تاحدودی شکاک است، از آنجا که نظریه او، ارزش اجتماعی را وابسته به ذی‌نفع می‌داند، ما رویکرد آن را به عنوان رویکرد تک‌بخشی طبقه‌بندی می‌کنیم؛ زیرا انواع ذی‌نفعان مورد مطالعه (و ارزش اجتماعی خلق شده برای آنها) در یک زمینه خاص تقریباً یکسان هستند.

سه مقاله پیامد تک‌بخشی تنها متکی به روش مطالعه موردی بودند. دو مورد از آنها، زمینه‌های جالبی را مورد کاوش قرار دادند، اما بینش مختصری درباره سنجش و اندازه‌گیری ارائه می‌دهند. دی‌دومنیکو، هاف و

تریسی<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، هشت شرکت اجتماعی را مطالعه کرده‌اند که روی انواع مختلفی از ارزش‌های اجتماعی متمرکز شده‌اند و نایدینگ و تریسی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، بیست مؤسسه مالی توسعه‌ای را بررسی کرده‌اند؛ هرچند در واقع هیچ‌کدام از آنها پیامدهای اجتماعی این سازمان‌ها را نسنجیده‌اند. در مقابل، اوتینگ (۲۰۰۹) برای سنجش تأثیر در چندین سطح، از جزئیات یک بخش واحد، حداکثر استفاده را کرده است. او با تکیه بر داده‌های اولیه گردآوری شده از طریق مصاحبه، پیمایش و مشاهده، تأثیر تجارت منصفانه در صنعت قهوه نیکاراگوئه را فراتر از پیامدهای سطح خرد (یعنی تغییرات زندگی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی قهوه‌کاران) سنجیده و پیامدهای سطح متوسط (یعنی تأثیر بر تولیدکنندگان قهوه) و سطح کلان (یعنی تأثیر بر محیط طبیعی، سیاست‌ها و مؤسسات) را نیز در کار خود گنجانده است.

دو مقاله، تأثیر اجتماعی را به عنوان یک افزایش کلی در رفاه اجتماعی مدل‌سازی کرده‌اند. یکی از مزایای مدل‌سازی این است که مستلزم بیان روشن مفروضات و تعاریف است تا بتواند به یک راه‌حل دست یابد که این امر می‌تواند فراهم‌آورنده بینش مهمی باشد. به طور خاص، دابسون و گریستر<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که درست همان‌طور که ارزش اجتماعی می‌تواند ایجاد شود، می‌تواند از بین نیز برود. برای در نظر گرفتن تعاملات محلی و گسترده بین اقدامات سازمانی، مورالی، لیم و پتروزی<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، مدلی برای تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی جهانی تجارت آب بین دو منطقه شهری ارائه کرده‌اند. آنها شرایطی را شناسایی کرده‌اند که هم مقدار آب موجود در هر دو منطقه شهری (تأثیر اجتماعی) و هم مقدار کل سطح آبخوان (تأثیر محیط‌زیستی مربوط به فرونشست زمین، از بین رفتن زیستگاه گیاهان و جانوران و فرسایش) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چندین مطالعه پیامد تک‌بخشی تنها از داده‌های کمی استفاده کرده‌اند که به طور مشخصی غنی یا دقیق بوده، فقط در زمینه‌های خاصی در دسترس هستند. برای مثال پیتساکیس، سوییتاریس و نیکولاو<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، نوع منحصر به فردی از تأثیرات اجتماعی را به عنوان خروجی جانبی دانشگاه‌ها سنجیده‌اند. باتیلانا<sup>۶</sup> و همکارانش با استفاده از مطالعه کمی و کیفی شرکت‌های

1- Di Domenico, Haugh, and Tracey  
 2- Kneiding and Tracey  
 3- Bobson and Gerstner  
 4- Murali, Lim and Petruzzi  
 5- Pitsakis, Souitaris and Nicolaou  
 6- Battilana

اجتماعی ادغام کاری<sup>(۱)</sup> اجتماع محور مشابه در فرانسه، با سنجش عملکرد اجتماعی به عنوان «درصد منتفعانی که در یک سال معین با پیدا کردن یک کار عادی دارای قرارداد حداقل شش ماهه، دوره خود را در شرکت مربوطه به پایان رسانده‌اند»، به سطح بالاتری از تشخیص<sup>۱</sup> دست یافتند (Battilana & etal, 2015: 1664). به همین ترتیب رندی، استروم و مرسلند<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، عملکرد اجتماعی را به عنوان تکمیل یک رسالت اجتماعی تعریف کرده‌اند که در زمینه مؤسسات مالی خرد<sup>۳</sup> شامل ارائه خدمات مالی به قشر فقیر می‌شود. در نهایت سالازار و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی یک برنامه مالی خرد خانه‌سازی خودانجام<sup>۴</sup> در مکزیک، نمونه‌ای از طراحی و اجرای سنجش در سطح پروژه را نشان داده‌اند.

### بحث

مرور حاضر به منظور شناخت شیوه مفهوم‌سازی و سنجش تأثیرات اجتماعی در ادبیات گسترده کسب و کار انجام شده است. هر چند معتقدیم که برای به دست آوردن بینش درباره چگونگی نظریه‌پردازی و عملیاتی‌سازی تأثیرات اجتماعی، تحقیقات به طور عام در مدیریت و به طور خاص در کارآفرینی اهمیت بالایی داشته باشد، همچنین اذعان داریم که این زمینه مانند تمام زمینه‌های دیگر، با دیدگاه‌ها و سؤالاتی که به طور متداول محققان به کار می‌برند، محدود شده است. ما با بررسی مجله‌های برتر در هر یک از رشته‌های کسب و کار، دیدگاه بسیار گسترده‌تری نسبت به سایر این روندها کسب می‌کنیم. بر اساس تحلیل عمیق این ادبیات جامع، معتقدیم موضوعاتی که در ادامه مطرح می‌شود، می‌تواند به اندیشمندان کارآفرینی اجتماعی کمک کند تا درباره تأثیرات اجتماعی به شکل انتقادی‌تری فکر کنند و در صورت استفاده در تحقیقات، ممکن است به بهبود درک جمعی از این گویه مهم کمک کند. پیشنهادهای ما درباره نحوه ورود اندیشمندان در موضوعات مهم هر زمینه در جدول ۳ خلاصه شده است.

### تناسب رویکرد

ما چهار روش مختلف را برای مفهوم‌سازی و سنجش تأثیرات اجتماعی شناسایی کردیم. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، اکثریت قریب به اتفاق مقالات نمونه (۵۴ مورد از ۷۱ مقاله)، رویکردی چندبخشی اتخاذ کرده

- 1- Specificity
- 2- Randy, Storm and Mersland
- 3- Microfinance institutions
- 4- Do It Yourself

بودند که نشان می‌دهد محققان تمایل دارند تا تأثیرات اجتماعی را به عنوان گویه تعمیم‌پذیری قلمداد کنند که می‌تواند در زمینه‌های مختلف سنجیده یا متناسب شود (Espeland & Stevens, 1998) و نه به عنوان گویه نظری میان‌رده‌ای که تنها می‌تواند بین سازمان‌هایی که در زمینه‌های بسیار مشابه فعالیت می‌کنند، مورد مقایسه قرار گیرد. هرچند دیدگاه دوم نیز قابل درک است، باید توجه کنیم که ۴۳ درصد از مقالات چندبخشی مورد بررسی ما بر داده‌های رتبه‌سنجی (مانند KLD/MSCI, EIRIS, ASSET4 و غیره) متکی بوده‌اند که سازمان‌های خصوصی آنها را تهیه کرده‌اند تا سرمایه‌گذاران را قادر به شناسایی شرکت‌هایی سازند که طرح‌های از نظر اجتماعی مسئولانه (یا غیر مسئولانه) را دنبال می‌کنند (یا از آنها اجتناب می‌ورزند). به عبارت دیگر، این داده‌ها دقیقاً به منظور ضبط نوع بین‌بخشی مقایسه‌ها تهیه شده که مورد علاقه محققان چندبخشی نیز هست.

هرچند این پیشرفت به طور بالقوه امیدوارکننده است، همان‌طور که برامر و پاولین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه خود اذعان داشته‌اند، ما نیز معتقدیم که ممکن است در دسترس بودن داده‌ها تعیین کند که چه چیز مورد مطالعه قرار گیرد و در واقع به همین ترتیب ممکن است یافته‌های منتج از داده‌های مبتنی بر رتبه‌سنجی، فاقد قابلیت تعمیم‌پذیری باشد. برای مثال تقریباً ۱۹ درصد از مطالعات چندبخشی در نمونه ما از داده‌های KLD استفاده کرده‌اند و این بدان معناست که بخشی قابل توجهی از آنچه درباره تأثیر اجتماعی می‌دانیم (یا فکر می‌کنیم که می‌دانیم)، از تحلیل شرکت‌های بسیار خاص بزرگ سهامی عام مستقر در آمریکا حاصل شده است. در واقع همان‌طور که در بالا ذکر شد، اکثر مقالات موجود در نمونه ما، تأثیر اجتماعی را در یک کشور صنعتی مفهوم‌سازی و یا سنجش کرده‌اند (فقط رویکرد پیامد تک‌بخشی با داشتن سه مقاله از هر دو دسته صنعتی و غیر صنعتی، متوازن است).

### جدول ۳- چک لیست سنجش تأثیر اجتماعی

استفاده بهینه از سنجش‌های تأثیر اجتماعی	استفاده غیر بهینه از سنجش‌های تأثیر اجتماعی
<b>تناسب رویکرد</b>	
محقق گویه را به طور واضح تعریف کرده و ارزیابی تناسب بین گویه و عملیاتی‌سازی را میسر می‌سازد.	محقق گویه را تعریف نکرده یا تنها به وسیله مثال این کار را انجام می‌دهد.
سنجش‌های به کار رفته، به طور مفیدی گویه مورد نظر را عملیاتی‌سازی می‌کنند.	سنجش‌های به کار رفته به کار رفته به راحتی در دسترس و آماده هستند.
<b>سنجش بهبود یافته</b>	
محقق در یک معیار خاص، یا بر فعالیت‌ها یا بر پیامدها تمرکز می‌کند که منطبق بر گویه نظری است.	محقق هم فعالیت‌ها و هم پیامدها را در یک معیار واحد ترکیب می‌کند.
محقق تنها آن دسته از سنجش‌های تأثیر اجتماعی را تجمیع می‌کند که به لحاظ نظری، نماینده‌های متناسب گویه زمینه‌ای هستند.	محقق، سنجش‌های تأثیر اجتماعی با قابلیت کاربست متفاوت را در یک گویه واحد تجمیع می‌کند و این گونه، نویز (۲) سنجش را افزایش می‌دهد.
(در صورت استفاده از مجموعه داده‌ای که به طور گسترده در دسترس قرار دارد) محقق توجه محکمی برای ساخت سنجش دارد و یا در صورت امکان سنجش‌ها را مشابه مقالات پیشین می‌سازد.	(در صورت استفاده از مجموعه داده‌ای که به طور گسترده در دسترس قرار دارد) محقق سنجش‌ها را به صورت ادهاک یا موردی می‌سازد، تصمیم‌های روش‌شناختی خود را به خوبی توجیه نمی‌کند یا هیچ منطقی برای اتخاذ رویکردی متفاوت نسبت به مقالات پیشین ارائه نمی‌دهد.
محقق سنجش را برای کمی‌سازی تأثیر اجتماعی (مثبت) یک فعالیت سازمانی طراحی می‌کند.	محقق صرفاً فعالیت‌های خاصی را با عنوان «به لحاظ اجتماعی نافع»، گاهی بدون شواهد روشن برای چنین نفع یا تأثیری، مقوله‌بندی می‌کند.
(در صورت وجود سنجش مبتنی بر فعالیت یا رویکرد مقوله‌بندی) محقق نوع پیامدهای پیش‌بینی شده و ارتباط علی مطرح شده بین فعالیت‌ها (مقوله‌ها) و پیامدها را مشخص می‌کند.	(در صورت وجود سنجش مبتنی بر فعالیت یا رویکرد مقوله‌بندی) محقق فعالیت‌ها را می‌سنجد یا مقوله‌ها را بدون بحث درباره پیامدهای واقعی یا روابط علی تعیین می‌کند.
<b>وضوح تعریف</b>	
محقق، مقیاس زمانی مناسب سنجش یا مشاهده را که شامل تأخیر پیش‌بینی شده بین فعالیت و پیامدها نیز می‌شود، به صراحت لحاظ می‌کند.	محقق، مقیاس زمانی مناسب سنجش یا مشاهده را که شامل تأخیر پیش‌بینی شده بین فعالیت و پیامدها نیز می‌شود، به صراحت لحاظ نمی‌کند.
محقق به صراحت سطوح مناسب مشاهده و سنجش را لحاظ می‌کند.	محقق، اثرات اجتماعی ثانویه فعالیت‌های سازمانی را نادیده می‌گیرد.

در اثر این تمایل، تعمیم‌پذیری تحقیقات تأثیر اجتماعی به میلیون‌ها شرکت کوچک، به‌ویژه شرکت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان مشغول فعالیت هستند (که اندیشمندان کارآفرینی توجه ویژه‌ای به آنها دارند)، مشخص نیست. با توجه به عدم دسترسی عمومی به داده‌های مربوط



به این شرکت‌ها، ما اندیشمندان را تشویق می‌کنیم تا با سازمان‌هایی (از قبیل انجمن‌های صنفی، آژانس‌های دولتی، مراکز رشد کسب و کارها<sup>۱</sup> و غیره) که به خدمت‌رسانی به اجتماع مشاغل کوچک داخلی و خارجی می‌پردازند، همکاری کنند تا داده‌های مورد نیاز کمتر مطرح شده درباره این جمعیت را گردآوری کنند (Dutt & et al, 2016).

به عنوان یک دغدغه مرتبط، ما دریافتیم زمانی که داده‌ها، تأثیرات اجتماعی را به درستی نمی‌سنجند، هر نتیجه‌ای که از آنها حاصل شود، ممکن است اعتبار چندانی نداشته باشد. محققان به این موضوع که هیچ پایگاه داده‌ای وجود ندارد که به طور مستقیم بر [فرآیند] تهیه تأثیرات اجتماعی در بخش‌ها و مکان‌های مختلف نظارت داشته باشد (Soleimani & et al, 2014) اشاره کرده‌اند. متأسفانه تهیه‌کنندگان خصوصی داده‌ها اغلب متغیرهایی را جمع می‌کنند که در صنایع مختلف کاربرد دارد؛ زیرا این نوع داده‌ها به راحتی در دسترس (اغلب موجود در افشاهای عمومی) است و تعداد افراد علاقه‌مند (و مایل به پرداخت هزینه دسترسی) برای این داده‌ها بیشتر است. ما نگران هستیم همان طور که رتبه‌بندی‌ها، ادراکات مربوط به کیفیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Bermis & et al, 2013; Espeland & Sauder, 2007)، محققان در اثر تن دادن به این روند که داده‌ها تعیین کنند چه تصمیم‌هایی در رابطه با نمونه‌گیری اتخاذ شود، شیوه‌ای را که ما به عنوان یک جامعه علمی درباره تأثیرات اجتماعی می‌اندیشیم، به سمت شیوه‌های ناخواسته و به طور بالقوه معیوبی منحرف گردانند.

با بیان این دغدغه، ما قصد نداریم القا کنیم که یک رویکرد چندبخشی برای تهیه بینش‌های مفید با شکست روبه‌رو خواهد شد، اما معتقدیم که برای بهبود اعتبار بیرونی<sup>۲</sup> یافته‌های حاصل از تحقیق با استفاده از این رویکرد نیاز است تا تغییراتی در آن صورت پذیرد. به طور خاص معتقدیم که داده‌ها باید از مجموعه متنوعی از سازمان‌ها گردآوری شود که به طور خاص برای مهم‌ترین سؤالات تحقیق درباره تأثیر اجتماعی انتخاب شده باشند. پیشرفت در این جبهه می‌تواند با مشارکت در تهیه جمعی داده‌های پانلی<sup>۳</sup> (نکته‌ای که در ادامه درباره آن بحث می‌کنیم) و در سطح فردی با مشارکت در گردآوری داده‌های اولیه حاصل شود. هرچند منابع لازم برای چنین کارهایی، هزینه‌های قابل توجهی به همراه دارد، از مزایای آن این است که محققان می‌توانند سؤالات

1- Business Incubators

2- External Validity

3- Panel Data

تحقیق، مفهوم‌سازی‌ها و سنجه‌های تأثیر اجتماعی را به گونه‌ای متناسب سازند که اجتماع بزرگ‌تری از جامعه دانشگاهیان و متخصصان آن را به پیش ببرند، نه آژانس‌های رتبه‌سنجی.

همچنین به دلایلی معتقدیم که فرصت برای تحقیقات تک‌بخشی بیشتر فراهم است. تحقیق با رویکرد تک‌بخشی برای نظریه‌های میان‌رده در حال توسعه‌ای مناسب است که می‌توانند به طور دقیق‌تری مورد سنجش قرار گیرند و همچنین به آسانی قابلیت انطباق با منافع ذی‌نفعان خاص یک سازمان را دارند (Weick, 1989). سالازار و همکاران (۲۰۱۲) برای ارزیابی تأثیر اجتماعی ناشی از برنامه مالی خرد ساخت‌وساز خودانجام در مکزیک، از ابعاد مختلفی استفاده کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که این ابعاد، سنجه‌های غیر مستقیم رفاه انسانی (مثل بهداشت و روابط اجتماعی) هستند و همان طور که کروگر و وبر (۲۰۱۴) پیشنهاد کرده‌اند، به طور بالقوه می‌تواند با پیامدها در بخش‌های دیگر مقایسه شود. با این حال سالازار و همکاران (۲۰۱۲) برای کمی‌سازی تأثیرات اجتماعی در سطح خرد، عمداً سنجه‌های خود را با فعالیت مرتبط با ساخت‌وساز (مثلاً صرفه‌جویی در زمان و هزینه) هم‌زمینه ساختند، که از این‌رو چنین مقایسه‌هایی غیر ممکن می‌شود. با توجه به بده‌بستان واقعی بین مقایسه‌پذیری و تشخیص داده‌ها، راه برای تحقیق چندبخشی و تک‌بخشی باز است.

رویکرد تک‌بخشی همچنین امکان بررسی دقیق‌تر فرضیه‌های زمینه‌ای فرآیندهایی را که به تأثیر اجتماعی منتج می‌شوند، فراهم می‌آورد. این امر در مطالعات مدل‌سازی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این فرضیه‌ها هستند که نتایج را هدایت می‌کنند. برای مثال، فرضیه‌های دابسون و گروستنر (۲۰۱۰) مربوط به عواملی که بر خلق یا تخریب ارزش‌های اجتماعی در صنعت فست‌فود تأثیر می‌گذارند، با عواملی که ممکن است تأثیرات اجتماعی را در صنایع دیگر تحت تأثیر قرار دهند، متمایز است. بنابراین رویکرد تک‌بخشی می‌تواند به محققان اجازه دهد تا الگوی پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاصی<sup>۲</sup> را دریابند که واقعیت پیش‌روی سازمان‌ها در یک زمینه خاص را بدون انحراف ناشی از ورود شرکت‌ها از سایر بخش‌ها به مدل توصیف می‌کنند.

با توجه به این فرض که طرح‌های خیرخواهانه عواقب مفیدی را در پی خواهند داشت، مانگران مقالاتی هستیم که هر دو رویکرد فعالیت و پیامد را دنبال می‌کنند و نتوانسته‌اند این رابطه را در مفهوم‌سازی و سنجش تأثیر

1- Trade-off

2- idiosyncrasies

اجتماعی بازنشاسایی کنند. به طور خاص، دغدغه ما این است که محققان از پرداختن به فرضیه‌های ضمنی که فعالیت‌ها و پیامدها را به یکدیگر پیوند می‌دهند، خودداری کنند. بنابراین توصیه می‌کنیم محققانی که رویکرد فعالیت را اتخاذ می‌کنند، انواع پیامدهایی که با فعالیت‌های مورد نظر مرتبط هستند، ماهیت پیوند علی ضمنی و توجیه خود برای عدم سنجش مستقیم‌تر آن پیامدها را مشخص کنند. برای مثال گوه<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی الگوی ارتباطات بین مشارکت‌کنندگان روستایی و شهری، خلق ارزش اجتماعی در جوامع بهداشتی برخط را مطالعه کرده‌اند. به عنوان سنجه ارزش اجتماعی، نویسندگان، کاربران شهری را به عنوان ارائه‌دهنده اطلاعات خالص (فعالیت) شناسایی نموده و استدلال کرده‌اند که جریان بیشتر اطلاعات به مناطق روستایی دارای پتانسیل بهبود پیامدهای بهداشتی روستایی است. این پیامدها به طور مستقیم سنجیده نشده‌اند، اما برای تحقیقات آتی باقی مانده‌اند. همچنین توصیه می‌کنیم محققانی که رویکرد پیامد را اتخاذ می‌کنند، فعالیت‌های پیشنهادی برای ایجاد پیامدها را مشخص کنند و به صراحت عوامل دیگری را که می‌تواند مسبب این پیامدها شود در نظر بگیرند تا مکانیسم‌های علی شفاف شوند.

### سنجش بهبود یافته

همان‌طور که در این مرور نشان داده شده است، تأثیر اجتماعی به لحاظ نظری، یک گویه غنی محسوب می‌شود. تأثیر نه تنها می‌تواند عواقب مثبت و منفی داشته باشد (همان‌طور که در بالا ذکر شد)، بلکه تقریباً راه‌های بی‌شماری برای به وجود آمدن این عواقب و احساس شدن تأثیرات توسط هر تعداد فرد، گروه، یا موجودیت دیگری وجود دارد. بنابراین تأثیر اجتماعی به یک متغیر دودویی<sup>۲</sup> تک‌بعدی (یعنی شرکت، محصول یا فعالیت، یا تأثیر مثبتی بر جامعه دارد یا ندارد) در حقیقت اطلاعی از آنچه واقعی یا عمل‌پذیر است به دست نمی‌دهد. ما برای رسیدن به بینش‌های پرمعنا تر در تحقیق، دانشمندان را ترغیب می‌کنیم که غنا و پیچیدگی گویه را از طریق لحاظ کردن بعددار بودن<sup>۳</sup> آن به روش‌های زیر به حساب آورند.

بسیاری از مقالات در نمونه ما، به‌ویژه در مطالعات تک‌بخشی، تأثیرات اجتماعی را به عنوان جمع‌بندی انواع مختلفی از تأثیرات (یعنی اجتماعی، محیطی، سیاسی و غیره) سنجیده‌اند، در حالی که بقیه بر یک مسئله اجتماعی خاص

1- Goh

2- binary

3- Dimensionality

متمركز شده‌اند. یکی از مزایای چنین رویکردی این است که محققان را قادر می‌سازد تا برای سنجش بهتر نوع خاصی از تأثیر، از ابعاد مختلف استفاده کنند. برای مثال رندی<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۵)، تأثیر اجتماعی فقر محور مؤسسات مالی خرد را با چهار سنججه مورد سنجش قرار دادند. به همین ترتیب کسلمن<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، این سنجش را حتی به طور گسترده‌تر در زمینه مؤسسات مالی خردی که در بازارهای قاعده هرم<sup>۳</sup> فعالیت می‌کنند، انجام داده‌اند. آنها از مفهوم‌سازی عملکرد اجتماعی وود (۱۹۹۱) با عنوان اصول، فرآیندها و پیامدها استفاده کرده‌اند و از طریق کدگذاری بیانیه‌های رسالت مؤسسات در قالب «تجاری»<sup>۴</sup>، «سودمحور»/از نظر اجتماعی مسئولانه<sup>۵</sup>، «اجتماع محور»/از نظر مالی مسئولانه<sup>۶</sup>، یا «مبتکران اجتماعی»<sup>۷</sup> (قصدها<sup>۸</sup>)، خدمات ارائه شده توسط مؤسسات به صورت پس‌انداز خرد و یا خدمات بیمه خرد (فرآیند) و تعداد وام‌گیرندگان فعال و میانگین مقدار وام (پیامد) تأثیر اجتماعی را سنجیده‌اند. ما از سنجش‌های چندبعدی این چنینی دفاع می‌کنیم.

صرف نظر از ابعاد مورد استفاده، محققان همچنین باید استفاده مورد نظر خود از گویه را در مدل سنجش خود عامل‌بندی کنند. ما دو کاربرد را شناسایی کردیم: مقوله‌بندی منابع تأثیر و کمی‌سازی تأثیر. سنجش با هدف مقوله‌بندی به دنبال ارزیابی سازمان‌ها و محصولات در مقایسه با سازمان‌ها و محصولات دیگر است. تأثیرات اجتماعی نسبی سازمان‌ها و محصولات با استفاده از استانداردهایی ارزیابی می‌شود که تعیین می‌کند چه چیزی «خوب» یا «بد» پنداشته می‌شود. برای اهداف مقوله‌بندی می‌توان انواع تأثیرات اجتماعی مختلف را به یکدیگر اضافه کرد تا یک معیار ترکیبی<sup>۹</sup> را شکل داد که «خوب بودن» یا «بد بودن» سازمان یا محصول را تعریف کند. تجمیع با هدف مقوله‌بندی، مشابه شهرت، اغلب از صافی ادراکات بیرونی می‌گذرد (Bermiss & et al, 2013). با تکیه بر چنین سنججه‌هایی، محققان می‌توانند سازمان‌ها یا محصولات را با عناوینی مانند «مسئولانه»، «منصفانه»، «اجتماعی»، «سبز» و غیره طبقه‌بندی کنند.

- 
- 1- Randoy
  - 2- Casselman
  - 3- Base of pyramid markets
  - 4- Commercial
  - 5- Profit Oriented/Socially Responsible
  - 6- Socially Oriented/Financially Responsible
  - 7- Social Innovators
  - 8- Intent
  - 9- Composite Metric

فرضیه بنیادین مقوله‌بندی‌ها این است که سازمان‌ها و محصولات «خوب»، تأثیرات اجتماعی بهتری نسبت به سازمان‌ها و محصولات «بد» خواهند داشت. رویکرد مقوله‌بندی موجب تقویت بسیاری از مقالات موجود در نمونه ما شده است که از رتبه‌بندی‌های عملکرد اجتماعی شرکت در سطح سازمانی، سنجه‌های سطح محصول مانند گواهینامه تجارت منصفانه (Castaldo & et al, 2008) و میزان رعایت استانداردهای مسئولیت‌پذیری توسط محصولات (Moore, 2004) استفاده می‌کنند. این مقالات از این جهت که امکان مقایسه سازمان‌ها در مکان‌ها، صنایع و اندازه‌های مختلف را میسر می‌کنند نیز مفید هستند. هرچند این سنجه‌ها با تحقیقات کارآفرینی اجتماعی که به دنبال شناسایی خصوصیات متمایزکننده کارآفرینان اجتماعی از سایر کارآفرینان معمولی هستند کاملاً هم‌راستا محسوب می‌شوند (Moss & et al, 2011)، استفاده از آنها به قیمت سنجه‌های مستقیم‌تر تأثیر اجتماعی تمام می‌شود (Lowell & et al, 2005).

سنجه‌های تأثیر اجتماعی با اهداف کمی، سعی دارد تا مقدار<sup>۱</sup> تأثیر اجتماعی را که در یک زمینه خاص ایجاد می‌شود بسنجد. سنجش با اهداف کمی‌سازی، بر مبنای مفهوم جمع‌پذیری بنا می‌شود که در چندین زمینه مختلف، از تحقیق و توسعه (Aerts & Schmidt, 2008) گرفته تا عملکرد زندان (Cabral & et al, 2009) به کار گرفته شده است. محققانی که به دنبال کمی‌سازی مقدار تأثیر اجتماعی از یک اقدام خاص هستند، نیاز به دقت بیشتری دارند تا فقط پیامدهای اضافه‌شده [در اثر فعالیت] یا پیامدهایی را که بدون فعالیت مورد نظر اتفاق نمی‌افتادند، بسنجند. این امر مستلزم آن است که سنجش از نظر تغییرات (مثلاً بهبود شرایط مورد نظر) پس از یک فعالیت به طور روشن مشخص شود و به همین ترتیب بدیل خلاف‌واقع بدون اقدام نیز به طور واضح مشخص شود تا از این طریق پیامدهای اجتماعی قابلیت مقایسه پیدا کنند.

سالازار و همکاران (۲۰۱۲) با اندازه‌گیری زمان و هزینه پروژه‌های ساخت‌وساز خودانجام و همچنین رفاه خانواده‌های شرکت‌کننده (بر اساس پس‌انداز خانواده، متراژ مسکن، بهداشت، پیوندهای اجتماعی و توسعه تاریخچه اعتبار) قبل و بعد از پروژه، نمونه‌ای گویا برای سنجش کمی تأثیرات اجتماعی ناشی از یک پروژه خاص ارائه داده‌اند. از طریق مقایسه این سنجه‌ها با سنجه‌های گروه کنترل با استفاده از تحلیل نمره تمایل<sup>۲</sup>، نویسندگان قادر به کمی‌سازی حقیقی تأثیر اجتماعی‌ای می‌شوند که خانواده‌های شرکت‌کننده

1- Magnitude

2- Propensity Score Analysis

در پروژه در مقایسه با گزینه بدیل عدم اقدام، از آن منتفع شده‌اند. برخلاف سنجه‌هایی که امکان مقایسه سازمان‌هایی با مقیاس‌های بسیار متفاوت را فراهم می‌آورد، سنجه‌های متمرکز بر کمی‌سازی وابسته به مقیاس هستند، به گونه‌ای که ممکن است پروژه‌ای نسبت به یک پروژه دیگر، هزاران واحد بیشتر تأثیر داشته باشد.

پیشرفته‌ترین سنجش‌های کمی انواع خاصی از تأثیرات اجتماعی (مثل ریشه‌کن کردن فقر، افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی - درمانی و غیره) را اقتصاددانان کاربردی با استفاده از آزمایش‌های کنترل‌شده تصادفی<sup>۱</sup> (Dufflo & et al, 2007) انجام داده‌اند. متأسفانه هرچند ما با این مطالعات آشنا هستیم، نتوانستیم اصطلاحات کافی برای جست‌وجو پیدا کنیم تا بتوانیم به طور اثربخشی این مطالعات را انتخاب کنیم؛ زیرا آنها از مفاهیم فراترمانند تأثیر اجتماعی استفاده نمی‌کنند، بلکه بیشتر روی تأثیراتی مانند پیشرفت تحصیلی (Dufflo & et al, 2011) یا تغییر در سودآوری دریافت‌کنندگان سرمایه‌های خرد به خاطر یک فعالیت برنامه‌ریزی‌شده (Field & et al, 2010) متمرکز می‌شوند. علاوه بر این مقالات موجود در نمونه ما به ندرت از این رویکرد استفاده کرده‌اند. روش آزمایش کنترل‌شده تصادفی در شناسایی خلأ واقع‌ها و سنجش تغییرات از صراحت بسیار بالایی برخوردار است که به دلیل گردآوری داده در قبل و بعد از فعالیت برای هر دو گروه تحت آزمایش و کنترل، به طور قابل توجهی هزینه‌زا است. ما معتقدیم که این مسیری مثمر ثمر برای آن دسته از تحقیقات آتی است که به جای مقوله‌بندی سازمان‌ها، به دنبال کمی‌سازی تأثیرات اجتماعی هستند. همچنین از خوانندگان می‌خواهیم که به نمونه‌های سایر محققانی مراجعه کنند که از طریق روش‌هایی مانند تطبیق نمره تمایل با وجود کاهش هزینه‌های اجراء، به رویکرد نظری بنیادین وفادار بوده‌اند (Salazar & et al, 2012).

از آنجا که تصمیم‌های مربوط به سنجش یادشده، بر امکان‌پذیری و میزان ترکیب ابعاد مختلف به منظور تولید یک سنجه جامع تأثیر اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به محققان توصیه می‌کنیم که به سه دلیل با دقت بیشتری درباره تجمیع<sup>۲</sup> فکر کنند. نخست اینکه تمام ابعاد، تأثیرگذار و دارای اعتبار نیستند. بنابراین تجمیع ابعاد مرتبط و مستدل با ابعاد نه‌چندان مستحکم و نامعتبر، نتایج ما را مخدوش می‌کند. به عنوان نمونه، استنویک و استنویک<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) از یک شاخص تجمیعی متشکل از هشت ویژگی استفاده کرده‌اند که

1- Randomized Control Trials

2- Aggregation

3- Stanwick and Stanwick

تنها یکی از آنها با پیامد سودمند اجتماعی به طور مستقیم ارتباط دارد. با به کارگیری این سنجه تجمیعی، ارزش بعد اجتماعی در بین نوپز سایر ابعاد غیر اجتماعی گم می‌شود. به محققان توصیه می‌کنیم که هنگام انتخاب ابعاد مورد استفاده برای سنجش تأثیر اجتماعی، به‌ویژه هنگام به کارگیری سنجه‌های ثانویه که در آنها ابعاد مختلف از قبل تجمیع شده‌اند، بسیار دقت داشته باشند.

دوم اینکه اگر توافق داریم که تأثیر اجتماعی متشکل از ابعاد مختلفی است و اگر بتوانیم به توافق برسیم که این ابعاد کدامند، محققان باید تعیین کنند که آیا سنجش باید به صورت تکوینی<sup>۱</sup> مدل‌سازی شود یا به صورت بازتابی<sup>۲</sup>. محققان می‌توانند از جریان‌های دیگر پژوهش مانند تحقیق دربارهٔ گوئی<sup>۳</sup> بسیار غنی و چندبعدی جهت‌گیری کارآفرینی<sup>۴</sup> (EO) نیز [این کار را] یاد بگیرند. کووین و ولز استدلال می‌کنند که «محققان مختارند که هر روش سنجشی را که به بهترین وجه در خدمت اهداف تحقیق آنهاست انتخاب کنند و مدل‌های سنجش «تجمیعی» جهت‌گیری کارآفرینی در برابر مدل‌های سنجش «غیر تجمیعی» آن برای مفهوم‌سازی‌های اساساً متفاوتی از این گوئی متناسب هستند» (Covin & Wales, 2012: 677). توصیه برای محققان تأثیر اجتماعی این است که تجمیع، موضوعی انتخابی است؛ اما این انتخاب باید با نحوهٔ تعریف گوئی و پس از آن، چگونگی راه یافتن آن به درون مدل نظری، سازگار باشد. این تصمیم می‌تواند همچنین برای [تعیین] اینکه یک مطالعه کجا و چگونه به ادبیات موجود مرتبط می‌شود کاربرد داشته باشد؛ زیرا هر مقالهٔ جدید فقط با مقالاتی به طور مستقیم در ارتباط است که تأثیر اجتماعی را به روش‌های نظری و تجربی مشابهی مفهوم‌سازی کرده‌اند. سوم اینکه ترکیب کردن پیامدها و سنجه‌های فعالیت در همان سنجه ترکیبی تأثیر اجتماعی، با توجه به اینکه آنها گوئی‌هایی مجزا و از نظر علی مرتبط هستند، به لحاظ نظری بی‌معنی است. با وجود این چندین پایگاه داده استفاده‌شده در مقالات تأثیر اجتماعی نمونه ما (به‌ویژه KLD) نیز دقیقاً همین کار را انجام داده بودند و با مخلوط کردن شاخص‌ها، اقدامات یک شرکت (فعالیت‌ها) و نتایج آن اقدامات (پیامدها) را می‌سنجند. از آنجا که این نوع سنجه‌ها، مواردی را ترکیب می‌کنند که [هر کدام] اساساً به مراحل متفاوتی از فرآیند به وجود آمدن تأثیر اجتماعی مرتبط می‌شوند، اعتبار متغیرهای

1- Formative  
2- Reflective  
3- Entrepreneurship Orientation

تجمیعی حاصل از آنها محدود خواهد بود (Kerlinger & Lee, 2000). با توجه به این نگرانی، ما از محققان می‌خواهیم تا در عملیاتی‌سازی تأثیر اجتماعی، بین فعالیت‌ها و پیامدها، تمایز بیشتری قائل شوند.

علی‌رغم اینکه مطالعات موجود در نمونه ما، گویه‌های بسیار مشابهی را می‌سنجند، جالب است که حتی در بین آنهایی که اصطلاحات یکسانی (یعنی عملکرد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی شرکت و غیره) را برای تأثیرات اجتماعی به کار برده‌اند، تعاریف یکسانی داشته‌اند و یا از پایگاه داده یکسان استفاده کرده‌اند، هیچ دو مطالعه‌ای پیدا نمی‌شود که به یک روش مشابه چنین کاری را انجام داده باشد. این امر به‌ویژه در بین مقالات فعالیت چندبخشی بیشتر مشهود است. برای مثال در بین ده مطالعه‌ای که از داده‌های KLD استفاده کرده‌اند، هیچ کدام از رویکرد تجمیعی دقیقاً یکسانی استفاده نکرده‌اند. هرچند نه مطالعه کمی باقیمانده که از داده‌های KLD استفاده نکرده‌اند، تأثیر اجتماعی را به عنوان عملکرد اجتماعی شرکت مفهوم‌سازی نموده‌اند، حتی آنهایی که از مجموعه داده یکسان استفاده کرده‌اند، همگی آن را به شیوه‌های متفاوتی سنجیده‌اند.

به عنوان مثال، هم برامر و پاولین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و هم کوستا گونزالز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۶) از داده‌های EIRIS استفاده کرده‌اند. با این حال در مطالعه اول، عملکرد اجتماعی شرکت به عنوان یک شاخص چندمقیاسی که نرمال‌سازی و جمع شده، عملیاتی‌سازی شده است؛ ولی در مطالعه دوم، برای رسیدن به یک رتبه‌بندی و ارزیابی کیفی، شرکت‌ها بر اساس شانزده معیار مختلف فیلتر شده‌اند. به طور مشابه، در بین دو مطالعه‌ای که از داده‌های ASSET4 استفاده کرده‌اند، یونانو و سرافیم<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، عملکرد اجتماعی را به عنوان میانگین هم‌وزن نمرات عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی عملیاتی‌سازی کرده‌اند، در حالی که شائوکت، کیوو و تروجانوفسکی<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) از این دو نمره برای محاسبه سنجه‌هایی برای گویه‌های مجزای عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی استفاده کرده‌اند.

نبود سنجه‌های مشخص در ادبیات تأثیر اجتماعی، نگران‌کننده است؛ زیرا مانع از انباشته شدن دانش پدیده‌های مشابه می‌شود. وو و پاژل<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) نیز خاطر نشان کرده‌اند که داشتن استاندارد در روش‌های سنجش می‌تواند به فائق آمدن بر عدم قطعیت و پارامترهای در حال تکوین تصمیم‌گیری که

- 1- Brammer and Pavelin
- 2- Cuesta-Gonzalez
- 3- Ioannou and Serafeim
- 4- Shaukat, Qiu, and Trojanowski
- 5- Wu and Pagell



تأثیرگذاری را دشوار می‌کند، کمک کند. به همین ترتیب توسعه استانداردهای مشترک سنجش نه تنها به محققان، بلکه به متخصصان و دست‌اندرکاران این حوزه نیز کمک می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد که بین دامنه استفاده از استانداردها و اعتبار مقایسه، بده‌بستانی وجود دارد. بنابراین ممکن است تدوین استانداردهای سنجش تأثیر اجتماعی مستقیمی که به صورت جهان‌شمول قابل اجرا باشند، برای محققان و دست‌اندرکاران این حوزه مشکل باشد. پس به جای توافق کامل درباره سنجش‌ها، ممکن است تشکیل ائتلاف‌های کوچک‌تر که در آن استانداردهای سنجش بتوانند توسعه یابند، امکان‌پذیرتر باشد.

### وضوح تعریف

مبرهن است که محققان قبل از پیشرفت در زمینه سنجش، باید دقت خود در تعریف اصطلاحات را ارتقا دهند. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، نسبت قابل توجهی از مقالات موجود در نمونه ما (۱۰ مورد از ۷۱ مقاله)، هیچ تعریفی از تأثیر اجتماعی ارائه ندهاند. باخاراج استدلال می‌کند: «هدف از تعریف یک متغیر، فراهم کردن یک مرجع عملیاتی برای پدیده‌ای است که در سطح انتزاعی‌تر (مثل یک گویه) توصیف شده است» (Bacharach, 1989: 502). به عبارت دیگر برای آنکه یک متغیر معتبر قلمداد شود، باید به طور اثربخشی به قلمروی که گویه قرار است در آن سنجیده شود، ارتباط پیدا کند. برای شناسایی چنین متغیری، تعریف عملیاتی گویه باید به عنوان راهنما مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا این تعریف دستورالعملی صریح درباره نحوه سنجش گویه به دست می‌دهد (Kerlinger & Lee, 2000). از آنجا که دقت در تعریف گویه هم یافته‌های تحقیق و هم بینش عملی ناشی از تحقیق را بهبود می‌بخشد (Bruyat & Julien, 2001)، ما از همه محققان می‌خواهیم تا از سازگار بودن متغیرهایی که برای سنجش تأثیر اجتماعی انتخاب می‌کنند، با تعریف آنها از گویه مورد نظر اطمینان حاصل کنند.

در انتخاب تعریف، محققان اذعان دارند در حالی که بیشتر تعاریف تأثیر اجتماعی را به عنوان تغییر اجتماعی «مثبت» مفهوم‌سازی می‌کنند (برای مثال: Santos, 2012; Stephan & et al, 2016)، برخی تعاریف دیگر تأثیر اجتماعی را از منظر کاهش تأثیرات منفی تعریف می‌کنند (Bartling & et al, 2015). با توجه به پیچیدگی این گویه، ما از محققان خواستاریم تا به پیامدهای مثبت و منفی فعالیت‌های مختلف اجتماعی بپردازند و هر دو [نوع] پیامد را در مدل‌های سنجش خود لحاظ کنند. مقالاتی که در زمره عملکرد اجتماعی

قرار می‌گیرند می‌توانند به عنوان راهنما مورد استفاده قرار گیرند، زیرا معمولاً در سنجش تأثیر به عنوان تابعی مرکب از اثرات مثبت و منفی از صراحت بیشتری برخوردارند.

برای مثال کربلی و همکاران مدعی هستند که تأثیر اجتماعی از طرح‌هایی منتج می‌شود که هم «مفید عمل می‌کنند» (یعنی افزایش نمود خارجی مثبت) و هم «ضرر نمی‌رسانند» (یعنی کاهش نمود خارجی منفی) (Crilly & et al: 1318) که این دیدگاه مطابق با تعریف خود ما از تأثیرات اجتماعی نیز هست. KLD و پایگاه‌های داده مرتبط با آن به صورت خام هم که شده، تأثیرات مثبت و منفی شرکت‌ها بر جامعه را می‌سنجند که حداقل یک راهنمایی مفهومی اساسی مبنی بر نیاز به ضبط هر دو [نوع] تأثیر اجتماعی مثبت و منفی فراهم می‌کند. به طور مشابه، مقالاتی که از روش مدل‌سازی استفاده می‌کنند، اغلب بر تأثیرات منفی متمرکز می‌شوند (Dobson & Gerstner, 2010). به طور واضح، اصراری بر استفاده از رتبه‌بندی‌های تأثیر اجتماعی یا پایگاه داده سرمایه‌گذاری‌ها برای رسیدن به این متغیرها نیست؛ بلکه پیشنهاد کلی این است که راه‌های متفاوت تأثیرگذاری سازمان‌ها بر جامعه و چگونگی بهبود جامعه از طریق افزایش فواید و کاهش مضار در نظر گرفته شود.

به عنوان نکته پایانی، به محققان توصیه می‌کنیم که ماهیت وابسته به زمان تأثیر مورد مطالعه و همچنین سطح تحلیلی خود را در مفهوم‌سازی تأثیرات اجتماعی واضح سازند. اگر این مرزها بسیار محدود تعیین شوند، ممکن است محققان در رصد کردن تمام و کمال پیامدهای منتج از فعالیت‌ها ناکام بمانند. این حالت به‌ویژه زمانی تبدیل به یک مسئله می‌شود که پیامدهایی موجب خنثی شدن پیامدهای سنجیده شده شوند (مثلاً وقتی که پیامدهای سنجیده نشده، منفی و پیامدهای سنجیده شده، مثبت باشند). اگر این مرزها بسیار گسترده تعیین شوند، ممکن است محققان عوامل علی نادرستی را ضبط کنند. اندیشمندان کارآفرینی که در سطوح مختلف (فرد، شرکت، صنعت، منطقه و کشور) و در مقیاس‌های زمانی مختلف (از چند ثانیه گرفته تا چند نسل) به طور پیوسته و مرتب در حال تحقیق هستند، از آمادگی خوبی برخوردار هستند تا در تدقیق تعریف این مرزها نقشی پیدا کنند (Baron & Ensley, 2006; Davidsson & Wiklund, 2001; Rauch & et al, 2005).

فواصل زمانی‌ای که انواع مختلف پدیده‌های سازمانی [در آنها] آشکار می‌شوند، یکی از مؤلفه‌های مهم نظری و تجربی سنجش است (Zaheer & et al, 1999). ما محققان را ترغیب به مشخص کردن فواصل زمانی‌ای می‌کنیم که فعالیت‌ها در آنها منجر به پیامدها می‌شوند. این امر به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که

فاصله زمانی‌ای که پیامدها در آن آشکار می‌شوند، طولانی‌تر از فاصله زمانی‌ای باشد که محققان بتوانند پیامدها را مشاهده کنند. ناتوانایی در سنجش پیامدهایی که در خارج از یک دوره مشاهده اتفاق می‌افتند، دلیل موجهی برای اتخاذ رویکرد فعالیت است. برای مثال این واقعیت که تأثیرات محیط زیستی طراحی محصول یا انتخاب‌های مربوط به تولید آن تا مدت زمان بیشتری از طول کامل عمر محصول ادامه می‌یابند، می‌تواند انگیزه برای استفاده از مدل‌سازی در پژوهش را توجیه کند (Atasu & Souza, 2013). با این حال تحقیقاتی که با رویکرد فعالیت صورت گرفته بودند، اغلب هیچ اشاره‌ای به مقیاس‌های زمانی نکرده‌اند؛ زیرا ارتباط بین پیامدها اغلب به صراحت سنجیده و (همان‌طور که در بالا ذکر شد) نظریه‌پردازی نشده است.

همچنین محققان اغلب در تحقیقات [با رویکرد] پیامد نیز مقیاس‌های زمانی را مورد توجه قرار نمی‌دهند، که با توجه به اهمیت قابل توجه دوره زمانی‌ای که پیامد در آن سنجیده می‌شود، این امر مسئله‌ساز خواهد بود. فاصله زمانی بین یک فعالیت و پیامدهای آن ممکن است بین فعالیت‌ها متفاوت باشد (Herbig & et al, 1994). برای مثال، تعدیل کربن<sup>۱</sup> را در نظر بگیرید که تغییر (یعنی میزان کاهش انتشار کربن با ابداع یک فعالیت) را می‌سنجد. سنجش در قبل، حین و بعد از فعالیت مورد نیاز است. هر چند فعالیت کاهش انتشار می‌تواند بلافاصله مورد سنجش قرار گیرد، تأثیر فعالیت‌های دیگر، به‌ویژه فعالیت‌های مرتبط با توسعه انسانی، فقط در طول عمر یک فرد قابل سنجش است (Kaplan & Grossman, 2010). بنابراین به محققان علاقه‌مند به سنجش پیامدهای اجتماعی پیشنهاد می‌کنیم که فاصله زمانی‌ای که در آن پیامدها آشکار می‌شوند و همچنین منطق [انتخاب] فاصله زمانی‌ای را که سنجش در آن رخ داده است، مشخص کنند.

محققان همچنین بهتر است سطحی از تحلیل را که به لحاظ نظری پیامدها در آن سنجیده می‌شوند، در نظر داشته باشند (Rousseau, 1985). برخی از فعالیت‌ها ممکن است تنها تأثیر مستقیم روی کاربران هدف خود نداشته باشند، بلکه در سطوح دیگر تحلیل، تأثیرات ثانویه‌ای نیز داشته باشند. این موارد ممکن است شامل مزایایی برای افرادی غیر از کاربران، تغییرات درون صنایع و مانند آنها باشد که همواره زمان بیشتری برای وقوع و روشن شدن می‌طلبند. جالب توجه است که هر چند بیشتر مطالعات در مرور حاضر ادعا می‌کنند که اثرات را به صورت چندسطحی بررسی کرده‌اند، در واقع تعداد معدودی از آنها چنین سنجشی را انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌های گوه و

همکاران که حاکی از وجود مازاد خالص حمایت اجتماعی<sup>۱</sup> (یعنی جریان اطلاعات) برای بیماران روستایی است، آنها نتیجه‌گیری کرده‌اند که ارزش اجتماعی ایجادشده در چنین سکوهایی نه تنها به نفع کاربران، بلکه به طور گسترده‌تر نافع کل سیستم بهداشت عمومی است. با وجود این آنها این اثرات چندسطحی را نسنجیده‌اند (Goh & et al, 2016: 260). به همین ترتیب سیمپسون و کوهرز<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، بانک‌ها را به خاطر حکم قانونی‌ای که آنها را متعهد به تأمین نیاز مشتریان کم‌درآمد نموده است، مورد مطالعه قرار داده‌اند. هر چند این قانون با این فرض به تصویب رسیده بود که شیوه‌های مورد نیاز [برای اجرای آن، سلامت اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی را بهبود خواهد بخشید، سیمپسون و کوهرز (۲۰۰۲) این پیامدهای مرتبه دوم را نسنجیده‌اند.

در واقع تنها دو مطالعه در نمونه ما، تأثیر اجتماعی چندسطحی را مورد سنجش قرار داده‌اند. توبیاس و همکاران (۲۰۱۳)، اثرات تغییرات قانونی در رواندا را که اجازه ورود کشاورزان کوچک‌مقیاس را به قهوه‌کاری می‌داد، مورد مطالعه قرار دادند. هر چند آنها تغییرات درآمدی را اندازه‌گیری کردند، اثرات چندسطحی مرتبه دوم<sup>۳</sup> مانند تغییر در تعصب برون‌گروهی و اعتماد اجتماعی را نیز که از همین تغییرات منتج می‌شدند، مورد سنجش قرار دادند. به همین ترتیب اوتینگ (۲۰۰۹) در مطالعه موردی خود درباره تجارت منصفانه صنعت قهوه نیکاراگوئه، حالتی را بررسی می‌کند که در آن تجارت منصفانه از اثرات مضر جهانی شدن بر کشورهای فقیر می‌کاهد. او داده‌های مربوط به فهرست جامعی از ذی‌نفعان را گردآوری کرده است که تغییرات تاریخی طی بیست سال گذشته را با استفاده از انواع روش‌های گردآوری داده (عمدتاً اولیه و کیفی) می‌سنجد و شواهدی را پیدا کرده است که نشان می‌دهد تأثیر تجارت منصفانه شامل بهبود وضعیت معیشت‌ها، ایجاد ظرفیت سازمانی و تأثیرات سطوح بالای سیاستی و نهادی نیز می‌شود.

روش رویکرد بلندمدت و کیفی‌ای که توبیاس و همکاران (۲۰۱۳) و اوتینگ (۲۰۰۹) اتخاذ کرده‌اند، بیانگر نمونه‌هایی از چگونگی سنجش کامل تأثیر یک فعالیت است. اما با توجه به اینکه تحقق تأثیرات ثانویه چندسطحی یک فعالیت خاص ممکن است نیازمند گذشت زمان زیادی باشد و همچنین سنجش آنها منابع قابل توجهی را بطلبد، چالش‌های مهمی را نیز پدید می‌آورد. بنابراین هر چند ما غنای چنین رویکردی را می‌ستاییم و محققان را

1- Net Surplus of Social Support  
2- Simpsons and Kohers  
3- Second-Order Multilevel Effects

به اتخاذ آن تشویق می‌کنیم، از مزایای رویکرد کمی نیز غافل نمی‌شویم. هرچند نمونه‌ای از آن در مرور ما وجود ندارد، پیشنهاد می‌کنیم دانشمندان از روش‌هایی استفاده کنند که اثرات چندمرحله‌ای و مرتبه بالاتر را که در جریان تحقیقات مرتبط ایجاد می‌شود، بررسی کنند.

برای نمونه کیرشهوف و همکاران (۲۰۰۷) شواهدی پیدا کرده‌اند مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاری دولت مرکزی در تحقیق و توسعه دانشگاه (یعنی یک فعالیت) نه تنها منجر به ایجاد شرکت‌های جدید فناوری پیشرفته (یعنی یک پیامد اولیه) می‌شود، بلکه به طور غیر مستقیم در ایجاد شرکت‌های خدماتی که به دنبال پشتیبانی از شرکت‌های یادشده هستند (یعنی یک پیامد ثانویه) نیز نقش دارند. محققان، نه فقط در چارچوب تأثیر اجتماعی، استدلال می‌کنند که به جای فرضیه‌سازی روابط ساده علت و معلولی در مطالعات توسعه اقتصادی، «بهتر است روابط پویاتری را ارائه دهند و آزمایش کنند که در نهایت ممکن است درباره نحوه شکل‌گیری شرکت‌های جدید و همچنین میزان کمکی که به جامعه می‌کنند، آگاهی بیشتری به ما بدهند» (Kirchhoff & et al, 2007: 557). برای انجام این کار، آنها داده‌های تاریخی را از منابع ثانویه مختلفی گردآوری می‌کنند و آنها را با تحلیل رگرسیون حداقل مربعات دومرحله‌ای<sup>۱</sup>، که به طور خاص برای آزمون روابط ثانویه و متقابل طراحی شده است، تحلیل می‌کنند. هرچند این تنها یک نمونه مرتبط است، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه محققان، علاقه کمی‌محوری به تأثیرات اجتماعی دارند که ممکن است نمونه‌هایی از این قبیل را دنبال کنند که روش‌شناسی مورد استفاده آنها چندین مرحله از تأثیرات را لحاظ کرده و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت فعالیت‌هایی را که به سود جامعه انجام شده‌اند، می‌سنجند و تحلیل می‌کنند.

همچنین دریافتیم که تعدادی از مقالات موجود در نمونه ما، به ویژه مطالب منتشر شده در زمینه‌های اقتصاد و عملیات، تأثیرات اجتماعی را در سطح محصول یا پروژه تعریف و سنجش کرده‌اند (Bartling & et al, 2015). برای مثال، مقالات تحلیل چرخه عمر استدلال می‌کنند که تأثیر اجتماعی محصول پس از تولید و تازمان استفاده و دور انداختن آن ادامه می‌یابد، به گونه‌ای که اغلب تأثیرات به طور کامل توسط شرکت‌ها درونی‌سازی نمی‌شود (Gauthier, 2005). علاوه بر این چنین تأثیراتی تمایل دارند در سراسر زنجیره تأمین گسترش یابند (Wu & Pagell, 2011). این مطالعات نشان می‌دهد که تأثیرات اجتماعی

محصولات یک شرکت اغلب طولانی مدت و گسترده هستند. بینش حاصل از این مطالعات نه تنها نیاز به لحاظ کردن زمان در تحلیل‌ها را تقویت می‌کند، بلکه گسترش دامنهٔ چیزهایی را که باید با گذشت زمان سنجیده شود نیز طلب می‌کند. بنابراین ما از محققان می‌خواهیم که شبکه روابط متقابل بین همکاران در طول زنجیره ارزش را هنگام مفهوم‌سازی و سنجش تأثیر در نظر بگیرند تا بتوانیم شناخت کامل‌تری از ماهیت بسیط چگونگی تأثیرگذاری شرکت‌ها بر جامعه کسب کنیم.

### تولید داده‌های تأثیر اجتماعی

همان‌طور که پیشتر مطرح شد، تحقیقات تأثیر اجتماعی برای پیشرفت سریع‌تر، به منابع جدید داده نیاز دارد. ما معتقدیم که یک نمونه امیدوارکننده که می‌تواند در تحقیقات چندبخشی کمک‌کننده باشد، گواهینامه سازمانی B-Corp<sup>۱</sup>، بر اساس ارزیابی اختصاصی تأثیر B توسط آزمایشگاه غیر انتفاعی B-Lab<sup>۲</sup> است. ارزیابی تأثیر ابتدایی B<sup>۳</sup> تلاش کرده است تا بهترین روش‌ها را بر اساس کارهای شبکه سرمایه‌گذاری اجتماعی<sup>۴</sup>، مؤسسه سرمایه طبیعی<sup>۵</sup> و نسخه شرکت‌های کوچک استانداردهای طرح گزارشگری جهانی<sup>۶</sup> (آزمایشگاه‌های B - تاریخ ما، ۲۰۱۳) تولید کند. این ارزیابی تأثیر شامل یک چک‌لیست است که اقدامات و پیامدها را مشخص می‌کند و آنها را با عنوان «از نظر اجتماعی مسئولانه» یا «از نظر اجتماعی تأثیرگذار» به پنج گروه تخصیص می‌دهد: محیط‌زیست، اجتماع، کارگران، مشتریان و حکمرانی. نمره‌های هر یک از این مؤلفه‌ها جمع می‌شود تا امتیاز کلی B به دست آید. با گذشت زمان، ارزیابی تأثیر توسعه‌یافته‌تر شده است که این امر، وزن‌دهی افتراقی<sup>۶</sup> مؤلفه‌ها بر اساس اندازهٔ سازمان، صنعت و جغرافیا را میسر کرده است.

نمره B حاصل شده، ارزیابی‌های مقوله‌ای تأثیرات اجتماعی را به دو روش عمده ممکن می‌سازد. در وهله اول، شرکت‌های «تأییدشده» (یعنی آنهایی که تأثیر مثبت بر جامعه دارند) را از شرکت‌های «تأییدنشده» (یعنی مواردی که اینگونه نیستند) تمییز می‌دهد. در وهله دوم، امکان مقایسه‌های ترتیبی بین شرکت‌های تأییدشده را فراهم می‌کند؛ بدین صورت که شرکت‌هایی که نمرات بالاتری دارند، نسبت به شرکت‌هایی که نمرات پایین‌تری دارند،

- 1- B-Corp Organizational Certification
- 2- Initial B Impact Assessment
- 3- Social Venture Network
- 4- Natural Capital Institute
- 5- Global Reporting Initiative
- 6- Differential weighting

به لحاظ نظری تأثیر گذارتر هستند. به عنوان نکته آخر، هر چند گزارش‌های گواهینامه B-Corp نسبت به سایر منابع ثانویه متمرکز بر تأثیرات اجتماعی، داده‌های مربوط به شرکت‌های بسیار کوچک‌تری را ارائه می‌دهد، شرکت‌ها مجبورند استفاده از سنجه‌ها را انتخاب کنند. بنابراین اثر خالص [این انتخاب] بر تعمیم‌پذیری، مبهم است.

با توجه به نقاط قوت و ضعف داده‌های B-Lab، در کنار این واقعیت که این داده‌ها با گرایش‌های دانشگاهی توسعه نیافته‌اند، ما از محققان دانشگاهی می‌خواهیم که پایگاه‌های داده بزرگ‌مقیاسی را ایجاد کنند که متناسب با سؤالات مورد علاقه فعالان میدانی این زمینه باشد و در حالت ایده‌آل، رویکردهای «چندبخشی» و «تک‌بخشی» را به یکدیگر ارتباط دهد. به دنبال استدلال کروگر و وبر<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه تأثیر اجتماعی را می‌توان به عنوان تغییرات رفاه انسان مفهوم‌سازی (و سنجش) کرد و با این درک که تأثیرات اجتماعی اغلب دارای تأثیرات مؤخر<sup>۲</sup> هستند (Utting, 2009)، پیشنهاد می‌کنیم که محققان از پاسخ‌دهندگان در مکان‌هایی که فعالیت‌های مختلفی در آن انجام می‌شود، پیمایش‌های طولی تهیه کنند. محققان می‌توانند این مسئله مقایسه‌انواع مختلف تأثیراتی که با واحدهای هم‌ارز سنجیده نشده‌اند (مثلاً زندگی‌های نجات‌یافته در برابر دسترسی به آموزش) را با استفاده از سنجه‌های استاندارد شده رفاه انسانی، حل کنند (Dees, 1998). در حالی که گردآوری چنین داده‌هایی برای یک محقق تنها، کار ساده‌ای نیست، محققان کارآفرینی تجربه کار جمعی برای رسیدگی به مشکلات داده‌ای مشابه را دارند. در سال ۱۹۹۶، افرادی از ۲۲ دانشگاه (برای مثال کنسرسیون تحقیقات کارآفرینی) متعهد شدند که منابع مالی و سایر منابع لازم را جهت گردآوری داده‌های مربوط به شرایط محیطی فرآیند راه‌اندازی شرکت‌های جدید (استارت‌آپی) در آمریکا تأمین کنند. در نتیجه این اقدام، مطالعه پانل پایگاه داده کارآفرینی<sup>۳</sup> PSED I و در ادامه PSED II، منجر به ده‌ها مطالعه تجربی (Davidsson & Gordon, 2012) شد و درک ما را از فرآیند راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها به شدن ارتقا داد (Reynolds & White, 1997). رویکردی مشابه می‌تواند موجب تقویت تحقیقات در مورد تأثیرات اجتماعی شود. داده‌های اجتماعی حاصل از یک مطالعه پانلی دیگر با عنوان دیده‌بان کارآفرینی جهانی<sup>۴</sup> (GEM) با بودجه مشابه، به تفسیرهای مبهم از اهداف و مقاصد شرکت‌ها محدود شده است

1- Kroeger and Weber

2- Lagged Effects

3- Panel Study of Entrepreneurship Database

4- Global Entrepreneurship Monitor

و به همین ترتیب فعالیت‌ها و پیامدهای انگیزه‌های اجتماعی شرکت‌ها [در آن] قابل سنجش نیست.

بنابراین ما به پیشنهادهای قبلی خود، ایجاد پایگاه داده تأثیرات اجتماعی بزرگ‌مقیاس را اضافه می‌کنیم (ر.ک: Desouza & Smith, 2014) و از محققان می‌خواهیم تا درباره نحوه شبیه‌سازی روش PSED یا GEM در این فضا به طور جدی به گفت‌وگو بنشینند. سازمان‌های بخش خصوصی، مانند سازمان‌های سرمایه‌گذار تأثیر اجتماعی<sup>۱</sup>، هماکنون نیز روی ایجاد سنج‌های مناسب برای انواع خاصی از مسائل اجتماعی شروع به کار کرده‌اند (Milligan & Schoning, 2011). برای مثال هرچند در این مرور فقط یک مقاله، تأثیر اجتماعی را برحسب بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری یک شرکت مفهوم‌سازی کرده است (Hall & et al, 2015)، این مفهوم توجه متخصصان و دست‌اندرکاران را به خود جلب کرده است؛ زیرا اعتقاد بر این است که این پیامد برای سرمایه‌گذاران، مهم تلقی می‌شود (Lingane & Olsen, 2004). محققان می‌توانند برای تلاش‌هایی جهت گردآوری داده‌های تأثیرات اجتماعی تحت لوای بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری، از متخصصان و دست‌اندرکاران [این حوزه] کمک بگیرند. همان‌طور که تحقیق ما و حضور در کنفرانس‌های برتر کارآفرینی اجتماعی نشان می‌دهد، تأثیر اجتماعی موضوعی است که مورد علاقه رشته‌های مختلف کسب‌وکار است که این امر خود حاکی از علاقه گسترده و مهم‌تر از آن، پشتیبانی زیادی است که برای ایجاد چنین پایگاه داده‌ای وجود دارد. ما معتقدیم که اندیشمندان کارآفرینی که تجربه غلبه بر کمبود داده‌های کافی را دارند، برای کمک به هدایت این تلاش‌ها در موقعیت خوبی قرار دارند.

### نتیجه‌گیری

ما این مرور را به منظور فراهم ساختن دیدگاهی روشن نسبت به تحقیقات تأثیرات اجتماعی انجام داده‌ایم. علی‌رغم تحقیقات گسترده و متعدد درباره این موضوع بین رشته‌های مختلف، ماهیت تکه‌تکه‌شده آن، تاکنون مانع از دستیابی به یک درک روشن از روندها و بهترین شیوه‌های مربوط به مفهوم‌سازی و سنجش شده است. در واکنش [به این مسئله]، ما با هدف قرار دادن مجله‌های برتر کسب‌وکار، تور گسترده‌ای پهن کردیم تا انواع روش‌های نظری و تجربی برخورد با تأثیرات اجتماعی را ضبط کنیم. هرچند دقت زیادی برای حصول اطمینان از انتخاب‌های انجام‌شده صرف شد تا مقالات نسبت به نظریه و پیشینه خود پایبند باشند و یک نمونه متناسب



که نماینده مقالات تأثیر اجتماعی باشد گردآوری شود، می‌دانیم که معیارهای انتخاب نمونه ما مانند تمام معیارها، ممکن است منجر به حذف برخی مقالات شده باشد که ممکن است در نظر سایر محققان مرتبط و متناسب باشد. از جمله مقالاتی که با گویه‌های مرتبط مانند سرمایه‌گذاری از نظر اجتماعی مسئولانه (Cumming & Johan, 2007)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (Bermis & et al, 2013) و کارآفرینی اجتماعی (Bermis & et al, 2013) سروکار دارند.

هرچند ممکن است رویکرد ما منجر به حذف برخی مقالات بالقوه مرتبط شده باشد، در توسعه روش‌شناسی خود برای رسیدن به نمونه‌ای متشکل از مرتبط‌ترین مقالات بسیار دقت کرده‌ایم. این کار با توجه به استفاده گسترده و ناسازگار از این گویه‌ها و گویه‌های مرتبط با آن در ادبیات، وظیفه بسیار سختی بود (Lyon & Fernandez, 2012). بنابراین هرچند معتقدیم که در ترسیم واضح مرزهای پیرامون آنچه تحقیقات تأثیرات اجتماعی را تشکیل می‌دهد موفق بوده‌ایم، اذعان داریم که نمونه ما، تمام کارهایی را که درباره این موضوع صورت گرفته است، در بر نمی‌گیرد. به همین دلیل، فرصتی برای محققان وجود دارد که یافته‌های ما را در این زمینه‌ها و زمینه‌های مشابه با لحاظ کردن معیارهای متفاوت انتخاب نمونه بسط دهند. با توجه به تمرکز شدید ما بر تأثیرات اجتماعی، معتقدیم که برخی از بینش‌های مهم موجود در نمونه را درباره حضور زمینه و همچنین چگونگی پیشرفت آن در آینده جمع‌آوری کرده‌ایم. البته ادعا نداریم که پیشنهادهای ما باید به صورت جامع یا مطلق تفسیر شود؛ بلکه ما آنها را فقط با هدف تحریک تفکر و مباحثه درباره گذشته، حال و آینده پژوهش‌های تأثیرات اجتماعی ارائه داده‌ایم. ما معتقدیم که دانشمندان کارآفرینی در موقعیت خوبی جهت کمک به پیشبرد این تلاش‌ها قرار دارند و بنابراین آنها را ترغیب می‌کنیم که درباره این گویه مهم، با دقت فکر کنند و داده‌هایی را گردآوری کنند که به تحقیقات تأثیر اجتماعی، جهت‌های جدید و معنی‌داری خواهد بخشید.

توصیف تفصیلی نمونه

مقاله		گویه		سنجش		
ارجاع	زمینه	اصطلاح	تعریف	نوع	داده	عملیاتی سازی / مفهوم سازی
Agrawal & et al (2012)	عملیات محیط زیستی	تأثیرات محیط زیستی	چرخه عمر محصول	مدل سازی		تأثیرات محیط زیستی (تولید، مصرف و دور انداختن) لیزینگ در برابر فروش
Agrawal & Ulku, (2013)	عملیات محیط زیستی	تأثیرات محیط زیستی	چرخه عمر محصول	مدل سازی		تأثیرات محیط زیستی (تولید، مصرف و دور انداختن) و همچنین سودآوری مالی ناشی از تولید پودمانی
Atasu & Souza (2013)	عملیات محیط زیستی	تأثیرات محیط زیستی	چرخه عمر محصول	مدل سازی		مثال هایی شامل مصرف انرژی، استفاده از مواد تجدیدناپذیر، انتشار کربن، سمی بودن و غیره
Bai (2013)	اخلاق اجتماعی	عملکرد اجتماعی	نمودهای خارجی	کمی	ثانویه	جمع هزینه های مراقبت های جبران نشده، خالص هزینه های آموزش و خالص هزینه های پژوهش، تقسیم بر درآمدها
Bartling & et al (2015)	تفاهات اجتماعی	عملکرد اجتماعی		کمی	اولیه	تأثیرات اجتماعی منفی = وجود اثرات منفی محصول روی بازیگران آزمایش خرید
Battilana & et al (2015)	مدیریت اجتماعی	عملکرد اجتماعی	متفرقه (پیامدهای اجتماعی)	کمی	ثانویه	درصد منتفعانی که از طریق شرکت های اجتماعی ادغام کاری، یک شغل عادی پیدا کردند.
Berrone & et al (2010)	مدیریت محیط زیستی	عملکرد محیط زیستی	متفرقه (سرمایه گذاری محیط زیستی)	کمی	ثانویه	انتشار وزن دهی شده به وسیله پتانسیل سمی بودن برای انسان
Boulouta (2013)	اخلاق اجتماعی	مسئولیت اجتماعی شرکت	اصول، فرآیندها، پیامدها	کمی	ثانویه	نقاط قوت KLD و دغدغه های KLD
Brammer & Pavelin (2006)	مدیریت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی شرکت	حل مسئله	کمی	ثانویه	جمع نرمال سازی شده عملکرد کارکنان، عملکرد محیط زیستی و اجتماعی با استفاده از داده های EIRIS
Brickson (2007)	مدیریت اجتماعی	ارزش اجتماعی	متفرقه (رفاه محیط زیستی)	نظری	ثانویه	ارزش اجتماعی مبتنی بر ذی نفع که نیازهای انسانی را مرتفع و ارزش های انسانی را تقویت می کند.

سنجش		گویه		مقاله	
جهت گیری اجتماعی بیانیه های رسالت (قصد)، تدارک (بله یا خیر) خدمات پس انداز خرد یا بیمه خرد (فرآیند)، تعداد وام گیرندگان فعال و متوسط مقدار وام (پيامد)	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	عملکرد اجتماعی	Casselman & et al (2015)
شاخص کارایی ترکیبی KLD (دغدغه ها = ورودی ها، نقاط قوت = خروجی ها)	ثانویه	کمی	تأثیر ذی نفعان	مسئولیت اجتماعی شرکت	Chen & Delmas (2011)
خروجی های محیط زیستی عمومی (انتشار مواد سمی یا گازهای گلخانه ای)		مدل سازی	نمودهای خارجی	کارایی محیط زیستی	Chen & Delmas (2012)
دغدغه های KLD، هم جمع شده و هم تفکیک شده	ثانویه	کمی	متفرقه (شناسایی، فرآیند و برنامه ها)	مسئولیت اجتماعی شرکت	Chen & et al (2008)
مثال اشتغال زایی برای فقرا در هند	اولیه	کیفی	حل مسئله	ارزش اجتماعی	Corner & Ho (2010)
ترکیب رتبه سنجی های حقوق بشر، موارد کار اجباری، شراکت با مشتری و روابط جمعی (اجتماعی - سیاسی) و مدیریت، گزارش دهی، گواهینامه های محیط زیستی و استفاده از مواد (محیط زیستی) یک شرکت با استفاده از داده های Innovešt	ثانویه	کمی	نمودهای خارجی	عملکرد اجتماعی	Crilly & et al (2016)
رتبه بندی های بانکها بر اساس شانزده معیار مربوط به حکمرانی، ذی نفعان، حقوق بشر و عملیات در کشورهای فقیر (بعد درونی)، درجه شفافیت و تعهد به ابعاد درونی (بعد بیرونی)	ثانویه	کمی	تعریف با مثال (ها)	عملکرد اجتماعی	Cuesta-Gonzalez & et al (2006)
سنجه های بنیادین مستقیم و غیر مستقیم، طبقه بندی شرکتها در یکی از طبقات چهار گانه عملکرد اجتماعی		مفهومی	متفرقه (مسئولیت پذیری)	عملکرد محیط زیستی، عملکرد اجتماعی	di Norcia (1996)
انواع مختلف ارزش اجتماعی (ادغام کاری، انسجام جمعی) فهرست شده از مطالعه موردی هشت شرکت	اولیه	کیفی	تعریف با مثال (ها)	ارزش اجتماعی	Di Domenico & et al (2010)

سنجش		گویه		مقاله	
رتبه‌بندی‌های کلی تأثیرات اجتماعی با هشتاد محک‌زنی در بین ده طبقه تبیین شده		توصیفی		تأثیر اجتماعی	اخلاق Dillenburg & et al (2003)
تمایل به پرداخت منهای کل منابع استفاده‌شده در مدل‌سازی ارزش اجتماعی منفی مرتبط با اضافه‌ساز چاقی مفرط فست‌فودی		مدل‌سازی	استفاده از منابع	ارزش اجتماعی	بازاریابی Dobson & Gerstner (2010)
کل استفاده از مواد بکر		مدل‌سازی		تأثیر محیط‌زیستی	عملیاتی Galbreth & et al (2013)
روش‌شناسی بسط‌یافته تحلیل چرخه محصول ارائه‌شده با مثال دستگاه‌های جانبی کامپیوتری پایدار	اولیه	توصیفی	تعریف با مثال(ها)	عملکرد اجتماعی	اخلاق Gauthier (2005)
جهت جریان اطلاعاتی برخط در انجمن‌های گفت‌وگوی برخط بهداشتی درمانی	ثانویه	کمی	نمودهای خارجی	ارزش اجتماعی	سیستم‌های اطلاعاتی Goh & et al (2016)
نمونه‌های اجرای سنجش SROI در انگلستان و آمریکا	اولیه	کیفی	نمودهای خارجی	ارزش اجتماعی	مدیریت Hall & et al (2015)
فایده‌ها و هزینه‌های مربوط به سطوح متغیر خروجی‌های اجتماعی تحت شرایط انگیزشی متفاوت		مدل‌سازی	نمودهای خارجی	عملکرد اجتماعی	مدیریت Husted & et al (2006)
فواید داده‌های ARESE با نشانگرهای متعدد مورد استفاده برای مقایسه و تبیین	ثانویه	کیفی	اصول، فرآیندها، پیامدها	عملکرد اجتماعی	اخلاق Igalens & Gond (2005)
میانگین هم‌وزن نمرات عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی با استفاده از داده‌های ASSET4	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	مسئولیت اجتماعی شرکت	مدیریت Ioannou & Serafeim (2012)
مطالعه موردی هشت شرکت لبنانی از صنایع مختلف	اولیه	کیفی	اصول، فرآیندها، پیامدها	تأثیر اجتماعی	اخلاق Jamali & Mirshak (2007)
نمره عملکرد اخلاقی (شصت روش برتر) از طریق پیمایش	اولیه	کیفی	اصول، فرآیندها، پیامدها	تأثیر اجتماعی	اخلاق Jamali (2008)
روش‌ها و پیامدهای شناسایی شده از طریق مصاحبه با ۲۴ شرکت کوچک انگلستانی برنده جایزه	اولیه	کیفی	تعریف با مثال(ها)	عملکرد اجتماعی	اخلاق Jenkins (2006)

مقاله		گویه		سنجش	
Jo & et al (2015)	اخلاق	تأثیر محیط‌زیستی	نمودهای خارجی	کمی	ثانویه
Kang (2013)	مدیریت	مسئولیت اجتماعی شرکت	تأثیر ذی‌نفع	کمی	ثانویه
Kaplan & Grossman (2010)	مدیریت	تأثیر اجتماعی		مفهومی	جریان درآمد طول عمر، سال‌های زندگی تعدیل شده بر اساس کیفیت و شایستگی‌ها (عملکرد کارکنان و حفظ دانشجویان) و تأثیرات مستقیم (کیفیت مدرسه و معیارهای کلی پیشرفت دانشجویی)
Kleine & von Hauff (2009)	اخلاق	تأثیر اجتماعی		توصیفی	مثلث پایداری یکپارچه
Kneiding & Tracey (2009)	اخلاق	عملکرد اجتماعی	تعریف با مثال (ها)	کیفی	اولیه
Kroeger & Weber (2014)	مدیریت	ارزش اجتماعی	متفرقه (کاهش نیاز)	نظری	قضاوت ذهنی پاسخ‌دهندگان از رفاه، مسبب تفاوت بین آرزوها و دستاوردها
Liston-heyas & Ceton (2009)	اخلاق	مسئولیت اجتماعی شرکت		کمی	ثانویه
Manner (2010)	اخلاق	مسئولیت اجتماعی شرکت	اصول، فرآیندها، پیامدها	کمی	ثانویه
Marom (2006)	اخلاق	مسئولیت اجتماعی شرکت	متفرقه (محصولات اجتماعی)	مفهومی	مدل مفهومی تولید محصولات اجتماعی برای ذی‌نفعان مختلف
McGuire & et al (2003)	اخلاق	مسئولیت اجتماعی شرکت	تأثیر ذی‌نفع	کمی	ثانویه
McWilliams & Siegel (2011)	مدیریت	ارزش اجتماعی	نمودهای خارجی	نظری	یک نفع اجتماعی (نمود خارجی) که در صورت فزونی نسبت به هزینه شخصی تولید آن، می‌تواند به مزیت رقابتی پایدار منجر شود.
Murali & et al (2015)	عملیات	تأثیر اجتماعی	تعریف با مثال (ها)	مدل‌سازی	مقدار کل آب موجود و مجموع سطح آبخوان در مدل تجارت آب بین مناطق شهری

مقاله		گویه		سنجش
عملکرد اجتماعی	O'Dwyer (2005)	تأثیر ذی نفع	کیفی	تمرکز بر فرآیند توسعه معیارها
مسئولیت اجتماعی شرکت	Oikonomou & et al (2014)	اصول، فرآیندها، پیامدها	کمی	سه طبقه از بین پنج بعد KLD (تمام مثبت، تمام منفی و مختلط)
عملیات	Ovchinnikov & et al (2014)	تعریف با (مثال ها)	مدل سازی	مصرف انرژی (نسبت به هر واحد و نسبت به هر دلار درآمد)
عملیات	Pagell & Gobeli (2009)	عملکرد محیط زیستی، عملکرد اجتماعی	کمی	تخطی از OSHA (مقیاس شده به وسیله فراوانی بازرسی و تعداد کارکنان) و انتشار TRI (مقیاس شده به وسیله تعداد کارکنان)
عملیات	Peng & Yang (2014)	عملکرد اجتماعی	کمی	سرمایه گذاری (بله یا خیر) روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی
مدیریت	Pitsakis & et al (2015)	تأثیر اجتماعی	کمی	خروجی‌های جانبی (فعالیت‌های پژوهشی جانبی تا مرزی) از ۱۱۳ دانشگاه آمریکا
عملیات	Quariguasi-FrotaNeto & Bloemhof (2012)	تأثیر محیط زیستی	مدل سازی	مصرف انرژی تجمعی باز تولید در برابر تولید بکر تلفن‌های همراه و کامپیوترهای شخصی
کارآفرینی	Randøy & et al (2015)	عملکرد اجتماعی	کمی	مقدار وام، رشد وام یا مشتری‌ها، وام به مشتریان روستایی در بین ۲۹۵ مؤسسه مالی خرد
عملیات	Raz et al. (2013)	تأثیر محیط زیستی	مدل سازی	مصرف انرژی و استفاده از مواد (تولید و استفاده)
اخلاق	Renouard (2011)	مسئولیت اجتماعی شرکت	مفهومی	مثال‌هایی شامل ظرفیت ارتباطی فردی، توانمندسازی جمعی و کیفیت ارتباط بین جوامع و درون جوامع
بازاری	Romijn & Caniels (2011)	تأثیر اجتماعی	کیفی	مثال‌هایی شامل اختلال فرهنگی، تخریب اقتصادی، جابه‌جایی جمعی و استفاده از انرژی
اخلاق	Salazar & et al (2012)	تأثیر اجتماعی، عملکرد اجتماعی	کمی	کاهش زمان یا هزینه ساخت و ساز، افزایش رفاه (پس‌انداز، متراژ مسکن، بهداشت، پیوندهای جمعی و توسعه اعتبار) ناشی از وام‌های خرد ساخت و ساز مسکن

سنجش		گویه		مقاله	
رتبه‌بندی‌های عملکرد شرکت درباره کارکنان، حکمرانی شرکتی، مدیریت محیط‌زیستی، مسئولیت‌پذیری محصول و مشتری و جامعه و اجتماع	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	مسئولیت اجتماعی شرکت	Schreck (2011)
نگاه منفعت‌گرایانه مبنی بر اینکه مسئولیت اجتماعی شرکت، فارغ از حیث التفاتی، از پیامدها نشأت می‌گیرد.		نظری	نمودهای خارجی	عملکرد اجتماعی	Schuler & Cording (2006)
ظرفیت شرکت برای ایجاد اعتماد و وفاداری به وسیله کارکنان، مشتریان و جامعه خود (اجتماعی)؛ تأثیر شرکت بر سیستم‌های طبیعی زنده و غیر زنده (محیط‌زیستی)	ثانویه	کمی		مسئولیت اجتماعی شرکت، عملکرد محیط‌زیستی	Shaukat & et al (2016)
رعایت قانون سرمایه‌گذاری مجدد اجتماعی توسط بانک	ثانویه	کمی	نمودهای خارجی	عملکرد اجتماعی	Simpson & Kohers (2002)
مشارکت (بله یا خیر) در پیمان جهانی سازمان ملل متحد با طرح GRI	ثانویه	کمی	تأثیر ذی‌نفع	مسئولیت اجتماعی شرکت	Soleimani & et al (2014)
رتبه‌بندی شاخص شهرت شرکت‌های Fortune (عملکرد اجتماعی) و انتشار آلاینده‌های شرکت (عملکرد محیط‌زیستی)	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	عملکرد محیط‌زیستی، عملکرد اجتماعی	Stanwick & Stanwick (1998)
پیامدهای مفید تجربه‌شده توسط کسانی که موجب شروع تغییر نشدند.		مفهومی	نمودهای خارجی	مسئولیت اجتماعی شرکت	Stephan & et al (2016)
انرژی، مواد، بسته‌بندی و زائدات		مدل‌سازی	تعریف با مثال(ها)	تأثیر محیط‌زیستی	Stuart & et al (1999)
کاهش فقر به عنوان ارزش اقتصادی و حل تعارض در صنعت قهوه رواندا	اولیه	کمی		ارزش اجتماعی	Tobias & et al (2013)
تغییر در معیشت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی قهوه‌کاران نیکاراگوئه، سازمان‌ها، محیط طبیعی، سیاست‌های سطح کلان و شانس موفقیت طرح‌های تجارت منصفانه در آینده	اولیه	کیفی	نمودهای خارجی	تأثیر اجتماعی	Utting (2009)

سنجش		گویه		مقاله	
نقاط قوت و دغدغه‌های KLD، همچنین ابعاد تفکیک شده هفت‌گانه	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	مسئولیت اجتماعی شرکت	Van der Laan & et al (2008)
مواد منتشره توسط وسایل نقلیه	ثانویه	مدل‌سازی	نمودهای خارجی	تأثیر محیط‌زیستی	Van Woensel & et al (2001)
نقاط قوت و دغدغه‌های تفکیک شده KLD، سنجه دودویی نوآوری اجتماعی KLD	ثانویه	کمی	اصول، فرآیندها، پیامدها	مسئولیت اجتماعی شرکت	Wagner (2010)
مثال‌های تبیین شده از مطالعه موردی هشت شرکت روش‌های زنجیره تأمین پایدار پیشرو - شناسایی شده به صورت روایتی	اولیه	کیفی		تأثیر محیط‌زیستی، تأثیر اجتماعی	Wu & Pagell (2011)
مثال‌هایی درباره ارزش اجتماعی که نیاز به تحقیقات آتی دارند.		مفهومی	تعریف با مثال(ها)	تأثیر اجتماعی، ارزش اجتماعی	Zahra & Wright (2016)

### پی‌نوشت

۱. سازمان‌های کارآفرین اجتماعی با مأموریت وارد کردن یا بازگرداندن افراد آسیب‌پذیر به بازار کار (مترجم).
۲. داده‌های نامطلوبی که داده‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا به نوعی موجب اختلال در درک پدیده می‌شود (مترجم).



## منابع

1. Aerts, K., & Schmidt, T. (2008). Two for the price of one? Additionality effects of R&D subsidies: A comparison between Flanders and Germany. *Research Policy*, 37(5), 806–822.
2. Agle, B. R., Donaldson, T., Freeman, R. E., Jensen, M. C., Mitchell, R. K., & Wood, D. J. (2008). Dialogue: Toward superior stakeholder theory. *Business Ethics Quarterly*, 18(2), 153–190.
3. Agle, B. R., & Kelley, P. C. (2001). Ensuring validity in the measurement of corporate social performance: Lessons from corporate United Way and PAC campaigns. *Journal of Business Ethics*, 31(3), 271–284.
4. Agrawal, V. V., Ferguson, M., Toktay, L. B., & Thomas, V. M. (2012). Is leasing greener than selling? *Management Science*, 58(3), 523–533.
5. Agrawal, V. V., & Ulku, S. (2013). The role of modular upgradability as a green design strategy. *Manufacturing & Service Operations Management*, 15(4), 640–648.
6. Atasu, A., & Souza, G. C. (2013). How does product recovery affect quality choice? *Production and Operations Management*, 22(4), 991–1010.
7. Austin, J., Stevenson, H., & Wei-Skillern, J. (2006). Social and commercial entrepreneurship: Same, different, or both? *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30(1), 1–22.
8. B Labs - Our History. (2013). B corporation. Retrieved <http://www.bcorporation.net/what-are-b-corps/the-non-profit-behind-b-corps/our-history>
9. Bacharach, S. B. (1989). Organizational theories: Some criteria for evaluation. *Academy of Management Review*, 14(4), 496–515.
10. Bae, T. J., Qian, S., Miao, C., & Fiet, J. O. (2014). The relationship between entrepreneurship education and entrepreneurial intentions: A meta-analytic review. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(2), 217–254.
11. Bai, G. (2013). How do board size and occupational background of directors influence social performance in for-profit and non-profit organizations? Evidence from California hospitals. *Journal of Business Ethics*, 118(1), 171–187.
12. Bakker, F. G. A. D., Groenewegen, P., & Hond, F. D. (2005). A bibliometric analysis of 30 years of research and theory on corporate social responsibility and corporate social performance. *Business & Society*, 44(3), 283–317.
13. Baron, R. A., & Ensley, M. D. (2006). Opportunity recognition as the detection of meaningful patterns: Evidence from comparisons of novice and experienced entrepreneurs. *Management Science*, 52(9), 1331–1344.
14. Bartling, B., Weber, R. A., & Yao, L. (2015). Do markets erode social responsibility? *Quarterly Journal of Economics*, 130(1), 219–266.
15. Battilana, J., & Dorado, S. (2010). Building sustainable hybrid organizations: The case of commercial microfinance organizations. *Academy of Management Journal*, 53, 1419–1440.
16. Battilana, J., Sengul, M., Pache, A., & Model, J. (2015). Harnessing productive tensions in hybrid organizations: The case of work integration social enterprises. *Academy of Management Journal*, 58(6), 1658–1685.
17. Bermis, Y. S., Zajac, E. J., & King, B. G. (2013). Under construction: How commensuration and management fashion affect corporate reputation rankings. *Organization Science*, 25(2), 591–608.
18. Berrone, P., Cruz, C., Gomez-Mejia, L. R., & Larrazza-Kintana, M. (2010). Socioemotional wealth and corporate responses to institutional pressures: Do family-

- controlled firms pollute less? *Administrative Science Quarterly*, 55(1), 82–113.
20. Boulouta, I. (2013). Hidden connections: The link between board gender diversity and corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 113(2), 185–197.
21. Brammer, S., & Pavelin, S. (2006). Corporate reputation and social performance: The importance of fit. *Journal of Management Studies*, 43(3), 435–455.
22. Brickson, S. (2007). Organizational identity orientation: The genesis of the role of the firm and distinct forms of social value. *The Academy of Management Review*, 32(3), 864–888.
23. Bruyat, C., & Julien, P. A. (2001). Defining the field of research in entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 16(2), 165–180.
24. Cabral, S., Lazzarini, S. G., & Azevedo, P. F. d.e. (2009). Private operation with public supervision: Evidence of hybrid modes of governance in prisons. *Public Choice*, 145(1–2), 281–293.
25. Casselman, R. M., Sama, L. M., & Stefanidis, A. (2015). Differential social performance of religiously affiliated microfinance institutions (MFIs) in Base of Pyramid (BOP) markets. *Journal of Business Ethics*, 132(3), 539–552.
26. Castaldo, S., Perrini, F., Misani, N., & Tencati, A. (2008). The missing link between corporate social responsibility and consumer trust: The case of fair trade products. *Journal of Business Ethics*, 84(1), 1–15.
27. Chen, C. M., & Delmas, M. (2011). Measuring corporate social performance: An efficiency perspective. *Production and Operations Management*, 20(6), 789–804.
28. ----- (2012). Measuring eco-inefficiency: A new frontier approach. *Operations Research*, 60(5), 1064–1079.
29. Chen, J., Patten, D. M., & Roberts, R. (2008). Corporate charitable contributions: A corporate social performance or legitimacy strategy? *Journal of Business Ethics*, 82(1), 131–144.
30. Choi, N., & Majumdar, S. (2014). Social entrepreneurship as an essentially contested concept: Opening a new avenue for systematic future research. *Journal of Business Venturing*, 29(3), 363–376.
31. Corner, P. D., & Ho, M. (2010). How opportunities develop in social entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 635–659.
32. Covin, J. G., & Wales, W. J. (2012). The measurement of entrepreneurial orientation. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(4), 677–702.
33. Crilly, D., Ni, N., & Jiang, Y. (2016). Do-no-harm versus do-good social responsibility: Attributional thinking and the liability of foreignness. *Strategic Management Journal*, 37(7), 1316–1329.
34. Cuesta-Gonzalez, M., de la, Munoz-Torrez, M. J., & Fernandez-Izquierdo, M. A. (2006). Analysis of social performance in the Spanish financial industry through public data: A proposal. *Journal of Business Ethics*, 69(3), 289–304.
35. Cumming, D., & Johan, S. (2007). Socially responsible institutional investment in private equity. *Journal of Business Ethics*, 75(4), 395–416.
36. Dacin, M. T., Dacin, P. A., & Tracey, P. (2011). Social entrepreneurship: A critique and future directions. *Organization Science*, 22(5), 1203–1213.
37. Dacin, P. A., Dacin, M. T., & Matear, M. (2010). Social entrepreneurship: Why we don't need a new theory and how we move forward from here. *The Academy of Management Perspectives*, 24(3), 37–57.

## منابع

38. Datta, P. B., & Gailey, R. (2012). Empowering women through social entrepreneurship: Case study of a women's cooperative in India. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(3), 569–587.
39. David, R. J., & Han, S. K. (2004). A systematic assessment of the empirical support for transaction cost economics. *Strategic Management Journal*, 25(1), 39–58.
40. Davidsson, P., & Gordon, S. R. (2012). Panel studies of new venture creation: A methods-focused review and suggestions for future research. *Small Business Economics*, 39(4), 853–876.
41. Davidsson, P., & Wiklund, J. (2001). Levels of analysis in entrepreneurship research: Current research practice and suggestions for the future. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 25(4), 81.
42. Dees, J. G. (1998). Enterprising nonprofits. *Harvard Business Review*, 76(1), 55–67.
43. Desouza, K. C., & Smith, K. L. (2014). Big data for social innovation. *Stanford Social Innovation Review*, 12(3), 38–43.
44. Di Domenico, M., Haugh, H., & Tracey, P. (2010). Social bricolage: Theorizing social value creation in social enterprises. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 681–703.
45. Di Norcia, V. (1996). Environmental and social performance. *Journal of Business Ethics*, 15(7), 773–784.
46. Dillenburg, S., Greene, T., & Erikson, H. (2003). Approaching socially responsible investment with a comprehensive ratings scheme: Total social impact\*. *Journal of Business Ethics*, 43(3), 167–177.
47. Dobson, P. W., & Gerstner, E. (2010). For a few cents more: Why supersize unhealthy food? *Marketing Science*, 29(4), 770–778.
48. Duflo, E., Dupas, P., & Kremer, M. (2011). Peer effects, teacher incentives, and the impact of tracking: Evidence from a randomized evaluation in Kenya. *The American Economic Review*, 101(5), 1739–1774.
49. Duflo, E., Glennerster, R., & Kremer, M. (2007). Using randomization in development economics research: A toolkit (Chapter 61). In T. P. S. and J. A. Strauss (Eds.), *Handbook of development economics*, (Vol. 4, pp. 3895–3962). Amsterdam: Elsevier.
50. Dutt, N., Hawn, O., Vidal, E., Chatterji, A. K., McGahan, A. M., & Will Mitchell. (2016). How open system intermediaries address institutional failures: The case of business incubators in emerging market countries. *Academy of Management Journal*, 59(3), 818–840.
51. Emerson, J. (2003). The blended value proposition: Integrating social and financial results. *California Management Review*, 45(4), 35–51.
52. Espeland, W. N., & Sauder, M. (2007). Rankings and reactivity: How public measures recreate social worlds. *American Journal of Sociology*, 113(1), 1–40.
53. Espeland, W. N., & Stevens, M. L. (1998). Commensuration as a social process. *Annual Review of Sociology*, 24(1), 313–343.
54. Fiedler, S., Glockner, A., Nicklisch, A., & Dickert, S. (2013). Social Value Orientation and information search in social dilemmas: An eye-tracking analysis. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 120(2), 272–284.
55. Field, E., Jayachandran, S., & Pande, R. (2010). Do traditional institutions constrain female entrepreneurship? A field experiment on business training in India. *The American Economic Review*, 100(2), 125–129.

## منابع

56. Galbreth, M. R., Boyaci, T., & Verter, V. (2013). Product reuse in innovative industries. *Production and Operations Management*, 22(4), 1011–1033.
57. Gauthier, C. (2005). Measuring corporate social and environmental performance: The extended lifecycle assessment. *Journal of Business Ethics*, 59(1–2), 199–206.
58. Goh, J. M., Gao, G., & Agarwal, R. (2016). The creation of social value: Can an online health community reduce rural–urban health disparities? *MIS Quarterly*, 40(1), 247–263.
59. Grimes, M. (2010). Strategic sensemaking within funding relationships: The effects of performance measurement on organizational identity in the social sector. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 763–783.
60. Hall, M., Millo, Y., & Barman, E. (2015). Who and what really counts? Stakeholder prioritization and accounting for social value. *Journal of Management Studies*, 52(7), 907–934.
61. Herbig, P., Milewicz, J., & Golden, J. (1994). A model of reputation building and destruction. *Journal of Business Research*, 31(1), 23–31.
62. Husted, B. W., & de J. Salazar, J. (2006). Taking Friedman seriously: Maximizing profits and social performance. *Journal of Management Studies*, 43(1), 75–91.
63. Igalens, J., & Gond, J. P. (2005). Measuring corporate social performance in France: A critical and empirical analysis of ARESE data. *Journal of Business Ethics*, 56(2), 131–148.
64. Ioannou, I., & Serafeim, G. (2012). What drives corporate social performance? The role of nation-level institutions. *Journal of International Business Studies*, 43(9), 834–864.
65. Izzo, D. (2013). Aligning interests in impact investing. *Stanford Social Innovation Review*. Retrieved from
66. [http://www.ssireview.org/blog/entry/aligning\\_interests\\_in\\_impact\\_investing](http://www.ssireview.org/blog/entry/aligning_interests_in_impact_investing)
67. Jamali, D. (2008). A stakeholder approach to corporate social responsibility: A fresh perspective into theory and practice. *Journal of Business Ethics*, 82(1), 213–231.
68. Jamali, D., & Mirshak, R. (2007). Corporate social responsibility (CSR): Theory and practice in a developing country context. *Journal of Business Ethics*, 72(3), 243–262.
69. Jenkins, H. (2006). Small business champions for corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 67(3), 241–256.
70. Jo, H., Kim, H., & Park, K. (2015). Corporate environmental responsibility and firm performance in the financial services sector. *Journal of Business Ethics*, 131(2), 257–284.
71. Kang, J. (2013). The relationship between corporate diversification and corporate social performance. *Strategic Management Journal*, 34(1), 94.
72. Kania, J., & Kramer, M. (2011). Collective impact. *Stanford Social Innovation Review*, 9(4), 36–41.
73. Kaplan, R. S., & Grossman, A. S. (2010). The emerging capital market for nonprofits. *Harvard Business Review*, 88(10), 110–118.
74. Kent, D., & Dacin, M. T. (2013). Bankers at the gate: Microfinance and the high cost of borrowed logics. *Journal of Business Venturing*, 28(6), 759–773.
75. Kerlinger, F. N., & Lee, H. B. (2000). *Foundations of behavioral research*. Fort Worth, TX: Harcourt College Publishers.

76. Kirchoff, B. A., Newbert, S. L., Hasan, I., & Armington, C. (2007). The influence of university R & D expenditures on new business formations and employment growth. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31(4), 543–559.
77. Kleine, A., & von Hauff, M. (2009). Sustainability-driven implementation of corporate social responsibility: Application of the integrative sustainability triangle. *Journal of Business Ethics*, 85, 517–533.
78. Kneiding, C., & Tracey, P. (2009). Towards a performance measurement framework for community development finance institutions in the UK. *Journal of Business Ethics*, 86(3), 327–345.
79. Kroeger, A., & Weber, C. (2014). Developing a conceptual framework for comparing social value creation. *Academy of Management Review*, 39(4), 513–540.
80. Lingane, A., & Olsen, S. (2004). Guidelines for social return on investment. *California Management Review*, 46(3), 116–135.
81. Liston-heyas, C., & Ceton, G. (2009). An investigation of real versus perceived CSP in S&P-500 firms. *Journal of Business Ethics*, 89(2), 283–296.
82. Lowell, S., Trelstad, B., & Meehan, B. (2005). The ratings game. *Stanford Social Innovation Review*, 3(2), 38–45.
83. Lumpkin, G. T., Moss, T. W., Gras, D. M., Kato, S., & Amezcua, A. S. (2011). Entrepreneurial processes in social contexts: How are they different, if at all? *Small Business Economics*, 40(3), 761–783.
84. Lyon, F., & Fernandez, H. (2012). Strategies for scaling up social enterprise: Lessons from early years providers. *Social Enterprise Journal*; Bingley, 8(1), 63–77.
85. Mair, J., & Marti, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of World Business*, 41, 36–44.
86. Manner, M. H. (2010). The impact of CEO characteristics on corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 93, 53–72.
87. Marom, I. Y. (2006). Toward a unified theory of the CSP–CFP link. *Journal of Business Ethics*, 67(2), 191–200.
88. McGuire, J., Dow, S., & Argheyd, K. (2003). CEO incentives and corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 45(4), 341–359.
89. McWilliams, A., & Siegel, D. S. (2011). Creating and capturing value: Strategic corporate social responsibility, resource-based theory, and sustainable competitive advantage. *Journal of Management*, 37(5), 1480–1495.
90. Miller, T. L., Grimes, M., McMullen, J., & Vogus, T. J. (2012). Venturing for others with heart and head: How compassion encourages social entrepreneurship. *Academy of Management Review*, 37(4), 616–640.
91. Miller, T. L., & Wesley II, C. L. (2010). Assessing mission and resources for social change: An organizational identity perspective on social venture capitalists' decision criteria. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 705–733.
92. Milligan, K., & Schoening, M. (2011). Taking a realistic approach to impact investing: Observations from the world economic forum's global agenda council on social innovation. *Innovations: Technology, Governance, Globalization*, 6(3), 155–166.
93. Moore, G. (2004). The fair trade movement: Parameters, issues and future research. *Journal of Business Ethics*, 53(1), 73–86.
94. Moss, T. W., Neubaum, D. O., & Meyskens, M. (2015). The effect of virtuous and entrepreneurial orientations on microfinance lending and repayment: A signaling theory perspective. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(1), 27–52.

95. Moss, T. W., Short, J. C., Payne, G. T., & Lumpkin, G. T. (2011). Dual identities in social ventures: An exploratory study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(4), 805–830.
96. Murali, K., Lim, M. K., & Petruzzi, N. C. (2015). Municipal groundwater management: Optimal allocation and control of a renewable natural resource. *Production and Operations Management*, 24(9), 1453–1472.
97. Newbert, S. L. (2007). Empirical research on the resource-based view of the firm: An assessment and suggestions for future research. *Strategic Management Journal*, 28(2), 121–146.
98. Nicholls, A. (2008). Capturing the performance of the socially entrepreneurial organisation (SEO): An organisational legitimacy approach. In J. Robinson, J. Mair & K. Hockerts (Eds.), *International perspectives on social entrepreneurship research: 27–74*. London: Palgrave Macmillan.
99. Nicholls, A. (2009). “We do good things, don’t we?”: “Blended Value Accounting” in social entrepreneurship. *Accounting, Organizations and Society*, 34(6–7), 755–769.
100. O’Dwyer, B. (2005). The construction of a social account: A case study in an overseas aid agency. *Accounting, Organizations and Society*, 30(3), 279–296.
101. Oikonomou, I., Brooks, C., & Pavelin, S. (2014). The financial effects of uniform and mixed corporate social performance. *The Journal of Management Studies*, 51(6), 898–925.
102. Ovchinnikov, A., Blass, V., & Raz, G. (2014). Economic and environmental assessment of remanufacturing strategies for product + service firms. *Production and Operations Management*, 23(5), 744–761.
103. Pagell, M., & Gobeli, D. (2009). How plant managers’ experiences and attitudes toward sustainability relate to operational performance. *Production and Operations Management*, 18(3), 278–299.
104. Peng, C., & Yang, M. (2014). The effect of corporate social performance on financial performance: The moderating effect of ownership concentration. *Journal of Business Ethics*, 123(1), 171–182.
105. Peredo, A., & Mclean, M. (2006). Social entrepreneurship: A critical review of the concept. *Journal of World Business*, 41, 56–65.
106. Perry, J. T., Chandler, G. N., & Markova, G. (2012). Entrepreneurial effectuation: A review and suggestions for future research. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(4), 837–861.
107. Pitsakis, K., Souitaris, V., & Nicolaou, N. (2015). The peripheral halo effect: Do academic spinoffs influence universities’ research income? *Journal of Management Studies*, 52(3), 321–353.
108. Quariguasi-Frota-Neto, J., & Bloemhof, J. (2012). An analysis of the eco-efficiency of remanufactured personal computers and mobile phones. *Production and Operations Management*, 21(1), 101–114.
109. Randøy, T., Strøm, R. Ø., & Mersland, R. (2015). The impact of entrepreneur-CEOs in microfinance institutions: A global survey. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(4), 927–953.
110. Rauch, A., Frese, M., & Utsch, A. (2005). Effects of human capital and long-term human resources development and utilization on employment growth of small-scale businesses: a causal analysis. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(6), 681–698.

## منابع

111. Rawhouser, H., Cummings, M. E., & Marcus, A. (forthcoming). Sustainability standards and stakeholder engagement: Lessons from carbon markets. *Organization & Environment*.
112. Raz, G., Druehl, C. T., & Blass, V. (2013). Design for the environment: Life-cycle approach using a newsvendor model. *Production and Operations Management*, 22(4), 940–957.
113. Renouard, C. (2011). Corporate social responsibility, utilitarianism, and the capabilities approach. *Journal of Business Ethics*, 98(1), 85–97.
114. Reynolds, P. D., & White, S. B. (1997). *The entrepreneurial process: Economic growth, men, women, and minorities*. Greenwich, CT: Greenwood Books.
115. Romijn, H. A., & Canie`ls, M. (2011). The Jatropha biofuels sector in Tanzania 2005–2009: Evolution towards sustainability? *Research Policy*, 40(4), 618–636.
116. Rousseau, D. M. (1985). Issues of level in organizational research: Multi-level and cross-level perspectives. *Research in Organizational Behavior*, 7(1), 1–37.
117. Salazar, J., de, J., Husted, B. W., & Biehl, M. (2012). Thoughts on the evaluation of corporate social performance through projects. *Journal of Business Ethics*, 105(2), 175–186.
118. Santos, F. (2012). A positive theory of social entrepreneurship. *Journal of Business Ethics*, 111, 335–351.
119. Schreck, P. (2011). Reviewing the business case for corporate social responsibility: New evidence and analysis. *Journal of Business Ethics*, 103(2), 167–188.
120. Schuler, D. A., & Cording, M. (2006). A corporate social performance-corporate financial performance behavioral model for consumers. *The Academy of Management Review*, 31(3), 540–558.
121. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University Press.
122. Shaukat, A., Qiu, Y., & Trojanowski, G. (2016). Board attributes, corporate social responsibility strategy, and corporate environmental and social performance. *Journal of Business Ethics*, 135(3), 569–585.
123. Short, J. C., Moss, T. W., & Lumpkin, G. T. (2009). Research in social entrepreneurship: Past contributions and future opportunities. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 3(2), 161–194.
124. Simpson, W. G., & Kohers, T. (2002). The link between corporate social and financial performance: Evidence from the banking industry. *Journal of Business Ethics*, 35(2), 97–109.
125. Slotte-Kock, S., & Coviello, N. (2010). Entrepreneurship research on network processes: A review and ways forward. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(1), 31–57.
126. Soleimani, A., Schneper, W. D., & Newburry, W. (2014). The impact of stakeholder power on corporate reputation: A cross-country corporate governance perspective. *Organization Science*, 25(4), 991–1008.
127. Stanwick, P. A., & Stanwick, S. D. (1998). The relationship between corporate social performance and organizational size, financial performance, and environmental performance: An empirical examination. *Journal of Business Ethics*, 17(2), 195–204.
128. Stephan, U., Patterson, M., Kelly, C., & Mair, J. (2016). Organizations driving positive social change a review and an integrative framework of change processes. *Journal of Management*, 42(5), 1250–1281.

## منابع

129. Stevens, R., Moray, N., & Bruneel, J. (2015). The social and economic mission of social enterprises: Dimensions, measurement, validation, and relation. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(5), 1051–1082.
130. Stuart, J. A., Ammons, J. C., & Turbini, L. J. (1999). A product and process selection model with multidisciplinary environmental considerations. *Operations Research*, 47(2), 221–234.
131. Tobias, J. M., Mair, J., & Barbosa-Leiker, C. (2013). Toward a theory of transformative entrepreneuring: Poverty reduction and conflict resolution in Rwanda's entrepreneurial coffee sector. *Journal of Business Venturing*, 28(6), 728–742.
132. Utting, K. (2009). Assessing the impact of fair trade coffee: Towards an integrative framework. *Journal of Business Ethics*, 86, 127–149.
133. Van der Laan, G., Van Ees, H., & Van Witteloostuijn, A. (2008). Corporate social and financial performance: An extended stakeholder theory, and empirical test with accounting measures. *Journal of Business Ethics*, 79(3), 299–310.
134. Van Woensel, T., Creten, R., & Vandaele, N. (2001). Managing the environmental externalities of traffic logistics: The issue of emissions. *Production and Operations Management*, 10(2), 207–223.
135. Wagner, M. (2010). Corporate social performance and innovation with high social benefits: A quantitative analysis. *Journal of Business Ethics*, 94(4), 581–594.
136. Weick, K. E. (1989). Theory construction as disciplined imagination. *The Academy of Management Review*, 14(4), 516–531.
137. Wood, D. J. (1991). Corporate social performance revisited. *Academy of Management Review*, 16(4), 691–718.
138. Wu, Z., & Pagell, M. (2011). Balancing priorities: Decision-making in sustainable supply chain management. *Journal of Operations Management*, 29(6), 577–590.
139. Zaheer, S., Albert, S., & Zaheer, A. (1999). Time scales and organizational theory. *The Academy of Management Review*, 24(4), 725–741.
140. Zahra, S. A., & Wright, M. (2016). Understanding the social role of entrepreneurship. *The Journal of Management Studies*, 53(4), 610.





## گفت‌وگو



« حسین ایمانی جاجرمی »

دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

ارزیابی تاثیرات اجتماعی باید صدای مردم باشد  
گفت‌وگو: شیده لالمی



گفتگو با «حسین ایمانی جاجرمی»  
دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

## ارزیابی تاثیرات اجتماعی باید صدای مردم باشد

گفتگو: شیده لالمی

بیش از یک دهه از آغاز ارزیابی تاثیرات اجتماعی (اتا) در ایران می‌گذرد. تعدادی از سازمان‌های دولتی و عمومی برای شکل‌گیری فعالیت‌ها و اقدامات اولیه در این حوزه پیشگام بودند و پژوهشگرانی از حوزه‌های علوم اجتماعی به آنها پیوستند تا ایده و ضرورت تهیه پیوسته‌های اجتماعی برای اقدامات توسعه‌ای، در ساختار مدیریتی و برنامه‌ریزی کشور جایی برای خود باز کند. حال پرسش کلیدی این است که این دهه چگونه گذشته و چه دستاوردهایی در این بخش حاصل شده است؟ چشم‌انداز آینده چیست و چگونه می‌توان توجه به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی اقدامات توسعه‌ای را که مستقیم با زندگی مردم در ارتباط و بر آن تاثیرگذار است از حد ضرورت و توصیه فراتر برد و در سطح کشوری به ضوابط قانونی و لازم‌الاجرا تبدیل کرد. این‌ها و بیشتر از اینها، پرسش‌هایی است که با دکتر حسین ایمانی جاجرمی مطرح کرده‌ایم.

حسین ایمانی جاجرمی دانش‌آموخته کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد است و در سال ۱۳۶۹ به عنوان دانشجوی ممتاز آن دانشگاه مورد تقدیر قرار گرفته است و در دهه ۱۳۷۰ به ترتیب دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی را در دانشگاه تهران گذرانده است.

از همان دوران دانشجویی به فعالیت‌های پژوهشی پرداخت و در نخستین تجربه کاری خود پروژه ارزیابی عملکرد خانه‌های همیار روستایی را برای معاونت امور اجتماعی وزارت جهاد سازندگی انجام داد. یکسال بعد به مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور پیوست و در چند طرح تحقیقاتی مانند ارزیابی مراکز پژوهشی شهرداری‌ها و استانداری‌ها، تدوین استانداردهای حفاظت شهرها در برابر حریق، تالیف کتاب‌های آموزشی شهرداری‌ها و الگوهای مشارکت شهروندان در اداره

امور شهرها همکاری داشت. او تجربه ریاست مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، مدیر کل تحقیقات و آموزش کاربردی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، عضویت هیات مدیره شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید و ریاست موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران را هم دارد. در همین حال از کارهای مدنی هم غافل نبوده و به عنوان عضو هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران و عضو شورایی دوره چهارم شهرک اکباتان به فعالیت‌های داوطلبانه پرداخته است. ایمانی جاجرمی از نخستین کسانی است که در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی پژوهش کرده و در رشته جدید توسعه محلی در مقطع کارشناسی ارشد تدریس آن را در گروه مطالعات توسعه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی شروع کرده است. به نظر او ارزیابی تأثیرات اجتماعی را می‌توان ابرازی مهم در کمک به تصمیم‌گیری‌های بهینه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دانست و در بهترین شکل خود با مشارکت ذینفعان انجام می‌گیرد. ایمانی جاجرمی اکنون دانشیار مطالعات توسعه اجتماعی در دانشگاه تهران است.

آقای ایمانی جاجرمی! ارزیابی تأثیرات اجتماعی، زمانی که وارد ایران شد و مورد توجه قرار گرفت، در میان مجموع امتیازهایش، یک ویژگی جذاب و متمایز داشت و آن اینکه پژوهش‌های اتاف در روش، اجرا و نتیجه، رویکردی جامعه‌محور داشتند. قرار بود به پرسش‌هایی مانند این پاسخ دهند که اقدامات و تصمیم‌های توسعه‌ای، چه تأثیر مشخصی بر زندگی مردم دارد. این در شرایطی بود که تجربه پیشینی نشان می‌داد که در جریان اجرای بسیاری از طرح‌ها، مردم به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی نادیده گرفته شده یا تأثیرات اجرای پروژه‌ها بر زندگی آنها کم‌اهمیت تلقی شده بود. شاید همین پیش‌زمینه باعث شد که توجه به پیوست اجتماعی و فرهنگی در کانون توجه قرار بگیرد. شهرداری تهران به این حوزه وارد شد و تعداد پروژه‌های ارزیابی تأثیرات در حوزه شهری، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. بیش از یک دهه از آغاز این تجربه در ایران گذشته، شما یکی از افرادی بودید که در حوزه سیاست‌گذاری و همچنین اجرا و نظارت طرح‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فعال بوده‌اید. فرآیندی که در حوزه اتا و انجام مطالعات آن گذشت، در نهایت منجر به تغییر و تأثیر در زندگی مردم شد؟

ابتدا بگویم که من اطلاعات خودم را می‌گویم؛ یعنی درباره همه پروژه‌ها نظر نمی‌دهم. شما وقتی به ادبیات ارزیابی تأثیرات نگاه کنید، آنجا هدف اصلی، کمک به تصمیم‌گیری عنوان شده است؛ یعنی ارزیابی تأثیرات در واقع

ابزاری است برای مدیران تا بتوانند تصمیماتی بگیرند که خساراتش کم و سودمندی‌هایش زیاد باشد و از آن طرف بتواند رضایت مردم را جلب و پیش‌بینی کند که چه اتفاقاتی می‌افتد. در واقع یکی از ابزارهای پژوهشی است که مدیران می‌توانند در اختیار داشته باشند. این یک دیدگاه درباره اتاف [ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی] است. شما در همان ادبیات، خیلی ضعیف می‌توانید رگه‌هایی را پیدا کنید که ارزیابی تأثیرات اجتماعی اتفاقاً می‌آید و طرف مردم قرار می‌گیرد. بنابراین برخلاف آنچه دسته اول می‌گویند که اتاف، ابزاری برای مدیران است، دسته دیگری معتقدند که این ابزاری است برای مردم که وقتی با یک اقدام مداخله‌ای و توسعه‌ای مواجه می‌شوند که زندگی و کسب‌وکارشان را تهدید می‌کند و آنها نمی‌دانند قرار است چه اتفاقی بیفتد، از این روش استفاده می‌کنند. یک نفر ارزیاب را به خدمت می‌گیرند و از او می‌خواهند که تأثیرات را برآورد کند و از نتیجه این ارزیابی به عنوان سند حقوقی استفاده می‌کنند. مثلاً در آمریکا، نتایج گزارش‌های ارزیابی تأثیرات را در محاکم قضایی به عنوان سند قبول کرده‌اند. مردم می‌توانند با این گزارش‌ها از منافعشان دفاع کنند و برای مثال در دادگاه اثبات کنند که فلان تصمیم چقدر می‌تواند به آنها ضرر بزند. در مقابل کسی که حامی پروژه است باید در برابر این ادعاها و انتقادهای مردم از خودش دفاع کند. بنابراین می‌بینید که این گزارش‌ها می‌تواند جای افراد را عوض کند.

مسئله‌ای که ما در ایران داریم این است که ارزیابی تأثیرات اجتماعی عمدتاً در حوزه بوروکراسی دولتی تعریف شده است و این مسئله بسیار مهمی است. چون دولت (به معنای عام آن) است که تصمیم می‌گیرد برای چه پروژه‌هایی، اتاف تعریف کند یا نکند. بنابراین بعضی جاها می‌تواند چشمانش را ببندد. یک نمونه آن درباره ساخت مال‌هاست. هیچ‌یک از مال‌هایی که در دهه‌های اخیر در ایران ساخته شد، گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی نداشت، در حالی که زندگی و کسب‌وکار مردم را در حوزه بلافصل و پیرامونشان به شدت تحت تأثیر قرار داد. الان به طور مشخص می‌توان در تجربه‌های اکباتان، کوروش و پالادیوم، تأثیر منفی مال‌سازی را مشاهده کرد. مال‌سازی در این مناطق، مردم اطراف را بیچاره و زندگی روزمره‌شان را مختل کرده است و هیچ راه‌کاری هم برای جبران پیش‌بینی نشده است و کسی هم پاسخگو نیست. سازندگان خودشان را محق می‌دانند و می‌گویند ما از شهرداری طبق ضوابط قانونی، پروانه ساخت گرفته‌ایم و در چهارچوب کاری و قانونی خودمان درست عمل کرده‌ایم. اتفاقاً اصل مسئله همین جاست؛ اینکه همه افراد اغلب در همان چهارچوب‌های خودشان فکر می‌کنند و

به تأثیر اقداماتشان بر محیط پیرامون کاری ندارند و اینجاست که مشکلات شروع می‌شود.

### در واقع اینجا بحث مسئولیت اجتماعی پیش می‌آید...

دقیقاً. یکی از بحث‌ها می‌تواند همین باشد. یک نمونه دیگر آن را الان باز در شهرک اکباتان می‌توان دید: «مسئله بیمارستان صارم و توسعه آن». بیمارستان می‌خواهد خودش را توسعه بدهد، اما مردم با این مسئله مشکل دارند. توسعه بیمارستان در حوزه خودش اقدام و تصمیم درستی است؛ برای اینکه بیمارستان به هر حال مکانی برای ارائه خدمات عمومی است. اما از آن طرف مردم هم حرف‌هایی دارند که باید شنیده شود. مردم می‌گویند زمینی که به بیمارستان صارم داده شده که در آن بخش فوق تخصصی ملی ساخته شود، متعلق به شهرک اکباتان است و قرار بوده که در این زمین بیمارستانی برای ارائه خدمات به اهالی اکباتان ساخته شود، اما الان کار سمت و سوی دیگری گرفته است. مردم می‌گویند قرار است در این محدوده، مرکز تروماسنتر راه‌اندازی شود و با فعالیت چنین مرکزی، پرواز هلی کوپترها سلب آسایش می‌کند و قرار نبوده که ما در کنار تروماسنتر زندگی کنیم و شاید از ابتدا می‌دانستیم، چنین تصمیمی نمی‌گرفتیم.

بنابراین هم بخش‌های دولتی و هم بخش‌های خصوصی و حتی مراکز بهداشتی و آموزشی می‌توانند مشکلات متعددی را برای زندگی روزمره مردم پدید آورند. یکی از حوزه‌های مهمی که ارزیابی تأثیرات باید به آن ورود کند، حوزه مشاعات است؛ جایی که همه می‌خواهند از آن استفاده کنند، اما کسی حاضر نیست هزینه‌اش را پرداخت کند. در ماجرای مربوط به مگامال، فرصت برخورداری از یک پارک ۱۹،۵ هکتاری از مردم اکباتان سلب شد و به جای آن یک فضای خصوصی بسیار بزرگ و گران قیمت ساخته شد. آیا لازم نبود درباره چنین مسئله‌ای به طور مفصل صحبت کنیم و به ذی‌نفعان توضیح داده شود و مردم هم این حق را داشته باشند که بیانند و صحبت کنند؟ من می‌گویم اینجا همان جایی است که باید ارزیابی تأثیرات اجتماعی وارد شود. در آسیب‌شناسی مطالعات اتاف می‌رسیم به یکی دیگر از مشکلات و آن اینکه این گزارش‌ها اغلب در وارد کردن مردم به پروژه‌ها چندان موفق نبوده‌اند. در حالی که در انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، یکی از قسمت‌های بسیار مهم، «درگیر کردن مردم» در ارتباط با پروژه است. طرف‌های مختلف باید بیانند و حرف‌هایشان را بزنند. اما در بخش عمده مطالعاتی که در ایران در حوزه اتاف انجام شده، این اتفاق نیفتاده است. بیشتر این گزارش‌ها با

نظرسنجی و روش‌هایی از این دست پیش‌رفته و این پژوهش‌ها در اینکه سازوکاری را اجرا کنند که مردم را به جلسات گفت‌وگو و گردهمایی بکشاند، عمدتاً موفق نبوده‌اند.

در واقع باید گفت وگویی بین حامیان و ذی‌نفعان شکل می‌گرفت، به نوعی ائتلاف می‌افتاد یا دست‌کم طرفین به سطحی از توافق درباره پروژه‌ها دست پیدا می‌کردند. درست است؟

بله. اما در پروژه‌های ارزیابی تأثیرات در ایران، این اتفاق‌ها نیفتاد و اگر بخواهیم به ده سال گذشته برگردیم، واقعیت این است که بعد از مدتی ما با صنعت تولید گزارش‌های ائتلاف روبه‌رو شدیم. خیلی‌ها می‌پرسند که چرا این اتفاق افتاد؟ این بحث ریشه دارد. اگر ما بگوییم مهم‌ترین عنصر ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، مسئله حقوق مردم و رعایت آن است، آن وقت باید بگوییم آنچه امروز شاهدش هستیم، در کشور ما ریشه تاریخی دارد. یک مثال می‌زنم؛ وقتی کتاب «سیاستنامه» یا همان «سیرالملوک» خواجه نظام‌الملک را نگاه می‌کنید - کتابی که در قرن پنجم هجری قمری درباره آیین فرمانروایی، کشورداری، اخلاق و سیاست پادشاهان نوشته شده - آنجا با حکایت‌هایی مواجه می‌شوید که به شرایط امروز ما بسیار شبیه است. در آن زمان رشته‌های تخصصی به شکل امروزی وجود نداشت و عمدتاً موضوعات به صورت داستان و حکایت مطرح می‌شد.

در این کتاب، دو داستان وجود دارد که توجه به آنها، بخشی از موضوع بحث ما و همان ریشه‌های تاریخی را روشن می‌کند. در دو حکایت از این کتاب به اهمیت رعایت حقوق مردم تأکید شده و اتفاقاً حکایت‌ها به مسایل عمرانی هم مربوط است. یک داستان به پیرزنی مربوط است که در آذربایگان، زمینی داشته و این زمین را به برزگری سپرده بوده که در آن کشت می‌کرده و هر ماه سهم این پیرزن را می‌داده. هر ماه از این زمین تقریباً سه نان برای او درمی‌آمده، دو نان را می‌خورده و یکی را هم برای سوخت چراغ هزینه می‌کرده است. فرمانده سپاه آذربایگان تصمیم می‌گیرد که باغ و تفریح‌گاهی برای خودش آماده کند و زمین این پیرزن هم می‌افتد در محدوده باغی که او می‌خواهد بسازد. ببینید دقیقاً مثل کارهای امروز ماست. فرمانده به پیرزن می‌گوید بیا پول زمینت را بگیر یا به تو زمین معوض می‌دهم. جالب اینجاست که همین دو گزینه الان هم وجود دارد. پیرزن می‌گوید نه، من از وضعیتم راضی‌ام، همسایه‌های خوبی دارم و حاضر نیستم از اینجا بلند شوم. آنچه ما فراموش می‌کنیم و اتفاقاً در این داستان



هم وجود دارد، گزینه سوم است و اتفاقاً در بحث‌های جدید ارزیابی تأثیر از آن زیاد استفاده می‌شود و آن «رضایت» است که ما فراموشش کرده‌ایم و یا نادیده‌اش گرفته‌ایم. در کتاب سیرالملوک، فرمانده زمین را می‌گیرد و باغش را می‌سازد و پیرزن را بیرون می‌کند. پیرزن مدتی بعد مستأصل می‌شود و به او می‌گوید یا پولم را بده یا زمین معوض. اما در نهایت نتیجه‌ای نمی‌گیرد و هیچ کدام را به دست نمی‌آورد. بعد از این ماجرا، پیرزن می‌گوید خداوند همیشه یک نفر بالادست آدم‌هایی که قدرت دارند، گذاشته است و من باید بروم پیش پادشاه که انوشیروان عادل است. با سختی خودش را به مدائن می‌رساند و بارگاه مفصل انوشیروان را می‌بیند. با خودش می‌گوید مرا که به اینجا راه نمی‌دهند. اینجا می‌رسیم به نکته دیگری که در اتاف مهم است: دسترسی به مسئولان. اتاف باید فضایی فراهم کند که مقامات هم ببینند و هم بشنوند. چون خیلی وقت‌ها کسانی که در رأس دستگاه‌های بوروکراسی نشسته‌اند، اصلاً در کی از مردم و مشکلاتشان ندارند. برای همین می‌گویم نباید این گزارش‌ها را به نظرسنجی و گزارش‌های میدانی ساده تقلیل داد. هم مردم باید حرف‌های مقامات را بشنوند و هم آنها حرف مردم را. برای مثال من فکر می‌کنم طرح توسعه دانشگاه تهران با همه مسائل و مشکلاتش در نهایت به نفع همه مردم است، اما بد اجرا شد و مسئله این بود که در همان دو گزینه (یا پول یا زمین معوض) جلو رفت و به رضایت مردم توجه نشد. الان رئیس دانشگاه تهران پذیرفته که دیگر نباید به خروج مردم اصرار کرد و آنها می‌توانند بمانند و بخشی از شرکای طرح شهر دانش شوند. الان دانشکده علوم اجتماعی را مأمور کرده‌اند که دفتر توسعه محلی درست کند و ارزیابی تأثیر، ابزار همان دفتر است.

### داستانان را نصفه گذاشتید.

بله برگردم داستانم را تمام کنم. یک روز پیرزن متوجه می‌شود که پادشاه می‌خواهد به شکار برود. فکر می‌کند این فرصت خوبی است که با او حرف بزند. پشت یک بوته خار می‌خوابد و صبح در زمان عبور پادشاه، خودش را جلو می‌اندازد و داستانش را حکایت می‌کند. پادشاه پیرزن را به دهی می‌فرستد و سفارش می‌کند از او پذیرایی کنند و یک غلام را هم مأمور می‌کند که به طور ناشناس به آذربایگان برود و درباره این موضوع تحقیق کند. به غلام می‌گوید کسی هم نفهمد که تو برای چه کاری رفته‌ای، تا در واقع آنچه پیرزن گفته را راستی‌آزمایی کند. آن غلام می‌رود و مردم منطقه هم داستان پیرزن را تأیید می‌کنند. غلام برمی‌گردد و انوشیروان دستور می‌دهد

تا فرمانده را بگیرند. پوستش را می‌کنند و پراز کاه کرده و از سردر کاخ آویزان می‌کنند. باز به این هم بسنده نمی‌کند. دستور می‌دهد آن زنجیر معروف جلوی کاخ نصب شود با ارتفاعی که حتی کودکان هم به آن دسترسی داشته باشند، تا هر کسی قصد دادخواهی داشت، آن زنجیر را تکان بدهد و بتواند با پادشاه گفت‌وگو کند.

داستان دوم باز مربوط به کاخ خود انوشیروان است که یک دیوارش کج بوده و سفیر روم زمانی که به ایران می‌آید و کاخ را با این دیوار می‌بیند، می‌گوید می‌توانستید این دیوار را بهتر بسازید. چرا آن را کج ساختید؟ ایرانی‌ها توضیح می‌دهند که ما می‌توانستیم این دیوار را درست بسازیم، اما اینجا خانه پیرزنی بود که حاضر نشد خانه‌اش را به شاه بدهد و شاه چون می‌خواست حق این زن رعایت شود، دیوار کاخش را کج ساخت. کتاب سیرالملوک در زمان خودش برای پادشاهان و صاحبان قدرت نوشته شده و می‌خواهد به آنها بگوید که باید همیشه رعایت حال و حقوق مردم را بکنید. حرف من این است که ارزیابی تأثیرات اجتماعی هم باید به صدای مردم بیشتر توجه کند؛ افرادی که صدایشان به درستی شنیده نمی‌شود. کار اتاف این است که صدای آنها را برساند.

- آقای ایمانی جاجرمی از ضرورت تغییر رویکرد در مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی گفتید، به این سمت که صدای مردم در این مطالعات شنیده شود. این تحلیل وجود دارد که بخش زیادی از نارضایتی‌های اجتماعی در جامعه (علاوه بر زمینه‌های اقتصادی و معیشتی و مانند آنها) که به‌ویژه در سال‌های اخیر در قالب ناآرامی‌ها، واکنش‌های جمعی در شبکه‌های اجتماعی و... دیده می‌شود، یک عامل زمینه‌ای مشترک دارد و آن مسئله نادیده گرفته شدن مردم از یکسو و انباشت مطالباتی است که برای مدت زمانی طولانی وجود داشته، اما کسی به آنها توجه نکرده است. در واقع بخشی از این خشم فعلی قابل مشاهده در جامعه، ناشی از احساس نادیده گرفته شدن است. چقدر با این تحلیل موافق هستید؟

الان مدتی است که ما با ناآرامی‌ها یا شورش‌های شهری مواجه هستیم و فاصله‌شان هم کم شده است. این ناآرامی‌ها را در دو دسته می‌توان مورد توجه قرار داد: یکی شورش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی است، مانند حوادث سال ۸۸ یا به تازگی تجمع‌های مردم در اعتراض به سقوط هواپیمای اوکراینی در تهران. دسته دیگر دلایل معیشتی و رفاهی دارد، مثل دی ماه ۹۶ یا آبان

ماه سال ۹۸. به هر حال بخشی از اینها را دولت و نهادهای بالادستی باید از قبل پیش‌بینی کرده باشند.

یکی از انتقادهای جدی که به افزایش قیمت بنزین وارد می‌شد این بود که هیچ پیش‌بینی اجتماعی از واکنش جامعه نداشت و استدلال‌هایی که درباره افزایش قیمت شد هم استدلال‌های درستی نبود. دقیقاً برخلاف آنچه گفته شد، این گروه‌های کم‌درآمد جامعه هستند که از یارانه سوخت بیشتر استفاده می‌کنند. مگر ثروتمندان چند نفر هستند و چقدر ماشین دارند؟ طبقات ضعیف‌تر جامعه به خصوص کسانی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، برای کسب درآمد به شدت به خودروهایشان متکی هستند و حتی انتخاب آنها از نظر جای سکونت دقیقاً بر اساس همین قیمت بنزین ارزان بوده است. رفته‌اند در پرنده، هشتگرد و اسلامشهر ساکن شده‌اند، چون حساب کرده بودند که در این مناطق مسکن ارزان‌تر است و من هم ماشین دارم و می‌توانم رفت‌وآمد کنم. اما بعد از اینکه قیمت سوخت افزایش یافت، تمام معادلات زندگی این فرد به هم ریخت. به همین دلیل است که شما می‌بیند شورش‌های آبان ۹۸ حتی در شهرهای جدید هم دامنه گسترده‌ای داشته است. در همان زمان گزارش‌های اولیه‌ای که همکاران ما در دفتر توسعه اجتماعی تهیه کردند، این نظر را تأیید می‌کرد که در واقع بیشتر ناراضیان، کسانی هستند که از افزایش قیمت بنزین به شدت خسارت دیده‌اند. در واقع این گروه‌ها و تأثیری که افزایش قیمت بر زندگی‌شان می‌گذاشت، در این طرح افزایش قیمت بنزین لحاظ نشده بودند و بنزین از این زاویه گران شده بود که بخش عمده سوخت را طبقات بالا مصرف می‌کند، پس ما از آنها بگیریم. در حالی که میلیون‌ها نفری که حاشیه اصفهان و تهران و دیگر شهرها زندگی می‌کنند، قیمت سوخت برایشان خیلی مهم است. بله، شما اگر می‌توانستید حمل‌ونقل عمومی ارزان و باکیفیت را برایشان تأمین کنید، شرایط فرق می‌کرد. شما الان می‌توانید تأثیر افزایش قیمت سوخت را بر زندگی آنها ببینید. تعداد زیادی از نیروهای خدماتی که در سازمان‌ها و شرکت‌های تهران کار می‌کنند، ساکن همین مناطق و شهرهای حاشیه‌ای تهران هستند. تا پیش از افزایش قیمت بنزین اغلب آنها با ماشین‌های شخصی رفت‌وآمد می‌کردند، الان کارپولینگ [سفر اشتراکی] می‌کنند و هر روز یک نفر می‌آید و بقیه را می‌برد و برمی‌گرداند. خودشان به این راه‌کار رسیده‌اند، چون راه دیگری نبوده است. این نتیجه درستی است. اما سؤال مهم این است که چرا با این همه هزینه؟ هنر مطالعات ارزیابی دقیقاً همین است که با مطالعه دقیق زندگی آدم‌هایی که زندگی‌شان از اجرای یک طرح متأثر می‌شود و گفت‌وگو

با آنها و در جریان گذاشتنشان و مطرح کردن گزینه‌های مختلف، هزینه‌ها را کاهش دهد. مسئله دیگر این است که انباشت مطالبات در جامعه ما وجود دارد و بیرون کشیدن بسته‌های سیاستی از این مطالبات به درستی در کشور انجام نمی‌شود. بخشی از این کاستی‌ها هم به سیستم دانشگاه برمی‌گردد و بخشی هم به این موضوع که سیستم‌ها و نهادها در ایران پایداری ندارند و به تجربه‌های گذشته و نیروی انسانی متخصص اهمیتی نمی‌دهند. افرادی وارد می‌شوند، تجربه کسب می‌کنند، متخصص می‌شوند و بعد سیستم آنها را از دست می‌دهد. من خودم کارم در دفتر مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور شروع کردم. بعد از ده سال، نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم، اما می‌دانستم که مثلاً برای شهرداری‌ها چه باید کرد، اما با تغییر دولت به راحتی مرا از دست دادند. این فقط داستان من نبود. در همان وزارت کشور، مهندس باسابقه‌ای را پیدا کردم که پیش از انقلاب هم کلی کار کرده بود و می‌گفت یک مرکز مطالعات شهری و روستایی وجود داشت و آنجا کارهای خیلی خوبی کردیم، اما بعد از سه چهار سال بوروکراسی مقابل ما ایستاد و همه ما را پراکنده کرد. سیستم در ایران مرتب خودش را صفر می‌کند و متأسفانه دقیقاً زمانی که کارها دارد به نتیجه می‌رسد، متوقف می‌شود. آن تغییر کاتوزیان که درباره جامعه ایرانی به کار برده، شاید درباره بوروکراسی ایرانی هم صادق باشد که این هم کلنگی است و خیلی زود بعد از شش یا هفت سال همه چیز از نو شروع می‌شود.

## و آیا این مسئله با این شدت مختص زمانه فعلی ماست یا در گذشته هم به همین قوت وجود داشته است؟

نه در گذشته هم وجود داشته. مثالش سمینار بررسی مسائل اجتماعی تهران در سال ۴۱ است که دانشگاه تهران برگزار کرد. شخصیت‌ها و متخصصان بسیار مهمی در آن سمینار حاضر شدند و درباره مسائل پیش روی تهران هشدار دادند. سال ۴۱ که چنین سمیناری برگزار شد، درباره مسائلی مثل آب تهران، آلودگی هوای تهران، ترافیک و مجموعه مسایل دیگری صحبت شده است. شماری از کارشناسان خارجی و شخصیت‌های سیاسی مهم در این سمینار حاضر بودند. بخش زیادی از آن مسائل، مشکلات امروز ماست. البته بخشی از آن هشدارها در آن زمان شنیده شد؛ برای مثال طرح جامع نتیجه همین سمینار و شنیده شدن هشدارها بود. به طرح آمایش سرزمین هم توجه شد و گام‌هایی برداشته شد، اما بوروکراسی ما، اجازه تغییر، نوآوری و خلاقیت نمی‌دهد. در اینجا می‌توان به تعبیر جامعه‌شناسی سازمان‌ها استناد کرد. اسکات، سه مدل

برای سازمان‌ها می‌آورد: سازمان به عنوان نظام عقلانی، نظام طبیعی یا نظام باز. سازمان‌های مدرن امروزی، سازمان‌های باز هستند که منعطف‌اند و با محیط تعامل می‌کنند و به نیازها پاسخ می‌دهند. گرفتاری‌ای که ما داریم، سازمان به عنوان نیاز طبیعی است. کسانی که وارد سازمان‌ها می‌شوند، منافع خودشان را بر منافع سازمان ترجیح می‌دهند و با همین رویکرد می‌توانند دستور کار سازمان‌ها را عوض کنند. مثلاً شهرداری تهران بیش از آنکه سازمانی برای توسعه شهر تهران باشد، یک دستگاه پرداخت حقوق است. به همین دلیل است که ایده‌های مثل ارزیابی تأثیرات اجتماعی که واقعاً می‌توانست سرنوشت شهرداری تهران را تغییر بدهد و محبوبیت مدیریت شهری را بالا ببرد و رضایت مردم را به دنبال داشته باشد، تحت تأثیر بوروکراسی، منحرف و تبدیل می‌شود به گزارش‌های بی‌خاصیتی که با این بوروکراسی سازگار است. یادم است در جلسات اتاق که شرکت می‌کردیم، مشخص بود که نمایندگان معاونت‌های فنی و عمرانی و ترافیک و... به زور آمده‌اند و در جلسه ارزیابی تأثیرات نشسته‌اند. این جلسات و نتایج بررسی‌ها برایشان مهم نبود، چون می‌دانستند که زور بخش اجتماعی به آنها نخواهد رسید و تصمیم آنها با این مطالعات تغییر نخواهد کرد؛ مگر برخی پروژه‌ها مثل احداث بی.آر.تی در بلوار کشاورز که تحت تأثیر همین مطالعات متوقف شد.

- یکی از پرسش‌ها درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایران، آینده آن است. پیشینه‌های درباره ارزیابی تأثیرات در کشور ما در دهه گذشته وجود دارد که شما در صحبت‌هایتان به آن اشاره کردید. انتقادهای دیگری هم وجود دارد، از جمله درباره کیفیت علمی و اجرایی گزارش‌های اتاق و همچنین انتقادهایی که به شیوه اجرای کار، واگذاری پروژه‌ها و مسئله عدم استفاده از نیروی متخصص برای اتاق وجود دارد. از اینجا به بعد، به نظر شما چطور باید عمل کرد که ارزیابی تأثیرات در جایگاه درست خودش قرار گیرد؟

یکی از نکات مهم این است که اساساً در وهله اول، سازمان‌هایی در ایران بودند که به این مسئله توجه کردند. یعنی اهمیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی را متوجه شدند و به آن به عنوان یک نیاز بها دادند و باید به آنها یک امتیاز مثبت داد. مثلاً شرکت نفت، این کار را کرده است؛ شرکت عمران و بهسازی شهری به این موضوع در اواخر دهه ۷۰ توجه کرد. خاطرم هست همراه آقای دکتر طالب، طرحی را برای همین شرکت عمران و بهسازی انجام دادیم درباره مسائل جابه‌جایی و اینکه آدم‌ها زمانی که به دلیل پروژه‌های عمرانی جابه‌جا

می‌شوند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد. این را بانک جهانی درخواست کرده بود که به عنوان یک مطالعه انجام شود با این هدف که اگر طی این فرآیندها، حق و حقوقی برای مردم پیش‌بینی نشده، مکانیزمی برای آن تعریف شود. در همان سال‌ها دستگاه‌ها در ایران رفته‌رفته متوجه شدند که نمی‌شود یک‌طرفه تصمیم گرفت و باید به حقوق مردم فکر کرد و نه فقط از منظر جبران مالی، بلکه باید شاخص‌های دیگری را هم در نظر گرفت. آن زمان بانک جهانی توصیه می‌کرد که مردم فقط در مواقع بسیار ضروری جابه‌جا شوند و در غیر این صورت جابه‌جایی نباید صورت بگیرد. یعنی جایی که مردم زندگی می‌کنند و مسئله‌ای ندارد، نباید تغییر کند. چون سال‌ها برای این زندگی که به تعادل رسیده، هزینه شده است. نگاه‌های پروژه‌های اغلب خیلی جزئی‌نگر و کوتاه‌مدت است و ابعاد دیگر را نمی‌بیند. برای مثال پروژه نواب، پروژه دیگری است که پس از اجرا، این سؤال را به طور جدی پیش کشید که ما با مردم چه می‌کنیم؟ زمانی خیلی به این پروژه افتخار می‌کردند، اما نتیجه نشان داد که به ابعاد اجتماعی پروژه اصلاً توجهی نشده بوده. نواب حالا تمام شده و هنوز هم پس از گذر این همه سال، ساختار اجتماعی پیدا نکرده و به همین دلیل هم هر چند ساختار کالبدی بهتری نسبت به خیلی از مناطق تهران دارد، قیمتش پایین‌تر است. نواب نقطه عطفی بود برای اینکه اشتباهات قبلی تکرار نشود.

### و تکرار نشد؟

جا افتادن این سیاست‌ها خیلی سخت است و تا اندازه زیادی هم بستگی به شخصیت مدیران ارشد دستگاه‌ها دارد. مثلاً در زمان یکی از مدیران به مسئله پیوست اجتماعی توجه می‌شود، اما وقتی تغییر می‌کند، سیاست‌ها هم تغییر می‌کند یا متوقف می‌شود. موضوع اینجاست که در ایران، اتاف را دستگاه‌های اجرایی شروع کردند، در مرحله بعد باید دانشگاه‌ها پای کار می‌آمدند برای اینکه جوانب علمی کار تقویت شود و فراتر از آن نیروی متخصص تربیت کنند. الان چندسالی است که ما در دانشگاه تهران، درسی دوواحدی را با عنوان «ارزیابی تأثیرات اجتماعی» اضافه کرده‌ایم، در حالی که شاید لازم باشد رشته‌ای برای این کار تعریف شود. اگر قرار باشد بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی درباره تصمیمات توسعه‌ای در کل کشور انجام شود، حتماً به نیروهای متخصص بیشتری نیاز داریم. افرادی که به این حوزه مسلط باشند. دانشگاه باید این کار را انجام دهد. در واقع باید شراکتی بین دستگاه‌ها و دانشگاه‌ها اتفاق بیفتد.

- اما این اتفاق نیفتاد و دانشگاه در مقابل طرح‌های ارزیابی تأثیرات، گارد گرفت. شاید یک دلیلش این بوده که از یک زمانی به بعد هم همان‌طور که اشاره کردید این طرح‌ها تبدیل به صنعت شد و شیوه واگذاری آنها به شرکت‌ها و نحوه پیمانکاری پروژه‌ها، انتقادهای بیشتری کرد. چه دلایل دیگری برای مقاومت دانشگاه در مقابل ارزیابی تأثیرات وجود دارد؟

من فکر می‌کنم چند مسئله وجود داشت. چه بخواهیم و چه نخواهیم اتفاق به شکلی که در دهه اخیر در کشور کار شد و مورد توجه قرار گرفت، محصول دوره مدیریتی آقای قالیباف است. از یک زمانی به بعد محبوبیت قالیباف رو به کاهش گذاشت و به دنبال آن اتفاق هم در فضای کلی کشور صدمه دید. دومین مسئله این بود که به تدریج و در گذر زمان مشخص شد که نتایج این مطالعات در ساختار مدیریت شهری، چندان جدی گرفته نمی‌شود و خیلی تأثیرگذار نیست. عامل سوم، افتادن این کار به دست افرادی بود که تخصص و صلاحیت کافی را برای اجرای این پروژه‌ها نداشتند. بنابراین کیفیت کار افت کرد و مجموعه این عوامل سبب شد افرادی که اهل کار جدی هستند، از این حوزه فاصله بگیرند. البته به یک نکته هم باید توجه کرد زمانی که بحث ارزیابی تأثیرات پیش می‌رفت، دانشگاه هم خیلی در جریان تحولات آن نبود و این فاصله هم بی‌تأثیر نبود. به نظرم لازم است اتفاقی که در کشورهای توسعه‌یافته افتاده، در ایران هم انجام شود و آن، مسئله قانونی شدن ارزیابی تأثیرات است. قانون باید توجه تأثیرات را به رسمیت بشناسد. در این صورت بخش‌های مختلف، جایگاه خودشان را در این حوزه پیدا می‌کنند و فعال می‌شوند.

**مثل ارزیابی تأثیرات محیط زیستی که قانون شده است.**

بله دقیقاً. البته در قانون برنامه ششم توسعه ماده ۸۰، این موضوع یعنی پیوست اجتماعی درخواست شده و وزارت کشور هم در این زمینه اقدام کرده و مصوبه‌اش را هم آماده کرده‌اند و در دستور کار دولت است. اگر هیئت دولت این را تصویب کند، سازوکار قانونی برای ارزیابی تأثیرات تعریف می‌شود و پشتوانه قانونی می‌تواند کمک‌کننده باشد. شورای شهر هم مصوباتی در این زمینه داشته، اما این مصوبات ممکن است برای شهرداری‌ها تاحدی الزام‌آور باشد، اما در مورد عملکرد و تصمیم‌گیری سایر دستگاه‌ها تأثیری ندارد. اینکه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های توسعه‌ای در ایران جدی گرفته شود، توجه هر سه قوه را می‌خواهد. نقش قوه قضاییه در این بخش

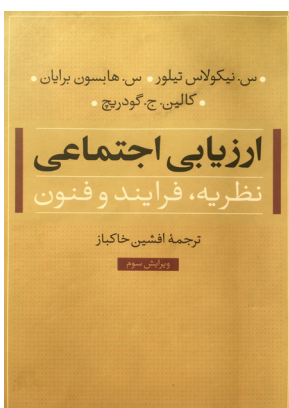
خیلی مهم است. اینکه مردم بتوانند شکایت و دادخواهی کنند. اینجا مصداق همان بحث زنجیر انوشیروان است که اگر حق شما در جایی نادیده گرفته شد، بتوانید صدایتان را برسانید. در حال حاضر افرادی در حوزه اتاف تربیت شده‌اند و به این حوزه علاقه‌مند هستند. این بخش را باید دید و کم‌اهمیت تلقی نکرد. باید توجه داشته باشیم که اساساً بحث ارزیابی تأثیرات هم در دنیا و هم در ایران جدید است و بخشی از مشکلاتی که ما در این حوزه در ایران با آن مواجه شده‌ایم، مثل بی‌توجهی مقامات بوروکراسی به اتاف یا کیفیت نه‌چندان رضایت‌بخش گزارش‌ها به طور نسبی در کشورهای دیگری که الان در این حوزه کار می‌کنند هم وجود دارد؛ چون موضوع ارزیابی تأثیرات جدید و یک حوزه کاری با عمر کوتاه است. بنابراین واقع‌بینانه این است که بگوییم در ایران، قدم‌هایی برداشته شده و دستاوردهایی هم داشته‌ایم. از اینجا به بعد، بخشی از کار مطالبه‌گری و پیگیری مسئله، دیده شدن ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ساختارهای قانونی است؛ اینکه اهمیت این موضوع فراتر از توصیه‌ها، به رسمیت شناخته شود.

در کنار آن، مسئله دانشگاه‌ها مطرح است که به این موضوع توجه کنند. بله ما در دانشگاه تهران، یک درس دوواحدی را برای ارزیابی تأثیرات اضافه کرده‌ایم، اما این حتماً کافی نیست و بحث تربیت نیروی متخصص باید در اولویت قرار بگیرد. این یک حوزه بین‌رشته‌ای است. وقتی قرار است ارزیابی تأثیرات انجام بدهید، به جامعه‌شناس، انسان‌شناس، متخصص محیط‌زیست و اقتصاددان نیاز دارید. اگر قرار باشد پیوست جنسیتی یا پیوست فرهنگی هم انجام شود، نیاز به ارتباط با رشته‌های دیگر هم وجود دارد. یکی از راه‌ها این است که هر کدام از این بررسی‌ها به طور جداگانه انجام شود، یک راه هم این است که کار جامعی در قالب ارزیابی تأثیرات انجام شود. بنابراین ارزیابی تأثیرات در دانشگاه‌ها می‌تواند رشته‌ای باشد که چند دپارتمان مختلف در ارتباط با آن با هم کار کنند. علاوه بر اینها تعریف سازوکارهای حرفه‌ای مهم است و این موضوع را می‌توان از طریق تقویت نهادهای صنفی و انجمن اتاف دنبال کرد. به نظرم مجموع اینها دورنمای حوزه کار اتاف است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، مقامات هم متوجه شده‌اند که از این مطالعات بی‌نیاز نیستند و مردم هم مطالبه‌گرند، صدا دارند و الان صدایشان از صدای دولت‌ها بلندتر است. الان فعالان مدنی در زمان اجرای پروژه‌ها می‌پرسند که پیوست اجتماعی‌اش کجاست؟ اینها اتفاقات مثبتی است. من دورنمای ارزیابی تأثیرات را در ایران مثبت می‌بینم. ما به این حوزه نیاز داریم، چون جایی است که سیاست و علم و تخصص و مردم به هم پیوند می‌خورند. اما در ادامه راه، یک



نکته کلیدی وجود دارد و آن اینکه ما ارزیابی را از سمت دولت شروع کردیم، اما حالا می‌توان و باید از سمت مردم به ارزیابی تأثیرات توجه کرد. ما در واقع باید نسل دوم ارزیابی تأثیرات را شروع کنیم. آن ده سال اول، هرچه بود، تمام شده و روشن است که نمی‌توانیم آن مسیر را ادامه بدهیم. مسیر آینده را باید با رویکرد انتقادی پیش ببریم و به طور مرتب عملکردمان را در این حوزه پایش کنیم تا ارزیابی تأثیرات در جایگاه مؤثر و درستش قرار گیرد.

## خلاصه کتاب



### ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرآیند و فنون

تهیه و تنظیم: میترا جعفری



## خلاصه کتاب ارزیابی اجتماعی؛ نظریه، فرآیند و فنون

تهیه و تنظیم: میترا جعفری

کتاب ارزیابی اجتماعی (نظریه، فرآیند و فنون)، تألیف س. نیکولاس تیلور، س. هابسون بریان و کالین ج. گودویچ را نشر جامعه و فرهنگ به سفارش اداره کل مطالعات معاونت امور اجتماعی و فرهنگی و با ترجمه افشین خاکباز در سال ۱۳۹۲ در ۳۰۲ صفحه و هشت فصل منتشر کرده است.

در مقدمه این کتاب آمده است که یکی از تفاوت‌های کشورهای برخوردار و پیشرفته با کشورهای که جهان سوم نام گرفته‌اند، در نوع نیازهایی است که انگیزه حرکت و رفتارهای آنان را شکل می‌دهد. کشورهای برخوردار، عموماً مرحله تأمین نیازهای اساسی را پشت سر نهاده و در اندیشه رفع نیازهای عالی‌تر هستند. در کشورهای جهان سوم، افراد و جوامع در چنبره رفع نیازهای زیستی گرفتار هستند و طبیعی است که در چنین کشورهایی، بسیاری از حاکمان و نخبگان، منابع طبیعی را جولانگاه اختصاصی خود و ابزاری برای ثروت‌اندوزی فردی و گروهی می‌دانند. تهیدستان و گروه‌های زیردست، جنگل‌ها و درختان را هیزم اجاق شب‌های سرد خود می‌کنند و بقای خود را به نابودی طبیعت گره می‌زنند و شرکت‌های چندملیتی جهان سوم را میدانی برای ترکتازی خود می‌دانند.

ولی کشورهای پیشرفته حکایت دیگری دارند. مردم سالاری، قوانینی که دست کم به ظاهر برای حفاظت از منافع عمومی وضع شده‌اند و مطبوعات آزاد و پرسشگر، اقداماتی را که منافع عمومی را فدای منافع و مطامع افراد و شرکت‌ها می‌کند، محدود ساخته‌اند. در چنین فضایی بود که واکنش مردم به لکه نفتی «سانت‌آبارا» که بر محیط زیست، گردشگری و ماهی‌گیری تأثیر گذاشته بود، زمینه‌ساز تصویب قانون ملی سیاست‌های زیست‌محیطی در آمریکا شد و کارگزاران دولت فدرال

را ملزم ساخت تا ملاحظات محیط‌زیستی و اجتماعی طرح‌ها و برنامه‌هایی که ممکن است بر این جنبه‌ها تأثیر بگذارد، در نظر بگیرند. به این ترتیب ملاحظات محیط‌زیستی با جامعه‌شناسی و اقتصاد درآمیخت و الگوی نوینی پدیدار گشت که جامعه‌شناسی محیط‌زیستی نام گرفت که بر تعامل میان محیط‌های اجتماعی و طبیعی استوار است و زیست‌بوم انسانی را مجموعه‌ای از تعاملات میان سیستم‌های فیزیکی زیست‌شناختی و اجتماعی می‌داند و مفاهیم پیشرفت اجتماعی و اقتصادی رها از قید و بندهای محیط‌زیستی و... را به چالش می‌کشد.

### ارزیابی اجتماعی

در فصل نخست کتاب که عنوان آن «ارزیابی اجتماعی: بررسی انتقادی» است، نویسندگان با تعریفی از ارزیابی اجتماعی آغاز کرده‌اند و بیان داشته‌اند که ارزیابی اجتماعی، فرایندی را برای پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت تغییرات ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌ها فراهم می‌کند و معتقدند که نویسندگان برجسته این حوزه بر این باورند که ارزیابی اجتماعی، فرایندی برای تحلیل و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته تغییرات برخاسته از سیاست‌ها و برنامه‌هاست. نویسندگان برای شروع بحث، تعریفی را از کمیته بین‌سازمانی رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی درباره ارزیابی ارائه کرده‌اند. در این تعریف، ارزیابی اجتماعی فرایندی است برای تحلیل. برای مستندسازی و مدیریت تأثیرات اجتماعی، از تحلیل اجتماعی پایش و شیوه‌های دخیل ساختن عموم مردم بهره می‌برد و کارگزاران بین‌المللی توسعه، کارگزاران دولتی، مجریان پروژه‌های ساخت‌وساز، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های اجتماعات محلی در زمره گروه‌هایی هستند که از این فرایند استفاده می‌کنند.

با وجود این ارزیابی اجتماعی همواره با نتایج اجتماعی مسئولانه همراه نیست. بنابراین در فصل حاضر، مشکلاتی مطرح خواهد شد که ظاهراً همواره با این فرایند همراهند و علاوه بر آن به تشریح توانایی‌های بالقوه فعالان این بخش برای پشت سر نهادن این دشواری‌ها می‌پردازد. سایر بخش‌های این کتاب، شرح دقیق‌تر توانایی‌های بالقوه ارزیابی اجتماعی و بحث مفصل درباره رویکرد آینده‌نگری است که کاربرد گسترده‌ای دارد.

در بخش دیگری از فصل نخست، به پیشینه تاریخی طرح مفهوم ارزیابی اجتماعی اشاره شده است و ریشه مطرح شدن این مفهوم را معمولاً ریشه‌های ارزیابی اجتماعی به منزله حوزه‌ای مشخص را ایالات متحده آمریکا و قانون سیاست‌های ملی محیطی مصوب سال ۱۹۶۹ آن کشور می‌دانند که یکی از

انگیزه‌های اصلی تصویب آن، لکه نفتی «سانت‌آباربارا» بود. این قانون، کارگزاران فدرال را ملزم ساخت تا با بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند و بین‌رشته‌ای، ملاحظات علوم طبیعی و اجتماعی را در طرح‌ها و برنامه‌های زیست‌محیطی و تصمیم‌هایی بگنجانند که ممکن است بر محیط‌زیست تأثیر بگذارد. این کار دست کم به لحاظ آماری بسیار مؤثر بوده است، به طوری که در ده سال نخست حدود ۱۲۰۰۰ ارزیابی اثرات محیط‌زیستی انجام شد و حدود ۱۲۰۰ پرونده قضایی در اعتراض به ارزیابی‌ها تشکیل شد. با این حال به ندرت جنبه‌های اجتماعی در این ارزیابی‌ها، جایگاهی شایسته می‌یافتند و کمتر پروژه‌های را می‌توان یافت که بر مبنای ارزیابی اجتماعی تصویب، رد یا دستخوش تغییرات اساسی شده باشد.

دستورالعمل حفاظت و بهبود محیط‌زیست زلاندنو که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، همچون امریکاریشه در مداخلات انسانی در محیط‌زیست داشت که موجی از مخالفت گسترده مردم را برانگیخته بود. ارزیابی زیست‌محیطی در ایالات متحده امریکا و زلاندنو، در ده سال نخست با مشکلات متعددی دست به گریبان بود که با گنجاندن جنبه‌های اجتماعی در فرایند کلی ارزیابی ارتباط داشت. در این حوزه، جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان علوم اجتماعی بسیار کند عمل می‌کردند و حتی پس از تعریف جنبه اجتماعی این بخش در بسیاری از تحلیل‌ها گنجانده نمی‌شد. شاید چون نتایج آن گاهی تحلیل‌های اقتصادی را زیر سؤال می‌برد، برخلاف قضاوت‌های سیاسی بود یا در زمینه مدیریت، کمک چندانی نمی‌کرد. ماهیت کمی‌پذیر اقتصاد و از سوی دیگر مبنای ساختاری انتخاب‌ها باعث می‌شود که تحلیل اقتصادی جایگزین تحلیل اجتماعی و پژوهش‌ها معمولاً بر تغییرات جمعیتی، تأثیرات سنجش‌پذیر تحولات و تصمیم‌های مدیریت منابع بر مشاغل و تقاضا برای خدمات اجتماعی متمرکز گردد.

کمی‌بود تحلیل اجتماعی، مشکلاتی را ایجاد می‌کرد، ولی زیاده‌روی در تحلیل‌های اجتماعی نیز مشکل‌آفرین بود؛ زیرا آنها بر اساس مدل سنتی پژوهش اجتماعی که در ذهن داشتند، این پژوهش را به مطالعه بلندمدت اجتماع یا منطقه مورد نظر تبدیل می‌کردند که در واقع بر مشکلات یا پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی احتمالی تأکید نمی‌کرد.

مؤلفان در توصیف دوره تثبیت ارزیابی اجتماعی، اواخر دهه ۱۹۷۰ را زمان این رخداد دانسته، بیان می‌کنند که کارگزاران منابع طبیعی و برنامه‌ریزی برای بهبود رویه‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، به‌ویژه سطوح مختلف ارزیابی اجتماعی، گام‌های برداشتند. شورای کیفیت محیط‌زیست (۱۹۷۸) به ارزیابی نه سال نخست اجرای این قانون پرداخت و به نتایجی مانند نتایج

زیر دست یافت: تحلیل‌های زیست‌محیطی از رویه اجرایی یکسانی برخوردار نبودند؛ زبان فنی بسیاری از گزارش‌ها مانع از درک و واکنش عموم مردم می‌گشت؛ اسناد زیست‌محیطی در برخی موارد به جای اینکه مبنایی برای تصمیم‌گیری بهتر باشد، خود به هدف تبدیل شده بودند؛ به جای تمرکز بر مسائل مهم درباره کلیه مسائل محیط‌زیستی مرتبط با اقدامات پیشنهادی بحث شده بود و فرآیندها با کاغذبازی، تأخیر و دوباره کاری همراه بود.

این انتقادهای، تأکید دوباره بر بررسی‌های مقدماتی، تمرکز بر تأثیرات مهم و تولید اسنادی را در پی داشت که از اسناد حجیم رایج در آن دوره، کوتاه‌تر و تحلیلی‌تر بود. به عبارت دیگر جنبه‌های تحلیلی این فرایند بیشتر شد و باعث گردید که سازمان جنگل‌داری آمریکا بر مبنای این اصول استوار گردد: تأثیرات اجتماعی مستقیم و غیر مستقیم، هر دو در نظر گرفته شود. حوزه ارزیابی ممکن است بسته به کار پیشنهادی و تأثیرات مورد بررسی تفاوت داشته باشد. نحوه گزارش تأثیرات اجتماعی به یافته‌ها بستگی دارد و نباید شیوه یا رویکرد مشخصی برای گردآوری اطلاعات پیشنهاد کرد.

در زلاندنو هر چند قانون توسعه ملی از بررسی تأثیرات اجتماعی حمایت می‌کرد، طولی نکشید که نارسایی‌های این ارزیابی هویدا گشت که از آن جمله می‌توان به بی‌توجهی به مشکلات بومیان مائوری در جلسات بررسی کارخانه سوخت‌های ترکیبی در تاراناکا اشاره کرد که ورود پساب‌های کارخانه به اقیانوس، منابع غذایی دریایی سنتی آنها را آلوده می‌کرد؛ نکته‌ای که در ارزیابی‌های اولیه بدان پرداخته نشده بود. از سوی دیگر دولت می‌کوشید تا اهمیت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها را انکار کند و به این ترتیب توجیه‌پذیری فناوریانه و استدلال‌های اقتصادی را در اولویت نخست قرار داد.

در اواخر دهه ۸۰ که حزب کارگر تصمیم گرفت مشکلاتی را که نقد سیستم موجود مدیریت زیست‌محیطی آشکار ساخته بود حل کند، گروه کاری ارزیابی تأثیرات اجتماعی<sup>۱</sup> برای دفاع از تأکید بر جنبه‌های اجتماعی در مقابل تأکید قابل پیش‌بینی بر ملاحظات بیوفیزیکی و اقتصادی در جایگاه مناسبی قرار داشت. این گروه از دیدگاه یکپارچه‌ای دفاع می‌کرد که تغییر اقتصادی را نیز تغییری اجتماعی می‌دانست.

در همان حال در استرالیا، حوزه ارزیابی اجتماعی در طول دهه ۸۰ به سرعت رشد می‌کرد و از ایالات متحده آمریکا، زلاندنو و کانادا پیشی می‌گرفت. ایالات غرب استرالیا با ایجاد واحد «تأثیرات اجتماعی» که از نخستین سازمان‌های مستقل ارزیابی اجتماعی در جهان بود، ابتکار ارزشمندی را آغاز کردند.

تصویب قانون مدیریت منابع زلاندنو در سال ۱۹۹۱ و تجدید ساختار چشمگیر دولت‌های محلی و منطقه‌ای، از تحولات اواخر دوره تثبیت و نقطه عطفی در ارزیابی اجتماعی بود. این قانون، الزامات گسترده و اجباری ارزیابی تأثیرات را در برمی‌گرفت و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را به روشنی در تعریف تأثیرات گنجانده بود. همچنین در این قانون بر الزام دخیل ساختن عموم مردم و مشورت با گروه‌های اجتماعی و پایش تأثیرات پس از اجرای تغییرات تأکید شده بود.

دهه ۹۰ را می‌توان دوره تثبیت ارزیابی تأثیرات در عرصه بین‌المللی دانست. گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (۱۹۸۷) درباره «آینده مشترک ما» بر مسائل مرتبط با پایداری تأکید می‌ورزید و علاقه به قانون ارزیابی‌های محیط‌زیستی و قانون ارزیابی تأثیرات اجتماعی را تقویت می‌کرد. همچنین فجایع محیط‌زیستی و افشای ضعف برنامه‌ریزی پروژه‌ها سبب شد که تصمیم‌گیران از معیارهای محدود مهندسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری فاصله بگیرند.

اختصاص دو شماره از نشریه ارزیابی تأثیرات و ارزشیابی پروژه‌ها به ارزیابی تأثیرات اجتماعی، از گسترش این حوزه حکایت دارد. اولین ویرایش این متن به عنوان نخستین متن جامع ارزیابی اجتماعی در سال ۱۹۹۰ در زلاندنو و ویرایش دوم در سال ۱۹۹۵ منتشر شد که در سطح بین‌المللی با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو گردید.

مهم‌ترین تحول در ایالات متحده آمریکا، انتشار رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی توسط کمیته سازمانی رهنمودها و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سال ۱۹۹۴ بود که از نشانه‌های اجماع روزافزون دانشمندان علوم اجتماعی و کارگزاران عمومی درباره ماهیت و فرایند ارزیابی اجتماعی به شمار می‌رود.

یکی دیگر از تحولات مهم بین‌المللی، ورود ارزیابی اجتماعی به حوزه برنامه‌ریزی توسعه در سازمان‌های چندجانبه‌ای همچون بانک جهانی، سازمان غذا و کشاورزی و بانک توسعه آسیا بود. اکنون جنبه‌های ارزیابی اجتماعی به همراه تحلیل جنسیتی و رویه‌های مشارکتی، بخشی از اسناد سیاستی و پروژه‌ها را تشکیل می‌دهد. در آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۳ با همکاری نویسندگان این کتاب، چندین کارگاه و دوره آموزشی برگزار شد و در جنوب شرق آسیا، از اواخر دهه ۷۰، روش‌های ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی به تدریج رواج یافت.

گسترش ارزیابی تأثیرات در اروپا با ظهور و کاربرد بین‌المللی حوزه‌هایی مهم هم‌زمان بود. نخستین حوزه، ارزیابی محیط‌زیستی راهبردی بود که



به جای تمرکز در سطح پروژه بر ارزیابی تأثیرات محیط زیستی برنامه‌ها، طرح‌ها و سیاست‌ها تأکید می‌ورزید.

گروه کاری ارزیابی تأثیرات اجتماعی زلاندنو در سال ۱۹۹۰ به سازمان رسمی انجمن ارزیابی اجتماعی تبدیل شد. جالب است که این انجمن علایق خود را به گونه‌ای گسترش داد که کل حوزه‌های ارزیابی تأثیرات را در بر گرفت و در سال ۱۹۹۸ به انجمن ارزیابی تأثیرات زلاندنو تبدیل شد که به انجمن<sup>۱</sup> IAIA، برجسته‌ترین سازمان فعالان ارزیابی تأثیرات اجتماعی در عرصه بین‌المللی وابسته است.

پرسش اصلی این است که چه کسی برای رهبری ارزیابی اجتماعی، صلاحیت بیشتری دارد. نخستین پاسخ این است که جامعه‌شناسان، واجد شرایط ترین افراد برای انجام این ارزیابی‌ها هستند. ولی رشته‌های دانشگاهی متعددی همچون مردم‌شناسی می‌تواند صلاحیت‌های لازم را برای ارزیابی اجتماعی داشته باشد. از نتایج سودمند این روند، آشنایی دانشگاهیان رشته‌های مختلف از جنگل‌داری تا مهندسی با علوم اجتماعی و گشوده شدن راه ورود جنبه‌های اجتماعی به چشم‌اندازها و تصمیم‌های سازمانی است.

فرایند ارزیابی اجتماعی با دو نگرانی ویژه همراه است: نخستین نگرانی که سرعت کار است، با محدوده کار ارتباط دارد؛ چون حاصل رویکردهای گسترده و طولانی، صرف زمان بسیار و کسب نتایج دیر هنگام برای پروژه‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست. به همین دلیل است که اکثر پروژه‌های بزرگ به مشاوران خارج از دانشگاه محول شده است و آنها در اکثر موارد ابتدا دامنه موضوع را محدود و سپس توجه خود را به تعدادی از متغیرهای استاندارد متمرکز می‌کنند.

دومین بخش مشکل، سودمندی حاصل کار برای تصمیم‌سازان است. نتایج کار باید بر اساس مشکلات اصلی ارائه شود. به عبارتی ارزیابی اجتماعی باید بر مشکلات مشخصی تمرکز کند. این مشکلات باید در اسرع وقت و در مرحله پژوهش‌های مقدماتی از جمله مراحل نخست شرکت دادن عموم در این فرایند تعیین شود. ارزیابی‌های اجتماعی سریع و سودمند، ارزیابی‌هایی تحلیلی هستند نه طولانی و به جای کلی‌گویی بر مشکلات مشخصی تأکید می‌ورزد. پژوهش‌هایی که در چارچوب ارزیابی اجتماعی صورت می‌پذیرد باید با چارچوب‌های نظری یا مفهومی پیوند داشته باشد. این چارچوب‌ها را می‌توان به‌ویژه در دو حوزه بهبود بخشید. نخستین حوزه، تأمین مفاهیم راهنما برای انتخاب متغیرهای تحلیل در ارزیابی اجتماعی است و دومین حوزه، تحلیل ساختار و تغییرات اجتماع است.

اهمیت داشتن یا نداشتن مشکل مورد نظر با سه نکته ارتباط دارد: فنون پیش‌بینی، مسئله کمی‌سازی و اعتبار داده‌ها. هنوز درباره فرایندهایی که ارزیابی اجتماعی را تشکیل می‌دهد، اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر معمولاً بین دانشگاهیانی وجود دارد که ارزیابی اجتماعی را فرایندی پژوهشی می‌دانند و مقامات دولتی که آن را از نظر تصمیم‌ها یا چارچوب نظری برنامه‌ریزی سازمان خود می‌نگرند.

در این کتاب به فرایند اساسی و منطقی‌ای اشاره می‌شود که در واژه ارزیابی اجتماعی نهفته است، با فرایند پژوهش دانشگاهی تفاوت دارد و همواره کاملاً با مفاهیم دولتی یا اجتماعی نیز همخوانی ندارد. این فرایند پیش از هر چیز، مستلزم پژوهشی برای تعیین محدوده مسائلی است که در کانون ارزیابی تأثیرات بر متغیرهای اجتماعی قرار دارد و حوزه اصلی و حوزه‌های فرعی مطالعه را تعیین می‌کند و گروه‌هایی را که ممکن است از پیشنهادهاى مورد نظر به شیوه‌های مختلف تأثیر بپذیرند، شناسایی می‌کند. این مرحله، مبنایی برای مشورت‌های گسترده عمومی و سودمند است. مرحله بعد، بررسی شرایط اجتماعی یا تعیین خط مبنایی برای مقایسه با وضع موجود و پیش‌بینی گزینه‌های مختلف است. سپس نوبت پیش‌بینی و تخمین تأثیرات و مقایسه معیارهای تصمیم‌گیری مثبت و منفی، هر یک از شیوه‌های جایگزین است. در نهایت کسانی که از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند، پس از مقایسه یافته‌های ارزیابی اجتماعی با عناصر تحلیل محیط‌زیستی، مهم‌ترین راه‌حل را تعیین می‌کنند. هدف ارزیابی اجتماعی این است که به طرفداران و تصمیم‌گیرندگان اجازه دهد تا تصمیم‌های اجتماعی مسئولانه‌تری را اتخاذ کنند.

احتمالاً بسیاری از موانع ارزیابی اجتماعی ناشی از مسائلی است که در این حوزه وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به مشکل پیش‌بینی آینده، نقش مشارکت عمومی در شکل دادن به آینده و مسائل متنوعی که در این حوزه وجود دارد، اشاره کرد. به این معنا که مشارکت عمومی با ارزیابی اجتماعی مترادف نیست، اما افرادی که تغییرات مورد نظر بر آینده آنها تأثیر می‌گذارد نیز باید در ارزیابی اجتماعی دخالت داشته باشند.

### دیدگاه‌های موجود درباره اجرای ارزیابی اجتماعی

در این فصل به تحلیل حوزه (ارزیابی تأثیرات) از نظر جهت‌گیری‌های موجود پرداخته شده است تا محدودیت‌های فلسفی و نهادی اصلی در برابر رویکرد تمرکز بر مشکلات معین - که رویکردی مشورتی و فعال است - شناسایی گردد.

ارزیابی اجتماعی را می‌توان از دو جنبه اصلی نگریست که هر یک بازتاب دیدگاه‌های مسلط و متضادی است که با این موضوع ارتباط دارد که آیا دیدگاه اصلی در ارزیابی اجتماعی، دیدگاهی فن‌سالارانه (محصول‌نگر<sup>۱</sup>) است یا مشارکتی (فرایندنگر<sup>۲</sup>). دومین جنبه با دیدگاه اصلی درباره استفاده از اطلاعات به عنوان مبنایی برای کنش اجتماعی یا پژوهش و تولید دانش برای دانش ارتباط دارد. این دو جنبه، کنش‌نگر یا پژوهش‌نگر نامیده می‌شود.

جنبه فن‌سالارانه - مشارکتی بیانگر مسئله ارزش‌ها در ارزیابی اجتماعی است؛ مسئله‌ای که به دلیل نزدیکی ارزیابی اجتماعی با تصمیم‌گیری، اهمیت زیادی دارد. به عبارت ساده در صورتی که حاصل کار ارزیابان اجتماعی در چارچوب ارزش‌هایی ارائه گردد که با ارزش‌های تصمیم‌گیران همخوانی داشته باشد، ممکن است در تأثیرگذاری بر آنها موفق‌تر باشند. از سوی دیگر اجتماعات محلی و گروه‌های شهروندانی که از تغییرات برنامه‌ریزی شده تأثیر می‌پذیرد، اغلب مجموعه‌ها، گروه‌ها و ارزش‌های متفاوتی دارند که آنها را در تقابل با تصمیم‌هایی قرار می‌دهد که از بالا اتخاذ می‌شود. از این‌رو به مخالفت با آنها برمی‌خیزند.

تمایز میان ارزیابی اجتماعی فن‌سالارانه و مشارکتی برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی، موضوع جدیدی نیست. نویسندگان این کتاب به این نکته پی برده‌اند که رویکردهای فن‌سالارانه، خواه‌نگرش دانشگاهی داشته باشد یا با نگرش کاربردی اجرا شود، معمولاً اثبات‌گرایانه‌اند و در مقابل ارزیابی اجتماعی مشارکتی بر دخالت در اقدام اجتماعی به صورت اقدام مستقیم یا مخالفت با پروژه‌های جدید یا مذاکره بر سر توزیع تأثیرات تأکید می‌ورزد.

از مقایسه و تلاقی دو جنبه اصلی و گزینه‌ها، «گونه‌های آرمانی» جهت‌گیری‌ها به دست می‌آید که برای ترسیم و نمایش اصول و روندها به کار می‌رود.

**جهت‌گیری فن‌سالارانه - عملی:** به ارزیابی اجتماعی در سازمان‌های دولتی و سایر سازمان‌های عمومی که مسئولیت اجرا یا نظارت بر ارزیابی‌های تأثیرات محیط‌زیست، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی را بر عهده دارد، اشاره می‌کند.

**گرایش فن‌سالارانه - پژوهشی:** معمولاً در دانشگاه‌ها و برخی از اتاق‌های فکر عمومی یا خصوصی انجام می‌شود و فرض بر این است که محصول پژوهش تولید دانش برای دانش است. در این حالت، سازمان‌دهی اداری شبیه به گرایش فن‌سالارانه - عملی است. فرصت‌های شغلی و تأمین منابع مالی پژوهش بر معیارهای محدودی مبتنی است و معمولاً در زمینه انتشار است.

1- product orientet

2- process oriented

جهت‌گیری مشارکتی - عملی: از نظر عملی شبیه به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی متمرکز است، ولی محیط کاری از سطح کار گزاران برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای یا متمرکز، به عمل در سطح محلی تغییر می‌کند. تلاش برای سازمان‌دهی تغییر اجتماعی از سطوح پایین آغاز می‌شود و در اکثر موارد واکنشی به سیاست‌هایی است که از بالا تحمیل شده است.

جهت‌گیری مشارکتی - پژوهشی: وجه اشتراک این جهت‌گیری با جهت‌گیری پژوهشگران دانشگاهی، تلاش برای یافتن واقعیات است. ولی معمولاً به ابتکار یا با همکاری یک گروه هم‌سود انجام می‌شود. یعنی ممکن است به نیابت از مردمان بومی، فمنیست‌ها، فعالان اصلاحات اجتماعی، گروه‌های زیست‌محیطی، اتحادیه‌های کارگری و مواردی از این دست انجام شود. هدف از این پژوهش، تأیید معضلی خاص و نیاز به تغییر شرایط گروه هم‌سودی است که پژوهش به نیابت از آنها انجام می‌گیرد.

سرردگمی و بحث و جدل درباره اینکه رویکردهای مشروع به ارزیابی اجتماعی کدامند، ناشی از تعارضات دست‌اندرکاران یا سازمان‌های کاری خاصی است که می‌کوشند رویکردها و راهبردهای خود را مشروعیت بخشند. تعارضات میان رویکردهای «دانشگاهی» و «کاربردی» نیز بسیار شناخته‌شده است. در شرایط دانشگاهی معمولاً بر انتشار نتایج پژوهش به منظور توسعه نظری و دانشگاهی و ارتقای شغلی تأکید می‌گردد. در مقابل، اکثر پژوهش‌های حوزه کاربردی، ابزاری برای گردآوری و استفاده از داده‌ها برای هدفی فوری است. فراتر از همه آنچه درباره این جهت‌گیری‌ها گفته شد، این نکته نهفته است: افرادی که به رویکرد خاصی گرایش دارند، استفاده از سایر رویکردها را نیز سودمند می‌دانند. بهترین چشم‌انداز برای توسعه رویکردهای جدید به ارزیابی اجتماعی در جمع پژوهشگران مستقلی مشاهده می‌گردد که از پیروی شدید از گرایش‌های مسلط در محیط کار خود فاصله گرفته‌اند و با کار کردن در میانه میدان با بهره‌گیری از رویکرد تمرکز بر مشکلات معین در فرایند تصمیم‌گیری، نقش مثبت‌تر و فعال‌تری را ایفا کنند. این رویکرد از عناصر به رسمیت شناختن ارزیابی اجتماعی به عنوان یک فرایند، مفهوم‌پردازی و تحلیل بهتر شرایط انسانی، شناسایی و تمرکز بر مشکلات اصلی و شناسایی و حل تعارضات یا مذاکره برای حل آنها تشکیل شده است.

### ملاحظات نظری در باب ارزیابی اجتماعی

در این فصل که «ملاحظات نظری در باب ارزیابی اجتماعی» نام دارد، مفروضات بنیادینی بیان می‌گردد که در آموزش و اجرای ارزیابی اجتماعی به کار رفته

است. به عبارتی در ایجاد بنیان نظری ارزیابی اجتماعی به کار می‌رود. برای تدوین نظریه‌های مخصوص ارزیابی اجتماعی، تلاش‌هایی صورت گرفته که برجسته‌ترین آنها، آثار دیتز (۱۹۸۷)، ریکسون و همکاران (۱۹۹۴)، اسلوت وگ و همکاران (۲۰۰۱) و بکر (۲۰۰۳) بوده است. دیتز با استفاده از رویکرد عمل‌گرایانه هابرماس به سیاست، چارچوبی را پیشنهاد می‌کند. در حالی که ریکسون و همکارانش بر نیاز به راهنمای نظری تأکید می‌کنند و مفاهیم اصلی‌ای را تشریح می‌کنند که در حوزه نظریه سازمانی و اجتماعات محلی قرار دارد. این فصل تلاش دارد تا نشان دهد که اجرای ارزیابی اجتماعی بر هیچ نظریه یگانه‌ای مبتنی نیست.

کاتن و دونلاپ (۱۹۷۸) معتقدند که سنت‌های جامعه‌شناسانه، دیدگاهی مردم‌شناسانه دارد که انسان را تافته‌ای جداافتاده و فراتر از فرایندهای طبیعی می‌داند. کیل مارتین و همکاران (۱۹۸۵) به بنیان‌های آشکار الگوی محیط‌زیستی جدید در رویکرد بوم‌شناختی اشاره کرده‌اند.

**دیدگاه محافظه‌کارانه بوم‌شناختی - رفتاری:** ریشه‌های بوم‌شناختی انسانی به دهه ۱۸۰۰ و آثار کومته و اسپنسر برمی‌گردد. کومته، عامل وحدت‌آفرین را «وفاق» می‌داند و اسپنسر بر مفهوم جامعه به عنوان مجموعه‌ای از بخش‌های کارکردی تخصصی تأکید می‌ورزید. مکتب شیکاگو در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در سنت انسانی - بوم‌شناختی در ایالت متحده آمریکا، کارهای مهم دیگری انجام داد. به نظر پارک (۱۹۳۶)، بوم‌شناسی انسانی تلاشی برای کاربرد نوعی تحلیل درباره انسان‌ها بود که قبلاً درباره روابط متقابل میان گیاهان و جانوران به کار رفته بود. او شهر را منبع سازمان‌زدایی اجتماعی می‌داند. بر مبنای آثار او، دو مکتب فکری دیگر ایجاد شد. نخست، مکتب ترسیم نقشه فضایی شهر و دومین مکتب تحت تأثیر آثار ورث، الگوهای رفتار یا شیوه‌های زندگی در محله‌های مختلف شهر را بررسی کرد.

**دیدگاه لیبرال یا اصلاح‌گرا:** آثار اولیه‌ی وبر (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، مبنای تحلیل جدید این مشکلات اجتماعی در آستانه تعارضات شهری دهه ۱۹۶۰ را فراهم کرد و در کی از دیوان‌سالاری ابزار قدرت و سلطه و پذیرش آنها از طریق ایجاد ایدئولوژی‌های مشروع ارائه داد. در اینجا رشد دیوان‌سالاری پایگاهی غیر فردی به عنوان عنصر اصلی تغییرات سازمانی در جامعه صنعتی مدرن محسوب می‌شود.

در این دیدگاه، بهبود مدیریت منابع و برنامه‌ریزی، از جمله فنونی همچون محاسبه سه‌گانه سود و زیان در حسابداری، مبنایی برای اصلاح محسوب می‌شود و مستلزم تأکید بر دسترسی بیشتر عموم به سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت، مدیریت عمومی و شرکت‌های خصوصی نیز است.

**دیدگاه رادیکال یا اقتصاد سیاسی:** این دیدگاه، جامعه را از منظر پنج حوزه اصلی می‌نگرد که چرخه‌های درهم‌تنیده نظام کاپیتالیستی را شکل می‌دهد: تولید، مبادله، چرخش، مصرف و مشروعیت‌سازی. با وجود بحران‌هایی که در نظام بخش خصوصی ایجاد می‌شود، دولت و بخش کارگری معمولاً برای پرهیز از ایجاد تعارضات عمده و اطمینان از ثبات سیاسی و اقتصادی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

یکی از امتیازهای اصلی این دیدگاه این است که جامعه‌شناسان را از اهمیت روابط قدرت آگاه می‌کند و پرسش مرتبط با برندگان و بازندگان تحولات را هدایت می‌کند. مشکل اصلی این دیدگاه، ساختارگرایی بیش از حد آن و دست‌کم گرفتن نقش بازیگران اصلی، گروه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی در فرآیند تغییر اجتماعی است.

**الگوی محیط زیستی جدید:** دیدگاه‌های جامعه‌شناسی محیط‌زیستی را در برمی‌گیرد و از برخی رشته‌های اقتصادی نیز استفاده می‌کند.

**جامعه‌شناسی محیط‌زیستی:** مفهوم اصلی جامعه‌شناسی محیط‌زیستی با تأکید بر تعاملات دوسویه چشمگیر نظام‌های اجتماعی با سیستم‌های فیزیکی و زیستی ارتباط دارد. به عبارتی جامعه‌شناسی محیط‌زیستی بر فرض تعامل میان محیط‌های اجتماعی و طبیعی استوار است. با توجه به این روابط متقابل، جامعه‌شناسان محیط‌زیست می‌توانند علاوه بر واقعیت‌های اجتماعی، واقعیت‌هایی را نیز که به لحاظ اجتماعی اهمیت دارد، در تحلیل‌های خود بگنجانند و این کاری است که باید حتماً انجام دهند. آنها به شیوه‌های تعامل جامعه و محیط‌زیست، ارزش‌های فرهنگی و باورهایی که باعث می‌شود مردم به شیوه خاصی از محیط‌زیست استفاده کنند و به پیامدهای این استفاده برای اجتماع و تعارض اجتماعی، علاقه‌مندند. جامعه‌شناسان محیط‌زیستی نیز به پوشش‌های رابطه جامعه و محیط‌زیست علاقه‌مندند.

**دیالکتیک اجتماعی - محیط‌زیستی** حاوی این گزاره اساسی است که اختلالات بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. اشنایبرگ می‌گوید که همواره بین هدف اقتصادی توسعه‌طلبانه جوامع و مبنای بیوفیزیکی که مواد خام این گسترش را فراهم می‌سازد، تعارض وجود دارد.

**توسعه پایدار: دیالکتیک اجتماعی - محیط‌زیستی:** محدودیت‌های استفاده بشر از محیط‌زیست و میزان تعارضات اجتماعی ناشی از آن، با عوامل فیزیکی و اجتماعی تعیین می‌شود. اشنایبرگ با شناسایی تهدیدهای عمده محیط‌زیستی که بقای انسان‌ها را تهدید می‌کند، تعریف عوامل محدودکننده

را گسترش می‌دهد. از جمله آنها می‌توان به عواملی چون تولید مواد سرطان‌زا و سموم محیط‌زیستی، آسیب به سیستم‌های آبی، اختلال در سیستم‌های آینده تولید مواد خوراکی و تغییرات آب‌وهوایی زیان‌آور برای سکونت‌گاه‌های انسانی اشاره کرد. این عوامل محدودیت‌زا این امکان را دارد که با عواملی که تولید و اقتصاد را تهدید می‌کند، مرتبط شود. از جمله: بیکاری، کاهش درآمد و فقر، کاهش سودآوری و تشکیل سرمایه، کاهش دسترسی به خدمات عمومی و افزایش هزینه‌های این خدمات.

### فرآیند ارزیابی اجتماعی و چرخه‌های جوامع برخوردار از منابع

تغییرات اجتماعی که درباره این پروژه‌های انرژی رخ می‌دهد، در کانون توجه ارزیابی‌های اجتماعی قرار دارد. این تغییرات در جامعه دارای منابع پدیدار می‌شود که در نقاط تماس جامعه ما با محیط بیوفیزیکی قرار دارند. چرخه‌هایی که جوامع برخوردار از منابع طبیعی تجربه کرده‌اند، شامل برپایی صنعت و کارخانه جدید، افزایش شدید نیروی کار و سرمایه در منطقه است. آنگاه پس از کاهش سرمایه و نیروی کار و آغاز فرایند بهره‌برداری، دوره مهم کاهش فعالیت‌ها آغاز می‌شود. در نهایت پس از دوره ثبات، دوره برچیدن کارخانه فرامی‌رسد که با اتمام منابع طبیعی، تغییر فناوری یا تغییر بازار همراه است. بین این دوره‌های تغییر اصلی که معمولاً دوره ارزیابی‌های اجتماعی است، یا باید باشد، دوره‌های ثبات اجتماعی نسبی وجود دارد.

### چارچوب سیاست‌های توسعه پایدار

رویکرد یکپارچه به سیاست منابع طبیعی در برگیرنده سیاست‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. از جمله مسائلی که باید در یک سیاست یکپارچه و پایدار گنجانده شود، می‌توان به برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای منابع از جمله تعیین مناطق، ابزار و ارزیابی‌های اقتصادی و مدیریت تأثیرات تجمعی توسعه، توسعه منطقه‌ای و مطلوبیت اجتماعی کمک‌های منطقه‌ای، بهبود کارایی اقتصادی ملی با تحریک رشد منطقه‌ای، بهبود هدف‌گذاری کمک‌ها، زیان‌های اقتصادی تمرکز رشد ملی و شهرسازی، اشتغال و معیشت، ثبات و تفکیک اقتصاد و بازار کار روستایی، تأثیرات بی‌ثباتی بر گروه‌های بخصوص از قبیل کارگران زراعی، زنان یا بومیان، مسائل برابری، الگوهای کار و سازمان‌دهی اجتماعی، توسعه کسب‌وکارهای کوچک، کمک به کارآفرینان در پژوهش و توسعه و دسترسی کسب‌وکارهای روستایی به زیرساخت‌های متمرکز، منابع و فناوری از جمله فناوری‌های اطلاعات و مخابرات و... اشاره کرد.

## توانمندسازی برای ارزیابی اجتماعی

توانمندسازی از ابداعات فورستر (۱۹۸۰) است که پیامدهای «نظریه انتقادی» برای اقدامات عملی برنامه‌ریزی را بررسی می‌کند. وی معتقد است که برنامه‌ریزی نه تنها فنی، بلکه ارتباطی نیز است. بنابراین نظریه ارتباطات هابرماس را سودمندترین نظریه برای بحث درباره برنامه‌ریزی می‌داند. وی برای شفاف‌سازی ارتباطات و توانمندسازی در فرآیند ارزیابی اجتماعی، شیوه‌هایی اساسی ارائه می‌دهد. برخی از آنها به این شرح است: ایجاد شبکه‌های اجتماعی، به دقت گوش کردن، تشویق، توسعه مهارت‌ها، مطلع کردن مردم در مراحل نخست، آموزش، ارائه اطلاعات، استفاده از کانال‌های اطلاعات، مستقل بودن، حساس بودن در برابر مسائل سیاسی و مطمئن شدن. منظور این نیست که دانش این رویکردهای نظری به تنهایی راهبردهای کنونی توسعه ناپایدار را تغییر می‌دهد، بلکه می‌گوید که بی‌اطلاعی از این رویکردها می‌تواند با ارزیابی اجتماعی انفعالی و محدود، راهبردهای ناپایدار موجود را تقویت کند.

## فرآیند ارزیابی اجتماعی

در فصل چهارم کتاب، نویسندگان بر اساس جهت‌گیری‌های ارزیابی اجتماعی در دو فصل گذشته و مفروضات اصلی فصل سوم، به بررسی ماهیت فرآیند ارزیابی اجتماعی می‌پردازند. از نگاه این افراد، ارزیابی اجتماعی باید فرآیندی بین‌رشته‌ای و یکپارچه باشد. به این معنا که در تحلیل نهایی باید مسائل محیط‌زیستی را اجتماعی یا دارای تبعات اجتماعی دانست. حقیقت این است که ارزیابی تأثیرات در خدمت نوع بشر است و اتخاذ تصمیم‌های عاقلانه درباره تغییرات محیط‌زیستی مؤثر بر نوع بشر را میسر می‌سازد.

نخستین تلاش برای پی‌ریزی فرآیند منسجم و عملی ارزیابی اجتماعی در زلاندنو، انتشار اثری با نام «ارزیابی تأثیرات اجتماعی در زلاندنو: رویکردی عملی» بود که آن را فرآیندی تشریح می‌کند که «پروژه‌ها و سیاست‌های آتی را از نظر تأثیرات احتمالی آنها بر افراد، گروه‌ها و جوامع بررسی می‌کند». این تعریف آشکارا از اقداماتی که قرار است اجرا شود، سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که چگونه پروژه‌ها در سیر تکوین خود، مراحل مشابهی را پشت سر می‌گذارد و ارزیابی اجتماعی در هر یک از این مراحل باید اجرا شود. این مراحل عبارتند از: بررسی زودهنگام برای شناسایی منابعی که ممکن است در توسعه به کار رود؛ تصمیم‌گیری در زمینه استفاده از منابع؛ شناسایی محل احداث واحدهایی که برای استخراج یا استفاده از منابع احداث می‌شود؛



ساخت واحد؛ تکمیل مرحلهٔ احداث واحد؛ بهره‌برداری از واحد و تعطیلی واحد. بسیاری بر این باورند که همه این مراحل بر کیفیت زندگی افرادی که در نزدیکی واحد و در منطقهٔ پروژه زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر ارزیابی اجتماعی، فرایند پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت برای مواجهه با تغییرات اجتماعی ناشی از سیاست‌ها و پروژه‌های آتی و جاری است که بر افراد، گروه‌ها، جوامع و بخش‌هایی از جامعه متمرکز است که از تغییرات تأثیر می‌پذیرند، ولی تأکید بیشتر محلی و منطقه‌ای است. اهداف این فرایند، افزایش و پیشینه‌سازی همکاری، هماهنگی و ارتباط میان شرکت‌کنندگان و در برگیرنده کلیه افراد در سطوح مختلف است. این فرایند، خطی نیست، اما معمولاً بر فعالیت‌های قبلی مبتنی است.

**توضیح معنای اثر و تأثیر:** هر چند این دو واژه را معمولاً مترادف می‌دانند و ممکن است برخی هم‌معنا هم بگیرند، در اینجا منظور از آثار، تغییرات به خصوص و قابل شناسایی است و تأثیرات به عنوان نتایج به کار برده می‌شود.

**هدف‌گذاری:** هدف‌گذاری معمولاً نخستین گام در ارزیابی اجتماعی است و معمولاً شامل آغاز فرایند مشاوره‌ای است که مستلزم ارتباط باز و صادقانه با گروه‌های عمومی برای تحقق مواردی چون شناسایی مسائل مهم مرتبط با اقدام پیشنهادی، تعیین زمان‌بندی، عمق و میزان تحلیل مورد نیاز و برنامه‌ریزی جزئیات تحلیل و مرتبط ساختن تأثیرات بیوفیزیکی با نتایج اجتماعی است.

**شبکه‌سازی و ایجاد زنجیره:** پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی‌هایی که مستلزم تحلیل گروهی است، به‌ویژه تحلیل‌هایی که باید به دست گروهی از متخصصان رشته‌های مختلف انجام شود و برای مرتبط ساختن متغیرهای بیوفیزیکی و اجتماعی شبکه‌ای از روابط علت و معلولی ایجاد گردد.

**تحلیل دست‌اندرکاران:** تأثیرات اجتماعی تنها در صورتی معنادار خواهد بود که بر اساس مواضع دست‌اندرکاران مختلف به نمایش گذارده شود. بنابراین در ترسیم نقشه بین‌رشته‌ای مسائل در شبکه روابط علت و معلولی کلیه مسائل به حوزه اجتماعی معطوف و بازندگان و برندگان نیز تعیین می‌گردد.

**ترسیم نمایه اجتماعی:** معمولاً به معنای رویکردی است که تمرکز لازم را ندارد. فعالیت‌هایی که در این مرحله انجام می‌گردد، باید بر مبنای هدف‌گذاری باشد و تاحدی می‌توان آن را همراه با هدف‌گذاری انجام داد. در این صورت می‌توان این دو فعالیت و گزارش‌های مبتنی بر آنها را ارزیابی مقدماتی دانست که ممکن است نقطه عطف سودمندی باشد و فرصت بررسی رسمی آنچه را برای ارزیابی مفصل‌تر لازم است، فراهم آورد.

در تعیین راه‌های جایگزین که یکی از مراحل اتا محسوب می‌گردد، اقدام‌های جایگزین از دل جزئیات پروژه‌ها یا سیاست‌های برنامه‌ریزی شده بیرون می‌آید و اطلاعاتی که در طول مراحل هدف‌گذاری و ترسیم نمایه اجتماعی گردآوری می‌گردد، به بررسی گذاشته می‌شود. بهترین حالت برای این فعالیت، زمانی است که بین دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی و طرفداران توسعه و گروه طراحی/برنامه‌ریزی آنها، تعامل گسترده و نزدیکی وجود داشته باشد. تعیین جایگزین‌ها تا جایی که ممکن است در چارچوب منابع طبیعی و سیاست‌های اجتماعی منطقه‌ای یا ملی انجام شود. یکی از دغدغه‌های همیشگی دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی این است که در بررسی جایگزین‌ها، سهم چندانی ندارند. البته در حالت ایده‌آل، آنها باید در مرحلهٔ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی منابع، نقشی ایفا کنند.

در تعیین راه‌های جایگزین که یکی از مراحل اتا محسوب می‌گردد، اقدام‌های جایگزین از دل جزئیات پروژه‌ها یا سیاست‌های برنامه‌ریزی شده بیرون می‌آید و اطلاعاتی که در طول مراحل هدف‌گذاری و ترسیم نمایه اجتماعی گردآوری می‌گردد، به بررسی گذاشته می‌شود. بهترین حالت برای این فعالیت، زمانی است که بین دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی و طرفداران توسعه و گروه طراحی/برنامه‌ریزی آنها، تعامل گسترده و نزدیکی وجود داشته باشد. تعیین جایگزین‌ها تا جایی که ممکن است در چارچوب منابع طبیعی و سیاست‌های اجتماعی منطقه‌ای یا ملی انجام شود. یکی از دغدغه‌های همیشگی دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی این است که در بررسی جایگزین‌ها، سهم چندانی ندارند. البته در حالت ایده‌آل، آنها باید در مرحلهٔ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی منابع، نقشی ایفا کنند.

نهادینه‌سازی موفقیت‌آمیز ارزیابی اجتماعی نیازمند مبنای قانونی قدرتمندی برای این فرایند در طول پروژه، برنامه و چرخهٔ سیاست‌گذاری است. اکثر الزامات قانونی این کار ناشی از قوانینی است که ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی را الزامی می‌سازد.

### مبنای پژوهشی ارزیابی اجتماعی

ارزیابی اجتماعی از پژوهش اجتماعی استقبال می‌کند و آن را در فرآیند خود به کار می‌گیرد و برای ارزیابی و مجموعه‌های زمانی و تحلیل روندها به ایجاد سناریوهای تغییر برای پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی کمک می‌کند. موردپژوهی‌های تطبیقی نیز برای ایجاد سناریوهای قوی تغییر، اهمیت شایانی دارد.

## آموزش و توسعه حرفه‌ای

برای غلبه بر نبود انسجام آموزشی برنامه‌های علوم محیط‌زیستی و مدیریت منابع و پر کردن شکاف میان آموزش‌های دانشگاهی و کاربرد عملی مهارت‌ها باید ارزیابی اجتماعی را در برنامه‌های آموزشی رشته‌های دیگر نیز گنجانند.

## تحلیل توانایی جنسیت

نویسندگان این کتاب معتقدند که تحلیل جنسیتی باید در کلیه مراحل چرخه پروژه ادامه یابد. پایش و ارزشیابی باید از عنصر تحلیل جنسیتی برخوردار باشد و در انتخاب راهبرد و ایجاد پروژه‌ها، برنامه‌ها یا سیاست‌های جدید نیز لحاظ گردد. این مسئله می‌تواند اهداف و مقاصد مشخص‌تر جنسیتی، فرایندهای برنامه‌ریزی از قبیل ارتباطات و مشارکت و سیستم‌های مدیریتی جدید را در برگیرد و گام‌های عملی برای تحقق نیازهای زنان را از قبیل بهبود بهداشت فردی و خانواده، شرایط زندگی و کار یا فعالیت‌های درآمدزا در پی داشته باشد.

## رویکرد مسئله‌نگر

فصل پنجم این کتاب، رویکردی را برای گردآوری، سازمان‌دهی و تعیین اعتبار داده‌ها توصیف می‌کند به نام رویکرد مسئله‌نگر که تمام مراحل فرآیند ارزیابی - که در فصل قبل توصیف شده - در برمی‌گیرد و رویکردی تکرارپذیر و انطباق‌پذیر است. به این معنا که پویاست و در هر زمان می‌توان داده‌هایی را به آن افزود یا در هر مرحله از ارزیابی اجتماعی می‌توان اطلاعاتی را از آن دریافت کرد و به دست‌اندرکاران ارزیابی اجتماعی کمک می‌کند تا در گروهی بین‌رشته‌ای، نقش سازنده‌ای ایفا کنند.

نخستین وظیفه گروه ارزیابی، ایجاد چارچوب تحلیلی است که در واکنش به اطلاعات درباره تغییر پیشنهادی شکل می‌گیرد. بر مفاهیمی استوار است که راهنمای ذهنی برای کار ایجاد می‌کند و تضمین می‌نماید که توصیف نهایی تأثیرات، تا جایی که امکان دارد، جامع و ثمربخش باشد و در مراحل نخست شامل اطلاعاتی است درباره تغییر برنامه‌ریزی شده در سایر نقاط.

دومین وظیفه کاربرد این چارچوب، در حوزه ارزیابی گردآوری داده‌ها و مشارکت عمومی است که ابتدا شامل بررسی ادبیات موجود و جست‌وجوی داده‌های فرعی در حوزه ارزیابی است. با وجود تأکید بر استفاده از فنون کیفی در این رویکرد، از داده‌های کمی نیز استفاده می‌شود. گردآوری داده‌ها معمولاً در طول مرحله هدف‌گذاری ارزیابی آغاز می‌گردد و در مرحله ترسیم نمایه اجتماعی نیز ادامه می‌یابد.

یکی از اهداف اصلی ارزیابی اجتماعی، تعیین اعتبار کلیه دغدغه‌های اجتماعی‌ای است که مطرح شده است. آزمون شناسایی مسائل و در نهایت توصیف نهایی تأثیرات اجتماعی در کار میدانی رخ می‌دهد. بسیاری از شیوه‌های کار میدانی که در اینجا به کار می‌رود، با کارهای میدانی مردم‌شناسی که قوم‌نگاری نامیده می‌شود، شباهت بسیاری دارد و شامل شبکه‌سازی صاحب‌های عمیق و نیمه‌منظم و مشاهده شرکت کنندگان است.

رویکرد مسئله‌نگر به ارزیابی اجتماعی، فرایندی مشارکتی برای دست‌اندرکاران و افراد ذی‌نفع است. در جلسات عمومی یا جلسات گروه‌های همسود که اقدام برنامه‌ریزی شده آن را تسریع می‌کند، متخصصان ارزیابی نیز از همان ابتدا شرکت دارند. خود ارزیابی نیز ممکن است شامل جلسات و فعالیت‌هایی باشد که به عنوان بخشی از کار میدانی آغاز می‌گردد. نظرسنجی‌های رسمی که معمولاً فن پژوهشی پرهزینه و زمان‌بری است، تنها باید در موارد بسیار ضروری برای گردآوری داده‌ها در ارزیابی اجتماعی به کار رود.

**چارچوبی تکرار شونده و انطباق پذیر:** فرایند تکرار شونده، فرایندی نیست که به صورت گام‌به‌گام ادامه یابد و به گزارشی نهایی منجر شود. این فرایند با تکرار بررسی عناصر اصلی، هر بار اطلاعات جدیدی را به خود اضافه می‌کند. همچنین می‌توان در هر مقطع از فرایند ارزیابی به استخراج و گزارش اطلاعات پرداخت. فشار کلی رویکرد مسئله‌نگر به سوی فرایند ارزیابی و مدیریت مستمر تأثیرات هدایت می‌شود و با پیشرفت رویکرد تحلیلی ممکن است تکرار مکرر فرایند ارزیابی ضروری باشد.

**دفاع از استنتاج تحلیلی:** استنتاج تحلیلی در قلب رویکرد مسئله‌نگر قرار دارد و پژوهشگران از هر دو فرایند استفاده می‌کنند. از اصول، به موارد خاص و از موارد خاص به اصول می‌رسند. در عمل، اصول را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مواردی را که با اصول قبلی همخوانی ندارد یا از این اصول پشتیبانی نمی‌کند نیز در بر بگیرد.

نویسندگان این کتاب در استنتاج تحلیلی و ارزیابی اجتماعی می‌نویسند: اکثراً با این عقیده موافقند که پیش‌بینی شرایط آینده در بهترین حالت برای هر علمی، گزاره‌ای غیر قطعی است. ولی در ارزیابی اجتماعی نظریه‌ها و مفاهیم، راهنمای اندکی وجود داشته است که با افزودن سطوح و انواع مختلف داده‌های رایج در فرایند کار به موارد فوق می‌توان دلیل مناسبی برای تشریح فرایند استنتاجی ارائه کرد. به این معنا که فرایند استنتاج مستلزم بررسی اجمالی داده‌های موجود برای یک منطقه یا اجماع و فرمول‌بندی چارچوب

یا مدلی مفهومی برای تشریح مشاهدات است. سپس داده‌های اضافی نیز بررسی می‌گردد تا مشخص گردد که آیا مدل اولیه می‌تواند این داده‌ها را نیز پیش‌بینی یا تشریح کند یا خیر. در صورت تناقض بین یافته‌ها، پژوهشگر به اتاق طراحی برمی‌گردد تا در طرح خود بازنگری کند. این فرایند بررسی، آنقدر ادامه می‌یابد تا پژوهشگر بتواند همه یا بخشی از داده‌های گردآوری شده را توضیح دهد. این راهبرد در طول فرایند ارزیابی از جمله در مرحلهٔ پایش و ارزیابی برای تأمین اطلاعات ادامه می‌یابد.

**روش سیستم‌های نرم و ارزیابی اجتماعی:** این روش در شرایط راهبردی متعددی به کار می‌رود و به عنوان راهی برای حل مشکلات سیستم‌های فنی پیچیده ایجاد شد؛ چون رویکرد سیستم‌های سخت که قبلاً برای مشکلات اجتماعی پیچیده به کار می‌رفت، با کاستی‌هایی دست به گریبان بود. در مشکلات پیچیدهٔ اجتماعی گاهی باید نیازهای متعددی برآورده شود و باید «موقعیت دشوار» جایگزین مفهوم مشکل گردد. همان‌طور که وارن و همکاران (۱۹۹۲) می‌گویند، این تمایز مهمی است، چون «موقعیت‌های دشوار»، مجموعه‌ای از مشکلات غیر ساختار یافته هستند.

**چارچوب مفهومی:** مفاهیم نظری جامعه‌شناسی محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی مشارکتی، زیربنای این رویکرد است. بنابراین جنبه‌های خاص نظریهٔ جامعه‌شناختی درباره تغییرات اجتماعی، به درک کلی ما از یک مورد به خصوص کمک می‌کند. در هر رویکرد مفهومی به ارزیابی اجتماعی، توجه به دیدگاه تاریخی و کلان سودمند است. در یک رویکرد ایده‌آل، چارچوب مفهومی بر مبنای زیر استوار است: ۱- یک یا چند مطالعه کنترلی اجتماعات مشابه با اجتماع موضوع تحلیل، ولی بدون تغییر مورد نظر. ۲- مطالعات تطبیقی اجتماعاتی که از تغییرات مشابهی تأثیر پذیرفته‌اند. ۳- مطالعات اجتماع مورد نظر که قرار است مجموعه‌ای از تغییرات را از سر بگذرانند.

هر گونه ارزیابی باید میزان وقوع الگوهای مشابه تغییر اجتماعی در زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلف را برای انواع مختلف تغییر بررسی کند. در مواردی که این الگوها به لحاظ جامعه‌شناختی بررسی شده‌اند، نتایج در چارچوب مفهومی ارزیابی اجتماعی کنونی گنجانده می‌شود. بخش بزرگی از واکنش منفی تصمیم‌سازان نسبت به داده‌های اجتماعی، ناشی از سردرگمی میان اعداد و قطعیت داده‌ها یا یافته‌هاست. فرایند تحلیلی استنتاجی و شناسایی صریح آن به عنوان روش رسمی می‌تواند بر ناهمخوانی‌های ادعایی یا تفاوت‌هایی میان داده‌ها و فنون کمی و کیفی غلبه کند.

## داده‌های فرعی و نظرسنجی‌ها

سه فصل گذشته به بحث درباره منابع و کاربردهای اطلاعات برای فرآیند ارزیابی اجتماعی اختصاص داشت و این فصل بر استفاده از داده‌ها و پیمایش‌های فرعی متمرکز است. در ارزیابی اجتماعی، هدف گردآوری حداقل اطلاعات مورد نیاز است و باید به مسائل مشخص بپردازد، بر مشکل یا تغییر خاصی تمرکز کند که اهمیت اجتماعی بالقوه‌ای دارد و نخستین گام نیز پس از شناسایی مسائل اصلی برنامه‌ریزی برای گردآوری داده‌هاست. در مرحله هدف‌گذاری، می‌توان شناسایی منابع اصلی داده‌های موجود یا فرعی و گردآوری داده‌ها را آغاز کرد. فنون اصلی در این کار مشارکتی است که از آن جمله می‌توان به مصاحبه‌ها و جلسات و مشاهده حوزه مورد مطالعه و در صورت نیاز به نظرسنجی اشاره کرد.

### چارچوب مفهومی: متغیرهای مورد استفاده در ترسیم نمایه اجتماعی

در مرحله ابتدایی ارزیابی می‌توان از چارچوب‌های مختلفی استفاده کرد، اما پیشنهاد می‌شود بر مبنای مقوله‌های توصیفی زیر از چارچوب ساده‌ای استفاده شود: نحوه پراکنش و استفاده مردم از زمین (جمعیت/ کاربری زمین)، نحوه سازمان‌دهی مردم برای رفع نیازهای خود (سازمان‌دهی اجتماعی)، حالات رفتاری مردم (سبک زندگی)، بهداشت (فیزیکی) و اقتصاد (مبادله کالاها و خدمات).

جدول شماره ۱: رویکرد سپهر اجتماعی به تعیین وضعیت اجتماع

مقوله‌های تشریحی	جزئیات متغیرها
سرشماری و کاربری زمین - میزان و نحوه اسکان مردم در منطقه و نحوه استفاده آنها از زمین	در تعداد افراد ساکن در منطقه، نسبت جنسیتی و سنی آنها، الگوهای اسکان و پیشینه تاریخی کاربردهای شهری و روستایی زمین منعکس می‌گردد.
سازمان‌دهی اجتماعی - نحوه سازمان‌دهی مردم برای رفع نیازهای خود	در نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، تحصیلات، سیاست، مذهب، اوقات فراغت و نحوه سازمان‌دهی مردم برای تأمین خدمات زیربنایی و اصلی از قبیل دفع زباله، حفاظت در برابر آتش‌سوزی و ...
گرایش‌ها، باورها و ارزش‌ها - نحوه تفکر و جهان‌بینی مردم	در واکنش مردم به اقدامات پیشنهادی استانداردهای فرهنگی، ترس‌ها، درک خطرات، آنچه مردم درباره اجتماع و نحوه زندگی خود مهم می‌دانند، جلوه‌گر است.
سبک‌های زندگی - نحوه زندگی مردم	در الگوهای کار، رفتار در اوقات فراغت و سرگرمی، نحوه اجرای آداب مذهبی، شبکه‌ها و الگوهای ملاقات با دوستان و خانواده جلوه‌گر است.
سلامت و ایمنی، بهداشت فیزیکی و ذهنی	در الگوهای سلامت و بیماری جلوه‌گر است و مواردی همچون تأثیرات مستقیم آلودگی بر سلامت، بیماری‌ها و صدمات ناشی از کار و تأثیرات غیر مستقیم عواملی همچون ترافیک، تراکم و فشار ناشی از تغییر سریع را در برمی‌گیرد.
اقتصاد - نحوه و میزان مبادله کالاها و خدمات	در طیفی از شاخص‌ها نمایانگر است که رفاه اقتصادی یک اجتماع یا منطقه را اندازه‌گیری می‌کند و شامل بیکاری، تغییر در اشتغال، درآمد، سرانه هزینه‌ها و فعالیت‌های کسب و کار است.

چارچوب مفهومی سپهر اجتماعی که در جدول ۱ آمده، سودمندترین چارچوب در پژوهش مقدماتی برای ترسیم نمایه اجتماعی است و مبنایی را برای گردآوری و سازمان دهی داده‌های ضروری ارائه می‌دهد. در گردآوری داده‌ها، گروه پژوهش می‌تواند برای انتخاب متغیرها و شناسایی داده‌های داخلی از طوفان فکری، اسناد منتشر شده و منتشر نشده، منابع کتابخانه‌ای، سوابق رسمی و منابع اطلاعات مشابه استفاده کند.

داده‌های فرعی معمولاً بخش مهمی از هر ارزیابی اجتماعی را به‌ویژه در ترسیم نمایه اجتماعی تشکیل می‌دهد. این داده‌ها، اطلاعاتی‌اند که برای اهداف دیگری گردآوری شده‌اند و آنها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: اطلاعات توصیفی (از قبیل کلمات تصاویر یا نقشه‌ها) و اطلاعات کمی (یعنی اعدادی همچون آمارهای رسمی).

در مرحله نخست ارزیابی بهتر است کار را با اطلاعات توصیفی از قبیل نقشه‌ها، عکس‌ها، راهنمای سفر و اطلاعات بازدیدکنندگان، تاریخ‌های مکتوب، روزنامه‌های محلی و منطقه‌ای، نیازمندی‌ها و کتابچه‌های راهنمای تلفن، فهرست کسب‌وکار و مهم‌تر از همه، مطالعات قبلی از جمله سایر پژوهش‌های اجتماعی یا نیازسنجی‌ها آغاز کرد و سپس جست‌وجو برای گردآوری اطلاعات کمی مفصل‌تر آغاز می‌گردد.

سرشماری، جامع‌ترین مجموعه داده‌های اجتماعی موجود قابل دسترسی درباره یک کشور را ارائه می‌دهد. این داده‌ها معمولاً اعتبار بسیاری دارد و در سطوح مختلفی ارائه می‌گردد و از توانایی بالقوه انطباق با سایر مرزبندی‌ها از قبیل مناطق اداری دولت محلی، مناطق قبیله‌ای و حوزه‌های سازمان‌های خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت یا مدارس نیز برخوردار است. نخستین کاربرد داده‌های سرشماری در مراحل نخست ارزیابی اجتماعی، در تولید نمایه‌های جمعیتی و تاریخی است و می‌تواند اطلاعات بنیادین گسترده‌ای را در زمینه منابع انسانی و استانداردهای زندگی در اجتماع یا بخش‌های خاصی از جمعیت فراهم کند و درک روشن چگونگی تغییر آنها در گذر زمان را میسر سازد.

برخی از رایج‌ترین آمارهایی که در ارزیابی اجتماعی به کار می‌رود، داده‌های عملکرد اقتصادی، اشتغال و بیکاری، دریافت کنندگان کمک‌های اجتماعی، درآمد و هزینه خانوار، سرشماری‌های بخش صنعت از قبیل تولیدات کشاورزی و خرده‌فروشی، آمار تجاری، اعتبارات و وام‌های توسعه، آمار بهداشت، آموزش و پرورش و ثبت‌نام در مدارس و... است و نقشه‌ها در زمینه عوامل جغرافیایی، سکونت‌گاه‌ها و امکانات زیربنایی از قبیل راه‌آهن یا جاده‌ها، ادارات روابط عمومی، مراکز اطلاعات، دفاتر شهروندان، دفاتر شورای شهر/بخش، دفاتر

محلی اشتغال، بنگاه‌های آموزشی، مدارس و مراکز آموزش پیش‌دبستانی و... نمونه‌هایی از منابع داده‌های فرعی به شمار می‌رود.

### داده‌های تحلیل جنسیتی

تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، فرصت‌های اقتصادی و نقش‌های اجتماعی در ذات اکثر اجتماعات نهفته است و از این تحلیل جنسیتی برای ارزیابی تأثیرات استفاده می‌شود. به عبارتی نمایه فعالیت‌ها، تقسیم‌بندی جنسیتی نیروی کار و سایر فعالیت‌ها را ارائه می‌کند. تعدادی از متغیرهایی که معمولاً در تهیه جدول نمایه فعالیت به کار می‌رود، به این شرح است: نوع کاری که در ازای دریافت دستمزد پرداخت می‌شود، از جمله ماهیت کار، مهارت‌های مورد نیاز، سطوح اشتغال، سطوح پرداخت؛ نوع کارهایی که بدون دریافت دستمزد در خانه انجام می‌گردد، از جمله پرورش کودکان، مدیریت خانواده و نوع کاری که در کسب و کارهای خانوادگی و مزارع انجام می‌گردد.

### کاربرد و نمایش داده‌های فرعی

داده‌های فرعی را می‌توان به دو صورت به کار برد: به صورت مطلق و به صورت مقایسه‌ای. بسیاری از داده‌هایی که از سرشماری استخراج شده‌اند و داده‌های آماری از جمله شاخص‌های کمی، تنها در صورتی معنا خواهد داشت که با اشاره به یک نقطه مرجع به کار رود یا با اطلاعات تفصیلی بیش از یک منطقه یا جمعیت محلی مقایسه شود.

### گردآوری و استفاده از داده‌های پیمایش

در نظرسنجی‌ها برای گردآوری داده‌های اجتماعی، فنون مختلفی به کار می‌رود. پرسش‌نامه، رایج‌ترین فن در نظرسنجی است، ولی فنونی دیگر از قبیل تحلیل محتوا، شیوه‌های دلفی و امتیازدهی به گزینه‌ها نیز در چارچوب استفاده از پیمایش مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ملاحظات بالقوه در ارزیابی این است که یک پیمایش را باید در چارچوب کلی ارزیابی اجتماعی نگریست و تنها زمانی به کار می‌رود که با توجه به مشکلات موضوع پژوهش، مناسب‌ترین ابزار برای کسب انواع خاصی از اطلاعات باشد.

فرایند پژوهش که پیمایش در چارچوب آن شکل می‌گیرد، دارای چهار مرحله است:





در تعریف مسئله، شرایط سیاسی ارزیابی و استفاده احتمالی از یافته‌های آن را باید در نظر گرفت. در ایجاد طرح پژوهش، مسئله حجم نمونه و میزان نمایندگی آن مطرح می‌گردد که به دو عامل اصلی، میزان دقت مورد نیاز و میزان تفاوت‌های جمعیت از نظر ویژگی‌های اصلی مطالعه بستگی دارد. از آنجا که اکثر پیمایش‌ها از نوع احتمالی‌اند، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا مجموعه‌ای از یافته‌ها را که نسبتاً نظام‌مندند فراهم کند که از خطا، بری است. در اجرای پیمایش، پیش‌آزمون همواره ضروری است و کنترل و توسعه بیشتر پرسشنامه در شرایط جهان واقعی را میسر می‌سازد. مرحله نهایی، فرایند پژوهش پیمایشی بازاریابی اطلاعات و تحلیل و ارائه آن است که یکی از ملاحظات مهم در این مرحله این است که باید همواره با نیازهای مشتری و اجتماع محلی که در این مسئله ذی‌نفع‌اند، همخوانی داشته باشد. به این معنا که یافته‌ها به همه ذی‌نفعان تعلق دارد و باید برای همه در دسترس باشد.

### ارزیابی تأثیرات و اقتصاد منطقه‌ای و محلی

فصل حاضر، مقدمه‌ای بر فنون ارزیابی تأثیرات بر اقتصاد منطقه‌ای و محلی است و نویسندگان به بررسی انواع تأثیرات اقتصادی منطقه‌ای و فنون ارزیابی آنها، ضرایب افزایشی و برآوردهای سود، تحلیل نهاده-ستانده، اقتصاد محلی و ویژگی‌های کسب و کارهای کوچک و مسایل مؤثر بر آنها می‌پردازند.

ارزیابی تأثیرات اقتصادی اغلب با ارزیابی اجتماعی همراه است، با ماهیت تغییر برنامه‌ای یا واقعی و ویژگی‌های اجتماعی منطقه مورد نظر ارتباط مستقیم دارد و در برگیرنده فونونی چون ارزش‌گذاری یا انتخاب غیر قطعی برای تخمین میزان «اشتقاق پرداخت» برای کالاهای عمومی و شیوه هزینه مسافرت که برای محاسبه اقدامات پولی و سود فعالیت‌های تفریحی مفید است.

پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها را باید در سطح اقتصاد منطقه‌ای در نظر گرفت؛ چون نظام‌های اقتصادی منطقه‌ای، شرایط کلی اقتصادهای محلی را تأمین می‌کند. استفاده از منابع، اشتغال و فرآوری، شرایط تغییر را فراهم می‌آورد. در ارزیابی تأثیرات اقتصادی تغییر، عوامل اصلی که معمولاً باید لحاظ گردد، ماهیت سطح سرمایه‌گذاری نقدی از جمله فناوری، ابعاد و ماهیت نیروی کار و الزاماتی است که با گذشت زمان برای مواد خام و شالوده‌هایی چون حمل و نقل، انرژی، بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی پدیدار می‌گردد. بنابراین ویژگی‌هایی که باید در زمینه مورد مطالعه در نظر گرفت، شامل: ماهیت صنعت، نیروی کار، اشتغال، امکانات زیربنایی و ظرفیت گسترش آن، خدمات اجتماعی از قبیل مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش، تأمین رسمی و غیر رسمی خدمات رفاه اجتماعی است.

تغییرات اقتصادی مستقیماً معمولاً به خوبی آشکار است، ولی سایر تغییرات ممکن است چنین شفافیتی نداشته باشد و ممکن است تأثیرات در بخش دیگری از نظام ظاهر گردد. تحلیل داده- ستانده، روشی را برای شناسایی و پیش‌بینی مقیاس تأثیرات غیر مستقیم که قبلاً تأثیرات سرریز، نشت به سطوح پایین، یا تغییرات موجی نامیده شده است، فراهم می‌آورد.

برای تشخیص انواع مختلف تغییرات اقتصادی منطقه‌ای می‌توان آنها را به تغییرات مستقیم، غیر مستقیم و القایی تقسیم‌بندی کرد. تأثیرات مستقیم به دلیل الزامات فوری یک برنامه توسعه از قبیل خریدهای مستقیم و استخدام نیروی کار در خود پروژه ایجاد می‌شود. تأثیرات غیر مستقیم ناشی از افزایش تولید کالاها و خدمات مورد نیاز برای حفظ و ادارهٔ یک پروژه است و تأثیرات القایی، افزایش فعالیت اقتصادی ناشی از افزایش مصرف است که به دلیل افزایش درآمدی ایجاد می‌گردد.

تعیین تمام عیار تأثیرات منطقه‌ای تغییر تنها پس از بررسی تأثیرات غیر مستقیم و القایی یا تأثیرات سرریز میسر است. تأثیرات سرریز پروژه اولیه به تأثیرات افزایشی گفته می‌شود که برای مقایسه ابعاد این تأثیرات از آن استفاده می‌گردد. بسیاری از شرکت‌های ساختمانی و مقامات عمومی در تلاش برای تبلیغ منافع اقتصادی ناشی از تغییرات به تأثیرات افزایشی اشاره می‌کنند. تحلیل سود- هزینه برای تعیین ارزش پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها نیز به کار می‌رود. سودها و هزینه‌ها با استفاده از قیمت‌های بازار مجموع خالص مالیات‌های غیر مستقیم و یارانه‌ها برآورده می‌گردد و به اهداف توزیعی نمی‌پردازد و تنها با سنجش تغییرات در رفاه اجتماعی سروکار دارد که معمولاً بر اساس درآمد ملی تعیین می‌شود.

هر چند ضرایب افزایشی، راه مفیدی برای خلاصه‌سازی برخی تأثیرات مرتبط با اجتماع است، معمولاً باید با تحلیل سود- هزینه همراه بوده، با ارزیابی‌های کامل اجتماعی و محیط‌زیستی مرتبط باشد تا تصمیم‌ها بر مبنای مجموعهٔ محدودی از معیارها اتخاذ نگردد. از سوی دیگر ضرایب افزایشی نمی‌تواند نشان دهد که تغییرات در کدام صنایع اتفاق افتاده است و شناخت دقیق تغییرات نیازمند اطلاعات دقیق‌تر درباره پیوندهای متقابل درون یک اقتصاد است.

یکی از مشکلات اصلی کاربرد تحلیل نهاده- ستاده، حجم عظیم داده‌های مورد نیاز است. زمانی که برای ایجاد جدول‌های ملی صرف می‌شود، نشانهٔ حجم عظیم کاری است که برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای ایجاد ماتریس‌های مبادلات ضروری است و جداول منطقه‌ای با تعدیل جداول ملی به دست می‌آید.

تحلیل داده - ستاده بر این فرض استوار است که اگر تولید صنعت منطقه‌ای در ارتباط با کل ستاده‌های منطقه‌ای کلیه صنایع کمتر از صنعت ملی باشد، آنگاه این صنعت نمی‌تواند پاسخگوی تقاضاهای منطقه‌ای برای محصولات خود باشد. بنابراین باید آن را از مناطق دیگر وارد کرد و ضرایب فنی به سمت پایین تعدیل گردد.

ایجاد جداول نهاده - ستاده نیازمند دانش جریان‌های فیزیکی تولیدات یا ارزش آنها درون و در میان صنایع است. اگر ستاده‌های صنعت محلی معلوم باشد و فناوری نیز معلوم یا استاندارد باشد، آنگاه می‌توان انتقال بین صنایع را محاسبه کرد. البته این مسئله که آیا منبع تأمین نهاده‌های مورد نیاز محلی در منطقه وجود دارد یا در خارج از آن و توزیع مخارج نیز باید مشخص باشد.

### مسائل مؤثر بر کسب و کارهای کوچک

ویژگی‌های تمایز آفرین کسب و کارهای کوچک بر نحوه تأثیرگذاری تغییرات بر اقتصاد محلی و اجتماعی که این کسب و کارها در آن عمل می‌کند، اثر می‌گذارد. به‌ویژه ارزیابی باید در نظر بگیرد که چگونه محدودیت‌های کسب و کارهای کوچک، توانایی آنها برای بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه را محدود می‌کند. از سوی دیگر آنها با مشکلاتی روبه‌رو هستند که برخی از آنها عبارتند از: ضعف در مهارت‌های مدیریتی در یک یا چند زمینه کاربردی، فقدان نظام بودجه‌ای صحیح، برنامه‌ریزی نامناسب نقدینگی و نداشتن زمان و منابع کافی برای برنامه‌ریزی اثربخش، ناتوانی برای تأثیرگذاری فردی بر بازارهای خود که اغلب به خوبی تعریف نشده است، فقدان شناسایی رسمی یا حمایت بخش عمومی، فقدان بهره‌مندی کامل از خدمات تخصصی که در دسترس شرکت‌های بزرگ قرار دارد، دشواری تأمین اعتبارات مالی از منابع سنتی، وابستگی به یک مشتری یا صنعت بزرگ، وابستگی به یک فرد و پیامدهای فوری و نامطلوب ناکامی مالکان کسب و کارهای کوچک و کارکنان آنها.

تحلیلگر در کسب و کارهای کوچک باید با پاسخ‌دهندگان ارتباط برقرار کند و برای کمک به تدوین داده‌های مورد نیاز، اعتماد و همکاری متصدیان را جلب کند. یکی از نقاط مثبت این همکاری این است که می‌توان از اطلاعات ارزیابی اجتماعی که برای اهداف دیگری از قبیل ایجاد برنامه راهبردی محلی توسعه یا فعالیت‌های ترویجی جامعه کسب و کارهای محلی گردآوری شده، استفاده کرد.

### فنون اجتماع محور و مشورتی

در فصل هشتم از این کتاب، ابتدا به بررسی مبنای فلسفی و اخلاقی رویکرد مشارکتی پرداخته شده و مفهوم اجتماع را که راهنمای ارزیابی اجتماع محور

است، بررسی شده است. سپس برخی از فنون آن نیز مطرح شده و درباره آنها مطالبی ارائه گردیده است.

کاربران این فنون بر این باورند که مردم حق دارند در تصمیم‌گیری درباره تغییراتی که بر آنها و زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد، سهیم باشند و سودمندی این تصمیم‌ها و نتایج آنها به اندازه سودمندی فرآیندی است که برای اتخاذ چنین تصمیم‌هایی به کار می‌رود. این رویکرد مستلزم این است که دست‌اندرکاران ارزیابی دریابند که دیدگاه و سبک تصمیم‌گیری یک فرد ممکن است با افرادی که طرفدار تغییر هستند، از تغییرات تأثیر می‌پذیرند، یا به صورت دیگری در ارزیابی دخیل هستند، یکسان نباشد. بنابراین ارزیابی اجتماعی گاهی با نظم موجود موافق است و گاهی آن را به چالش می‌کشد. رویکرد اجتماع‌محور مشورتی، حق افراد ذی‌نفعی را که از تغییرات پیشنهادی تأثیر می‌پذیرند، در واکنش و اظهار نظر در برابر این تغییرات محترم می‌شمارد. ارزیابی اجتماعی مشورتی، نیازمند کمک فعال گروه‌های ذی‌نفع و تأثیر پذیر در تعریف مسائل است که برای آنها اهمیت دارد. این کمک نیازمند این است که عامه مردم، اطلاعات مورد نیاز را از مجراها و شیوه‌های مناسب کسب کرده باشند و برای هضم آنها و آماده‌سازی پاسخ، فرصت کافی داشته باشند. این فنون همچنین به اصلاح بی‌عدالتی‌های ناشی از نبود کنترل شدید اطلاعات در زمینه فرایندها و عواملی که بر تغییر اجتماعی تأثیر می‌گذارد، کمک می‌کند. مزیت‌های رویکرد مشارکتی، بسیار فراتر از معایب آن است. برخی از این مزیت‌ها عبارتند از: اطلاعات بیشتر درباره تأثیرات از جمله یکپارچگی تأثیرات اجتماعی و زیستی - فیزیکی؛ استفاده از دانش و تجربه گستردهٔ محلی افراد مختلف به جای اتکای انحصاری به اطلاعات متخصصان به عنوان مبنایی برای مذاکره یا در صورت نیاز میانجی‌گری و کاهش مشکلاتی که با جلسات و دعاوی قضایی همراه است؛ برانگیختن کمتر احساس مخالف و بی‌علاقگی در میان مردم به دلیل اینکه مردم به طور مستمر درگیر فرایندهایی که نتایج ناامیدکننده‌ای دارد، نمی‌گردند. از دشواری‌ها و معایب این رویکرد که نیاز به مدیریت دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خطر ترغیب مردم به پذیرش با ارائهٔ وعده‌هایی که عملی نیست و بی‌اطلاعی طرفداران تغییر از راه‌های جایگزین؛ انعطاف‌ناپذیری مواضع دست‌اندرکاران دربارهٔ موضوعی که اتخاذ می‌کنند؛ ریسک اتخاذ تصمیم‌هایی که بر مبنای کمترین وجه مشترک استوارند؛ مشورت بیش از حد با افراد، گروه‌ها یا اجتماعات محلی و زمان مورد مذاکره و احتمال تسلط افراد یا گروه‌های پرهیاهو بر فرایند مشاوره.

با درک مبناهای مختلف شکل‌گیری روابط اجتماعی می‌توان شبکه‌های جداگانه و هم‌پوشان افراد و گروه‌های مختلف را بررسی کرد و به این ترتیب ارزیابی اجتماعی مشورتی را برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی کرد. مبناهای وابستگی و روابط اجتماعی در سطح محلی بیانگر شرایطی است که افراد، معناهای ذهنی زندگی اجتماعی خود را از آن می‌گیرد.

### مبناهای مجاورت

**مجاورت:** از مبناهای مهم اجتماع به شمار می‌رود که در برخی موارد آشکار است. هر چند مرزهای آن به طور دقیق مشخص نیست، با وجود این ساکنان می‌توانند به آسانی درباره مرزهای اجتماعی روشن که اغلب با ویژگی‌های جغرافیایی شناخته می‌شود، توافق کنند. شهرها دارای مکان‌های تمایزی‌اند که بیانگر اجتماعات مختلف است که می‌توان با توپوگرافی، بزرگراه‌های اصلی، انواع خانه‌ها و مراکز تجاری مشخص کرد و امروزه به دلیل گسترش شهر و نفوذ ویژگی‌های جدیدی همچون مراکز خریدی که به منطقه وسیع‌تری خدمات ارائه می‌دهد، از تمایز چندانی برخوردار نیست.

**طبقه اجتماعی:** طبقه اجتماعی بر مبنای مالکیت، یکی از مبناهای روشن وابستگی و یا تمایز اجتماعی در بسیاری از جوامع است. بنابراین تحلیل گسترده طبقه جایگاه و قدرت اجتماعی در زندگی اجتماعی به ناچار گروه‌بندی‌های اجتماعی متمایزی را نشان می‌دهد که در مواردی همچون نوع و محل واحدهای مسکونی و تفاوت‌های موجود در زندگی کاری و زندگی اجتماعی هویدا است.

**جنسیت:** این مفهوم تنها به تفاوت اجتماعی میان افراد محدود نمی‌گردد. این تفاوت‌ها در میان فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی مختلف و زمان‌های مختلف قابل مشاهده است که در زندگی اجتماعی شامل نیروی کار و فعالیت‌های کاری، پرورش کودکان و کار در خانه است.

**کار:** در مناطق روستایی، روابط اجتماعی مشخص بر فعالیت‌هایی از قبیل کشاورزی، معدن‌کاوی، گردشگری و ماهیگیری مبتنی است. گاهی هم یک اجتماع با نوع کار اصلی که در آن رواج دارد، از سایر جوامع متمایز می‌شود.

**قومیت:** بیانگر هویت اجتماعی و فرهنگی گروه‌های مختلف است که می‌تواند مارا از تفاوت‌های موجود در استنباط‌ها و ارزش‌ها، رفتارهای فرهنگی و سازمان‌دهی و جایگاه‌های اجتماعی آگاه سازد؛ یکی از عوامل مهم فرایند شکل‌گیری اجتماعات روستایی است که کارگران مهاجر آنها از تنوع قومی زیادی برخوردارند. همچنین در مناطق شهری که به سرعت گسترش می‌یابند نیز اهمیت بسزایی دارد.

**خویشاوندی:** مبنای قدرتمندی برای روابط و شبکه‌های اجتماعی است؛ بر مکان واحدهای مسکونی خانواده تأثیر مهمی می‌گذارد و الگوهای مالکیت زمین و ابزار تولید و انتقال ثروت را شکل می‌دهد.

**سن و مدت اقامت:** هر دو عواملی‌اند که در توسعه روابط خویشاوندی و انباشت املاک ثروت و جایگاه اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مواردی که تغییرات سریع جمعیتی رخ می‌دهد، به راحتی می‌توان بین قدیمی‌ها و تازه‌واردها تمایز قایل شد.

**دین:** با وجود کاهش مشارکت رسمی یا حضور در پرستشگاه‌ها، باز می‌تواند در روابط اجتماعات محلی، نقش مهمی ایفا کند و گروه‌های دینی اغلب برای طیف متنوعی از خدمات اجتماعی و سازمان‌های داوطلب، چتری را ایجاد کند که فعالیت‌های مختلفی را از هنرهای تجسمی گرفته تا اشتغال‌زایی را در برگیرد.

### شیوه‌های مشورتی

مهم‌ترین فنونی که در این رویکرد به کار می‌رود، معمولاً در پژوهش کیفی جای دارد. ساده‌ترین شکل این پژوهش شامل مصاحبه‌های فردی با افراد یا گروه‌های کوچک و مشاهده و مشارکت در فعالیت‌ها و زندگی اجتماع محلی است. این کار می‌تواند با فنون کمی از قبیل نظرسنجی و استفاده از داده‌های آماری تکمیل کرد.

جدول شماره ۲: برخی از فنون مشورتی و کاربردها

کاربردها	فن
برای گردهمایی برنامه‌ریزان، پژوهشگران، اعضای اجتماع محلی و سیاست‌مداران به منظور شنیدن و مشارکت در بحث درباره مسائلی که بر این اجتماع قرار دارد.	کارگاه‌ها و سمینارها، فعالیت‌های یک‌روزه بررسی مسائل خاص یا مسائل گسترده‌تر و مدت برنامه‌ریزی
برای رایزنی درباره پروژه پایش اجتماعی و مطلع ساختن اجتماع محلی از اطلاعات متخصصان به کار می‌رود. سودمندی آن به ترکیب و بزرگی گروه، جایگاه و قدرت نسبی آن بستگی دارد. می‌تواند در زمینه تخصیص منابع، توصیه‌هایی ارائه دهد، توجه را به مشکلات جلب کند و متخصصان را برای مدیریت تغییر، گرد هم آورد.	محافل رایزنی و کمیته‌های اجتماع محلی که به صورت گروه‌های تک‌منظوره یا نیمه‌دائم نمایندگان سازمان‌های اجتماع محلی و... تشکیل می‌گردد و به نیابت از اجتماع محلی به بررسی بحث، ارزیابی و ارائه مشورت درباره تغییرات برنامه‌ریزی شده می‌پردازد.
با گروه‌ها به منظور بررسی تأثیرات پیشنهادها و مختلف و آموزش شرکت‌کنندگان به کار می‌رود.	ارزیابی سناریو، با استفاده از سناریوهای مختلف، پیشنهادها و جایگزین‌های آنها از نظر نتایج و تأثیرات ارزیابی می‌گردد. گروه‌ها، سناریوها را ارزیابی و نتایج را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. می‌توان بررسی هر سناریو را به یک گروه محول کرد.
در موقعیت گروهی به مردم فرصت می‌دهد تا مواضع سایر افرادی را که در فرایند برنامه‌ریزی و محدودیت‌ها و اعمال نفوذهایی که بر آنها تحمیل می‌گردد، درک کنند.	بازی‌های ایفای نقش یا شبیه‌سازی: افراد در یک موقعیت برنامه‌ریزی واقعی شبیه‌سازی شده یا مشابه نقش بازیگران مختلف اجتماع یا مقامات را بازی می‌کنند.

برای تشویق و اجرای مشورت اجتماعی و دخیل ساختن اجتماع در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت تغییر، فنون متعدد دیگری نیز وجود دارد که عبارتند از: نظرسنجی از اجتماع محلی، دفاتر اطلاعات محلی، تعیین روزهای بازدید آزاد از پروژه، گفت‌وگوهای رادیویی و بازی‌های شبیه‌سازی. فنونی که در این فصل توصیف شده‌اند شامل مصاحبه‌های رسمی و غیر رسمی با آگاهان گروه‌های مختلفی است که در فرایند تغییر دخالت دارند. این مصاحبه‌ها اغلب با آگاهان اصلی انجام می‌گردد و برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از رویکرد شبیه‌سازی استفاده می‌شود.

در صفحات پایانی کتاب نیز برخی از منابع ارزشمندی که نویسندگان در تألیف کتاب از آنها بهره برده‌اند و می‌تواند محل رجوع پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی باشد، آمده است.

## English Abstracts

### **Parks as Public Spheres: Social Impact Assessment of the Construction of Saadaat Park in Region 12, Tehran**

*Hadi Darvishi, Somayyeh Mo'meni, Ensiyeh ZoghiFard*

### **Social Impacts Assessment of Golabdarreh Park in Tehran**

*Khalil Mirzaei, Marjan Pakdaman*

### **Social Impact Assessment in Tehran Municipality (Systematic review of SIA reports)**

*Hadi Barghamadi, Farid Nahid*

### **SIA in review: Setting the Agenda for Impact Assessment in the 21st Century**

*Persian Translation by Fardin Mansoori, Ma'soomeh Mohaghegh Montazeri, Narges Shojaei*

### **Social Impact Measurement: Current Approaches and Future Directions for Social Entrepreneurship Research**

*Persian Translation by Farid Nahid*





## **Parks as Public Spheres: Social Impact Assessment of the Construction of Saadaat Park in Region 12, Tehran**

**Hadi Darvishi**

Ph.D. student of sociology, Mazandaran University  
hadidarvishi26@gmail.com

**Somayeh Momeni**

Ph.D. student of sociology, Tehran University  
somayehmomeni@ut.ac.ir

**Ensiyeh Zowghifard**

Master of Sociology, Al-Zahra University  
ezf6683@gmail.com

### **Abstract**

The city management of the 12th district of Tehran's municipality plans to build a boostan, fruit and vegetable field and Food- court as the three suggested options for the 2012 square-meter space in the Darvazeh Shemiran neighborhood. This article tries to assess the feasibility of building each project in terms of social and cultural outcomes, while assessing the needs of the residents of the neighborhood. To reach this goal, a survey of 387 people was conducted and an interview has been conducted with 11 local and regional directors, according to the population of 33297 residents using the Cochran formula. For the Need evaluation and feasibility evaluation of the projects, the theoretical framework of sustainable urban development was used based on the concept of the public sphere. After review, the result was that considering the importance of the public sphere and the urgent need of the Darvazeh Shemiran neighborhood, the construction of the boostan at the intended place should be prioritized to the other two options, the fruit field and the Food court. The other result is that considering the division of Tehran into different neighborhoods and the policy of the central neighborhood in Tehran's urban management, providing urban services is based on the neighborhood while it seems that the "neighborhood" criterion for providing urban services should be changed to the "distance" and "population" criteria. In the end, for better use of the boostan and its definition as a public sphere, suggestions such as the construction of a historic museum in the place of Boostan and the revitalization of the Vali mill in the neighborhood have been presented.

**Key Words:** Assessment of social and cultural impacts, Darvazeh Shemiran neighborhood, Boostan, Public Sphere, Sustainable Urban Development.



## Social Impacts Assessment of Golabdarreh Park in Tehran

**Khalil Mirzaei**

Ph.D. in Sociology. Associate professor and faculty member of  
Islamic Azad University, Rouden Branch  
mirzaei\_khalil@riau.ac

**Neda Azimi**

Ph.D. in Cultural Sociology  
azimi\_neda@yahoo.com

**Marjan Pakdaman**

M.A in Social Science Research  
Marjan\_pakdaman@ymail.com

### Abstract

This research was conducted to assess the socio-cultural impacts of Golabdarreh Park in Region 1 of Tehran Municipality and mainly has aimed to identify stakeholders and obstacles of the project. It also provided solutions to improve the status quo and decrease citizens' social problems. This research was descriptive from the viewpoint of procedure and applied from the viewpoint of objective, and the data were collected through documentary and field method. In the documentary section, all of the presented documents were reviewed and in the field section, 300 residents were chosen as a sample and the questionnaire was administered on them. At the same time, the municipal managers, the operational officials and the concerned institutions were interviewed by semi-structured interview procedure with purposive and convenience sampling. The findings showed that the construction of the park had both positive and negative impacts, but the positive ones outweighed the negative ones. The most important positive impacts included restraining from illegal constructions and land-grabbing, generating a green belt in Alborz mountain range, changing the families' behavior patterns, increasing environmental aesthetics, decreasing noises and air pollution, increasing health and social interactions, and creating job opportunities.

**Key Words:** Social Impacts, Cultural Impacts, Golabdarreh Park.

## Social Impact Assessment in Tehran Municipality (Systematic review of SIA reports)<sup>1</sup>

**Hadi Barghamadi**

Ph.D. in Sociology, Institute of Humanities and Social Studies  
Barghamadi.h@gmail.com

**Farid Nahid**

M.A. in Management  
f.nahid@srbiau.ac.ir

### Abstract

The present paper aims to review the social impact assessment reports conducted by Tehran Municipality and to specify their pros and cons with a focus on the variables affecting the current conditions of this field of research. With that end in view, after several stages of screening 89 reports was selected and systematically reviewed with a qualitative approach and an in-depth perspective in order to study their various structural, formal and content specifications and to identify available faults. Therefore the first step was to develop a protocol and design an instrument to extract needed information from the reports. In the next step, descriptive outputs were taken from the software to give the designed indicators comparability, and in the end an overall image of these reports was provided.

**Key Words:** Systematic Review, Social Impact Assessment (SIA), Tehran Municipality.

<sup>1</sup> This article is derived from a project named "Systematic review of social and cultural impact assessment of urban projects in Tehran" which was implemented in 2017 by the support of the Social and Cultural Studies Head Office of Tehran Municipality and the ACECR Institute of Humanities and Social Studies.

**SIA in review: setting the agenda for impact assessment in the 21st century**

Impact Assessment and Project Appraisal, volume 19, number 4,

December 2001, pages 277–287

**Stewart Lockie**

Dr Stewart Lockie is Director, Centre for Social Science Research, Central Queensland University

**Persian translation by**

Fardin Mansoori

Ph.D. Student in Cultural Policy; fardinmansori@gmail.com

Ma'soomeh Mohaghegh Montazeri

M.A. in Sociology; Ma.mohaghegh15@gmail.com

Narges Shoja'ei

Ph.D. Student in Cultural Policy; Narges.shojaie@gmail.com

**Abstract**

This article reviews the literature and practice of social impact assessment (SIA) to address some of the perennial questions faced by all fields of impact assessment. What scope is there to extend impact assessment beyond individual projects? How might the different branches fit together? What is the relationship between scientific assessments and public participation? It argues that the relative marginalization of SIA has limited the effectiveness and influence of all aspects of impact assessment. However, this marginalization cannot be blamed entirely on the technocratic world views and political agendas of project proponents, governments and scientific agencies. The strength of SIA is undermined also by a failure to resolve fundamental theoretical contradictions concerning the objects and methods of impact assessment, in particular, the contested role of prediction in SIA. While closure on these issues may not be possible, acknowledgement and clarification of them does suggest positive routes forward for impact assessment.

**Key Words:** social impact assessment; project appraisal..

**Social Impact Measurement: Current Approaches and Future Directions for Social Entrepreneurship Research**  
Entrepreneurship Theory and Practice, 43(1), 82-115

**Hans Rawhouser**

University of Nevada, Las Vegas, NV, USA

**Michael Cummings**

Walton College of Business, University of Arkansas, Fayetteville, AR, US

**Scott L. Newbert**

Zicklin School of Business, Baruch College, City University of New York, New York, NY, USA

Persian translation by Farid Nahid

M.A. in Management; farid.nahid.research@gmail.com

**Abstract**

Despite the importance of social impact to social entrepreneurship research, standards for measuring an organization's social impact are underdeveloped on both theoretical and empirical grounds. We identify a sample of 71 relevant papers from leading (FT50) business journals that examine, conceptually or empirically, the measurement of social impact. We first describe the breadth of definitions, data sources, and operationalizations of social impact. Based on this analysis, we generate a typology of four approaches to conceptualizing social impact, which we use to organize insights and recommendations regarding improved measurement of the social impact of entrepreneurial ventures.

**Key Words:** social entrepreneurship, social impact, social value, social performance, performance measurement.









# SOCIAL IMPACT ASSESSMENT

## Articles

Parks as Public Spheres: Social Impact Assessment of the Construction of Saadaat Park in Region 12, Tehran

*Hadi Darvishi, Somayyeh Mo'meni, Ensiyeh Zoghifard*

Social Impacts Assessment of Golabdarreh Park

*Khalil Mirzaei, Neda Azimi, Marjan Pakdaman*

Social Impact Assessment in Tehran Municipality (Systematic review of SIA reports)

*Hadi Barghamadi, Farid Nahid*

## Translations

SIA in review: Setting the Agenda for Impact Assessment in the 21st Century

*Persian Translation by Fardin Mansoori, Ma'soomeh Mohaghegh Montazeri, Narges Shojaei*

Social Impact Measurement: Current Approaches and Future Directions for Social Entrepreneurship Research

*Persian Translation by Farid Nahid*

## Discussion

"SIA should be the voice of the people"

*Shideh Lalami in Conversation with Hossein Imani Jajarmi*

## Book Summary

Social Assessment: Theory, Process and Techniques

*Summarization by Mitra Ja'fari*